توقیعات مبارکهٔ حضرت ولیّ‌امراللّه خطاب به احبّای شرق

* * *

۱. توقیع مبارک نوروز ۸۸ بدیع
۲. توقیع مبارک رضوان ۸۹ بدیع
۳. توقیع مبارک نوروز ۱۰۱ بدیع
۴. توقیع مبارک رضوان ۱۰۵ بدیع
۵. توقیع مبارک نوروز ۱۰۸ بدیع
۶. توقیع مبارک نوروز ۱۱۰ بدیع
۷. توقیع مبارک نوروز ۱۱۱ بدیع
۸. توقیع مبارک نوروز ۱۱۳ بدیع

* * *

توقیع مبارک نوروز ۸۸ بدیع

ممثّلین آئین حضرت ربّ البریّه در بلدان و ممالک شرقیّه اعضای مجلّلهٔ محافل مقدّسهٔ روحانیّه علیهم آلاف التّحیّة و الثّنآء طرّاً ملاحظه نمایند

یا امنآء الرّحمن بین خلیقته و صفوته فی بریّته تبارک اللّه ربّنا المقتدر المتجبّر المتباهی البهیّ الأبهی بما کشف برقع السّتر عن وجه شریعته السّمحآء و افاض علی اهل البهآء فی مشارق الأرض و مغاربها بفیوضاته المتتابعة من الرّفرف الأسمی و اظهر من خفیّات سرّه الأکتم الأخفی ما عجزت عن عرفانه ادراکات العارفین له العزّة و السّنآء و له الرّفعة و الضّیآء و له العظمة و الکبریآء بما اظهر بدائع وعده و وفی بمیثاقه و انار قلوب اصفیائه و رفع شأن اودّائه و امنائه بین الخلائق اجمعین "لن یمنعه شیء عن حکومته و لن یصدّه امر عن سلطانه و انّه لهو الفرد العلیّ العالی العظیم"

ایّها المتمسّکون بالعروة الوثقی حمد بیقیاس ایزد متعال را شایسته و سزا که در این روز فیروز و عید نوروز که جهان ترابی حلّهٔ موهبت در بر نموده و بحلیهٔ حیات جدید مزیّن گشته تأثیرات حیرت‌بخش جلوهٔ ربیع الهی نیز در کلّ آفاق باشدّ اشراق ظاهر و باهر و نفحات مسکیّه‌اش از مهبّ ریاض قلوب ستایندگان اسم اعظم در اکثر بلدان ساطع و متضوّع برد قارس شتا برطرف گشت و اشعّهٔ ساطعهٔ تأیید از مرکز انوار بر جمع اهل بهاء بتابید ارياح لواقح که در مدّت هشتاد سال منبت شجرهٔ مبارکه را من جمیع الجهات احاطه نموده بود بتقدیر ربّ قدیر تسکین یافت و ثورت طغیان و طوفان انقلابش فرو نشست غیوم کثیفهٔ هموم و کروب لاتعدّ و لاتحصی از افق آن صقع جلیل دفعةً واحده متلاشی شد و دلبر آمال بدر منیر سعادت ابدیّه از

پس حجبات غلیظه اشراق بر ساکنین فلک بهاء کرد ظلمت تعدّیات و تجاوزات که از هیاکل بغضیّه و نفوس منعیّه سنین متوالیه بر حزب مظلوم وارد بوسائل غیبیّه زائل گشت و شجرهٔ خبیثهٔ ظلم و نفاق بنیروی ملیک آفاق از بیخ و بن برافتاد نهال امید اهل بهاء در مزرعهٔ جهان انبات نمود و از ریزش باران جفا سقایت گشت سیل جارف بلیّات متنوّعه را در این سنین عدیده یک یک مقاومت نمود و از ریح عقیم و برد زمهریر مأمون و مصون بماند از زوبعهٔ امتحان متزلزل نگشت و از تندباد غضب و جفای اهریمنان مقطوع و مستأصل نشد بر نشو و نما بیفزود و از هبوب نسمات دلکش ربیع موعود آن نهال نورستهٔ الهی ببرگ و شکوفه‌های گوناگون تزیین یافت اغصان رفیعهٔ منیعه‌اش در اقصی ممالک غربیّه و اقطار شمالیّه سایه بیفکند و از حفیف اوراق و اهتزاز افنانش ولولهٔی محیّر العقول در اعلی المقامات بینداخت

تعالی تعالی هذه الشّجرة المرفوعة المنبتة فی بحبوحة الفردوس قد علت و اخضرّت و تورّقت و ذاعت و شاعت صیتها بین العالمین أ حسب الّذین اتّخذوا هذا الأمر هزؤاً بأنّ افول کوکب المیثاق فرّق جمعنا و شتّت شملنا و اضلّ سبیلنا و اضاع آمالنا أ زعموا بأنّ هذه الدّوحة الالهیّة و السّدرة الأزلیّة قد انقعرت و اغصانها قد یبست و اوراقها قد انتثرت و زفیرها قد خمدت و حیاتها قد انعدمت و بطلان امرها قد تحقّقت لا فوربّ العمآء سوف تتفتّح ازهارها و تتضوّع عبیرها و تنضج اثمارها و تنشعب فروعها و تمتدّ ظلّها علی من علی الأرض اجمعین

سبحان صانعها و واضعها و مغرسها و منبتها و الحافظ علی کیانها و النّاشر لآثارها له القدرة من قبل و من بعد و انّه لعلی کلّ شیء قدیر

ای آشفتگان جمال ذو الجلال یوم یوم اشراق انوار است و دور دور ظهور و بروز تجلّیات سلطنت حیّ لایزال هرچند جهان منقلب و جهانیان در غمرات بلایا و متاعب مستغرق ولی هزار شکر حضرت بدیع الأوصاف را که با وجود موانع عدیده و انقلابات ملکیّه و امتحانات متتابعه و فقدان وسائل ظاهره آئین نازنین اسم اعظم روح الوجود لعظمته الفدآء یوماً فیوماً در اتّساع و شعلهٔ فروزنده‌اش آناً فآناً در ارتفاع صیتش در اقالیم عالم منتشر و پرچم عزّت و استقلالش بر اعلی المقامات مرتفع و متموّج روح مقدّسش در عروق و شریان شعوب متمدّنهٔ راقیه نبّاض و از ولولهٔ آهنگ دلربایش ارواح مؤمنین در طرب و اهتزاز

نام جهان‌آرایش در السن و افواه اعاظم امم از قریب و بعید و وضیع و شریف متداول و بمبادی قیّمهٔ سامیه‌اش قلوب صافیهٔ مجرّده‌ئی در قطعات خمسهٔ عالم متوجّه و متمایل بنیان متین معبد عظیم الشّأنش در قطب امریک در این بحران اعظم علم برافراخته و گنبد رفیعش بر ابنیهٔ شاهقهٔ آن قطر جلیل سایه افکنده ولولهٔ بیت اعظمش در خطّهٔ عراق زلزله بارکان دولت و ملّت انداخته و در مقامات رسمیّه در قلوب زمامداران اقالیم غربیّه رعبی شدید و اضطرابی جدید تولید نموده رافعان لوایش در بسیط غبرا بعزمی آهنین بایفای وظائف موکولهٔ مفروضهٔ خویش مشغول و بتشیید روابط روحانیّه و استحکام مؤسّسات امریّه و ترویج مصالح هیئت اجتماعیّه و تنفیذ احکام منصوصهٔ الهیّه و تهیّهٔ مقدّمات مشروعات عظیمهٔ جلیلهٔ آینده مألوف و مأنوس اسرار مکنونه‌اش که در خطّهٔ ایران در پس سبحات غلّ و بغضا سنین متوالیه مستور بمساعی جلیلهٔ جند اهل بهاء در آن موطن اعلی ظاهر و پدیدار گشت و عروس آمال دیرینهٔ آن ستمدیدگان رغماً لکلّ افّاک حسود نقاب از رخ بیفکند ناموس اکبرش بهمّت مبارزان دلیر در ممالک فرنگ حجاب ستر بدرید و منصوصات کتاب اقدسش مشهور و مرکوز ذهن اولو الألباب شد غبار ظلم اهل شرور بنشست و سدّ متین شبهات مرتفع گردید حجاب غلیظ ترّهات و اراجیف مکذّبین و مبطلین امر بهاء برخاست و حبائل تسویف و انکار اهل ادبار بسرپنجهٔ قدرت منفصم شد مقامات مقدّسه‌اش در ارض نورا و بقعهٔ بیضا مطمح نظر و مزار و نزهتگاه فرق و طوائف متنوّعهٔ متباینه گردید و در انظار ولاة امور از معابد مشروعه و معاهد مستقلّهٔ دینیّهٔ معتبره محسوب و موصوف گشت قصر مبارکش پس از چهل سال انتظار از تسلّط اهل فتور برهید و چون لؤلؤ لالا زینت‌بخش مرج عکّا شد قوائم و دعائم دیوان عدل اعظمش بیمین قدرت در اقالیم متعدّده منصوب گردید و اصول و فروع شریعت غرّایش گوشزد اقوام و ملل

از قریب و بعید گشت تباشیر مدنیّت سرمدیّ الآثار حضرت بهآءاللّه از افق عزّت دیرینه بارادهٔ ازلیّهٔ مالک البریّه طالع شد و نوامیس و شعائر اسم اعظم باصبع اقتدار خیمه و خرگاه برافراشت سلطهٔ محیطهٔ روحانیّه‌اش پدیدار گردید و وعود مبرمه‌اش تحقّق یافت علمای رسوم خصم الدّ آئین حضرت قیّوم در پنجهٔ تقلیب گرفتار و محافل مجلّلهٔ روحانیّه واضعان شرع بدیع بر سریر عزّت و قدرت مکین و استوار امّت ممسوخهٔ یحیی در اسفل درکات قنوط ساقط و نام و نشان اتباع و اشیاعش مفقود و منعدم سردار نقض و سالار نکث در حفرهٔ ظلمانی خزیده و چون خفّاش در مقابل اشراق اشعّهٔ تأیید در گوشهٔ عزلت کور و مأیوس طپیده از تلاطم بحر البحار فیوضات ملیک آفاق آن محور نفاق و قطب شقاق پریشان و حیران و از مهابت فریاد ثابتان بر عهد و میثاق نالان و هراسان له الغلبة و الهیمنة و الاستقلال لا رادّ لأمره و لا مبدّل لکلماته و لا مفرّ من قضائه و تقدیره هذا ما وعدنا به مولانا فی السّرّ و الاجهار من فمه الدّرّیّ الطّاهر الصّادق البدیع قوله عزّ بیانه

"سینکشف القناع باذن اللّه عن وجه الأمر و یسطع هذا الشّعاع فی آفاق البلاد و یعلو معالم الدّین و تخفق رایات ربّکم المجید علی الصّرح المشید و یتزلزل بنیان الشّبهات و ینشقّ حجاب الظّلمات و ینفلق صبح البیّنات و یشرق بأنوار الآیات ملکوت الأرض و السّموات اذاً ترون اعلام الأحزاب منکوسة و وجوه الأعدآء ممسوخة و احکام رؤسآء السّوء منسوخة و المؤمنون فی فرح عظیم و المکذّبون فی خسران مبین"

ای برادران و خواهران روحانی چه مقدار عظیم است امر الهی و چه شدید است سیاط قهر آن محتسب حقیقی فرخنده نفسی که در ظلّ ظلیلش محشور و مستظلّ گشت و خجسته قلبی که از شعشعات انوارش مستمدّ و مستفیض شد وای بر نفسی که از الواح نصحیّهٔ قلم اعلی و نعما و آلاء این دور امنع ابهی رو بتافت و میثاق غلیظ حیّ لایموت را واهی و موهون بشمرد و تطوّرات و تقلّبات لازمهٔ این امر خطیر را میزان بطلان و علامت نقصان و انقراض آئین لایزال ایزد متعال بپنداشت امر عظیم است عظیم و حوادثش بس خطیر و جسیم صرصر امتحانش شدید است و صراطش احدّ از سیف حدید جز جبال باذخه و اطواد شامخه مقاومت ریح عقیم نتواند و جز اقدام ثابتهٔ مستقیمه از این منهج قویم نگذرد شعلهٔ انقلابش شرربار است و صاعقهٔ قهرش اشدّ از لهیب نار "النّاس هلکآء الّا المؤمنون و المؤمنون هلکآء الّا الممتحنون و الممتحنون هلکآء الّا المخلصون و المخلصون فی خطر عظیم"

ای یاران ممتحن جمال ابهی و یاوران برگزیدهٔ حضرت عبدالبهآء اگرچه شئونات و حوادث این امر خطیر مهیّج و مخیف است و انقلاباتش عجیب و مهیب ولکن شمس حقیقت که از ذروهٔ علّیّین بر گروه ثابتین لاینقطع مشرق پرتوش بی‌نهایت شدید است و تأثیراتش در حقائق ممکنات بغایت عظیم در لوحی از الواح لسان عظمت باین بیان ناطق قوله جلّ بیانه "قد کنز فی هذا الغلام من لحن لو یظهر اقلّ من سمّ الابره لتندکّ الجبال و تصفرّ الأوراق و تسقط الأثمار من الأشجار و تخرّ الأذقان و توجّه الوجوه لهذا الملک الّذی تجده علی هیکل النّار فی هیئة النّور و مرّةً تشهده علی هیئة الأمواج فی هذا البحر الموّاج و مرّةً تشهده کالشّجرة الّتی اصلها ثابت فی ارض الکبریآء و ارتفعت اغصانها ثمّ افنانها الی مقام الّذی صعد عن ورآء عرش عظیم" و در مقامی دیگر میفرماید "چه قدر از لآلی بیشمار که ناسفته در صدف قلب مانده و چه مقدار حوریّات معانی که در غرفه‌های حکمت مستور گشته که احدی مسّ آنها ننموده لم یطمثهنّ انس قبلهم و لا جانّ"

قوای جهان مقاومت فیض مدرار نتواند و آشوب و غوغای جهانیان تابش انوار را مانع و حائل نگردد بلکه هر قدر آئین مقدّس بر شهرت و اتّساع بیفزاید و صیحهٔ پیروانش بلندتر گردد و ابّهت و سطوتش در انجمن عالم بیشتر جلوه نماید انقلاباتش هائل‌تر و جوش و خروشش عظیم‌تر و فریاد و فغان اعدایش مرتفع‌تر و زفیر افتتانش شدیدتر شود و هر قدر طوفان انقلاب و غلیان غلّ و بغضا در قلوب مشرکین تزاید جوید و صولت هجوم احزاب و قبائل بر جند الهی شدّت نماید اشعّهٔ تأیید بر اشراق بیفزاید

و بدایع قدرت قدیمه و لطایف حکمت الهیّه و ظهورات غلبه و قهّاریت کلمهٔ نافذهٔ جامعه بر مدّعیان مکشوف‌تر و واضح‌تر گردد "سنّة اللّه الّتی قد خلت من قبل و لن تجد لسنّة اللّه تبدیلاً"

ای حامیان حصن حصین الهی نظری بگذشتهٔ این امر عظیم اندازید و در حوادث دورهٔ اوّلیّهٔ این قرن مشعشع الهی تفکّر نمائید و مراحل پیموده را یک یک بیاد آرید لعلّکم بمواقع امره تطّلعون و من آیات قدرته تتذکّرون و فی آفاق علمه تتفرّسون ظلمی نماند که بر اصل شجرهٔ نابتهٔ الهیّه وارد نگشت و طعنی نماند که از نفوس واهیهٔ ساهیهٔ سافله بر پیروان امر حضرت ربّ البریّه متوجّه نگردید از بدو طلوعش از آن اقلیم پربلا آن نجم بازغ هدی طلعت اعلی روح الوجود لمظلومیّته الفدآء در خلف حجبات محن و رزایای لاتعدّ و لاتحصی محجوب و روی چون مه تابانش در خسوف حسد و بغضا مخسوف و مقنوع سهام مفترین و طعن مشرکین و دسائس مغلّین آن هیکل الطف اعزّ اعلا را آنی فارغ و آسوده نگذاشت و از اجرای نوایا و مقاصد مقدّسه‌اش ظاهراً مانع و حائل شد ایّام پرتلاطم حیاتش بپایان رسید و در انظار محتجبین آمال دیرینه‌اش در عرصهٔ شهود جلوه ننمود کوته‌نظرانی چند که بظواهر امور ناظر و از حقیقت کلّیّهٔ محیطهٔ فائضه که در هویّت امر الهی مکنون و مندمج است غافل در آن ایّام چنان انگاشتند که هر قدمی که آن محیی رمم در سبیل اعلای امر اعظمش در ایّام حیاتش برداشت اثر و ثمری جز یأس و حرمان و پشیمانی و خذلان نبخشید قائم موعود بزعم آن قوم جحود ولوله‌ئی در جوار بیت الحرام نینداخت و جمّ غفیری را از سکّان حجاز مفتون امرش ننمود پیام مبین را که در مکّهٔ مکرّمه بطلعت قدّوسی رسول امینش بسپرد شریف مغرور اجابت نکرد و در زاویهٔ نسیان بینداخت و از حقیقت مطلب مستفسر نشد غوغای عوام آن مظهر ربّ الأنام را پس از زیارت حرمین از سفر عتبات و زیارت کوفه منصرف نمود و از اعلان آئینش علی رؤوس الأشهاد بازداشت و در قلوب عدّه‌ئی از اصحاب که مترصّد ظهور آثار وعد الهی بودند تولید تزلزل و ارتیاب بنمود تعلیمات و دستورات کافیهٔ وافیه که خود بنفسه بحروفات خویش در مدینهٔ شیراز در سنهٔ ستّین تلقین و ابلاغ نمود اکثرش انجام نیافت و از شدّت هیجان امتحان و هجمات عنیفهٔ اهل شرک و عدوان اثر و ثمری نبخشید ناشر لواء اقدسش که خود از بین نخبهٔ اصحابش برانگیخت و بتبشیر آئین رحمن در ممالک عثمانیان مأمور ساخت در اوّلین وهله اسیر دام ستمکار گشت و در دیار غربت جام شهادت بکمال مظلومیّت بنوشید شیخ هندی که بامر مظهر رحمن در سنهٔ اوّل ظهور باقلیم هندوستان رهسپار گشت پس از تحمّل متاعب بیکران نفسی را جز سیّدی ضریر در آن سامان مستعدّ اقبال و اذعان نیافت و عاقبة الأمر آن سیّد جدید الاقبال در لرستان طعمهٔ شمشیر بامر حاکم غدّار گشت معتمد مقتدر که بکمال فتوّت و شجاعت و ثبوت و استقامت بر خدمت و حمایت آن مظهر ربوبیّت قیام نموده بود و جز خضوع و تسلیم مرکز سلطنت تلقاء سریر سلطان احدیّت آمال و آرزوئی نداشت دفعةً واحدة هدف تیر قضا گشت و مخدوم جلیل خود را اسیر در قبضهٔ گرگین پرکین بگذاشت وزیر بی‌تدبیر خبردار شد و فریاد و فغان برآورد و بانواع حیل از ورود آن ذات مقدّس بعاصمهٔ مملکت و وفودش در بساط سلطنت که نفس مظهر عبودیّت از شهریار عادل تمنّا و مسئلت نموده بود مانع شد آن محور نفاق کمر ظلم ببست و همّت بگماشت و آرام نگرفت تا آنکه محبوب آفاق را بظلمی مبین در قلعه‌ئی از قلاع آن سرزمین مسکن و مأوی داد و در ابعد نقطه‌ئی از قلل آذربایجان محصور و مسجون نمود

در توقیعی از توقیعات آن طلعت نوّار که بافتخار سلطان ایرانیان در آن زندان نازل این کلمات دریّات مدوّن و مسطور "الا انّنی انا رکن من کلمة الأولی الّتی من عرفها عرف کلّ حقّ و یدخل فی کلّ خیر و من جهلها جهل کلّ حقّ و یدخل فی کلّ شرّ ... قد جعل کلّ خیر احاط به علمه فی طاعتی و کلّ نار یحصیها کتابه فی معصیتی ... قد جعل اللّه کلّ مفاتیح الرّضوان فی یمینی و کلّ مفاتیح النّیران فی شمالی ... انا النّقطة الّتی ذوّت بها من ذوّت و انّنی انا وجه اللّه الّذی لا یموت و نوره الّذی لا یفوت من عرفنی ورائه الیقین و کلّ خیر و من جهلنی ورائه السّجّین و کلّ شرّ ... قسم بسیّد اکبر اگر بدانی در چه محلّ ساکن هستم اوّل کسی که بر من رحم خواهد کرد حضرتت میبود در وسط کوهی قلعه‌ایست در آن قلعه از مرحمت

آن حضرت ساکن و اهل آن منحصر است بدو نفر مستحفظ و چهار سگ حال تصوّر فرما چه میگذرد الحمد للّه کما هو اهله و مستحقّه ... قسم بحقّ اللّه که آن کسی که راضی باین نوع سلوک با من شده اگر بداند با چه کسی است هرگز فرحناک نشود الا اخبرک بسرّ الأمر کأنّه احبس کلّ النّبیّین و الصّدّیقین و الوصیّین ... در این جبل فرد ماندهام و بموقفی آمدهام که احدی از اوّلین مبتلا نشده و احدی هم از مذنبین متحمّل نشده فحمداً له ثمّ حمداً لا حزن لی لأنّی فی رضآء مولائی و ربّی و کأنّی فی الفردوس متلذّذ بذکر اللّه الأکبر و انّ ذلک من فضل اللّه علیّ و اللّه ذو الفوز الکبیر"

طولی نکشید که در مشرق ایران حادثهٔ مؤلمهٔ مازندران وقوع یافت و شرر بدودمان جند رحمن زد شعلهٔ فروزندهاش بعنان آسمان متواصل گشت و در زندان آذربایجان این خبر دهشتاثر بر تأثّرات و احزان بیپایان آن محبوب امکان بیفزود نقطهٔ اخری طلعت قدّوسی طعمهٔ شمشیر سعید شقی شد و حسین بشروئی هدف تیر سردار تبهکار گشت اعوان و انصارش بعضی قتیل و جریح و برخی در دست ظالمان اسیر و جمعی متشتّت بی معین و مجیر عالم نحریر وحید فریدش در واقعهٔ نیریز با عدّهئی از نخبهٔ اصحابش شربت شهادت بنوشید و جسد مطهّر حجّت اکبرش در محاصرهٔ زنجان معرض تعدّیات و تجاوزات دشمن بیامان گشت اعمدهٔ آئین گرانبهایش در این مخاطرات عجیبه و حوادث غریبه یک یک از پا برافتاد و بر گروه پیروانش در کلّ اطراف و اکناف مملکت امطار بلیّات از سحاب قضا پی در پی ببارید در بحبوحهٔ انقلاب امیرکبیر که بر مسند صدارت جالس در فکر قلع و قمع اصل شجرهٔ الهیّه بیفتاد و حکم مبرم شهادت آن مظلوم یکتا را در مدینهٔ تبریز صادر کرد آن هیکل نازنین را در هوا بیاویخت و سینهٔ مطهّر را برصاص اولو البغضآء مشبّک نمود در این گردباد بلا انقلابی اعظم در عاصمهٔ مملکت رخ بنمود و بر اثر حادثهٔ رمی شاه بقایای فئهٔ مؤمنین را در آن سرزمین اسیر و دستگیر کرد آتش نمرودی برافروخت و طاهرهٔ زکیّهٔ مشتعلهٔ ثابتهٔ بیگناه را زهر جفا بچشانید کاتب وحی را که حامل و حافظ اسرار الهی بود در قعر زندان بینداخت و عاقبة الأمر بدست جلّاد سفّاک و بیباک بسپرد نیّر آفاق یگانه امید و منقذ آن جمع بینوا را چهار ماه در حفرهٔ ظلمانی در مقرّ سارقان و قاتلان مسکن و مأوی داد و بر عنق مطهّر ثقل فادح سلاسل و اغلال بنهاد بمشارکت در این امر فضیح و عمل شنیع متّهم نمود و عاقبة الأمر بدیار غربت منفی ساخت حال ملاحظه نمائید که چه هیجان و انقلابی و شورش و اضطرابی ید تقدیر بحکمت کبرایش در سنین اوّلیّهٔ کور بدیعش احداث فرمود و چه وحشت و دهشتی حضرت مقلّب القلوب در صدور پیروانش بیفکند سلطان مغرور ایران که در آن ایّام بر اریکهٔ ظلم جالس و بر نوائب و مصائب مستولیهٔ بر حزب مظلوم واقف و مطّلع بزعم باطل خویش چنان تصوّر نمود که بسیف شاهرش شجرهٔ لاشرقیّه و لاغربیّه را از ریشه برانداخت و فئهٔ قلیلهٔ مقهوره را رسوای خاصّ و عامّ بنمود روح آزادش را بسرپنجهٔ اقتدار از جریان و سریان در عروق و شریان جهان مانع گشت و یگانه امید پیروانش را بقوّهٔ تدبیر از وطن مألوف بکمال یأس و ذلّت اخراج کرد غافل از آنکه آن رجفهٔ کبری و زندان پربلا نتیجهاش ظهور تباشیر اوّلیّهٔ عصر اعظم ابهی شد و آن حفرهٔ تنگ و تاریک معرض تجلّی اشعّهٔ ساطعهٔ الهامات غیبیّهٔ الهیّه گشت نسائم سبحان بر مظلوم عالمیان در آن زندان از مهبّ عنایت بوزید و ارياح مشیّت رحمن بر آن مقام ظلمانی مرور نمود جمال ابهی موعود نقطهٔ اولی نقاب از رخ بیفکند و جبرئیل امین با بشارت کبری بین جدران آن سجن مظلم نزول یافت اشعّهٔ ساطعهٔ ظهور چون برق خاطف بر صدر منوّرش بتابید و ورقاء روح الأمین در آن قلب ممرّد ندا درداد الا الا قد ظهر سرّ الأمر و ظهر عن خلف الحجاب من بشّر به نقطة البیان و عن ورائه کلّ النّبیّین و المرسلین

در رسالهٔ ابن ذئب قلم اعلی بنفسه المهیمنة علی الأشیآء شهادت داده و باین امر خطیر بأحلی البیان اشاره فرموده قوله جلّ بیانه "و بعد از توجّه حکایت حضرت سلطان ایّده اللّه تبارک و تعالی واقع و در آن ایّام امور منقلب و نار غضب مشتعل جمعی را اخذ نمودند از جمله این مظلوم را لعمر اللّه ابداً داخل آن امر منکر نبودیم و در مجالس تحقیق هم عدم تقصیر ثابت معذلک ما را اخذ نمودند و از نیاوران که در آن ایّام مقرّ سلطنت بوده سر برهنه و پای برهنه پیاده با زنجیر بسجن طهران بردند

چه که یک ظالمی سواره همراه کلاه از سر برداشت و بسرعت تمام با جمعی از میرغضبان و فرّاشان ما را بردند و چهار شهر در مقامی که شبه و مثل نداشت مقرّ معیّن نمودند امّا سجن که محلّ مظلوم و مظلومان بوده فی‌الحقیقه دخمهٔ تنگ و تاریک از آن افضل بوده و چون وارد حبس شدیم بعد از ورود ما را داخل دالانی ظلمانی نمودند از آنجا از سه پلّه سراشیب گذشتیم و بمقرّی که معیّن نموده بودند رسیدیم امّا محلّ تاریک و معاشر قریب صد و پنجاه نفس از سارقین اموال و قاتلین نفوس و قاطعین طرق بوده مع این جمعیّت محلّ منفذ نداشت جز طریقی که وارد شدیم اقلام از وصفش عاجز و روائح منتنه‌اش خارج از بیان و آن جمع اکثری بی لباس و فراش اللّه یعلم ما ورد علینا فی ذاک المقام الأنتن الأظلم و در ایّام و لیالی در سجن مذکور در اعمال و احوال حزب بابی تفکّر مینمودیم که مع علوّ و سموّ و ادراک آن حزب آیا چه شده که از ایشان چنین عملی ظاهر یعنی جسارت و حرکت آن حزب نسبت بذات شاهانه و بعد این مظلوم اراده نمود که بعد از خروج از سجن بتمام همّت در تهذیب آن نفوس قیام نماید و در شبی از شبها در عالم رؤیا از جمیع جهات این کلمهٔ علیا اصغا شد انّا ننصرک بک و بقلمک لا تحزن عمّا ورد علیک و لا تخف انّک من الآمنین سوف یبعث اللّه کنوز الأرض و هم رجال ینصرونک بک و باسمک الّذی به احیا اللّه افئدة العارفین"

و در مقامی دیگر میفرماید "و در ایّام توقّف در سجن ارض طاء اگرچه نوم از زحمت سلاسل و روائح منتنه قلیل بود ولکن بعضی از اوقات که دست میداد احساس میشد از جهت اعلای رأس چیزی بر صدر میریخت بمثابهٔ رودخانهٔ عظیمی که از قلّهٔ جبل باذخ رفیعی بر ارض بریزد و بآن جهت از جمیع اعضا آثار نار ظاهر و در آن حین لسان قرائت مینمود آنچه را که بر اصغاء آن احدی قادر نه"

ای برادران و خواهران روحانی اهراق دم مقدّس نتیجه‌اش انبات شقائق و سنبلات ظهور اعظم ابهی شد و غربت و اسارت و مقهوریّت ظاهرهٔ جمال قدم عاقبتش استقرار عرش اسم اعظم در خطّهٔ عراق گشت "و اللّه یدعو الی دار السّلام و یهدی من یشآء الی صراط مستقیم لهم دار السّلام عند ربّهم و هو ولیّهم بما کانوا یعملون" جمعی از بلها و سفها چنان انگاشتند که این لیل دیجور را صبح هدی در پی نه و این شام ظلمانی را آفتاب تابانی از عقب نبوده و نیست بئس ما ظنّوا و سآء ما فعلوا هرچند نجم درّیّ قائم موعود در مغرب زندان متواری گشت و فئهٔ انصار و اشیاعش در دامگاه عصبهٔ غرور بیفتاد و اسیر و مقتول شد ولکن طولی نکشید که اشراقی اعظم و ظهوری اکمل و اتمّ از افق مدینةاللّه در انجمن بنی‌آدم جلوه نمود و از خلف خیام غیب صمدانی هیکلی مبعوث و مشهود گشت که چون اسرافیل حیات روح جدیدی در کالبد حزب مظلوم بدمید و امّت مقهور مأیوس متشتّت را عزیز دو جهان کرد کریم اثیم از نهیب این قیام انگشت حیرت بدندان بگرفت و شاه غدّار از آثار این نهضت جدیده مبهوت و حیران شد چه مطابق است این وقوعات عجیبه و حوادث غریبه با حدیث صحیح نبوی در شأن اصحاب این ظهور که شرح آن در فتوحات مکّیّهٔ شیخ ابن العربی مذکور و مسطور است "و یقتلون کلّهم الّا واحد منهم ینزل فی مرج عکّآء فی المأدبة الالهیّة الّتی جعلها اللّه مائدة للسّباع و الطّیور و الهوامّ"

پس از استقرار عرش مالک انام در مدینهٔ دارالسّلام در کتاب مستطاب ایقان در وصف مشرکین این کلمات درّیّات نازل "هر چه میشنوند که این امر بدیع الهی و حکم منیع صمدانی در اطراف ارض ظاهر شده و هر روز در علوّ است ناری جدید در قلوبشان مشتعل میشود و آنچه ملاحظه مینمایند از قدرت و انقطاع و ثبوت این اصحاب که هر روز بعنایت الهی محکم‌تر و راسخ‌تر میشوند اضطراب تازه در نفوسشان ظاهر میگردد در این ایّام که بحمد اللّه سطوت الهی چنان غلبه فرموده که جرئت تکلّم ندارند ... و عنقریب است که اعلام قدرت الهی را در همهٔ بلاد مرتفع بینی و آثار غلبه و سلطنت او را در جمیع دیار ظاهر مشاهده فرمائی"

طولی نکشید که بارادهٔ غالبهٔ محیطهٔ الهیّه و حکمت بالغهٔ صمدانیّه ارياح لواقح امتحان و افتتان مرّةً اخری بوزید و ارياح منتنهٔ کریههٔ نفاق و شقاق پیروان نیّر آفاق را از کلّ اطراف احاطه نمود صوت ناعق اعظم در ارض سرّ مرتفع شد و عجل سامری بندا آمد و اوراق ناریّه در دو خطّهٔ عراق و ایران منتشر نمود حیّهٔ رقطا هیکل الطف اعزّ ابهی را سمّ جفا بچشانید و بغی و فحشای اتباع و اشیاع آن خصم لدود ذیل مطهّر را ملوّث ساخت اختلافات داخله بر جرئت و جسارت ولاة امور بیفزود و قوای دو مملکت قویّ‌شوکت بر اضمحلال حزب الهی برخاست و حکم فصل و تبعید و نفی مؤبّد باخرب مدن عالم از مصادر رسمیّه در مدینهٔ کبیره صادر شد

سلطان ایران و مرکز دائرهٔ خلافت عثمانیان بالاتّفاق در قلع و قمع امر نیّر آفاق همّت بگماشتند و آهنگ انقراض و اضمحلال فئهٔ بیگناه را هر یک بأعلی النّدآء بنواختند در این بحران اعظم جمال قدم روحی لسطوته الفدآء بمفاد آیهٔ مبارکهٔ "و لمّا اخذت الظّلمة کلّ البریّة اظهرنا نفسنا الحقّ فضلاً من لدی العزیز الحکیم" حجاب ستر را از وجه امر بالمرّه بدرید و در خطابات قهریّه و الواح نصحیّه و انذارات شدیده و صحائف بدیعهٔ لمیعهٔ منیعه سرّ اکتم و رمز منمنم را بر ملا مکشوف کرد ملکوک و مملوک را در خاور و باختر دعوت باعتناق آئین الهی فرمود و اصول شریعهٔ غرّا و شرائط سلوک در منهج بیضا را بر قریب و بعید ثابت و مدلّل ساخت انقلابات ارض سرّ نتیجه‌اش استقرار عرش قدم در سجن اعظم شد و حوادث فجیعهٔ مدینهٔ کبیره حاصلش ورود فلک بهاء بساحل بقعهٔ بیضا گشت طغیان حزب یحیی بساط نعمت بیمنتها در مرج عکّا بگسترد و همزات آن سفیه بی‌وفا اثر و ثمرش ایصال رسالات بهاء بملوک و امرا گردید خود در جزیرهٔ شیطان در حفرهٔ یأس بخزید و عاقبة الأمر باسفل درکات نیران راجع شد سلطان سریر لاهوت بر عرش کبریا مستقرّ گردید و ماء حیوان احکام کتاب اقدس خود را بر عالمیان مبذول فرمود بشارات کتب مقدّسه پدیدار شد و وعود الهیّه تحقّق یافت میقات امم منقضی گشت و بهاء کرمل نمودار شد صهیون بندا آمد و اورشلیم بنفحات یوم عظیم احیا گشت ندا از مکمن ابهی بلند شد و اصبع جمال قدم کوس اعظم در آن سجن مکرّم بکوبید که "قد اتّصل نهر الأردنّ بالبحر الأعظم و الابن فی الواد المقدّس ینادی لبّیک اللّهمّ لبّیک و الطّور یطوف حول البیت و الشّجر ینادی قد اتی المقصود بمجده المنیع ... قل قد جآء الأب و کمل ما وعدتم به فی ملکوت اللّه ... قد اخذ الاهتزاز ارض الحجاز و حرّکتها نسمة الوصال تقول یا ربّی المتعال لک الحمد بما احییتنی نفحات وصلک بعد الّذی اماتنی هجرک طوبی لمن اقبل الیک و ویل للمعرضین انار جبل الطّور من اشراق الظّهور و قال قد وجدت عرفک یا اله من فی السّموات و الأرضین تلک ارض فیها بعثنا النّبیّین و المرسلین قد ارتفع فیها ندآء الخلیل ثمّ الکلیم و من بعده الابن کلّ اخبروا و بشّروا العباد بهذا النّبإ العظیم و وروده فی تلک الدّیار کذلک نزّل فی الألواح من لدن منزل قدیم" اینست معنی حدیث مشهور "توقّعوا الصّوت یأتیکم بغتةً من قبل الشّام فیه لکم فرج عظیم" و همچنین حدیث دیگر که میفرماید "خیر المساکن یومئذ البیت المقدّس لیأتینّ زمان علی النّاس یتمنّی احدهم انّه من سکّانه" کهنه‌دوزانی چند چنان تصوّر نمودند که نفی و تبعید آن مظلوم فرید باخرب مدن دنیا علّت انقراض آئین بهاء گردد و احداث شقاق و نفاق در جمع پیروان نیّر آفاق نتیجه‌اش انحلال و اضمحلال امر ذو الجلال شود افّ لهم و تعساً لهم سراپردهٔ این امر اعظم بقوّهٔ بازوی آن محیی رمم در سجن اعظم عمودش بلندتر گردید و ساحتش وسیعتر شد روح حیات باقلیم هندوستان سرایت کرد و در ممالک روس علم برافراشت به برّیّة الشّام صیت امر مولی الأنام برسید و بر اقطار مصریّه دوحهٔ الهیّه سایه بیفکند

و چون میقات لیلهٔ لیلا و غروب شمس بهاء از بسیط غبرا فرا رسید کرّةً اخری طوفان بلا برخاست و نائرهٔ امتحان شعله‌اش بعنان آسمان رسید ریح عقیم بر سدرهٔ الهیّه اشدّ از قبل بوزید و فتنهٔ عمیا ظهور یافت ناقض اکبر حجاب خود بدرید و بذر حسد و خصومت در قلوب جمعی از سست‌عنصران بکاشت انقلاب اعظم احداث شد و کابوسش جمرهٔ محرقه در دلها بینداخت سهام افترا پرّان شد و روضهٔ غنّا چندی جولانگاه شغالان نقض و ریا گشت طیور لیل بحرکت آمد و بدر منیر عهد

مولی الأنام در خسوف اهل ظنون و اوهام مخسوف و مقنوع گشت خصم الدّ فرحناک شد و امّت مأیوس یحیی امیدوار گردید محور میثاق در سجن نیّر آفاق قلعه‌بند گشت و عبدالحمید پلید باغوای آن حزب عنید بر آن مظلوم فرید حمله‌ئی شدید بنمود عیون سکّان ملأ اعلی خون بگریست و یوم "تاللّه تفتن کلّ شیء فی کلّ شیء من کلّ شیء الی کلّ شیء بنفس کلّ شیء" بوقوع بپیوست حال ملاحظه نمائید که این زوبعهٔ کبری چه بهار جان‌افزائی از پی داشت و این فتنهٔ صمّا چه انعکاسی در حیّز ادنی بینداخت طوفانی اعظم از این سفینهٔ حمرا را از بدایت جریانش در دریای بلا احاطه ننموده بود و تندبادی اشدّ از این ریح جفا بر نهال بیهمال پروردهٔ دست بهاء از بدو نشئه‌اش در عالم ادنی نوزیده بود با وجود این بلیّهٔ کبری طولی نکشید که باثر کلک دائم الجولان مرکز عهد و میثاق غبار تیرهٔ نفاق و شقاق فرو نشست و دلبر آمال در خلوتگاه قلوب جلوه‌ئی محیّر العقول بنمود صاعقهٔ غیرت بغتةً درخشید و فئهٔ ناکصهٔ متکبّران و گردنکشان را در اسفل درکات قنوط بینداخت غضنفر میثاق در بیشهٔ حقیقت غرّشی بنمود که از نهیب فریادش شغالان نقض فریاد واویلا برآوردند و در حفرات یأس مقرّ گزیدند ورقاء ایکهٔ عبودیّت چنان نغمه و ترانه‌ئی بزد که در اقصی ممالک غربیّه آن رنّهٔ ملکوتیّه گروهی از پاکان و صاف‌دلان را از خواب غفلت بیدار کرد و بفکر زیارت آن روضهٔ غنّا و حدیقهٔ غلبا بینداخت ولوله در امریک بیفتاد و پرچم امر بهاء در بعضی از عواصم اوروپ منصوب شد اوّلین هیئت مجلّلهٔ زوّار بقعهٔ احدیّه احرام کعبهٔ مقصود ببست و هلهله‌کنان آهنگ زیارت تربت بهاء بنمود بساط احزان اهل حرم را در ارض اقدس در هم پیچید و اهل شکوک و عدوان را بنار اسف شدید بگداخت رستخیز کبری در نقطهٔ واقعهٔ بین‌البحرین برپا شد و جالس بر اریکهٔ ظلم و جفا را از اوج سریر سلطنت بینداخت و بخاک مذلّت بنشاند طوق اسارت از عنق مرکز عهد سلطان احدیّت برداشت و بگردن آن ظالم بی‌باک بنهاد هدهد وفا از تنگنای زندان برهید و باقالیم پرفسحت فرنگ پرواز نمود و ببدایع الحان پیام سلیمان سریر ملکوت ابهی را باهل مدائن آن دیار برسانید باصبع اقتدارش حجر زاویهٔ اوّلین معبد الهی را در قطب آن مملکت بگذاشت و بنیاد بنیان متین قصر مشید بهاء را بقوّه‌ئی حیرت‌انگیز در قلوب برگزیدگانش بنهاد در دامنهٔ کرم الهی هیکل موعود را بنا فرمود و بدست مطهّر عرش ربّ اعلی را در آن مقام مقدّس مسکن داد مشروع عظیم اوّلین معبد پیروان امر الهی در مدینة العشق بر اثر تعلیمات بهیّه‌اش اتمام پذیرفت و تموّجات روحانیّه از آن مرکز انوار و مشرق اذکار سرایت باقالیم مجاوره بنمود نمایندگان ملل و نحل از اوروپ و امریک و آسیا و افریک و ترک و تاجیک در ظلّ سراپردهٔ اسم اعظم محشور و بر خوان نعمتش وارد و از بدایع فیوضاتش مرزوق و مستمدّ محافل مقدّسهٔ روحانیّه واضعان اساس مدنیّت بهیّهٔ الهیّه در خاور و باختر بدلالت آن مبیّن آیات رحمانیّه تأسیس یافت و حقیقت فائضهٔ کلّیّهٔ قدسیّه در جمع آن نمایندگان امر حضرت ربّ البریّه مجسّم گشت تباشیر یوم موعود که در سورهٔ هیکل حضرت مقصود بآن اشاره فرموده از افق عزّت طلوع یافت و علائم اوّلیّه‌اش پدیدار گردید قوله عزّ بیانه "سوف یخرج اللّه من اکمام القدرة ایادی القوّة و الغلبة و ینصرنّ الغلام و یطهّرنّ الأرض من دنس کلّ مشرک مردود و یقومنّ علی الأمر و یفتحنّ البلاد باسمی المقتدر القیّوم و یدخلنّ خلال الدّیار و یأخذ رعبهم کلّ العباد هذا من بطش اللّه انّ بطشه شدید"

ای احبّای الهی آوارهٔ مردود چون ناقض حسود و یحیای جحود و کریم عنود و عن ورائهم کلاب الأرض کلّها چنان تصوّر نمودند که ایجاد انقلاب و احداث فتن و اضطراب و ترویج شقاق و نفاق سدرهٔ الهیّه را از اشراق بازدارد و ماء ملح اجاج زفیر و لهیبش را بیفسرد غافل از آنکه انقلاب بنفسه ممدّ آئین نازنین است و امتحان و افتتان از لوازم ضروریّهٔ تقدّم و استحکام اساس امر حضرت رحمن در لوحی از الواح این کلمات عالیات از سماء مشیّت نازل "قل یا قوم أ تمکرون فی امر اللّه و تخادعون به فی انفسکم فانّ اللّه اشدّ مکراً لو انتم من العارفین فسوف یأخذکم بمکرکم و یرفع امره کیف یشآء و یعلن برهانه و یثبت آیاته ولو یکرهونها هؤلآء المبغضین" و همچنین میفرماید "قد جعل اللّه البلآء غادیة لهذه الدّسکرة الخضرآء و ذبالة لمصباحه الّذی به اشرقت الأرض و السّمآء" و ایضاً میفرماید "بالبلآء ربّینا الأمر فی القرون الماضیة سوف تجد الأمر مشرقاً من

افق العظمة بقدرة و سلطان ... قد جعل اللّه البلآء اکلیلاً لرأس البهآء سوف تستضیء منه الآفاق" و در مقامی دیگر میفرماید "قل انّ البلآء مآء لما زرعناه فی الصّدور سوف تنبت منه سنبلات ینطق کلّ حبّة منها انّه لا اله الّا هو العزیز الحکیم" و ایضاً میفرماید "تاللّه الحقّ لو یحرقونه فی البرّ انّه من قطب البحر یرفع رأسه و ینادی انّه اله من فی السّموات و الأرض و لو یلقونه فی بئر ظلمآء یجدونه فی علی الجبال ینادی قد اتی المقصود بسلطان العظمة و الاستقلال و لو یدفنونه فی الأرض یطلع من افق السّمآء و ینطق بأعلی النّدآء قد اتی البهآء بملکوت اللّه المقدّس العزیز المختار" تاللّه الحقّ بما فعلوا زاد لهیبها و اثمرت اغصانها و ارتفعت ندائها و اشتهرت آثارها و استحکمت اصولها و امتدّت ظلّها علی العالمین

ای برادران و خواهران روحانی قدری تفکّر نمائید و در حوادث این سنین اخیره تفرّس فرمائید که بعد از افول کوکب میثاق آن کاذب لعین و فاجر مهین چه طوفان عظیمی برپا نمود و چه هجوم عنیفی بر مؤسّسات و مقدّسات شرع بهاء کرد پردهٔ حیا آن سفیه مجنون بالمرّه بدرید و بر اصل شجره بهتانی نماند که وارد نیاورد بتمام قوی بر قلع و قمع و تحقیر و تزییف آئین مقدّس برخاست و بنشاط و امیدی زائدالوصف کوس انقراض آتیهٔ امر حیّ لایموت را بر ملا بکوبید بدشمنان داخل و خارج بپیوست و چون رقشا زهر جفا بحامیان امر بهاء بچشانید تیغ بجگرگاه فدائیان اسم اعظم زد و سیول دموع از عیون سکّان ملأ اعلی جاری کرد جند بهاء مقاومت ننمودند و اعتنائی بترّهات و اراجیف و اکاذیب و همزات و لمزات آن ابلیس پرتدلیس نکردند در موارد بأساء و ضرّاء بعروة الوثقای توکّل و تفویض تمسّک جستند و بکمال ادب و وقار از آن منشأ فساد و مزبلهٔ شیطانی احتراز جستند و تجنّب نمودند از حرکات شیطانیّه‌اش هراسان نگشتند و بسعی و جدّیّتی خلل‌ناپذیر در ایفای وظائف روحانیّه و استحکام مؤسّسات امریّه قدم بفشردند و ثبات و استقامت بنمودند هزار شکر ربّ عزّت را که بتأییدات لاریبیّهٔ محیطهٔ متتابعهٔ غیبیّه‌اش آنچه را آن سبّاحان بحر بلا در موطن اعلی متجاوز از هشتاد سال است در طلب و انتظارش گریان و نالانند از پس پردهٔ قضا نمودار شد و دلبر آمال در موطن اصلی جمال ذو الجلال برقع از عذار بیفکند نحیب واویلا از منابر و مقاعد علمای سوء مرتفع گشت و فریاد جان‌افزای واطوبی و وابشری از حنجر جنود منصورهٔ جمال ابهی برآمد دو خصم الدّ آئین حضرت بهآءاللّه از اوج ماه بقعر چاه بیفتاد و طنطنه و دمدمهٔ کبری مبدّل بمقهوریّت عظمی گشت سلسلهٔ ملوک قاجار در اوّلین قرن دور بهائی منقرض شد و نجم سلطنت و خلافت عثمانیان در مغرب زوال افول نمود اهل بهاء در خطّهٔ ایران از زندان غم برهیدند و در ظلّ ملک عادل حلاوت آسایش بچشیدند دست تطاول کوتاه گشت و صبح آمال بدمید معبد جلیل القدر در قطب امریک برپا شد و ولولهٔ بیت اعظم بغداد سطوت امر ملیک آفاق را در سبع طباق ذائع و شائع نمود اعمدهٔ دیوان عدل الهی بر اساس رزین و متین محافل مقدّسهٔ روحانیّه منصوب گشت و آثار اوّلیّهٔ ارتفاع گنبد رفیعش در ارض میعاد در سایهٔ مقامات مقدّسه پدیدار شد منهج بیضا در کلّ ارجا نمودار گشت و میزان عدل منصوب شد و صراط امر کشیده گشت و المؤمنون کالبرق علیه یمرّون

حال ای برادران و خواهران روحانی اگر چنانچه در مستقبل ایّام ناعقی دیگر بندا آمد و هیاهو و عربده‌ئی جدید بینداخت هراسان نگردید و اعتنا مکنید بیان احلای مولای توانا مرکز عهد بهاء حضرت عبدالبهآء را بیاد آرید که در بحبوحهٔ بلا در سجن پرابتلا خطاباً لأفنان سدرة المنتهی این کلمات درّیّات را رقم فرمود "امر عظیم است عظیم و مقاومت و مهاجمهٔ جمیع ملل و امم شدید است شدید عنقریب نعرهٔ قبائل افریک و امریک و فریاد فرنگ و تاجیک و نالهٔ هند و امّت چین از دور و نزدیک بلند شود و کلّ بجمیع قوی بمقاومت برخیزند و فارسان میدان الهی بتأییدی از ملکوت ابهی بقوّت ایقان و جند عرفان و سپاه پیمان جند هنالک مهزوم من الأحزاب را ثابت و آشکار کنند" و ایضاً میفرماید "این موهبت عظمی و این منقبت کبری حال اساسش بید قدرت الهیّه در عالم امکان در نهایت متانت بنیان و بنیاد یافت و بتدریج آنچه در هویّت دور مقدّس است

ظاهر و آشکار گردد الآن بدایت انبات است و آغاز ظهور آیات بیّنات در آخر این قرن و عصر معلوم و واضح گردد که چه بهار روحانی بود و چه موهبت آسمانی"

ای برگزیدگان حضرت کبریا روحی لحبّکم و خلوصکم و استقامتکم الفدآء وقت آنست که بپاس این عنایت کبری و منحهٔ عظمی و بشارت امنع ابهی هر یک از جان بخروشیم و از روان بنوشیم و از تن بکوشیم تا بآنچه لازمهٔ عبودیّت صرفهٔ بحتهٔ تامّه است در این کور بدیع و قرن مجید موفّق گردیم "لیقضی اللّه امراً کان مفعولاً" از انقلاب خائف نگردیم و از تلوّنات و حوادث این عالم ترابی نیندیشیم و از تطوّرات این امر اوعر خطیر مندهش و حیران نشویم بلکه بر ثبوت و استقامت و تعاون و تعاضد بیفزائیم و بقدر مقدور بکوشیم تا در این چند روز حیات باقیه بخدمتی که لائق آن آستانست موفّق گردیم

و اختم القول بما نطق به لسان العظمة و الاقتدار فی لوحه البدیع "امر عظیم است و مطلب بزرگ و یوم یومی است که میفرماید یا بنیّ انّها ان تک مثقال حبّة من خردل فتکن فی صخرة او فی السّموات او فی الأرض یأت بها اللّه انّ اللّه لطیف خبیر"

ای قویّ قدیر دست تضرّع ببارگاه قدست مرتفع امنای امرت را مأیوس مفرما و السن کائنات بذکر بدایع قدرتت ناطق ورّاث امرت را بیش از پیش مدد بخش جمعی از ظهور خفیّات امرت و بروز لطایف حکمتت واله و حیرانند مصداق وعود منصوصهٔ کتاب اقدست را بر عالمیان ظاهر و آشکار کن ملائکهٔ تأیید پی در پی بفرست و آن موطن اعلی را جنّت ابهی نما صوت رجال امرت را گوشزد اقالیم بعیده نما و مدینهٔ منوّرهٔ طهران را مطلع سرور عالمیان و مطمح نظر جهانیان کن عمود دیوان عدل اعظمت را باصبع اقتدار بلند نما و امم و قبائل متنازعه را در ظلّ ظلیلش درآور نقاب از وجه ناموس اعظمت بیفکن و بر فراز کرم الهی در ارض میعاد سراپردهٔ وحدت عالم انسانی منصوب ساز نهر دافق آئین نازنین را از قلّهٔ شاهقش جاری نما و حیات جدید بر عالم و عالمیان مبذول کن بیت اعظمت را از پنجهٔ اهل عدوان برهان و قدر و منزلتش را بر مدّعیان ظاهر و آشکار کن حزب جائر را از شمال وهم بیمین یقین بکشان و بر زخم دل آن ستمدیدگان برحمت کبرایت مرهم نه مدینهٔ عشق را شور و نشوری جدید عطا کن و اقالیم مجاوره را از چنگ آن قوم پرلوم نجات بخش ورّاث امرت را از تحدیدات ملکیّه و شئونات آفاقیّه و ظهورات ناسوتیّهٔ کونیّه پاک و منزّه نما و خلعت عزّ قدسی بهر یک بپوشان از قید عسرت نجات بخش و باب رخا بر وجه منادیان امر بهاء بگشا اسرار علم لدنّی بپیروانت بیاموز و چشمهٔ صنایع بدیعه و اکتشافات عظیمه از آن قلوب مجرّدهٔ صافیه جاری نما قوائم و دعائم صلح اعظم را بسرپنجهٔ اقتدار استوار فرما و محکمهٔ کبرایت را بقوّهٔ تعلیمات بهیّهات در انجمن عالم تأسیس کن این مور ضعیف را بخدمت امنای امرت موفّق دار و در اجرای وصایای محکمهات تأیید بخش و بآنچه مایهٔ سرور و روحانیّت عزیزان تو است در جمیع شئون دلالت فرما

توئی مجیر توئی دستگیر توئی مقتدر و توئی توانا

نوروز سنهٔ ۸۸

بندهٔ آستانش شوقی

توقیع مبارک رضوان ۸۹ بدیع

حامیان امر الهی برادران و خواهران روحانی در بلدان و ممالک شرقیّه علیهم اطیب التّحیّة و الثّنآء ملاحظه نمایند

ای سپاهیان ملکوت سلطان سریر لاهوت حضرت ربّ الجنود در این ربیع رحمانی و رضوان خوش روحانی ستایندگان اسم اعظمش را از اعلی رفارف قدس ندا میفرماید ان یا عشّاقی و انصاری و حملة امانتی بین خلقی ان استمعوا ندائی انّنی انا حیّ فی افق الأبهی ان یا احبّائی ایّای فاشهدون قد خلقتکم لأمری و اختصصتکم لنفسی و اجتبیتکم لعرفانی و ربّیتکم لاعزاز کلمتی و اقمتکم علی اظهار سلطنتی و جعلتکم ائمّة بین عبادی و جعلتکم الوارثین ان انتظروا یا اخلّائی سأریکم آیاتی و سأمدّکم بتأییداتی و اتمّم ما وعدتکم به فی الواحی و انصرکم علی اعدائی و احقّق آمالکم بقدرتی و سلطانی المهیمن علی العالمین انصرونی فی ارضی انصرکم من ملکوتی الشّامخ الباذخ المشعشع الممتنع الرّفیع ان یا خزنة اسراری اما ترون خفیّات امری و بدائع حکمتی و اسرار شریعتی قد بدت خالعة العذار عن خلف الحجبات و سیسطع شعاعها فی الآفاق باشراق لم تر شبهه القرون الأوّلون ان ابشروا فی قلوبکم و اطمئنّوا فی انفسکم بأنّ هذه الدّوحة الالهیّة و الشّجرة المرفوعة الأزلیّة قد ثبت اصلها فی قلب العالم و انشعبت فروعها و امتدّت افنانها بین الأمم و ارتفع حفیف اوراقها و نضجت و انتشرت اثمارها بین الخلائق اجمعین لکم البشارة العظمی یا اهل البهآء بما کشفنا النّقاب عن وجه امرنا البهیّ الأبهی و ارفعنا برقع السّتر عن سرّنا المستسرّ الأکتم الأخفی یهلّلنّ و یستبرکنّ بذلک هیاکل الصّافین و الکرّوبین فی الملأ الأعلی و عن ورائهم کلّ النّبیّین و المرسلین فی الرّفرف القصوی و سوف ترون بأعینکم ما اودعناه بأیادی الفضل بحکمة من عندنا و قدرة من لدنّا فی هذا الأمر الأوعر المبرم الخطیر "اذاً تشهدون آثارها و تحدّثون اخبارها و تفتخرون بأسرارها" تعالی تعالی هذا الاقتدار لا تشکّوا فیه و لا تضطربوا منه انّه کان فی امّ الکتاب امراً مقضیّاً محتوماً

کینونتی و ما اعطانی ربّی فدآء حبّکم یا ملأ المحبّین چه مقدار مرتفع است امر الهی و چه عظیم است بدائع آثار اوّلین قرن دور بهائی شعشعات انوارش را جز خفّاش کورصفت احدی انکار نتواند و تصرّفات لاریبیّهٔ حیرت‌انگیزش را جز علیلان روزگار نفسی شبهه ننماید روائح طیب سنایش در کلّ اکناف متضوّع مشام مزکومان از شمیمش محروم و رنّهٔ ملکوتیش در سبع طباق منتشر آذان متکبّران از استماعش مهجور و ممنوع سیطرهٔ محیطه‌اش را قلوب صلدهٔ صلبه ادراک ننماید و بعمق حکمتهای بالغه‌اش افهام کوته‌نظران پی‌نبرد عقول عقلا از کشف رموزش قا صر و عرفان عرفا از تبیین و تشریح قوّهٔ جاذبهٔ دافعه‌اش عاجز ناموس اعظمش بافکار بالیهٔ قاصرهٔ نفوس سقیمه قیاس نگردد و مبادئ سامیهٔ مؤسّسات روحانیّه‌اش بعقائد سخیفه و قواعد باطلهٔ نفوس سافلهٔ واهیه تشبیه و تطبیق نشود مدنیّت سرمدیّ الآثارش را توانگران نابالغ که بر وسائد عزّ متّکئند قدر ندانند و سیاست الهیّه‌اش را همج رعاع که در دام هوی گرفتارند نشناسند کلمات جعلیّه که از نفوس بغضیّه چون سیل جارف منهمر اساس این آئین مبین را متزعزع ننماید و هیاهو و عربدهٔ اهریمنان سست‌عنصر آوازهٔ جان‌افزایش را از ارتفاع بازندارد ارياح سموم سراج وهّاجش را خاموش نکند و اسنادات مبطلین و اراجیف متوهّمین حقیقت فائضهٔ نافذه‌اش را ننگین نگرداند ارتداد ملحدین و انکار مدبرین در صفوف مجنّدهٔ مجاهدانش رخنه ننماید و دسائس مغلّین روح آزادش را از جریان و سریان در شریان امکان ممنوع نسازد دانشمندان ارض از سرّ غلبه‌اش حیرانند و حسودان بی‌امان از حرارت لهیبش نالان و سوزان دانایان امم بتعلیمات قیّمهٔ بهیّه‌اش متوجّه و حولش طائف و از انوارش مقتبس

"ولوله در شهر نیست جز شکن زلف یار

فتنه در آفاق نیست جز خم ابروی دوست"

قل سیروا فی الأرض لترون آثار قدرة ربّکم الأبهی قد تجلّت و علت و استشرقت و امتلأت منها الخافقین

ای آشفتگان جمال کبریا بشارت باد یارانرا که در این رضوان اعزّ ابهی و بهار جان‌افزا در چهل اقلیم از اقالیم دنیا راکبین سفینهٔ حمراء باحتفال این عید اعظم و تهلیل و تکبیر آن اسم مکرّم مشغول و مألوفند جند بها روحی لقیامهم الفدآء در این اقالیم شاسعه در خاور و باختر چون ملائکهٔ ناشرات منتشر و از تتابع تأیید که از مکمن اعلی متواصل است کلّ شاد و مستبشر اقلیم فرنگ از بروق انوارش در اهتزاز است و قطعهٔ آسیا از فوران نار محبّتش در سوز و گداز امریک هلهله‌کنان است و افریک از نهیب این قیام حیران شمال مقتبس از شعلهٔ شرربار است و جنوب مستفیض از این امر گهربار ندای واطربا از شش جهت بلند است و فریاد واویلا از حنجر اعدای امر بها مرتفع بالکان ندای الست را اجابت نموده و پرچم هدایت عظمی برافراشته و بساط تبلیغ گسترده بذلک تحقّق ما نزّل من القلم الأبهی فی لوح الرّئیس قوله جلّ بیانه " قد خرج الغلام من هذه الدّیار و اودع تحت کلّ شجر و حجر ودیعةً سوف یخرجها اللّه بالحقّ کذلک اتی الحقّ و قضی الأمر من مدبّر حکیم"

جزائر محیط اعظم در اقصی جنوب عالم از این رنّهٔ ملکوتی مدهوش و در مسابقهٔ روحی با امم غربیّه همدم و مألوف شجرهٔ الهیّه بر ماورآء البحار سایه افکنده و در ابعد مدن دنیا قبائل متأخّرهٔ متباغضه را در ظلّ ظلیلش مجتمع ساخته امّة چین از خواب کابوسی بیدار و بهمّت مردان دلاور از نفحات مسکیّهٔ ظهور الهی آگاه و پرانتباه رسولان اسم اعظم در عواصم اوروپ بهتک استار و کشف اسرار و اعلان جامعیّت و استقلال شریعت ربّ مختار مشغولند و در احقاق حقّ مظلومین و دفع شرّ غاصبین و استحکام اساس امر حضرت ربّ العالمین لیلاً و نهاراً ساعی و جاهد با اعاظم رجال در اعلی المقامات مرتبطند و بوسائل فعّاله متمسّک و متشبّث عروس آمال در مجمع نمایندگان عصبهٔ امم نقاب از رخ برانداخته و در خلوتخانهٔ قلوب زمامداران دول مقهوره جلوه نموده و رعبی شدید افکنده

ای احبّای الهی علمای رسوم در موطن اصلی حضرت قیّوم چنان انگاشتند که زجر و عقوبت و ظلم و اسارت و نفی و شهادت علّت انقراض آئین گرانبهای الهی گردد و سبب تشتّت و اضمحلال جمع پیروان نیّر آفاق شود تبّاً لهم و تعساً لهم انّهم و اعوانهم لفی عمه عظیم ای بیخبران سر از نوم غفلت بردارید و از حفرات یأس در این روز فیروز قدم بیرون گذارید و خاک سیاه بر سر ریزید و نظری بر اشراقات این کوکب نوّار اندازید که چگونه این امر معصوم و مظلوم که سنین متوالیه در پنجهٔ تقلیب گرفتار و محصور بود و هر یومی بجفای جدیدی از عصبهٔ غرور معذّب ناگاه از چنگ ظلم و جفایتان نجات یافت و روح آزادش از تنگنای آن اقلیم پربلا برهید و باقالیم مجاوره سرایت نمود و در ممالک پرفسحت فرنگ انتشار یافت و بابعد نقاط ارض برسید و در مقامات عالیه خیمه و خرگاه برافراشت و در مؤسّسات جدیده و معاهد بدیعه و معابد فخیمهٔ مجلّله‌ئی آن روح مقدّس مجسّم و مصوّر گشت صلایش را اعاظم رجال بشنیدند و جلوه‌اش را ملوک و مملوک هر دو بشناختند دستتان بالأخره کوتاه شد و شعار اقدستان بر خاک مذلّت بیفتاد جمعتان متشتّت گشت و کوکب سعادتتان آفل شد ولی این امر الهی هرچند مدّتی در آن محیط کدرانگیز در کسوف حسد مکسوف بود و در قناع بغضا متواری عاقبة الأمر رغماً لأنفکم و لمن کان یعینکم در آسمان غرب از خلف حجبات غلیظه ظاهر و پدیدار گشت و چنان فروغ خورشیدش پرتو بینداخت که از انعکاساتش کلّ مرعوب و حیران گشتید

ای احولهای روزگار آیا نشنیده‌اید که قلم اعلی در اینمقام چه فرموده "تاللّه الحقّ لو یحرقونه فی البرّ انّه من قطب البحر یرفع رأسه و ینادی انّه اله من فی السّموات و الأرض و لو یلقونه فی بئر ظلمآء یجدونه فی علی الجبال ینادی قد اتی المقصود بسلطان العظمة و الاستقلال و لو یدفنونه فی الأرض یطلع من افق السّمآء و ینطق بأعلی النّدآء قد اتی البهآء بملکوت اللّه المقدّس العزیز المختار ... لو یسترون النّور فی البرّ انّه یظهر من قطب البحر و یقول انّی محیی العالمین ... ثمّ اعلموا یا ملأ

الأعجام بأنّكم لو تقتلوننی یقوم اللّه احد مقامی و هذه من سنّة اللّه الّتی قد خلت من قبل و لن تجدوا لسنّته لا من تبدیل و لا من تحویل"

ای بیخردان اهل بها از بلا شکوه ننمایند و از تتابع محن و شدّت ابتلا آزرده و مأیوس نگردند مولای بیهمتا ارواحنا لمظلومیّته الفداآء میفرماید "قل البلایا دهن لهذا المصباح و بها یزداد نوره ان کنتم من العارفین ... بالبلآء ربّینا الأمر فی القرون الماضیة سوف تجد الأمر مشرقاً من افق العظمة بقدرة و سلطان ... قد جعل اللّه البلآء اکلیلاً لرأس البهآء سوف تستضیء منه الآفاق ... قد جعل اللّه البلآء غادیة لهذه الدّسکرة الخضرآء و ذبالة لمصباحه الّذی به اشرقت الأرض و السّمآء ... قل انّ البلآء مآء لما زرعناه فی الصّدور سوف تنبت منه سنبلات تنطق کلّ حبّة منها انّه لا اله الّا هو العزیز الحکیم"

ای کودکان مهد ظلمتان شجرهٔ لاشرقیّه و لاغربیّه را سقایت نمود و جورتان صیت مظلومیّت و بزرگواری آئین الهی را باقصی ممالک عالم برسانید اینکلمات درّیّات که از قلم گهربار مرکز میثاق که در بحبوحهٔ بلا مخاطباً للّذین کانوا مثلکم نازل بیاد آرید "از سرشک دیدهٔ یتیمان ستمدیدگان حذر لازم زیرا سیل‌خیز است و از دود آه مظلومان پرهیز باید زیرا شررانگیز است و اللّه ولیّ المظلومین ... قل ما لکم لا تنتبهون و ویل لکم لم لا تتیقّظون أ حسبتم انفسکم ایقاظاً کلّا انّکم لفی مضاجع الجهل ترقدون أ زعمتم انّکم تبصرون او تسمعون هیهات هیهات بل انّکم صمّ بکم عمی فی صقع المیثاق تحشرون و انّکم الأخسرون فسوف فی غمرات الذّلّ تغرقون"

یا نصرآء الرّحمن و حلفآء حبّه سرشک دیدهٔ ستمدیدگان است و دود آه عزیزان ایران که قلب ملکهٔ نیک‌اختر را متوجّه بآئین الهی فرموده و از کلک ملوکانه‌اش اینکلمات درّیّات صادر فرموده که کلّ حکایت از عظمت امر اللّه و استقلال دین اللّه و جامعیّت تعالیم اللّه و حقّیّت رسالت رسول اللّه مینماید و در این ایّام اعلان رابعش که بخطّ خود بنام فخر المبلّغین و المبلّغات حضرت میس مارثا روت ارسال نموده بارض اقدس رسیده و قلوب عاکفان کعبهٔ مقصود را سرور و امّیدی جدید بخشیده و آن کلمات اینست "آئین بهائی منادی صلح و سلام است و مروّج حسن تفاهم در بین انام سالکان وادی حیرت که در ره امّید پویانند در آغوش خود گرفته و در ظلّ واحد مجتمع ساخته پیامش مصدّق ادیان الهیّه است و مبدأش موافق معتقدات سابقه هیچ بابی را سدّ ننماید و هر سبیلی را مفتوح گذارد در حینیکه قلبم از مخاصمات متمادیهٔ پیروان مذاهب عدیده محزون بود و روحم از حمیّة جاهلیّهٔ آنان خسته و آزرده نظرم بتعلیمات بهائی بیفتاد و روح حقیقی حضرت مسیح که بسا از نفوس ندانسته و نشناخته در آن تعالیم ظاهر و پدیدار گشت و این تعالیم جوهرش وفاق است نه خلاف امّید است نه قطع رجا مهر است نه بغضا اطمینان اعظم است لمن فی الانشآء"

ای برادران و خواهران روحانی در لوح اقدس جمال قدم جلّت عظمته میفرماید "انّه قد اشرق من جهة الشّرق و ظهر فی الغرب آثاره تفکّروا فیه یا قوم و لا تکونوا کالّذین غفلوا اذ جآءتهم الذّکری من لدن عزیز حمید" و همچنین در لوحی از الواح این خطاب مستطاب بافتخار کنیزی از کنیزان جمال ابهی در سنین اوّلیّهٔ ظهور امر اللّه در ممالک فرنگ نازل "یا امةاللّه انّی ادعو اللّه ان یبعث نفوساً مقدّسةً منزّهةً نورانیّة فی الأقطار الغربیّة و الأقالیم الشّمالیّة حتّی تکون تلک النّفوس آیات الهدی و رایات الملأ الأعلی و ملائکة ملکوت الأبهی عند ذلک تجدین الغرب افق الشّرق و الأنوار تتلألأ کالأقمار فی تلک الأقطار" و همچنین میفرماید "ثمّ اعلم بأنّ الشّرق قد استضآءت آفاقها بأنوار الملکوت و عنقریب تتلألأ هذه الأنوار فی مطالع الغرب اعظم من الشّرق و تحیی القلوب فی تلک الأقالیم بتعالیم اللّه و تأخذ محبّة اللّه الأفئدة الصّافیة" و همچنین میفرماید "اگر این سجن و زنجیر نبود حال حضرت بهآءاللّه بر افکار عمومی اوروپ مستولی شده بود ... اگر بهآءاللّه در اوروپ ظاهر شده بود ملل اوروپ غنیمت میشمردند و تا بحال بسبب آزادی جهانرا احاطه نموده بود" و همچنین میفرماید "قطعهٔ امریک در نزد حقّ میدان اشراق انوار است و کشور ظهور اسرار و منشأ ابرار و مجمع احرار"

ای برادران و خواهران روحانی قدری تفکّر نمائید که در این قرن اوّل دور بهائی چه آثار عظمت و غلبه و هیمنه‌ئی در دو قارّهٔ اوروپ و امریک بلکه در تمام جهان ظاهر و پدیدار گشته و این نیست مگر از تأثیرات نافذهٔ علقم جفا که چون عسل مصفّا متغمّسین بحر بلا در آن اقلیم پرابتلا سالیان دراز از دست اولو البغضآء چشیدند

اهراق دماء مطهّرهٔ شهیدان ایران است که قلب ممرّد علیا حضرت ملکه را متوجّه باین نهال نورستهٔ الهی نموده و باین خطابهای مهیّجهٔ متتابعه عالمی را بیدار و پرانتباه ساخته

اهراق دماء مطهّرهٔ شهیدان ایران است که فارسان مضمار الهی را در قطب امریک برفع و اتمام بنیان رفیع الشّأن اوّلین مشرق‌الأذکار اقطار غربیّه موفّق و مفتخر فرموده و جمّ غفیری را از اجناس و مذاهب و فرق و طبقات متباینه شیفته و آشفتهٔ آن رمز مبین و کهف امین و هیکل نازنین حضرت ربّ العالمین نموده

اهراق دماء مطهّرهٔ شهیدان ایران است که علمداران حزب مظلوم را در مغرب اقصی بمؤسّسات مجلّله و تأسیس اوقاف امریّه و تحصیل اعتبارنامهٔ رسمی از مصادر و مقامات عالیه و اجرای نوامیس و شعائر الهیّه و وضع دستور محافل ملّیّهٔ روحانیّه هدایت و موفّق فرموده

اهراق دماء مطهّرهٔ شهیدان ایران است که ولولهٔ بیت اعظم را در دوائر عصبهٔ امم انداخته و افکار و قلوب زبردستان را بحقوق مسلوبه و مبادئ سلیمهٔ حزب مظلوم متوجّه ساخته و اعضای آن انجمن محترم را بر آن واداشته که از دو حکومت قویّ‌شوکت احقاق حقوق مظلومین را از غاصبین مطالبه نمایند صدق اللّه ربّنا البهیّ الأبهی "فسوف یظهر اللّه قوماً یذکرون ایّامنا و کلّما ورد علینا و یطلبون حقّنا عن الّذینهم ظلمونا بغیر جرم و لا ذنب مبین"

اهراق دماء مطهّرهٔ شهیدان ایران است که متمسّکان بعروة الوثقای ایمان را در اقلیم آلمان بثبوت و رسوخی مبعوث فرموده که با وجود هبوب صرصر امتحان و ریح عقیم هذیانات دشمنان که بجز در امریک باین شدّت بر آفاق غربیّه نوزیده این اطواد باذخه مقاومت هر افتتانی نمودند و از صراط دقیق نلغزیدند بلکه بر اشتعال و شهامت و تعاون و استقامت افزودند و در اتّساع نطاق امر اللّه و دائرهٔ نشریّات امریّه و استحکام مؤسّسات امریّه در اقلیم خویش بیش از پیش همّت بگماشتند

اهراق دماء مطهّرهٔ شهیدان ایران است که بدست باسلان میدان عبودیّت در دیار مصریّه علم استقلال شرع بها را بر اعلی قلل آن اقلیم برافراشته و بسطوت و تجرّدی و بسالت و شهامتی در انجمن بنی‌آدم مبعوث فرموده که شبه آنرا تواریخ ادوار سابقه ثبت و تدوین ننموده

اهراق دماء مطهّرهٔ شهیدان ایران است که رسولان الهی را در مغرب زمین بفتح اقالیم جدیده سوق و دلالت فرموده مبارزان میدان انقطاع بسرداری سرخیل عاشقان امةاللّه الفریده سرور مؤمنین و مؤمنات کتاب "بهآءاللّه و العصر الجدید" که یادگار آن مؤلّف شهیر و نفس نفیس است و اخیراً بدوازده لغت از لغات شرقیّه و اجنبیّه ترجمه و طبع گردیده بدست گرفته نعره‌زنان در دیار اللّه سایرند و بر صفوف و الوف غافلان مهاجم چون باد بادیه پیمایند و چون اسرافیل حامل نفخهٔ حیات بهدم بنیان عتیق تعصّبات وطنیّه و سیاسیّه و جنسیّه و اقتصادیّهٔ آن قارّهٔ پر شور و اضطراب مفتخرند و بدفع اسقام مزمنهٔ اسیران و علیلانش مألوف

اهراق دماء مطهّرهٔ شهیدان ایران است که یاران عزیز موطن اصلی جمال قدم را از مخالب سباع ضاریه نجات داده و بر مقاعد عزّت نشانده و بر دشمنان دیرین غالب و مسلّط فرموده و سایهٔ ملک عادل را بر آن کشور مقدّس گسترده و مفاسد قویّهٔ مزمنه را از بیخ و بن برانداخته و این اصلاحات باهرهٔ جدیده را از حیّز غیب بعرصهٔ شهود درآورده و آثار عزّت و تباشیر مدنیّت ابدیّ القرار حضرت بهآءاللّه را در اکناف و اطراف آن صقع جلیل ظاهر و پدیدار فرموده

اهراق دمآء مطهّرهٔ شهیدان ایران است که عاقبة الأمر آن اقلیم را جنّة النّعیم فرماید و بفرمودهٔ مرکز میثاق بها حضرت عبدالبهآء "دولت وطنی جمال مبارک را در جمیع بسیط زمین محترم‌ترین حکومات و ایران را معمورترین بقاع عالم" نماید

اهراق دماء مطهّرهٔ شهیدان ایران است که در این قرن نورانی و عصر گوهرافشان اعزّ ابهائی روی زمین را بهشت برین نماید و سراپردهٔ وحدت عالم انسانی را کما نزّل فی الألواح در قطب آفاق مرتفع سازد و وحدت اصلیّه را جلوه دهد و صلح اعظم را تأسیس فرماید و عالم ادنی را مرآت جنّت ابهی گرداند و یوم تبدّل الأرض غیر الأرض را بر عالمیان ثابت و محقّق نماید

در لوحی از الواح این بیان احلی از قلم ابهی صادر "حال ارض حامله مشهود زود است که اثمار منیعه و اشجار باسقه و اوراد محبوبه و نعماء جنیّه مشاهده شود تعالت نسمة قمیص ربّک الرّحمن قد مرّت و احیت طوبی للعارفین"

ای برادران و خواهران روحانی دماء بریئهٔ مسفوکهٔ فی سبیل اللّه است و سرشک دیدهٔ مظلومان امر اللّه که شجرهٔ آمال اهل بها باین اثمار منیعه و اوراد محبوبه و نعماء جنیّه مزیّن و مخصّص گشته و بمرور ایّام بیش از پیش کما ینبغی لعلوّ امره و عظمة شأنه و عزّ مقامه مفتخر خواهد گشت

ای حبیبان باوفا بیان پرحلاوت حضرت عبدالبهآء را کرّة اخری در این مقام بیاد آرید "این موهبت عظمی و این منقبت کبری حال اساسش بید قدرت الهیّه در عالم امکان در نهایت متانت بنیان و بنیاد یافت و بتدریج آنچه در هویّت دور مقدّس است ظاهر و آشکار گردد الآن بدایت انبات است و آغاز ظهور آیات بیّنات در آخر اینقرن و عصر معلوم و واضح گردد که چه بهار روحانی بود و چه موهبت آسمانی"

یا احبّآء اللّه این امر کریم و نبأ عظیم اعظم از آنست آنچه را بعقول محدودهٔ خود تصوّر نموده‌ایم و اجلّ از آنست آنچه را بادراکات قاصرهٔ خود پنداشته‌ایم بلی ظهوراتش محیّر عقول است و شئونات و تصرّفاتش اعجب از کلّ عجیب ولی آنچه را این مشت ضعفا تا بحال فهمیده و ادراک نموده قطره‌ایست نسبت ببحر البحار اسرار مکنونهٔ در این آئین ابهی و ذرّه‌ایست نسبت بشمس الشّموس لآلی مودعهٔ در این امر گرانبها "هیچ ادراکی سبقت نیابد بر کیفیّت ظهور او و هیچ عرفانی احاطه ننماید بر کمیّت امر او"

در کتاب مستطاب ایقان در بیان مقامات ظهور قائم موعود ربّ معبود و ملیک غیب و شهود باین ترانهٔ الهی مترنّم" العلم سبعة و عشرون حرفاً فجمیع ما جآءت به الرّسل حرفان و لم یعرف النّاس حتّی الیوم غیر الحرفین فاذا قام قائمنا اخرج الخمسة و العشرین حرفاً"

و بعد میفرماید قوله عزّ بیانه "حال ملاحظه فرمائید که علم را بیست و هفت حرف معیّن فرموده و جمیع انبیا از آدم الی خاتم دو حرف آنرا بیان فرموده‌اند و بر این دو حرف مبعوث شده‌اند و میفرماید قائم ظاهر میفرماید جمیع این بیست و پنج حرف را از این بیان قدر و رتبهٔ آنحضرت را ملاحظه فرما که قدرش اعظم از کلّ انبیا و امرش اعلی و ارفع از عرفان و ادراک کلّ اولیاست و امری است که انبیا و اولیا و اصفیا بآن اطّلاع نیافته و یا بامر مبرم الهی اظهار نداشته‌اند" و همچنین در بیان استقامت آنجمال ازلی اینکلمات دریّات از قلم ابهی صادر "آیا میشود این بغیر امر الهی و مشیّت مثبتهٔ ربّانی قسم بخدا که اگر کسی فکر و خیال چنین امری نماید فی‌الفور هلاک شود و اگر قلبهای عالم را در قلبش جا دهی باز جسارت بر چنین امر مهمّ ننماید"

در بیان مقامات اصحابش قلم ابهی باین ذکر احلی متحرّک "آیا هرگز در هیچ تاریخی از عهد آدم تا حال چنین غوغائی در بلاد واقع شد و آیا چنین ضوضائی در میان عباد ظاهر گشت ... گویا صبر در عالم کون از اصطبارشان ظاهر شد و وفا در ارکان عالم از فعلشان موجود گشت"

و امّا آنچه را که خود حضرت در بیان عظمت و احاطهٔ ظهور خود فرموده از جمله اینکلمات عالیات است "یا قرّة العین انّک انت النّبأ العظیم فی الملأ الأعلی و علی ذلک الاسم عند اهل العرش قد کنت بالحقّ معروفاً ... قل انّی انا البیت قد کنت بالحقّ مرفوعاً و انّی انا المصباح فی المشکوة قد کنت باللّه الحقّ علی الحقّ مضیئاً و انّی انا النّار فی النّور علی نور الطّور فی ارض السّرور قد کنت حول النّار مخفیّاً ... یا اهل لجّة الفردوس قولوا علی اسمی لحوریّة الحجرات اخرجن من مساکن القدس عریاناً و انصتن علی لحن الکلیم الحبیب فانّ الذّکر قد شآء کما شآء و لا مردّ لأمر اللّه الحقّ و قد کان الحکم فی امّ الکتاب مقضیّاً ... و ما ارسلنا من نبیّ الّا و قد اخذناه بالعهد للذّکر و یومه الا انّ ذکر اللّه و یومه فی المنظر الأعلی لدی ملائکة العرش قد کان بالحقّ علی الحقّ مشهوداً ... و انّا نحن لو نشآء لهدینا الأرض و من علیها علی حرف من الأمر اقرب من لمح العین جمیعاً ... لو ارادت نملة ان تفسّر القرآن من ذکر باطنه و باطن باطنه لتقدر لأنّ السّرّ الصّمدانیّة قد تلجلج فی حقیقة الکائنات"

حال ملاحظه فرمائید که صاحب همچه مقام اعزّ اجلّ اسنائی و مظهر ظهور ارفع امنع اعلائی چه شهادتی راجع بآن نور الأنوار و جوهر الجواهر مظهر کلّیّهٔ الهیّه هیکل مکرّم جمال قدم و اسم اعظم روحی لسلطنته المحیطة فدا داده در مقام مناجات میفرماید "سبحانک اللّهمّ یا الهی ما اصغر ذکری و ما ینسب الیّ الّا اذا ارید ان انسبه الیک فلتقبلنّی و ما ینسب الیّ بفضلک انّک انت خیر الفاصلین"

و همچنین در قیّوم اسماء جمال اعلی مخاطباً لمحبوبه الخفیّ الجلیّ الأبهی میفرماید "یا سیّد الأکبر ما انا بشیء الّا و قد اقامتنی قدرتک علی الأمر ما اتّکلت فی شیء الّا علیک و ما اعتصمت فی امر الّا الیک و انت الکافی بالحقّ و اللّه الحقّ من ورائک المحیط و کفی باللّه العلیّ علی الحقّ بالحقّ القویّ نصیراً یا بقیّة اللّه قد فدیت بکلّی لک و رضیت السّبّ فی سبیلک و ما تمنّیت الّا القتل فی محبّتک و کفی باللّه العلیّ معتصماً قدیماً و کفی باللّه شاهداً و وکیلاً" و همچنین در این سفر کریم مخاطباً لمن یظهر کلمة اللّه الأکبر میفرماید "هنالک فأظهر من السّرّ سرّاً علی قدر سمّ الابرة فی طور الأکبر لیموتنّ الطّوریّون فی السّینا عند مطلع رشح من ذلک النّور المهیمن الحمرآء باذن اللّه الحکیم و هو اللّه قد کان علیک بالحقّ علی الحقّ حفیظاً" و همچنین در مقام دیگر میفرماید "نطفهٔ ظهور بعد اقوی از جمیع اهل بیان بوده و خواهد بود ... و قد کتبت جوهرة فی ذکره و هو انّه لا یستشار باشارتی و لا بما ذکر فی البیان ... مقام او صرف ظهور است حتّی نفس ظهور در نفس ظهور در ظلّ او ظاهر"

اینست ای احبّای الهی نصّ شهادتی که نقطهٔ اولی و ربّ اعلی با وجود عظمت شأن و امتناع مقام و احاطهٔ کلّیّه‌اش بر مظاهر قبل از قلم اعلایش در حقّ مؤسّس آئین بهائی و شارع مقدّس آسمانی و ظهور کلّی الهی صادر فرموده و این کلمات عالیات و آیات بیّنات بنحوی اکمل و اتمّ از قلم ابهی مؤیّداً و مبیّناً لما صدر من قلم مبشّره الأعلی نازل بعضی از آن تذکّراً للعموم و اظهاراً و اعزازاً لحقائق امره المکشوف المعلوم در این اوراق ثبت میگردد قوله جلّت قدرته و عزّ بیانه "و اگر الیوم کلّ من فی السّموات و الأرض حروفات بیانیّه شوند که بصدهزار رتبه از حروفات فرقانیّه اعظم و اکبرند و اقلّ من آن در این امر توقّف نمایند از معرضین عنداللّه محسوبند و از احرف نفی منسوب" و همچنین میفرماید "الیوم فضلی ظاهر شده که در یک یوم و لیل اگر کاتب از عهده برآید معادل بیان فارسی از سماء قدس ربّانی نازل میشود و کذلک بشأن الآیات علی لسان عربیّ بدیع" و ایضاً میفرماید "هذا یوم لو ادرکه محمّد رسول اللّه لقال قد عرفناک یا مقصود المرسلین و لو ادرکه الخلیل لیضع وجهه علی التّراب خضّعاً للّه ربّک و یقول قد اطمئنّ قلبی یا اله من فی ملکوت السّموات و الأرضین و اشهدتنی ملکوت امرک و جبروت اقتدارک و اشهد بظهورک اطمأنّت افئدة المقبلین لو ادرکه الکلیم لیقول لک الحمد بما اریتنی جمالک و جعلتنی من الزّائرین" و همچنین میفرماید "تاللّه الحقّ انّ الأمر اعظم من ان یذکر و اظهر من ان یستر و اعلی من ان یصل الیه اعراض کلّ

معرض او مکر کلّ ماکر عنیداً" و ایضاً میفرماید "قل انّ روح القدس قد خلق بحرف ممّا نزّل من هذا الرّوح الأعظم ان انتم تفقهون ... قد ظهر فی هذا الظّهور ما لا ظهر فی ازل الآزال ... قد کنز فی هذا الغلام من لحن لو یظهر اقلّ من سمّ الابرة لتندکّ الجبال و تصفرّ الأوراق و تسقط الأثمار من الأشجار و تخرّ الأذقان و توجّه الوجوه لهذا الملک الّذی تجده علی هیکل النّار فی هیئة النّور و مرّة تشهده علی هیئة الأمواج فی هذا البحر الموّاج و مرّة تشهده کالشّجرة الّتی اصلها ثابت فی ارض الکبریآء و ارتفعت اغصانها ثمّ افنانها الی مقام الّذی صعد عن ورآء عرش عظیم"

ای حاملان امانت الهیّه از جهتی آوازهٔ امر الهی بلند است و تباشیر عصر حضرت بهآءاللّه بر عالم و عالمیان لائح قدرت غالبه‌اش بر مدّعیان آشکار است و آثار نهضت محیّره‌اش در آفاق نمودار شمامهٔ عنبرینش در جمیع اقطار منتشر است و لآلی بیشمارش از گنجینهٔ اسرار بر جهانیان منتثر و از جهتی انقلابات عالم ناسوت یوماً فیوماً در ازدیاد و قلاقل و اضطرابات ملکیّه‌اش آناً فآناً در انتشار افق سیاست تاریک است و بحران اقتصادی بغایت شدید مدنیّت مادّیّه در معرض خطرات عظیمه است و هیئت اجتماعیّه اساسش متزعزع و متزلزل افکار در هیجان است و نظم جهان پریشان ظلمت عصیان و طغیان عالمی را احاطه نموده و نورانیّت عدل و وفاق از دیدهٔ جهانیان پنهان گشته در مشرق اقصی نائرهٔ جنگ پراشتعال است و در اقطار غربیّه دائرهٔ فساد و شقاق در اتّساع قوای اقوام مختلفه بر اطفاء سراج دین برخاسته و در ترویج قواعد باطلهٔ ظاهر الاستحاله همّت بگماشته شرق در جنبش و هیجان است و غرب از ثقل فادح آفات متراکمه نالان و هراسان حزب شمال بتمام قوی بر ایجاد فتنه و افساد عقیده و ترویج مبادئ سقیمه قائم و در تولید بغض و خصومت و هدم بنیان دیانت ساعی و جاهد مکاید سیاسیّه در میان است و مقاصد خفیّه در جولان حکومات عالم بمنازعات وطنیّه و تعصّبات مختلفهٔ شدیده گرفتارند و بذیل تقالید عتیقه متشبّث ثقه و اعتمادشان بیکدیگر مسلوب و از تعاون و تعاضد محروم و مأیوس بصرف مبالغ باهضه در تهیّهٔ معدّات حربیّه و مهمّات عسکریّه و آلات جهنّمیّه سرّاً و جهراً مشغولند و بکمال جدّیّت باستحکام اساس استقلال سیاسی و اقتصادی خویش مألوف سرمست بادهٔ غرورند و اسیر دام حمیّهٔ جاهلیّه دول مقهوره در قطعهٔ اوروپ تشنهٔ انتقامند و در تولید ضغائن و دسائس پر سعی و اهتمام اقلّیّات قومیّه هر یک مستعدّ فتنه و فسادند و در توسعهٔ دائرهٔ انقلاب و هدم بنیان اعتساف متّحد و متّفق میزانیّهٔ اغنی حکومات عالم مختلّ و مشروعات تجاری و صناعی و زراعی اکثر طوائف و امم معوّق و معطّل

حنین و انین رنج‌بران در دو قارّهٔ اوروپ و امریک بلند است و خسائر فادحه و بلیّات هائله بر سرمایه‌داران از کلّ اطراف مهاجم عدّهٔ عاطلین و محتاجین در اقطار غربیّه در این ایّام به چهل کرور او ازید بالغ و این جمّ غفیر بحدّی پریشان و مهیّای فسادند که قوای حکومات قاهرهٔ مجرّبهٔ مقتدره از تسکین و سدّ احتیاجات ضروریّهٔ آنان عاجز و قاصر اینست که حضرت عبدالبهآء در اواخر ایّامش در لوحی از الواح صریحاً اخبار فرموده قوله جلّ بیانه "این ظلمات منکشف نگردد و این امراض مزمنه شفا نیابد بلکه روز بروز سخت‌تر شود و بدتر گردد بالکان آرام نگیرد از اوّل بدتر شود دول مقهوره آرام نگیرند بهر وسیله تشبّث نمایند که آتش جنگ دوباره شعله زند حرکتهای تازهٔ عمومی تمام قوّت را در تنفیذ مقاصد خویش مجری خواهند نمود حرکت شمالیّه خیلی اهمّیّت خواهد یافت و سرایت خواهد کرد ... در مستقبل حربی شدیدتر یقیناً واقع گردد قطعیّاً در این شبهه نیست"

ای یاران روحانی این خطرات عظیمه و مفاسد قویّه و اسقام مزمنه و اغتشاشات متزایده بعضی منبعث از نتائج وخیمهٔ جنگ اخیر است که بر ضغائن دیرینه بیفزود و فتنه و انقلابی جدید احداث کرد و چنان بار گرانی از غرامات و تعویضات مالیّه بر عهدهٔ دول مقهوره بگذاشت که کلّ از ادایش عاجزند بلکه غالب و مغلوب هر دو از مضرّات و عواقب سیّئه‌اش گرفتار و متألّمند و بعضی ناشی از اجراءات و تبلیغات مستمرّهٔ متواصلهٔ عصبهٔ غرور است که قوی را بتمامها حصر و متوجّه در هدم ارکان دین و ترویج لامذهبی نموده و بعضی نتیجهٔ اشتداد تعصّبات وطنیّه و انهماک در تقالید قومیّه و ظنون و اوهامات بالیه و تمسّک

مفرط باستقلال سیاسیّه و عدم توجّه بوحدت اصلیّهٔ بشریّه و قلّت ارتباط و تعاون بین دول شرقیّه و غربیّه و اهمال در تأسیس محکمهٔ کبرای الهیّه است ان انظروا و تدبّروا فیما نزّل من قلم القدم فی سجنه الأعظم عن لسان احد من عباده "عالم منقلب است و انقلاب او یوماً فیوماً در تزاید و وجه آن بر غفلت و لامذهبی متوجّه و اینفقره شدّت خواهد نمود و زیاد خواهد شد بشأنیکه ذکر آن حال مقتضی نه و مدّتی بر این نهج ایّام میرود و اذا تمّ المیقات یظهر بغتةً ما ترتعد به فرائص العالم اذاً ترتفع الأعلام و تغرّد العنادل علی الأفنان"

ای احبّای الهی چه مطابق است حال حاضر پرملال حکومات و ملل عالم با آنچه را قلم اعلی در سنین اوّلیّهٔ ورود سجن اعظم مخاطباً لمن فی العالم انذار و اخبار و تبیین و تشریح فرموده و در الواح نصحیّه و قهریّهٔ خود مدوّن فرموده قوله جلّت قدرته و عزّ بیانه "تدبّروا و تکلّموا فیما یصلح به العالم و حاله لو انتم من المتوسّمین فانظروا العالم کهیکل انسان انّه خلق صحیحاً کاملاً فاعترته الأمراض بالأسباب المختلفة المتغایرة و ما طابت نفسه فی یوم بل اشتدّ مرضه بما وقع تحت تصرّف اطبّآء غیر حاذقة الّذین رکبوا مطیّة الهوی و کانوا من الهائمین ... و الّذی جعله اللّه الدّریاق الأعظم و السّبب الأتمّ لصحّته هو اتّحاد من علی الأرض علی امر واحد و شریعة واحدة هذا لا یمکن ابداً الّا بطبیب حاذق کامل مؤیّد لعمری هذا لهو الحقّ و ما بعده الّا الضّلال المبین ...

یا معشر الملوک انّا نراکم فی کلّ سنة تزدادون مصارفکم و تحملونها علی الرّعیّة ان هذا الّا ظلم عظیم اتّقوا زفرات المظلوم و عبراته و لا تحملوا علی الرّعیّة فوق طاقتهم ... ان اصلحوا ذات بینکم اذاً لا تحتاجون بکثرة العساکر و مهمّاتهم الّا علی قدر تحفظون به ممالککم و بلدانکم ایّاکم ان تدعوا ما نصحتم به من لدن علیم امین ان اتّحدوا یا معشر الملوک به تسکن ارياح الاختلاف بینکم و تستریح الرّعیّة و من حولکم ان انتم من العارفین ان قام احد منکم علی الآخر قوموا علیه ان هذا الّا عدل مبین"

و همچنین میفرماید "اهل ثروت و اصحاب عزّت و قدرت باید حرمت دین را بأحسن ما یمکن فی الابداع ملاحظه نمایند دین نوری است مبین و حصنی است متین از برای حفظ و آسایش اهل عالم چه که خشیة اللّه ناس را بمعروف امر و از منکر نهی نماید اگر سراج دین مستور ماند هرج و مرج راه یابد ... قلم اعلی در این حین مظاهر قدرت و مشارق اقتدار یعنی ملوک و سلاطین و رؤسا و امرا و علما و عرفا را نصیحت میفرماید و بدین و بتمسّک بآن وصیّت مینماید آنست سبب بزرگ از برای نظم جهان و اطمینان من فی الامکان سستی ارکان دین سبب قوّت جهّال و جرأت و جسارت شده براستی میگویم آنچه از مقام بلند دین کاست بر غفلت اشرار افزود و نتیجه بالأخره هرج و مرج است اسمعوا یا اولی الأبصار ثمّ اعتبروا یا اولی الأنظار" ایضاً میفرماید "ابهی ثمرهٔ شجرهٔ دانش اینکلمهٔ علیاست همه بار یکدارید و برگ یک شاخسار لیس الفخر لمن یحبّ الوطن بل لمن یحبّ العالم"

و همچنین حضرت عبدالبهآء در رسالهٔ مدنیّه میفرماید "بلی تمدّن حقیقی وقتی در قطب عالم علم افرازد که چند ملوک بزرگوار بلندهمّت چون آفتاب رخشندهٔ عالم غیرت و حمیّت بجهت خیریّت و سعادت عموم بشر بعزمی ثابت و رأی راسخ قدم پیش نهاده مسئلهٔ صلح عمومی را در میدان مشورت گذارند و بجمیع وسائل و وسائط تشبّث نموده عقد انجمن دول عالم نمایند و یک معاهدهٔ قویّه و میثاق و شروط محکمهٔ ثابته تأسیس نمایند و اعلان نموده باتّفاق عموم هیئت بشریّه مؤکّد فرمایند این امر اتمّ اقوم را که فی‌الحقیقه سبب آسایش آفرینش است کلّ سکّان ارض مقدّس شمرده جمیع قوای عالم متوجّه ثبوت و بقای این عهد اعظم باشند و در این معاهدهٔ عمومیّه تعیین و تحدید حدود و ثغور هر دولتی گردد و توضیع روش و حرکت هر حکومتی شود و جمیع معاهدات و مناسبات دولیّه و روابط و ضوابط مابین هیئت حکومتیّهٔ بشریّه مقرّر و معیّن گردد و کذلک قوّهٔ حربیّهٔ هر حکومتی بحدّی معلوم مخصّص شود چه اگر تدارکات محاربه و قوّهٔ عسکریّهٔ دولتی ازدیاد یابد سبب توهّم دول

سائره گردد باری اصل مبنای این عهد قویم را بر آن قرار دهند که اگر دولتی از دول من‌بعد شرطی از شروط را فسخ نماید کلّ دول عالم بر اضمحلال او قیام نمایند بلکه هیئت بشریّه بکمال قوّت بر تدمیر آن حکومت برخیزد اگر جسم مریض عالم باین داروی اعظم موفّق گردد البتّه اعتدال کلّی کسب نموده بشفای باقی دائمی فائز گردد ...

و بعضی اشخاص که از همم کلّیّهٔ عالم انسان بیخبرند این امر را بسیار مشکل بلکه محال و ممتنع شمرند نچنانست بلکه از فضل پروردگار و عنایت مقرّبین درگاه آفریدگار و همّت بیهمتای نفوس کاملهٔ ماهره و افکار و آراء فرائد زمانه هیچ امری در وجود ممتنع و محال نبوده و نیست همّت همّت غیرت غیرت لازم است چه بسیار امور که در ازمنهٔ سابقه از مقولهٔ ممتنعات شمرده میشد که ابداً عقول تصوّر وقوع آنرا نمینمود حال ملاحظه مینمائیم که بسیار سهل و آسان گشته و این امر اعظم اقوم که فی‌الحقیقه آفتاب انور جهان مدنیّت و سبب فوز و فلاح و راحت و نجاح کلّ است از چه جهت ممتنع و محال فرض شود و لابدّ بر اینست که عاقبت شاهد این سعادت در انجمن عالم جلوه‌گر گردد چه که آلات و ادوات حربیّه بر این منوال بدرجه‌ئی رسد که حرب بدرجهٔ ما لا یطاق هیئت بشریّه واصل گردد"

و همچنین میفرماید "در هر ظهوری که اشراق صبح هدی شد موضوع آن اشراق امری از امور بود ... در این دور بدیع و قرن جلیل اساس دین اللّه و موضوع شریعت اللّه رأفت کبری و رحمت عظمی و الفت با جمیع ملل و صداقت و امانت و مهربانی صمیمی قلبی با جمیع طوائف و نحل و اعلان وحدت عالم انسانست ... در دورهای سابق هرچند ائتلاف حاصل گشت ولی بکلّی ائتلاف من علی الأرض غیر قابل زیرا وسائل و وسائط اتّحاد مفقود و در میان قطعات خمسهٔ عالم ارتباط و اتّصال معدوم بلکه در بین امم یک قطعه نیز اجتماع و تبادل افکار معسور لهذا اجتماع جمیع طوائف عالم در یک نقطهٔ اتّحاد و اتّصال و تبادل افکار ممتنع و محال امّا حال وسائل اتّصال بسیار و فی‌الحقیقه قطعات خمسهٔ عالم حکم یک قطعه یافته و از برای هر فردی از افراد سیاحت در جمیع بلاد و اختلاط و تبادل افکار با جمیع عباد در نهایت سهولت میسّر بقسمیکه هر نفسی بواسطهٔ نشریّات مقتدر بر اطّلاع احوال و ادیان و افکار جمیع ملل و همچنین جمیع قطعات عالم یعنی ملل و دول و مدن و قری محتاج یکدیگر و از برای هیچیک استغنای از دیگری نه زیرا روابط سیاسیّه بین کلّ موجود و ارتباط تجارت و صناعت و زراعت و معارف در نهایت محکمی مشهود لهذا اتّفاق کلّ و اتّحاد عموم ممکن الحصول و این اسباب از معجزات این عصر مجید و قرن عظیم است و قرون ماضیه از آن محروم زیرا این قرن انوار عالمی دیگر و قوّتی دیگر و نورانیّتی دیگر دارد اینست که ملاحظه مینمائی در هر روزی معجز جدیدی مینماید و عاقبت در انجمن عالم شمعهای روشنی برافروزد و مانند بارقهٔ صبح این نورانیّت عظیمه آثارش از افق عالم نمودار گشته شمع اوّل وحدت سیاسی است و جزئی اثری ازآن ظاهر گردیده و شمع دوم وحدت آراء در امور عظیمه است آن نیز عنقریب اثرش ظاهر گردد و شمع سوّم وحدت آزادیست آن نیز قطعیّاً حاصل گردد و شمع چهارم وحدت دینی است این اصل اساس است و شاهد این وحدت در انجمن عالم بقوّت الهیّه جلوه نماید و شمع پنجم وحدت وطنیّت در این قرن این اتّحاد و یگانگی نیز بنهایت قوّت ظاهر شود جمیع ملل عالم عاقبت خود را اهل وطن واحد شمارند و شمع ششم وحدت جنسی است جمیع من علی الأرض مانند جنس واحد شوند و شمع هفتم وحدت لسان است یعنی لسانی ایجاد گردد که عموم خلق تحصیل آن نمایند و با یکدیگر مکالمه کنند این امور که ذکر شد جمیعاً قطعیّ الحصول است زیرا قوّتی ملکوتیّه مؤیّد آن"

حال ای عزیزان الهی ملاحظه نمائید که چگونه قلم اعلی و کلک اطهر حضرت عبدالبهآء در الواح قدسیّه و زبر قیّمهٔ مقدّسهٔ الهیّه تلویحاً و تصریحاً اخبار از وقوعات حالیّه نموده و تصریح فرموده که این تعصّبات جاهلیّه ازدیاد یابد و مفاسد قویّه شدّت نماید و حرکتهای تازهٔ عمومی بر هیجان و انقلاب بیفزاید و غفلت و لامذهبی در بین جمیع طبقات رواج یابد و آفات و

بلیّات من کلّ الجهات هیئت اجتماعیّه را احاطه نماید و عاقبة الأمر طغیان این طوفان منتهی بانقلابی گردد که شبه آنرا چشم عالم ندیده و در هیچ تاریخی ثبت و مدوّن نگشته

و این انقلاب اعظم بنفسه ممدّ آئین الهی است و مؤسّس وحدت عالم انسانی تعصّبات را زائل نماید و کافّهٔ دول و امم را در بسیط زمین متوجّه و متمسّک و مروّج وحدت اصلیّه گرداند جهانیانرا بتأسیس محکمهٔ کبرای الهی دلالت فرماید و رؤسای ارض را برفع لواء صلح اعظم مطابقاً لما نزّل من القلم الأعلی و من مبیّن آیاته الکبری مؤیّد و مفتخر گرداند عالم را یکوطن نماید و مصداق اذاً تری الأرض جنّة الأبهی بر کافّهٔ انام ظاهر و آشکار فرماید ملکوت اللّه را ترویج و تأسیس نماید و بسیط غبراء را آئینهٔ ملأ اعلی گرداند کرّة اخری نصّ صریح وعدهٔ الهی را بیاد آرید که میفرماید "و مدّتی بر این نهج ایّام میرود و اذا تمّ المیقات یظهر بغتةً ما ترتعد به فرائص العالم اذاً ترتفع الأعلام و تغرّد العنادل علی الأفنان"

ای عشّاق امر بها وقت آنست که کلّ بپاس این عنایات عظمی اعزازاً لأمره المقدّس الأبهی و تسریعاً لتحقّق کلمته الجامعة العلیا متوجّهاً الیه منقطعاً عمّا سواه در سبیل ترویج وحدت اصلیّه و هدم بنیان عتیق تعصّبات جنسیّه و سیاسیّه و وطنیّه جانفشانی نمائیم و در تولید حسن تفاهم و تعاون و تعاضد بین ملل و اقوام متغایره و تحدید نطاق منازعات آتیه و تقلیل و تخفیف ثقل عظیم بلیّات حتمیّهٔ آینده بهمّتی خلل‌ناپذیر و شجاعت و شهامتی بدیع در انجمن عالم مبعوث گردیم و چنان قیامی نمائیم که سکّان ملأ اعلی ندای واطوبا برآرند و بهتاف بشری لکم یا ملأ البهآء تحسین و تهنئت نمایند از زوابع امتحان و شدائد افتتان خائف و هراسان نگردیم و از حوادث خطیرهٔ آتیه و وقوعات هائلهٔ کدره مرعوب و مضطرب نشویم از تحدیدات ملکیّه و شئونات آفاقیّه و ظنون و اوهامات ناسوتیّه چون برق درگذریم و در وضع قوائم و دعائم مدنیّت جدیدهٔ بدیعهٔ الهیّه همّتی شایان بگماریم با احدی از جالسین بر وسادهٔ عزّت و منصب مداهنه ننمائیم و با هیچ دولتی سرّاً مرتبط نگردیم از اقاویل و اباطیل انفس سافلهٔ لاهیه چشم پوشیم و بنفع عموم پردازیم از نصوص صریحهٔ قاطعهٔ الهیّه انحراف نورزیم و در مخاصمات و مناقشات و مجادلات احزاب ادنی مداخله‌ئی را جائز ندانیم باغراض مشتهیهٔ نفسیّه این پیام الهی را آلوده و ننگین نگردانیم و میراث مرغوب لا عدل له را بزخارف این دنیای دنیّه مبادله ننمائیم از تظاهر و تقیّه و تملّق بپرهیزیم و حبال تسویف اهل تدلیس را بسرپنجهٔ قدرت و شهامت منفصم سازیم از مدینهٔ وهمیّه قدم بیرون گذاریم و حجبات غلیظهٔ غفلت را بنار محبّتش محترق سازیم اقالیم شرق و غرب را یکوطن شماریم و ملل و اجناس متباغضه را اعضا و ارکان یک دودمان پنداریم مبادئ سیاست اللّه را علی رؤوس الأشهاد اعلان و ترویج نمائیم و از مداخلهٔ در سیاست رؤسای ارض در کلّ اقطار احتراز و اجتناب جوئیم صفوف مقلّدین و متوهّمین را بقوّهٔ توکّل در هم شکنیم و جرثوم رقابت و خصومت را در انجمن بنی‌آدم محو و زائل نمائیم مصالح شخصیّه و وطنیّه را در هیچ موردی مقدّم بر مقتضیات اساسیّهٔ وحدت حقیقیّهٔ بشریّه نشمریم و بذر پاک حبّ عالم انسانیرا در مزرعهٔ قلوب صافیهٔ سلیمه بیفشانیم عزّت و زینت ظاهرهٔ فانیه را طالب نگردیم و از مطامع ارضیّه و مآرب شیطانیّه ساحت دل را منزّه و مقدّس گردانیم فریب اهریمنانرا نخوریم و رغائب و امیال مستکبرین و مغرضین را ترویج نکنیم ضیاء این امر نفیس را بغبار نفس و هوی تیره ننمائیم و زمام و مقالید این آئین گرانبها را بنفوس سارقهٔ کاذبه نسپریم از ملامت حسودان و ذمّ و قدح بیخردان و نابالغان سست و پریشان نگردیم و از انتقادات و اسنادات کوته‌نظران اندیشه ننمائیم بلکه در جمیع موارد بیقین مبین بدانیم که آنچه واقع گردد خیر و صلاح امر اللّه است و وسیلهٔ تحقّق وعود حتمیّهٔ مولای بیهمتا ممهّد سبیل است و ممدّ شریعت ربّ یکتا چنانچه میفرماید "لن یظهر فی الأرض من شیء الّا و قد قدّر فیه مقادیر القدر من حکیم علیم و لن یحرّک من ذرّة الّا و قد قدّر فیها حکمة بالغة و کیف هذا النّبأ الأعظم القویم"

و همچنین میفرماید "ای عباد اگر در این ایّام مشهود و عالم موجود فی‌الجمله بر خلاف رضا از جبروت قضا واقع شود دلتنگ مشوید که ایّام خوش رحمانی آید و عالمهای قدس روحانی جلوه نماید و شما را در جمیع آن ایّام و عوالم قسمتی مقدّر

و عیشی معیّن و رزقی مقرّر است البتّه بجمیع آنها رسیده فائز گردید"

و اختم الکلام بما نزّل من القلم الأعلی فی مقام آخر "تاللّه الحقّ لو یقوم واحد علی حبّ البهآء فی ارض الانشآء و یحارب معه کلّ من فی الأرض و السّمآء لیغلّبه اللّه علیهم اظهاراً لقدرته و ابرازاً لسلطنته ... و من یفتح الیوم شفتاه لذکر مولاه یؤیّده جنود وحی اللّه بالهام بدیع و یجری اللّه عن فمه کوثر العرفان و ینطقه بالحکمة و البیان علی شأن لن یقدر ان یتکلّم بین یدیه احد من الخلائق اجمعین"

بندهٔ آستانش شوقی

رضوان سنه ۸۹

توقیع مبارک نوروز ۱۰۱ بدیع

احبّای الهی و امآء الرّحمن برادران و خواهران روحانی در بلدان و ممالک شرقیّه علیهم اطیب التّحیّة و الثّنآء ملاحظه نمایند

الحمد للّه الفرد الأحد الأزلیّ الصّمد الحقیقة الفائضة و الهویّة الجامعة الغیب المنیع و الکنز الخفیّ مبدأ الفیض علّة العلل مبعث الرّسل شارع الأدیان وحده لا شریک له فی الملک و لا نظیر له فی الابداع کلّ عباد له و کلّ بأمره قائمون و بمشیئته یتحرّکون و من فضله سائلون کلّ بدئوا منه و کلّ الیه یرجعون سبحانه سبحانه عمّا یصفه المرسلون او یذکره البالغون

و الصّلوة و السّنآء علی اعظم نور سطع و لاح من مطلع الاشراق علی الآفاق جمال القدم و الاسم الأعظم و الرّمز المنمنم بهآءاللّه الأفخم الأکرم حقیقة الحقائق جوهر الجواهر نور الأنوار الاسم المکنون و السّرّ المصون الأصل القدیم و النّبأ العظیم المظهر الکلّیّ الالهی مطاف الرّسل و الموعود فی الکتب و الصّحف و المذکور بلسان النّبیّین و المرسلین ربّ الجنود مکلّم الطّور بانی الهیکل مطهّر العلل الجالس علی کرسیّ داوود الأب السّماوی الألف و الیآء ملک الملوک ربّ الملکوت مالک یوم الدّین صاحب العهد ربّ المیثاق نیّر الآفاق الظّاهر باسم القیّوم الملقّب فی الکتاب المجید بمن یظهره اللّه بقیّة اللّه المنتظر و المنظر الأکبر للبشر مظلوم العالم و محیی الرّمم و رافع بنیان الصّلح الأعظم بین الأمم الّذی بظهوره فکّ الرّحیق المختوم و امتحن اللّه حقائق النّبیّین و المرسلین و ظهرت الطّامّة الکبری و الرّادفة العظمی و نفخ فی الصّور مرّةً اخری اذا اشرقت الأرض بنور ربّها و حدّثت اخبارها و اخرجت اثقالها تعالی تعالی عزّه و بهائه و مجده و علائه و سلطنته و جبروته و کبریائه

و التّحیّة و البهآء علی مبشّره الفرید قرّة عین النّبیّین باب اللّه الأعظم و ذکر اللّه الأکبر الأکرم الأفخم و حجّة اللّه بین الأمم الدّرّة الأولی و العلیّ الأعلی و النّقطة الأولی الظّاهر بآثار جمیع الأنبیآء وجه اللّه الّذی لا یموت و نوره الّذی لا یفوت القائم الموعود المهدیّ المنتظر صبح الهدایة صاحب الزّمان سلطان الرّسل الّذی بظهوره قامت القیامة و اتت السّاعة و انشقّت الأرض و انفطرت السّمآء و مرّت الجبال و انصعقت الکائنات و امتدّ الصّراط و نصب المیزان و سعّرت النّیران و وضعت کلّ ذات حمل حملها و انفلق فجر الهدی و ظهرت البشارة الکبری و اقترب بزوغ شمس البهآء السّاطعة انوارها علی الخلائق اجمعین

و التّکبیر و الثّنآء علی انبیآء اللّه و سفرائه هیاکل التّوحید و حقائق التّجرید المظاهر الالهیّة و المرایا الصّافیة و الکلمات التّامّة و الکینونات المقدّسة الّذین اختارهم اللّه و جعلهم مظاهر نفسه و مهابط وحیه و مطالع انواره و مشارق امره و امنآء سرّه و مظاهر صفاته و ینابیع حکمته و مکامن الهامه و کنائز علمه و مخازن بیانه و اعلام قدرته و سرج هدایته و مشاعل حبّه و حملة امانته و مصادر احکامه و بهم اظهر امره و انزل کتابه و اسّس شریعته و اثبت برهانه و بلّغ رسالته و بشّر الخلق بیوم اللّقآء یوم الحساب یوم المیعاد یوم التّلاق یوم اللّه المخیف یوم یقوم النّاس لربّ العالمین

و الصّلوة و السّلام علی مرکز عهد اللّه و میثاقه غصن اللّه الأعظم سرّ اللّه الأقوم الأکرم و الخلیج المنشعب من بحر القدم المثل الأعلی حضرة من طاف حوله الأسمآء حضرة من اراده اللّه قرّة عین البهآء و ودیعته بین خلقه و مبیّن آیاته و کلماته و حصن امره و درع دینه و مروّج شریعته و امین سرّه و شارح اصول نظمه و رافع لوآء نصره و المتوّج باکلیل العبودیّة فی خدمة امره

و الرّوح و الضّیآء علی اولیآء اللّه و اوصیائه و اصفیائه و انصاره و ادلّائه و شهدائه و نقبائه الّذین اختارهم النّبیّون و المرسلون لتنفیذ احکام اللّه و تبیین کلماته و استحکام دعائم شریعته و نصرة امره و اعلآء شأن دینه و بسط دعوته و اثبات قدرته و احقاق حقّه و دفع شرّ اعدائه و خصمائه و التّسلیم و الثّنآء علی اهل البهآء اصحاب الرّایة البیضآء و الرّاکبین فی السّفینة

الحمرآء و على آله و اوراق دوحته و فروع سدرته و حروفات كتابه و ايادى امره و ادلّآء صراطه و الثّابتين على عهده و المتمسّكين بعروة ولايته و المستشهدين فى سبيله و النّاشرين لنفحاته و المؤسّسين لأركان نظمه البديع وليد شريعته و ثمرة ميثاقه الأعزّ الأرفع الأقدس الممتنع الفريد

يا معشر المؤمنين در اين دم كه قرن اوّل افخم كور اعظم جمال قدم كه بشهادت مركز ميثاق آن محيى رمم آفتاب روشن قرون اولى و نيّر منوّر قرون اخرى است در شرف اختتام است بانگ ياطوبى و يابشرى از اهل ملأ اعلى بلند است و صوت تهليل و تكبير و تقديس و تسبيح در حول حرم كبريا از اعلى غرفات جنّت ابهى متصاعد

تبارک هذا القرن الأبدع البديع و العصر الدّرّىّ المشعشع المبارک المنيع الّذى ما رأت شبهه عيون الأوّلين و الآخرين

تبارک هذا القرن الأبدع البديع الّذى فيه انشأ اللّه بمشيئته الغالبة و ارادته النّافذة السّدرة الالهيّة و الدّوحة الصّمدانيّة فى قطب الآفاق فنمت و اخضرّت و اورقت و ازهرت و اثمرّت و فرّعت و امتدّ ظلّها الظّليل على العالمين

تبارک هذا القرن الأبدع البديع الّذى فى اوّل ليلة منه شقّ حجاب السّتر و عبقت نفحة اللّه و اهتزّت ارض الوجود و طوى بساط الأوّلين و ظهرت الألف القائمة و قامت القيامة و فتح باب الأعظم على وجه الأمم و سطع عن افق الفارس نور اللّه العلىّ الأعلى و رفع النّقاب عن وجه الغلام الأبطحىّ العلوىّ و برزت و تجلّت النّقطة الأوّليّة الّتى تدور فى حولها ارواح المرسلين

تبارک هذا القرن الأبدع البديع الّذى فيه اتى اللّه فى ظلل من الغمام و قام الرّوح و خرج جمال القدم عن خلف الف الف حجاب من النّور و كشف عن وجهه النّقاب و اظهر فى ارض العراق رشحاً من النّور المهيمن الحمرآء اذاً نفخ فى الصّور مرّةً اخرى و استقرّ مكلّم الطّور على عرش الظّهور و اتى الرّبّ من ربوات القدس و ظهر من طاف حوله نقطة البيان و غرّد روح الأعظم فى صدر البهآء و كشف برقع السّتر عن جمال الحسين بعد القائم و ظهر الأب بمجده العظيم و نزّل ربّ الجنود فى ارض الميعاد و ارتفعت الصّيحة و ناد المناد من مكان قريب

تبارک هذا القرن الأبدع البديع الّذى فيه زلزلت الأرض زلزالها و خرجت اثقالها و ذهلت كلّ مرضعة عمّا ارضعت فتتابعت الزّوابع و نسفت الجبال و انفطرت السّمآء و اندكّت ارض الوجود و اسودّت الوجوه و ظهر سرّ التّنكيس لرمز الرّئيس و برزت الفتنة العميآء الصّمّآء و ظهر الفزع الأكبر و نعق النّاعق و سقط الصّنم الأعظم و ناح الطّاغوت و تزلزلت اركان الجبت و انصعق الطّوريّون و تبدّل النّور بالنّار و ظهرت ايّام الشّداد وتحرّكت طيور اللّيل و هبّت روائح النّقض و اشتدّت عواصف الامتحان و يبست الأغصان و اصفرّت و انتشرت الأوراق و ضجّت القبائل و اضطرم نيران الحرب و القتال فى الآفاق و ظهر ما ارتعدت به فرائص العالم و ارتفع الضّجيج و العويل و احترقت المدن و تتابعت صواعق يوم القهر و ظهر انتقام اللّه الأكبر و هبّت ارياح كره عقيم

تبارک هذا القرن الأبدع البديع الّذى فيه تلألأت انوار الصّدق و الصّفآء فى وجوه الأوليآء و اضطرم نار الحبّ و الولآء فى صدور الوف من الأصفيآء المتمسّكين بالعروة النّورآء و السّالكين فى المنهج البيضآء عشّاق جمال الأبهى و الطّلعة الأولى الأعلام الخافقة و الشّهب الثّاقبة و النّجوم الدّرهرهة و الأطواد الباذخة خيرة الخلق و صفوتهم الّذين خصّصهم اللّه لهذا الشّرف العظيم و اجتباهم لاثبات حجّته بين العالمين و ثبّتهم على عهده القويم و رفع بهم رايات امره المبين و نصب بهم اركان نظمه البديع و البسهم حلل التّقديس و التّنزيه و بلّغ بهم رسالاته و ارسلهم الى مشهد الفدآء بآيات استجذبت منها حقائق النّبيّين و المرسلين

تبارک هذا القرن الأبدع البديع الّذى فيه فكّ الرّحيق المختوم بأنامل القيّوم و كشف الحجاب عن الحقائق المودوعة فى كنائز العصمة و خرجت حوريّات المعانى من غرفات الكلمات و انكشفت الأسرار و ظهرت البشارات و تحقّقت الوعود و النّبوّات و انجلت الرّموز و الاشارات المستورة فى بطون الآيات من التّوراة و الزّبور و الانجيل و الفرقان و عن ورائهم احاديث سيّد المرسلين و ائمّة الطّاهرين و صحف اوليآء اللّه و اخبار امنآء سرّه و مصادر احكامه من الأوّلين و الآخرين

تبارک هذا القرن الأبدع البديع الّذی فيه اقشعرّت جلود المنكرين و المعرضين و الظّالمين من الملوک و السّلاطين و الخلفآء و الأمرآء و العلمآء و الفقهآء و الوزرآء و السّفرآء و الأغنيآء و الأعزّآء فی مشارق الأرض و مغاربها الّذين استكبروا علی اللّه فی القيامة الأولی ثمّ فی القيامة الأخری ثمّ فی عهد مركز ميثاقه الأعزّ الأمتن الأرفع الأسمی و اعتزلوا عنه و جاحدوا بآياته و كذّبوا ببرهانه و افتوا علی قتله و هتكوا ستر حرمته و حكموا بنفيه و سجنه و سجن اهله و اصحابه و استهزؤوا برسله و سفرائه و غصبوا حقّ اوليائه و حاربوا مع امنائه و حروفاته و ادلّائه و اودّائه و سفكوا دمآء عشّاقه و خدمة امره و شتّتوا شمل احبّائه و غفلوا عن حجّته و بيّناته و انذاراته قد خابت آمالهم و حبطت اعمالهم و طوی فراشهم و محی اللّه آثارهم و بدّد شملهم و قطع دابرهم و اخذهم بقدرة من عنده و قهر من لدنه و رجعهم الی مثواهم فی قعر الجحيم

تبارک هذا القرن الأبدع البديع الّذی فيه ظهرت الآية الكبری و سطر الرّقّ المنشور بأثر من القلم الأعلی و نزّل الكتاب المكنون الموصوف بالصّحيفة الحمرآء و تأسّس البنيان المرصوص فی ظلّ شجرة انيسا عهد اللّه الوثيق و ميثاقه الغليظ الّذی اخذه اللّه فی ذرّ البقآء القسطاس الأعظم مغناطيس التّأييد سفينة النّجاة العروة الوثقی اللّوآء المعقود و الحبل الممدود بين الأرض و السّمآء الّذی جعله اللّه ميزان كلّ شیء و اختصّه لهذا الظّهور اظهاراً لقدرته و اثباتاً لعظمته و اعزازاً لشريعته و حفظاً لكيان امره الغالب المقدّس المهيمن الأوعر الخطير

تبارک هذا القرن الأبدع البديع الّذی فيه نزّل النّاموس الأكبر و رشّ البحر الأعظم علی الأمم و نفخ روح الحيوان فی جسد العالم و جرت سفينة الأحكام و نصب ميزان العدل و نزّلت اورشليم الجديدة من السّمآء و صدر الكتاب المقدّس الأقدس من يراعة مالک الأنام الرّقّ المنشور السّفر القديم الصّحيفة العليا و المرجع الأعلی و الحجّة العظمی فرات الرّحمة بين البريّة و مشكاة الفلاح فی ملكوت الابداع قسطاس الهدی بين الوری و برهان الرّحمن لمن فی الأرضين و السمّوات

تبارک هذا القرن الأبدع البديع الّذی فيه نصبت دعائم قصره المشيد و نظمه البديع وليد شريعته السّمحآء الّذی بشّر بظهوره ذكر اللّه الأكرم و باب اللّه الأعظم فی كتابه المبارک المجيد و صرّح به مؤسّسه الفريد فی كتابه المقدّس الأقدس و بيّن اصوله و شرح فروعه غصن اللّه الأعظم المنصوص من القلم الأعلی مركز عهد اللّه و ميثاقه فی كتاب وصيّته بأثر من قلمه المبارک المقدّس الشّريف

تبارک هذا القرن الأبدع البديع الّذی فيه تتابعت البشارات العظمی الصّادرة من القلم الأعلی و المؤيّدة ببراعة مركز عهده الأوفی و النّاطقة بقرب تأسيس المدنيّة الالهيّة و السّلطنة الأزليّة و ظهور ملكوت اللّه و سطوع انوار الصّلح و الوئام بين الأنام و نصب سرادق العدل فی قطب الآفاق و ارتفاع اعلام استقلال الشّريعة السّمحآء و توثيق عری الاتّحاد و الاتّفاق و الأخوّة البشريّة و الوحدة الأصليّة بين العموم من كافّة الأجناس و الأوطان و الطّبقات و الأديان و بلوغ العالم الی درجة الكمال بحيث تبدّل الأرض غير الأرض و تصبح قطعة من الفردوس تنعكس فيها انوار الملإ الأعلی اذاً تری الأرض جنّة الأبهی يومئذ يفرح المؤمنون

يا ليلة القدس عليک من التّحيّات اكملها و ابهاها و من الصّلوات اطيبها و ازكيها يا قرّة عين الابداع و غرّة ايّام اللّه و مطلع العصر الأعزّ الأكرم و مبدأ القرن المبارک الأفخم بحلولک فتح باب الأعظم علی وجه العالم و ظهر السّرّ الأكتم و سطع النّور الأقدم و امتدّ الصّراط الأقوم و عبقت روائح الرّوح علی كلّ الأمم بذكرک استفرح الخليل فی قلبه و استبشر الكليم فی ذاته و استجذب الرّوح بكلّيّته و اهتزّ الحبيب طرباً فی نفسه و سبّح و هلّل اهل ملإ العالين من الكرّوبين و القدّيسين و الملائكة المقرّبين بک انارت الأرضون و السّموات و فيک بعثت اللّيالی و منک استضآء الأيّام و حولک طافت ليلة القدر و بظهورک ابتسم ثغر الوجود و تشهّق طاووس الأحديّة فی قطب الجنان و دلع ديک العرش حول حرم الكبريآء و تموّج البحر الأحمر و ظهر جمال الورد و كشف النّقاب عن جمال المعشوق بشأن تحيّرت افئدة النّبيّين و المرسلين

طوبی الف طوبی لمن عرف شأنک و حفظ حرمتک و شهد آثارک و استفاض من فیوضاتک و افتخر بأسرارک و اقرّ و اعترف بسلطانک و مقامک المتعظّم المتعزّز المتعالی المشعشع المقدّس الباذخ الفرید

ای اهل بها ملاحظه نمائید چگونه ید قدرت الهیّه مشتی از مستضعفین عباد را که بطائفهٔ شیخیّهٔ منشعبهٔ از فرقهٔ شیعهٔ اثنی‌عشریّه منسوب و در سلک طلّاب محشور و در انظار جمهور هموطنان از علما و فقها و ادبا و فضلا و متشرّعین و ارباب مناصب عالیه بنظر حقارت منظور و از مضلّین و منحرفین از صراط سیّد المرسلین محسوب و در چنگ ملّتی جاهل و متعصّب و متوحّش گرفتار و بقهر و سخط سلطانی معذّب و از اسباب ملکیّه و زخارف دنیویّه و شوکت و عزّت و مکنت و ثروت ظاهره بی بهره و نصیب مبعوث و مؤیّد فرمود و نصرت و برکتی عنایت کرد و عزّت و سطوتی بخشید که در اندک زمانی متدرّجاً با وجود هجمات عنیفهٔ سلاطین و امرای سلسلهٔ قاجاریّه و تعرّضات شدیدهٔ ملوک و خلفای اسلام و لطمات واردهٔ از علما و فقهای ملّت فرقان و دسائس و مفتریات حزب شیطان و رؤسای بیان و تحریکات و وساوس ناقضان و ناکثان عهد و پیمان و تزویر و تدلیس متمرّدان و بی‌وفایان و اعتراضات و دسائس مبشّرین ملّت روح این فئهٔ قلیله آوازه‌اش در سبع طباق منتشر گردید و صیت عظمتش جهانگیر گشت امّتی قویّ البنیان ثابت الأرکان ممتدّة الفروع در هشتاد ۸۰ اقلیم از اقالیم جهان ایجاد نمود و بتأسیس آئینی جدید و نظمی بدیع و جامعه‌ئی مستقلّ مؤیّد و موفّق گردید

در آغاز انتشارش این امر مبین از خطّهٔ فارس مهد آئین نازنین بممالک مجاورهٔ عراق و هندوستان سرایت نمود و در ممالک عثمانیان خیمه و خرگاه برافراخت در مدینهٔ کبیره مرکز خلافت عظمی و ارض سرّ رنّهٔ ملکوتیش مرتفع شد و زلزله بارکان دولت جائره بینداخت سپس در ارض میعاد لانهٔ انبیا و مرسلین مقرّ و مأوی جست و در مرج عکّا ملحمهٔ کبری وادی النّبیل مأدبة اللّه مدینهٔ محصّنه بقعهٔ مبارکهٔ بیضا استقرار یافت از سجن اعظم ندای مهیمنش گوشزد ملوک و سلاطین گشت و پرچم هدایت کبرایش در برّیّة الشّام و اقلیم مصر و قفقازیا و ترکستان منصوب گردید سراپردهٔ عظمتش در جبل کرمل در قرب مقام حضرت ایلیا مرتفع گشت و شریعهٔ غرّایش از صهیون جاری شد صیحه‌اش از مکان قریب بلند شد و هیکل موعود بایادی قدرت حضرت قیّوم بنا گشت اندک‌اندک انوار الهیّه‌اش در ممالک فرنگ سطوع یافت و در قطب امریک مهد مدنیّت الهیّه جلوه‌ئی حیرت‌انگیز نمود و در عواصم قارّهٔ اوروپ قلوب شیخ و شاب و وضیع و شریف را باهتزاز آورد و قبائل بعیدهٔ متباغضه را بوحدت اصلیّه دعوت نمود و در ظلّ سراپردهٔ میثاق مجتمع ساخت چین را بحرکت آورد و در اقلیم ژاپان و اقصی جنوب قارّهٔ افریک و بلاد شاسعهٔ استرالیا و جزائر نائیهٔ محیط اعظم نغمهٔ جان‌افزایش را بگوش خاصّ و عام برسانید در آفاق غربیّه و اقالیم شمالیّه و ممالک جنوبیّه بساطی جدید بگسترانید و قلوب جمعی را از امیر و حقیر بمغناطیس حبّش بربود بر خصم لدود عاقبة الأمر غالب گشت و از قیود اسارت و ذلّت برهید و صفوف دشمنان داخل و خارج و قدیم و جدید و دینی و سیاسی را متفرّق و متشتّت ساخت چندی نگذشت عرش مطهّر مبشّر فریدش در دامنهٔ کرم الهی استقرار یافت و دو معبد عظیم الشّأنش در قلب قارّهٔ آسیا و امریک بهمّت فدائیان بی‌نظیرش باحسن وجه و اتقن وضع تأسیس شد علم هدایت کبرایش رفته‌رفته در شصت مملکت از ممالک مستقلّهٔ عالم در خاور و باختر مرتفع شد و کتب نفیسه و زبر قیّمه‌اش به چهل لغت از لغات شرقیّه و غربیّه ترجمه و طبع و منتشر گشت

دشمنان دیرینش از اهل سنّت و جماعت در اقلیم مصر بحکم رؤسای شرع حجاب ستر را بدست خویش بدریدند و حقائق خفیّه و اسرار مکنونهٔ شریعت مقدّسهٔ الهیّه را علی رؤوس الأشهاد اعلان نمودند و بانفصال و اصالت و استقلال شرع مبین خود بنفسه شهادت دادند و حکم صارم قاطع صادر نمودند متعاقب این قضیّه نظم بدیع جهان‌آرایش نقاب از رخ برانداخت و دعائم قصر مشیدش بید حامیان دلیرش در نهایت استحکام بر حسب وصایای محکمهٔ متقنهٔ مرکز عهد اقومش مرتفع و منصوب گردید در خلال این احوال مروّجین مبادی سامیه‌اش در بسیط غبرا بعزمی آهنین و انقطاعی بی‌نظیر متشتّت

گشتند و بابعد مدن عالم مهاجرت نمودند و در جزائر بعیدهٔ دو محیط اعظم متوکّلاً علی اللّه متوطّن گشتند قلب ممرّد اصفای علیاحضرت ملکهٔ معظّمه را بمغناطیس محبّت اللّه بربودند و در اعلی المقامات کوس استقلال شرع بهاء را بکوفتند و در تشریح و تبیین اصول مدنیّت الهیّه و اقامهٔ شعائر دینیّه و تنفیذ احکام الهیّه و اعلان انفصال جامعه و اثبات اصالت شریعت سماویّه و تشکیل و تسجیل و تزیید عدد محافل روحانیّه و وضع دساتیر و قوانین و انظمهٔ محکمهٔ متینه و تشیید حظائر قدس و معاهد دینیّه و توسعهٔ دائرهٔ مشروعات متنوّعهٔ مفیده و تألیف و ترجمه و طبع کتب و رسائل نفیسه و تعیین و ابتیاع بقاع متبرّکه و مشاهد مقدّسه و اماکن تاریخیّه و تأسیس اوقاف امریّه در مدن و قری در ممالک مختلفه چنان همّتی بگماشتند و شهامت و بسالت و تعاون و تعاضد و ثبات و استقامتی بنمودند که عاقبة الأمر سراج الهی مشعل گشت و حبّهٔ صغیره خرمنی عظیم تشکیل نمود و حزب مظلوم بزرگوار شد و فئهٔ مقهورهٔ قلیله مبدّل بهیئت جامعه و موفّق و مفتخر بوضع نظمی بدیع و اعلان آئینی مستقلّ و تشریع شرعی مبین و تأسیس مدنیّتی جدید گشت

تعالت هذه القوّة القدسیّة الدّافعة السّاریة فی حقائق الکائنات تعالت هذه القدرة الأزلیّة الصّمدانیّة و السّلطة البارزة الالهیّة المهیمنة علی من فی الأرضین و السّموات تعالت هذه الشّجرة المبارکة المنبتة المرفوعة ثابتة الأصل غلیظة الدّوحة منشعبة الفروع ممتدّة الأغصان کثیرة الأثمار سبحان من انشأها سبحان من غرسها و انبتها و سقاها و حفظها و رفع شأنها و مقامها و جعل ظلّها الظّلیل ملجأً و ملاذاً للعالمین

ای ستایندگان اسم اعظم چه مقدار عظیم است این امر الهی و چه بلند است شأن و منزلت این کور امنع افخم اکرم اعزّ مشعشع صمدانی در بیان اعظمیّت و اکملیّت و قهّاریّت و جامعیّت این امر فخیم و علوّ و سموّ این یوم عظیم و رفعت و جلالت و شرافت این عصر کریم این کلمات درّیّات از سماء مشیّت ربّ الآیات البیّنات نازل قوله تبارک ذکره و عزّ بیانه "امروز عالم بانوار ظهور منوّر و جمیع اشیاء بذکر و ثنا و فرح و سرور مشغول در کتب الهی از قبل و بعد بیاد این یوم مبارک عیش اعظم بریا طوبی از برای نفسی که فائز شد و بمقام یوم آگاه گشت"

"امروز آفتاب دیگر اشراق نموده و آسمان دیگر بثوابت و سیّارات مزیّن گشته عالم عالم دیگر است و امر امر دیگر" "امروز یوم اللّه است و حقّ وحده در او ناطق لا یذکر فیه الّا هو" "امروز سیّد روزها و سلطان ایّامهاست" "نوروز امروز است و فی‌الحقیقه بصر ایّام است بلکه بصر عالم بآن روشن عالم زمان بساعتی از ساعاتش معادله ننماید" "این یوم غیر ایّام است و این امر غیر امور" "یوم یوم اللّه است و امر امر او طوبی از برای نفسی که از عالم گذشت و بمشرق وحی الهی پیوست" "این یوم را مثلی نبوده و نیست چه که بمثابهٔ بصر است از برای قرون و اعصار و بمثابهٔ نور است از برای ظلمت ایّام" "آفتاب و ماه شبه این یوم را ندیده ... شکّی نبوده و نیست که ایّام مظاهر حقّ جلّ جلاله بحقّ منسوب و در مقامی بایّام اللّه مذکور ولکن این یوم غیر ایّام است از ختمیّت خاتم مقام این یوم ظاهر و مشهود" "این ظهور اعظم در جمیع کتب سماوی بذکری فوق الأذکار و بامری فوق الأمور و بنوری فوق الأنوار مرقوم و مذکور ... این ظهور در جمیع کتب بطراز تخصیص اعظم مزیّن" "ارض معرفت را امروز از نیسان مکرمت انباتی دیگر و ظهوراتی دیگر است این رحمت مخصوص این ایّام است و این کرم لایق این اوقات" "ذرّهٔ این یوم بمثابهٔ خورشید مشاهده میگردد و قطره‌اش مانند دریا اگر نفسی یک نفس فی حبّ اللّه و لخدمته برآرد او از سیّد اعمال از قلم اعلی مسطور" "امروز بابی مفتوح است اوسع از سموات و ارض و لحاظ فضل مقصود عالمیان متوجّه کلّ عمل بسیار جزئی در مرآت علم الهی اکبر از جبل مشاهده میشود یک قطره آب اگر در سبیلش داده شود در آن مرآت دریا دیده میشود ... اگر از عظمت یوم الهی علی ما هو علیه ذکر شود البتّه اکثر ناس منصعق شوند بلکه صرعی مشاهده گردند" "مقصود از آفرینش ظهور این یوم امنع اقدس که در کتب و صحف و زبر الهی بیوم اللّه معروف است بوده" "براستی میگویم احدی از اصل این امر آگاه نه ... و مظاهر قبل هیچ یک بر کیفیّت این ظهور بتمامه آگاه نه الّا علی قدر معلوم" "آنچه در

این ظهور امنع اعلی ظاهر شده در هیچ عصری از اعصار ظاهر نشده و نخواهد شد" و همچنین محبوب ابهی مالک ارض و سماء بلغت فصحی باین بیان اتمّ احلی ناطق "قد ظهر فی هذا الظّهور ما لا ظهر فی ازل الآزال" "قد ظهر ما کان مخزوناً فی ازل الآزال فی علم اللّه عالم الغیب و الشّهود" "قل قد اشرقت الشّمس باشراقات ما اشرقت بمثلها فی اعصار القبل" "قل بشّر کلّ نبیّ بهذا الیوم و ناح کلّ رسول حبّاً لهذا الظّهور" "تاللّه الحقّ تلک ایّام فیها امتحن اللّه کلّ النّبیّین و المرسلین ثمّ الّذین هم کانوا خلف سرادق العصمة و فسطاط العظمة و خبآء العزّة و کیف هؤلآء المشرکین"

"هذا یوم فیه فازت الآذان باصغآء ما سمع الکلیم فی الطّور و الحبیب فی المعراج و الرّوح اذ صعد الی اللّه المهیمن القیّوم" "قل هذا فجر فیه ظهر کینونة المکنون و غیب المخزون و فیه اخذ جمال القدم کأس البقآء بأنامل البهآء و سقی اوّلاً بنفسه ثمّ انفقه علی اهل ملإ الانشآء من کلّ وضیع و شریف فیا حبّذا لمن اقبل و اخذ و سقی بحبّه العزیز المنیع و انّ ثمرة منها نطقت بما نطقت سدرة السّینآء علی بقعة المبارکة البیضآء و سمعت منها اذن الکلیم ما انقطعه عن الممکنات و قرّبه الی مقرّ قدس مکین فیا حبّذا من جذب اللّه المقتدر العلیّ العظیم و ثمرة اخری نطقت بما استجذب منه الرّوح و صعد الی سمآء عزّ مبین فیا حبّذا من هذا الرّوح الّذی قد قام تلقائه روح الأمین بقبیل من الملائکة المقرّبین و ثمرة اخری نطقت بما استجذب منها قلب محمّد رسول اللّه و استعرج من هذا النّدآء الأحلی الی سدرة المنتهی و سمع ندآء اللّه عن ورآء سرادق الکبریآء عن سرّ اسمی المقدّس العلیّ العظیم فیا حبّذا من هذه السّدرة الّتی ارتفعت بالحقّ لیستظلّ فی ظلّها العالمین" "هذا لهو الّذی ارسل من عنده المرسلین و جآء من لدنه معشر النّبیّین" "و لو یکون مشارق الوحی کلّها فی هذا الحین الّذی فیه ینطق لسان العظمة و الکبریآء و یتوقّفنّ فی هذا الأمر اقلّ من آن لیهبط اعمالهم کذلک قضی الأمر من لدی الحقّ علّام الغیوب ... تاللّه انّه لا یقاس بما اتی و یأتی یشهد بذلک عباد مقرّبون"

"تاللّه قد اتی من کان مخزوناً فی افئدة الأنبیآء و مسطوراً من القلم الأعلی فی کتب اللّه ربّ العالمین" "قل هذا لهو الّذی لولاه ما ارسل رسول و ما نزّل کتاب یشهد بذلک کلّ الأشیآء" "هذا لهو الّذی قد اخذ نقطة البیان عهده فی ذرّ البیان و محمّد رسول اللّه فی ذرّ الفرقان و الرّوح فی ذرّ الانجیل و الکلیم فی ذرّ التّوراة و الخلیل فی ذرّ الأمر ان انتم من العالمین" "و ظهر منه حجّة علیّ ثمّ برهان محمّد ثمّ دلیل الرّوح ثمّ ما اتی به الکلیم و من ورآء ذلک قد ظهر بسلطان ما شهدت عین الابداع شبهه و لا عیون ملائکة المقرّبین" "لولاه ما اشتعلت النّار فی سدرة السّینآء علی بقعة الطّور لموسی الکلیم و ما جعل النّار نوراً لاسمنا الخلیل و ما ثبت امر اللّه بین خلقه و ما اشرقت عن افق القدس شمس البقآء باسم ربّکم العلیّ الأعلی" "هذا لغلام الّذی فی حبّه سفکت دمآء النّبیّین و المرسلین" "قل تاللّه قد رقم قلم القدس من رحیق المسک علی جبینی البیضآء بخطّ ابهی ان یا ملأ الأرض و السّمآء انّ هذا لهو المحبوب الّذی ما شهدت عین الابداع مثله و لا عین الاختراع شبهه و انّه لهو الّذی قرّت بجماله عین اللّه الملک العزیز الجمیل" "قد خلق فی شاطئ هذا البحر بیدآء ما احاط احد اوّلها و آخرها و فیه ارتفع ندآء اللّه عن کلّ الأشطار و ما مرّ علیه من نبیّ و لا من رسول الّا و قد اخذته نفحات اللّه فی هذا الواد و اذا وصلوا الی قبّة الأبهی الّتی خلقت من نور الذّات فی وسط هذا الواد خرّوا بوجوههم علی التّراب خضّعاً لهذا الجمال الّذی ظهر بالحقّ فی هذا القمیص الّذی یجدنّ المخلصون منه رائحة الرّحمن و کذلک کان الأمر مقضیّاً" "هذا لظهور یظهر نفسه فی کلّ خمسمائة الف سنة مرّةً واحدة کذلک کشفنا القناع و رفعنا الأحجاب" "قل انّ معراج محمّد قد عرج سبعین الف سنة الی ان بلغ الی فنآء هذا الباب" "قل انّ روح القدس قد خلق بحرف ممّا نزّل من هذا الرّوح الأعظم ان کنتم تفقهون" "لعمر اللّه لمّا نزّلت الآیات من سمآء المشیّة سجد النّقطة الأولی و قال آمنت بک یا مالک الوجود"

"هذا یوم لو ادرکه محمّد رسول اللّه لقال قد عرفناک یا مقصود المرسلین و لو ادرکه الخلیل لیضع وجهه علی التّراب خضّعاً للّه ربّک و یقول قد اطمئنّ قلبی یا اله من فی ملکوت السّموات و الأرضین و اشهدتنی ملکوت امرک و جبروت اقتدارک

و اشهد بظهورک اطمأنّت افئدة المقبلین و لو ادرکه الکلیم لیقول لک الحمد بما اریتنی جمالک و جعلتنی من الزّائرین" "انّ الحبیب ینادی قد اتی المحبوب بسلطان مبین و الرّوح ینادی امام الوجه قد ظهر ما هو المکنون فی سمآء مشیّة ربّکم العلیم الخبیر و ابن عمران یقول تاللّه هذا ربّکم الرّحمن قد اتی بأمر لا یقوم معه من فی السّموات و الأرضین و الخلیل یقول قد اتی الجلیل ان اسرعوا الیه بالقلوب و لا تتّبعوا کلّ متوهّم مریب قد ظهر سیّد الأیّام و فیه استقرّ مالک الأنام علی عرش اسمه العظیم" "قد اخذ اهتزاز اللّقآء طور السّینآء و ارتفع ندائه الأحلی فی ذکر ربّه الأبهی و یقول ای ربّ اجد عرف قمیصک کأنّک تقرّبت بالآثار و شرّفت بقدومک تلک الدّیار طوبی لشعبک لو یعرفونک و یجدون عرفک فویل للرّاقدین"

"قل قد اتی ایلیا و طاف العرش فی البکور و الآصال" "قد تحرّکت بیت لحم من نسمة اللّه نسمع ندائها تقول یا ربّ الکریم این استقرّ مجدک العظیم قد احیتنی نفحات وصلک بعد الّذی اذابنی هجرک لک الحمد بما کشفت السّبحات و جئت مع القوّات بجلال مبین" "قد اتّصل نهر الأردنّ بالبحر الأعظم و الابن فی الواد المقدّس ینادی لبّیک اللّهمّ لبّیک و الطّور یطوف حول البیت و الشّجر ینادی قد اتی المقصود بمجده المنیع" "هذا یوم فیه فاز الکلیم بأنوار القدیم و شرب زلال الوصال من هذا القدح الّذی به سجّرت البحور قل تاللّه الحقّ انّ الطّور یطوف حول مطلع الظّهور و الرّوح ینادی من الملکوت هلمّوا و تعالوا یا ابنآء الغرور هذا یوم فیه سرع کوم اللّه شوقاً للقائه و صاح الصّهیون قد اتی الوعد و ظهر ما هو المکتوب فی الواح اللّه المتعالی العزیز المحبوب" "قد اهتزّ کوم اللّه من نسمة الوصال انّه سمّی بکرمل ینادی قد اتی بانی الهیکل و مطهّر العلل طوبی للفائزین" "قد اخذ الاهتزاز ارض الحجاز و حرّکتها نسمة الوصال تقول یا ربّی المتعال لک الحمد بما احیتنی نفحات وصلک بعد الّذی اماتنی هجرک طوبی لمن اقبل الیک و ویل للمعرضین" "قد اخذ اهتزاز الوصال شطر الجنوب و الشّمال نسمع ندآء البطحآء تقول لک الحمد یا ربّی الأبهی بما تضوّع عرف قمیص وصلک فی تلک الدّیار و من جهة اخری ارتفع النّدآء من المسجد الأقصی یقول لک الحمد بما احیتنی نفحات قربک بعد اذ اماتنی هجرک یا محبوب من فی الأرضین و السّموات"

در کتاب مبارک قیّوم‌الأسمآء ورقاء بقا طلعت اعلی در بیان احاطه و عظمت و ابّهت ظهور جمال اقدس ابهی در قیامت اخری باین نغمهٔ جان‌افزا مترنّم "یا قرّة العین لا تجعل یدک مبسوطة علی الأمر لأنّ النّاس فی سکران من السّرّ و انّ لک الکرّة بعد هذه الدّورة بالحقّ الأکبر هنالک فأظهر من السّرّ سرّاً علی قدر سمّ الابرة فی الطّور الأکبر لیموتنّ الطّوریّون فی السّینآء عند مطلع رشح من ذلک النّور المهیمن الحمرآء باذن اللّه الحکیم و هو اللّه قد کان علیک بالحقّ علی الحقّ حفیظاً" در مقام مناجات این کلمات عالیات از لسان آن عاشق دلداده خطاباً لمحبوبه الأبهی نازل "یا سیّد الأکبر ما انا بشیء الّا و قد اقامتنی قدرتک علی الأمر ما اتّکلت الّا علیک و ما اعتصمت فی امر الّا الیک و انت الکافی بالحقّ و اللّه من ورائک المحیط و کفی باللّه علی الحقّ بالحقّ القویّ نصیراً یا بقیّة اللّه قد فدیت بکلّی لک و رضیت السّبّ فی سبیلک و ما تمنّیت الّا القتل فی محبّتک و کفی باللّه معتصماً قدیماً و کفی باللّه شاهداً و وکیلاً" "سبحانک اللّهمّ یا الهی ما اصغر ذکری و ما ینسب الیّ الّا اذا ارید ان انسبه الیک فلتقبلنّی و ما ینسب الیّ بفضلک انّک انت خیر الفاصلین"

و همچنین در ذکر مقامات رفیعه و مراتب شامخهٔ جلیلهٔ پیروان جمال ابهی و متمسّکین بعروة وثقای آن جوهر وجود و مظهر معبود در اوّل و اعظم و اکبر کتب خود این شهادت علیا از کلک گهربارش صادر "و لقد خلق اللّه فی حول ذلک الباب بحوراً من مآء الاکسیر محمّراً بالدّهن الوجود و حیواناً بالثّمرة المقصود و قدّر اللّه له سفناً من یاقوتة الرّطبة الحمرآء و لا یرکب فیها الّا اهل البهآء باذن اللّه العلیّ و هو اللّه قد کان عزیزاً و حکیماً" و همچنین میفرماید "و قد کتبت جوهرة فی ذکره و هو انّه لا یستشار باشارتی و لا بما نزّل فی البیان" و ایضاً میفرماید "نطفهٔ ظهور بعد اقوی از جمیع اهل بیان بوده و خواهد بود" در این مقام مؤیّداً لما صدر من فمه الدّرّیّ الطّاهر المنیع این کلمات باهرات از قلم اعلی نازل "اگر الیوم کلّ من فی السّموات و الأرض حروفات بیانیّه شوند که بصدهزار رتبه از حروفات فرقانیّه اعظم و اکبرند و اقلّ من آن در این امر توقّف نمایند از معرضین

عنداللّه محسوبند و از احرف نفی منسوب" و همچنین میفرماید "اگر نقطهٔ بیان روح ما سواه فداه این ایّام حاضر بود امام وجه بتحریر مشغول میشد" در کتاب مبارک ایقان نیز در این مقام نازل "آن سلطان هویّه قادر است بر اینکه جمیع بیان و خلق آن را بحرفی از بدایع کلمات خود قبض روح فرماید و یا بحرفی جمیع را حیات بدیعهٔ قدمیّه بخشد و از قبور نفس و هوی محشور و مبعوث نماید"

و همچنین از قلم معجزشیم مرکز عهد جمال قدم غصن اللّه الأعظم و سرّه الأقوم این کلمات عالیات صادر "حضرت اعلی روحی له الفدآء میفرماید لو ارادت نملة ان تفسّر القرآن من ذکر باطنه و باطن باطنه لتقدر لأنّ السّرّ الصّمدانیّة قد تلجلج فی حقیقة الکائنات چون مور ضعیف را چنین استعداد لطیف حاصل دیگر معلوم است که در ظلّ فیوضات جمال مبارک روحی لأحبّائه الفدآء چه عون و عنایت حاصل گردد و چه تأیید و الهام متواصل شود" در مقامی دیگر از کلک میثاق مطابقاً لما نزّل من القلم الأعلی و مؤیّداً لما جری من یراعة النّقطة الأولی این کلمات تامّات و اشارات عالیات صادر "قرنها بگذرد و دهرها بسر آید و هزاران اعصار منقضی شود تا شمس حقیقت در برج اسد و خانهٔ حمل طلوع و سطوع نماید ... اولیاء پیشینیان چون تصوّر و تخطّر عصر جمال مبارک مینمودند منصعق میشدند و آرزوی دقیقهئی میکردند"

و همچنین میفرماید "جمیع اولیا در اعصار و قرون ماضیه گریان و سوزان آرزوی آنی از ایّام اللّه را مینمودند و در این حسرت از این عالم فانی بجهان باقی شتافتند" "جمیع ادلّه و براهین معقوله و منقوله مرجع و مرکزش جمال مبارک و حضرت اعلی بود و منتهی شد دیگر من‌بعد انتظاری جائز نه مگر بعد از پانصدهزار سال" "و امّا المظاهر المقدّسة الّتی تأتی من بعد فی ظلل من الغمام من حیث الاستفاضة هم فی ظلّ جمال القدم و من حیث الافاضة یفعل ما یشآء" "این ظهور اعظم مثلش آفتابست و ظهورات سائره در اکوار سابقه و لاحقه نجوم و اقمار مگر بعد ادهار و احقاب که اقلّ از پانصدهزار سال نبوده و نباشد" "اگر در این کور بدیع و دور جدید ببصر حدید ملاحظه نمائی مشاهده میفرمائی که جهان در این تجلّی جمال قدم از مطلع اعظم بخلق جدید فائز گردیده و حقیقت وجود بجمیع کمالات غیب و شهود مزیّن گردیده و انوار تقدیس از افق توحید بر مطالع تجرید ساطع گشت و غمام تسبیح بامطار تمجید هامر شمس حقیقت از برج اسد لامع شد و باشدّ حرارت در اشرف نقطه ظاهر حال بحسب ظاهر اگرچه آثار باهرهٔ این طلوع الهی بتمامه در حیّز شهود مشهود نه امّا در حقیقت وجود تحقّق یافته و بمقتضای استعداد این عباد ظاهر و عیان گردد"

یا حزب اللّه فی المدن و الدّیار در این اوان که ختام اوّلین قرن ساطع الأنوار عصر جهان‌آرای جمال کبریاست محبوب است که نظری بحوادث حیرت‌انگیز این قرن عظیم از حین طلوع فجر هدی از افق آن اقلیم پرابتلا الی یومنا هذا اندازیم و در تصرّفات عجیبهٔ این امر جلیل تفکّر نمائیم و وقائع جسیمه و انقلابات هائله و انتصارات باهره و تأسیسات بدیعه و مشروعات بهیّه‌اش را بیاد آریم و از آنچه واقع گشته و در اثر بروز و ظهور این قوّهٔ قدسیّه در عرصهٔ شهود تحقّق یافته عبرت گیریم که چگونه انقلابات و امتحانات و بلایا و رزایا و زجر و حرق و طرد و نهب و ضرب و شتم و اسر و نفی و حبس و قتل هیچ یک مانع از پیشرفت این امر نازنین نگشت و فتوری در همّت پیروان و مدافعینش در اقطار مختلفهٔ عالم احداث ننمود و علّت اعتلال و اختلال در نظم بدیعش و انشقاق و انقسام و تفرقه و انشعاب در صفوف جنود مجنّده‌اش نگردید بلکه اگر بنظر دقیق ملاحظه شود معلوم و واضح گردد که نفس انقلاب و تتابع مصائب و نوائب و شدائد و متاعب و محن و مصاعب ممدّ نفوذ ذاتیّه‌اش گشت و بر قوّهٔ دافعهٔ ساریه‌اش بیفزود از هبوب عواصف و بلایا و اشتداد زوابع امتحان و افتتان یوماً فیوماً ساحتش وسیعتر و عمودش مرتفعتر و اساسش محکمتر و جلوه‌اش شدیدتر و سرایتش سریعتر و سطوت و غلبه‌اش ظاهرتر و ثابت‌تر گردید هر لطمه‌ئی که از دست ستمکار بر جامعهٔ پیروان امر پروردگار در خارج وارد گردید علّت بروز فتح و ظفری جدید شد و هر انقلابی که تدبیر و تدلیس خائن تبه‌کار در داخل ایجاد نمود مورث حدوث نصرتی عظیم و ظهور جلوه‌ئی بدیع گشت

طلوع فجر هدایت از افق اقلیم فارس و بعثت قائم موعود در مدینهٔ طیّبهٔ معظّمهٔ منوّرهٔ شیراز و فتح باب اعظم بر وجه اهل عالم در آن لیلهٔ مبارکه و اظهار امر اعزّ افخم در بیت مکرّم به اوّل من آمن و صدور آیات مهیمنهٔ مهیّجهٔ کتاب مستطاب قیّوم اسمآء خطاباً للملوک و ابنآء الملوک و به وزیر اعظم و بعموم ملل و طوائف در مشرق و مغرب عالم و تعیین حروفات بیانیّه که بفرمودهٔ جمال قدم بصدهزار مرتبه از حروفات فرقانیّه اعظم و اکبرند و نزول توقیع منیع خطاب به شاه ایران و سلطان عثمانیان و اعزام رسول به ارض طاء مقرّ سریر سلطنت و طواف بیت اللّه و ابلاغ امر اللّه به شریف مکّه و ارتفاع ندا در اقلیم حجاز و قیام حروف حیّ بتبشیر و اعلان امر بدیع در بلاد ایران و اقالیم مجاوره زلزله بارکان دولت و ملّت بینداخت و علمای رسوم را بحرکت آورد و نائرهٔ فساد و بغض و عداوت را مشتعل نمود و منجرّ بتوقیف نفس مظهر ظهور و احضار در دار الحکومه و ضرب و توبیخ و تحقیر و توهین در محضر حاکم ظالم حسین شقی و جمعی کثیر از علما و فقهای بلد و زجر و عقوبت اتباع حضرت و صدور حکم وزیر بی‌تدبیر بتبعید و سجن مظهر مظلومیّت کبری در جبال آذربایجان و حبس در قلعهٔ ماکو گردید این اسارت و محبوسیّت در مدّت سه ۳ سال در دو قلعهٔ ماکو و چهریق و انفصال از اصحاب و احباب نتیجه‌اش صدور کتاب بیان و تشریع احکام و نزول آیات بیّنات کالغیث الهاطل و تأسیس میثاق ربّ اعلی و بشارت بقرب ظهور من یظهره اللّه و کشف نقاب و کسر حدود و نفخ صور در ارض بدشت بقیادت جمال ابهی و معاضدت نقطهٔ جذبیّه طاهرهٔ مطهّره و همّت و شهامت جمعی از اصحاب و اعلان قائمیّت بی پرده و حجاب در عاصمهٔ ایالت آذربایجان در مجلس حکومت در محضر ولیعهد و علمای شیخیّه و فقها و مجتهدین عظام بواسطهٔ نفس مظهر ظهور گشت این ظفر عظیم و اعلان خطیر علّت فوران نار عداوت و حسد جهّال گردید و رعب و خوف را در قلوب حکّام و رؤسا بینداخت و دولت و ملّت را در قلع و قمع حزب مظلوم متّحد و متّفق نمود ندای واشریعتا و وامذهبا از منابر بلند شد و فئهٔ قلیله در چنگ گرگان خونخوار بیفتاد دشمنان از هر جهت دست تطاول گشودند و بسفک دماء بریئه و نهب اموال و اسر نساء و اطفال همّت بگماشتند

در حادثهٔ مؤلمهٔ مازندران در مدّت یازده ماه و سپس در دو واقعهٔ هائلهٔ نیریز و زنجان و فاجعهٔ شهادت شهدای سبعه در مدینهٔ طهران جمعی از فحول رجال و انصار و رؤسا و حروفات بیان علقم بلا را بچشیدند و در دام اشقیا بیفتادند و بانواع بلایا و رزایا مبتلا گشتند و جام شهادت کبری نوشیدند جوهر تقدیس و ساذج تنزیه طلعت قدّوس اسم اللّه الآخر که بلقب نقطهٔ اخری در تفسیر آیهٔ مبارکهٔ کلّ الطّعام از قلم مالک انام ملقّب و بشهادت منزل بیان بعدد هشت واحد از مرآت اللّه بر مقعد خود بوده و از شدّت نار محبّت او کسی قدرت بر قرب بهم نرسانده و در تفسیر صاد صمد پانصدهزار بیت از قلم معجزشیمش صادر جسد مطهّر چنین نفس مقدّسی را اشرار بتحریک اشقی الأشقیآء سعیدالعلمآء در مدینهٔ بارفروش قطعه‌قطعه نمودند و در آتش بینداختند شخص شخیص وحید اکبر که سی‌هزار حدیث از بر داشت و در کتاب ایقان بوحید عصر و فرید زمان خود موصوف عمّامه را از سر برداشته بگردن انداختند و بانواع بلایا معذّب نمودند و جسد مبارکش را با ریسمان باسب بسته در میدان نیریز جولان دادند و در کوچه و بازار بکشانیدند و سنگ‌بارانش نمودند جوهر صدق و صفا و رافع رایت سودا و آیت استقامت و شهامت النّجم السّاطع و البدر اللّامع حضرت اوّل من آمن که بلقب مرآت اوّلیّه ملقّب و بشهادت قلم اعلی لولاه ما استوی اللّه علی عرش رحمانیّته و ما استقرّ علی کرسیّ صمدانیّته مفتخر و تربت مبارکش را طلعت اعلی پنج میل در پنج میل شفای هر مریض و سقیم فرموده چنین نفس نفیسی در مقابلهٔ مازندران هدف تیر سردار غدّار گشت

حضرت حجّت که از قلم میثاق بشخص شاخص و صاحب قول نافذ و عالم نحریر و متبحّر شهیر موصوف در حادثهٔ زنجان بکمال مظلومیّت شربت شهادت را بنوشید جسد منوّرش را بحکم حاکم پر تدلیس و تلبیس از مدفن بیرون آورده و ریسمان بگردن انداخته در کوچه و بازار گردانیدند و سه ۳ شبانه‌روز در میدان مدینه بینداختند در خلال این وقوعات هائله و مصیبات واردهٔ بر اصحاب اوّلیّه فاجعهٔ عظمی در تبریز بلاانگیز رخ بنمود و مصیبتی اشدّ و اعظم بر فئهٔ مظلومه وارد گشت امر

مبرم اتابک سفّاک و بی‌باک بر قتل و اعدام شارع امر اعظم و اهراق دم مطهّر آن سیّد امم صادر شد هیکل الطف اعزّ اعلی را در هوا آویختند و صدر مقدّس را برصاص اولو البغضآء مثبّک ساختند و اعضای آن جسد منیر را شرحه‌شرحه نمودند و در کمال تحقیر و توهین بکنار خندق در خارج آن مدینه بینداختند و در همان سنه بشهادت کلک میثاق بیش از چهارهزار نفر کشته و جمّ غفیری اطفال و نساء بی کس و پرستار پریشان و سرگشته پامال شده تلف گشتند سپس مذبحهٔ کبری در ارض طاء در اثر حادثهٔ رمی شاه برپا گشت و رستخیز اعظم پس از افول نجم درّی افق هدایت کبری از افق عالم برخاست آتش غضب شاهانه مشتعل گشت و صرصر امتحان باعلی درجهٔ شدّت بوزید غوغا و ضوضا در اطراف و اکناف آن صقع جلیل شدّت یافت و شور و آشوبی جدید در عاصمهٔ مملکت و اکثر ولایات احداث گشت علمای عظام ناله آغاز نمودند و رؤسا و حکّام بالاتّفاق بر استئصال شجرهٔ الهیّه و اضمحلال اصحاب باقیه و رؤسای معدودهٔ امّت مقهوره کمر همّت بستند فرمان سلطانی بحکّام و متنفّذین در قلع و قمع طائفهٔ بابیّه صدور یافت و حکّام ولایات و رؤسای ملّت در نهب اموال و هتک ناموس و قتل نفوس و تعرّض بر نساء و اطفال گوی سبقت را از یکدیگر بربودند

ورقهٔ زکیّه طاهرهٔ طیّبهٔ مطهّره که بفرمودهٔ مرکز میثاق جمال ابهی در تقریر آفت دوران بود و در احتجاج فتنهٔ جهان و در سلک حروفات بیانیّه محشور و سرحلقهٔ نساء دورهٔ بیان محسوب و در ارض بدشت بنصرتی محیّر العقول مفتخر در مدینهٔ طهران پس از توقیف و محبوسیّت در چنگ سیاه خونخوار گرفتار گشت و جان در سبیل جانان بباخت سیّد عزیز کاتب وحی و انیس و جلیس باب اعظم در جبلین شامخین در همان ایّام طعمهٔ شمشیر گشت و کاتب دیگر که رکن عظیم امر مبین و محلّ وثوق و اعتماد آن سیّد ابرار بود نیز برتبهٔ شهادت کبری در این فتنهٔ عظمی فائز شد در این اثنا یگانه ناصر امر وهّاب و مقتدای حقیقی اصحاب و احباب و درع اعظم امر حضرت ربّ الأرباب جمال اقدس ابهی بغتةً هدف سهام عموم شد و در تحت توقیف درآمد بدستور امیر سفّاک و امر شاه غضبناک آن وجود نازنین و یگانه ملجأ و ملاذ مؤمنین و زعیم حقیقی پیروان امر ربّ العالمین را از نیاوران در قلب الأسد تابستان حافی الأقدام مکشوف الرّأس در تحت سلاسل و اغلال به انبار طهران حرکت دادند و چند مرتبه در راه از شمیران تا طهران برمی احجار و قدح و ذمّ از لسان اشرار مبتلا نمودند و در سیاه‌چال جمال ذو الجلال را مدّت چهار ماه محبوس نمودند و زنجیر قره‌کهر بر گردن مقدّس نهادند و با مجرمین و عاصین و یاغین محشور نمودند

در این مقام مظلوم عالم در رسالهٔ ابن ذئب بنفسه المقدّس شهادت داده و این کلمات درّیّات را از قلم اعلایش صادر فرموده قوله عزّ بیانه و عظم کبریائه "در آن ایّام امور منقلب و نار غضب مشتعل جمعی را اخذ نمودند از جمله این مظلوم را ... از نیاوران ... سر برهنه و پای برهنه پیاده با زنجیر به سجن طهران بردند چه که یک ظالمی سواره همراه کلاه از سر برداشت و بسرعت تمام با جمعی از میرغضبان و فرّاشان ما را بردند و چهار شهر در مقامی که شبه و مثل نداشت مقرّ معیّن نمودند امّا سجن که محلّ مظلوم و مظلومان بوده فی‌الحقیقه دخمهٔ تنگ تاریک از آن افضل بوده و چون وارد حبس شدیم بعد از ورود ما را داخل دالانی ظلمانی نمودند از آنجا از سه ۳ پلّهٔ سراشیب گذشتیم و بمقرّی که معیّن نموده بودند رسیدیم امّا محلّ تاریک و معاشر قریب صد و پنجاه نفس از سارقین اموال و قاتلین نفوس و قاطعین طرق بوده مع این جمعیّت محلّ منفذ نداشت جز طریقی که وارد شدیم اقلام از وصفش عاجز و روائح منتنه‌اش خارج از بیان و آن جمع اکثری بی لباس و فراش اللّه یعلم ما ورد علینا فی ذاک المقام الأنتن الأظلم" و همچنین میفرماید "چهار شهر در مقدّمهٔ حضرت سلطان بعذابی معذّب که ذکر و شرح آن از قلم و مداد برنیاید و لسان از ذکرش عاجز و قاصر است" و در مناجاتی نیز این کلمات عالیات در وصف مصیبات وارده نازل "لم ادر من ایّ بلائی اشکو الیک اشکو یا الهی عن سجنی فی اشهر معلومات او عمّا ورد علیّ فیه من سلاسل الّذی کسّرت عنقی من ثقلها او حدید الّذی کان علی رجلی عمّا اکتسبت ایدی الأشقیآء ... او اذکر یا الهی حین

الّذی اخذونی و اذهبونی من قریة الی مدینة و کان رأسی عریاناً و رجلی متحافیاً و عنقی مغلولاً و یدای مشدوداً ثمّ اجتمعوا علیّ العباد و منهم عرفونی و منهم الّذین ما عرفونی و الّذینهم عرفونی فمنهم کانوا قائمون و متحیّرون فی امری فمنهم کانوا ان یشمتوننی و الّذین ما عرفونی رموا کلّهم نحوی ما تیسّر لهم من الحجر و الخشب کأنّهم ما شربوا خمر الانصاف و ما شمّوا روائح الائتلاف فوجمالک القدیمة و انوار وجهک البدیعة وردوا علیّ ما استحیی ان اذکره بین یدیک و القلم لن یحرّک علیه و المداد لن یجری به و اللّوح لن یحمل و النّفوس لن یطیق" و در مناجاتی دیگر این کلمات از مخزن قلم اعلی صادر "گردنی را که در میان پرند و پرنیان تربیت فرمودی آخر در غلهای محکم بستی و بدنی را که بلباس حریر و دیبا راحت بخشیدی عاقبت بر ذلّت حبس مقرّر داشتی قلّدتنی قضائک قلائد لا تحدّ و طوّقتنی اطواقاً لا تفکّ"

در این هنگام در حینی که فحول اصحاب حضرت نقطهٔ اولی مقتول و پیروان امرش اکثر مخفی و متشتّت و مرعوب و نجم درّی هدایت الهی غارب و جمال ابهی بمخاطرات عظیمه محاط و تحت سیاست شدیده واقع و در اعماق آن مقام انتن مسجون و مغلول بغتةً صاعقهٔ غیرت الهی درخشید و مستغاث العالمین فریاد و استغاثهٔ مستضعفین اهل بیان را اجابت نمود در سرّ سرّ بفرمودهٔ هیکل موعود نفوس مقدّسهٔ مطهّرهٔ زکیّه تکمیل گشتند و میقات اهل بیان منقضی شد دورهٔ اولای قرن اوّل عصر اعظم منتهی گشت و سرّ سنهٔ تسع آشکار شد روح اعظم بر قلب الطف ارقّ اصفای ممرّد سلطان قدم تجلّی نمود و جنین امر بمقام احسن التّقویم رسید و هلهلهٔ فتبارک اللّه احسن الخالقین و احسن المبدعین در اعلی غرفات جنّت علیا مرتفع گشت مصداق و انّ لکم بعد حین امر ستعلمون تحقّق یافت و فرق قائم و قیّوم و اعظم و عظیم واضح و معلوم گردید و مقصود بیان طلعت اعلی انّنی انا حیّ فی الأفق الأبهی خطاب به اوّل من اعرض عن اللّه ظاهر و پدیدار گشت انوار صبح هدایت مرّةً اخری بر آفاق عالم پرتو انداخت و عهد اعزّ افخم اقدس جمال قدم و اسم اعظم نقاب از رخ برانداخت و بشارات و رموزات و دلالات کتاب مجید آشکار شد و وعدهٔ صریح نقطهٔ اولی و فی سنة التّسع کلّ خیر تدرکون تحقّق یافت قلم اعلی در رسالهٔ مذکوره در اثبات این امر و میقات آن باین بیان احلی ناطق قوله عزّ اعزازه "در شبی از شبها در عالم رؤیا از جمیع جهات این کلمهٔ علیا اصغا شد انّا ننصرک بک و بقلمک لا تحزن عمّا ورد علیک و لا تخف انّک من الآمنین سوف یبعث اللّه کنوز الأرض و هم رجال ینصرونک بک و باسمک الّذی به احیا اللّه افئدة العارفین" و نیز میفرماید قوله جلّ کبریائه "در ایّام توقّف در سجن ارض طاء اگرچه نوم از زحمت سلاسل و روائح منتنه قلیل بود ولکن بعضی از اوقات که دست میداد احساس میشد از جهت اعلای رأس چیزی بر صدر میریخت بمثابهٔ رودخانهٔ عظیمی که از قلّهٔ جبل باذخ رفیعی بر ارض بریزد و بآن جهت از جمیع اعضا آثار نار ظاهر و در آن حین لسان قرائت مینمود آنچه را که بر اصغاء آن احدی قادر نه"

طولی نکشید که زوبعهٔ اخری شمس طالع از افق ابهی را در پس ابرهای تیر و تاریک متواری نمود و در سنین معدوده از فیض و اشراق بازداشت پس از خروج جمال قدم از آن سجن مظلم فرمان رئیس الظّالمین باخراج آن محیی رمم از خاک ایران و هجرت و غربت آن جمال مبین صادر گشت پس از یک ماه مهلت در اواسط زمستان با جمعی از عیال و اطفال پس از نهب املاک و اموال بمظلومیّت عظمی به عراق عرب متوجّه و حزب مظلوم بی ناصر و معین در چنگ ظالمان متروک و گرفتار در مناجاتی که در آن ایّام از قلم سلطان ظهور صادر این کلمات حزن‌انگیز در وصف بلایای وارده و مصائب متواتره نازل قوله تبارک ذکره "عاقبت حکم قضا نازل شد و امر امضا بخروج این بنده از ایران دررسید با جمعی از عباد ضعیف و اطفال صغیر در این هنگام که از شدّت برودت امکان تکلّم ندارد و از کثرت یخ و برف قدرت بر حرکت نیست بعضی از اطفال از مفارقت احباب آیات فراق قرائت مینمایند و برخی بعلّت یأس از وطن و دیار کتململ السّلیم ناله میکنند و در بیابان حیرت سرگردان میگردیم و در صحراهای حسرت رجای ترا میطلبیم که شاید نسیم رحمت تو آید و احسان قدیم تو دررسد"

در خلال این احوال انقلاب داخله منضمّ بلطمات خارجه گردید و باعث غیبت و هجرت جمال ابهی وحیداً فریداً بجبال کردستان در مدّت دو سال گشت علامات اوّلیّهٔ محاربهٔ با اصل شجرهٔ الهیّه متدرّجاً آشکار شد و رایات متشابهات در هر گوشه و کنار مرتفع گردید و رائحهٔ حسدی بوزید که بشهادت قلم اعلی از اوّل بنای وجود عالم ... تا حال چنین غلّ و حسد و بغضائی ظاهر نشده و نخواهد شد اعلام نفاق مرتفع گشت و اخلاق حزب بابی بدرجهئی تدنّی نمود که اغیار جسور گشتند و مدّعیان محبّت ذیل امر اللّه را باعمال نالایقه ملوّث نمودند بفرمودهٔ جمال ابهی هر نفسی محملی بست و بهوای خود خیالی نمود بشهادت مرکز عهد و میثاق بیست و پنج نفر از اصحاب و احباب جسورانه در عراق عرب و ایران علم استقلال برافراشتند و ادّعای مقام من یظهر اللّهی نمودند شخص موهوم که خود را جالس بر مسند امر نقطهٔ بیان می‌پنداشت در این طوفان جدید مضطرب و هراسان و منزوی و مخفی از انظار و باغوا و اتّفاق سیّد لئیم اصفهانی که او را شهید اعظم نامیده در بغداد و کربلا اعمال شنیعهٔ قبیحهئی را عامل که قلم از وصفش عاجز نفسی که خود را وصیّ نقطهٔ اولی میدانست و بلقب مرآت ازلیّه مفتخر پردهٔ عصمت علیّ اعلی را بدرید و آن خیانت اعظم را در غیبت جمال قدم مرتکب گشت ابن عمّ حضرت را شهید نمود و خادم اللّه را بتمهیدات شیطانی به طهران اعزام نمود و بقتل ملک ایران مصمّم گردانید و حکم بر قتل نفسی داد که نقطهٔ اولی مخزن امانت حقّ و مکمن لآلی علم الهی و حرف ثالث مؤمن به من یظهره اللّه فرموده و علم مکنون مخزون را باو تعلیم نموده نار حبّ الهی در سنین اوّلیّهٔ اقامت جمال قدم در عراق عرب در نتیجهٔ این فضائع و اعمال و هجرت و غیبت آن مظهر جلال بکلّی مخمود و امر اللّه مهجور و دشمنان مسلّط و اصحاب در اشدّ اضطراب و در نهایت ذلّت و مسکنت و مورد طعن و شتم دشمنان و بیگانگان

جمال قدم در لوح مریم در بیان حال اصحاب پس از رجوع به دارالسّلام خود شهادت داده قوله تبارک ذکره "نفسی چند مشاهده شد بیروح و پژمرده بلکه مفقود و مرده حرفی از امر اللّه مذکور نبود و قلبی مشهود نه" در ایران بشهادت نبیل اعظم که در آن ایّام در آن دیار سیّار بود سراج امر خاموش و ارباب دواعی در جوش و خروش و نظم امر الهی پریشان و محبّین و مخلصین سرگردان و نالان و در مدینهٔ قزوین مؤمنین بچهار فرقه منقسم و از صراط بیان منحرف در کتاب ایقان این بیان جانگداز در وصف بلایای وارده و احزان شدیده بقلم اعلی مثبوت "این عبد در اوّل ورود این ارض چون فی‌الجمله بر امورات محدثهٔ بعد اطّلاع یافتم از قبل مهاجرت اختیار نمودم و سر در بیابانهای فراق نهادم و دو سال وحده در صحراهای هجر بسر بردم و از عیونم عیون جاری بود و از قلبم بحور دم ظاهر چه لیالی که قوت دست نداد و چه ایّام که جسد راحت نیافت ... قسم بخدا که این مهاجرتم را خیال مراجعت نبود و مسافرتم را امید مواصلت نه" و همچنین در لوح کلّ الطّعام که در آن ایّام قبل از مهاجرت نازل این بیانات از قلم مولی الأنام صادر قوله عزّ اجلاله "ان یا کمال اسمع ندآء تلک النّملة الذّلیلة المطرودة الّتی خفی فی وکره و یرید ان یخرج من بینکم و یغیب عنکم ممّا اکتسبت ایدی النّاس ... فآه آه فوالّذی قد استکفّ ورقآء المحزون فی صدر البهآء لنسیت کلّ ما شهدت من اوّل یوم الّذی شربت لبن المصفّی من ثدی امّی الی حینئذ بما اکتسبت ایدی النّاس"

و ایضاً در لوح مریم جمال کبریا باین ترانهٔ حزین مترنّم قوله عزّ کلمته "ای مریم از ارض طاء بعد از ابتلای لایحصی به عراق عرب بامر ظالم عجم وارد شدیم و از غلّ اعدا بغلّ احبّا مبتلا گشتیم و بعد اللّه یعلم ما ورد علیّ تا آنکه از بیت و آنچه در او بود و از جان و آنچه متعلّق باو بود گذشته فرداً واحداً هجرت اختیار نمودم و سر بصحراهای تسلیم نهادم بقسمی سفر نمودم که جمیع در غربتم گریستند و جمیع اشیاء بر کربتم خون دل بباریدند با طیور صحرا مؤانس شدم و با وحوش عرا مجالس گشتم ... تاللّه حملت ما لا یحمله البحار و لا الأمواج و لا الأثمار و لا ما کان و لا ما یکون" و نیز در قصیدهٔ ورقائیّه که در ایّام مهاجرت از قلم محبوب ابهی نازل این ابیات مسطور

"فطوفان نوح عند نوحی کأدمعی

و ایقاد نیران الخلیل کلوعتی

و حزنی ما یعقوب بثّ اقلّـه

و کلّ بلآء ایّوب بعض بلیّتی"

در حینی که اثری از تجرّد و انقطاع و استقامت و استغنا و شهامت اصحاب اوّلیّهٔ حضرت اعلی بالأخصّ اصحاب قلعهٔ مازندران و اصحاب حضرت وحید در نیریز و اصحاب حضرت حجّت در زنجان باقی نمانده بود و حزب اللّه در شرف انحلال و اضمحلال ید غیبی از جیب اقتدار برون آمد و از مصدر امر الهی حکم رجوع صادر گشت نسیم عنایت مرّةً اخری بوزید و مدینةاللّه بخلعت جدیدی مخلّع و مطرّز گشت خطّهٔ دارالسّلام از ورود و قیام محیی الأنام نشئهئی جدید یافت و روح حیات در کالبد سرگشتگان بادیهٔ فراق و گمگشتگان وادی ضلال جاری و ساری شد عزم الهی بر استحکام امر جدید و دفع مفاسد و تزکیهٔ اخلاق و تربیت نفوس و انتشار آثار و ارتفاع شأن جامعهٔ ابرار و تشتیت شمل اعدا و اظهار امر اعزّ اشرف افخم ابهی قرار یافت بیت اعظم محلّ توجّه عموم از خاصّ و عام و اعراب و اعجام و اکراد و علما و شاهزادگان و ارکان دولت و اجلّهٔ اصحاب و منتسبین نقطهٔ بیان گردید و نائرهٔ محبّت اللّه در قلوب افسرده بفوران آمد و توقیعات منیعه و رسائل مختلفه و تفاسیر عدیده و ادعیهٔ متنوّعه و الواح الهیّه در اثبات وحدانیّت الهیّه و وحدت مظاهر مقدّسه و تبیین و تشریح تعالیم سماویّه و مبادی سامیه و منع از تعرّض و فساد و جدال و نزاع و ترویج اتّحاد و اتّفاق و تحریص بتمسّک بذیل صداقت و امانت و دیانت و تقدیس و تنزیه و صبر و انقطاع چون غیث هاطل در لیالی و ایّام نازل گردید کتاب مستطاب ایقان و صحیفهٔ فاطمیّه و رسالهٔ سلوک متتابعاً از قلم اعلی جاری گشت و مراتب سلوک سالکین معلوم و واضح شد و تکلیف متمسّکین بعروهٔ وثقی و مستظلّین در ظلّ سدرهٔ قصوی معیّن گردید ختم اناء مسک احدیّه بید قدرت ربّانیّه مفتوح گشت و حوریّات معانی که در حجرات کلمات الهیّه مقنّع نقاب از رخ برانداختند اخلاق تعدیل گشت و افکار روشن شد بنیان امر مستحکم گردید و صیتش ارتفاع یافت و نفوذ کلمة اللّه پدیدار گشت و دشمنان جسور و عنود که در کاظمین مجتمع و بتحریک شیخ خبیث و خان پرتدلیس جسورانه بر اطفاء نار موقده قیام نموده بودند مغلوب و مقهور و خجل و شرمسار گشتند

جمال قدم بنفسه المقدّس الأکرم در این مقام باین بیان ناطق قوله عزّ بهائه "بعد از ورود باعانت الهی و فضل و رحمت ربّانی آیات بمثل غیث هاطل نازل و باطراف ارض ارسال شد و جمیع عباد را مخصوص این حزب را بمواعظ حکیمانه و نصائح مشفقانه نصیحت نمودیم و از فساد و نزاع و جدال و محاربه منع کردیم تا آنکه از فضل الهی غفلت و نادانی ببرّ و دانائی بدل گشت و سلاح باصلاح" حضرت عبدالبهآء مؤیّداً لما صدر من القلم الأعلی نیز شهادت داده میفرماید "بعد از رجوع بهآءاللّه در تربیت و تعلیم و آداب و تنظیم و اصلاح احوال این طائفه جهد بلیغ نمود بقسمی که در مدّت قلیله جمیع این فساد و فتن خاموش گردید و منتهای قرار و سکون در قلوب حاصل شد" و ایضاً میفرماید "چون این اساس در قلوب این طائفه استقرار یافت بقسمی در جمیع بلاد حرکت نمودند که در نزد اولیای امور بسلامت نفس و سکون قلب و نیّت صحیحه و اعمال حسنه و حسن آداب مشتهر گشتند" و همچنین میفرماید "زلزله در ارکان عراق انداخت و اهل نفاق را همیشه خائف و هراسان داشت سطوتش چنان در عروق و اعصاب نفوذ نموده بود که نفسی در کربلا و نجف در نیمهٔ شب جرئت مذمّت نمینمود و جسارت بر شناعت نمیکرد" نار عشق در قلوب صافیهٔ زکیّه چنان مشتعل شد و کلمة اللّه بدرجهئی در ارواح نافذ گشت و محبّة اللّه در افئدهٔ طائفان کعبهٔ رحمن بحدّی غلیان نمود که ذبیح کعبهٔ وفا بدست خود سر خود را از تن جدا کرد و جان خود را فدا نمود و جمعی از طائفین نیز در این فکر و خیال افتادند که خود را در منای قرب قربانی نمایند و رجال دولت از این التهاب متحیّر و مضطرب و امر مبارک صادر که مهاجرین به ایران بدیار خود مراجعت نمایند

در کتاب نبیل اعظم که خود در آن ایّام حاضر و ناظر بود این شهادت در وصف حال اصحاب در صفحات تاریخش مثبوت و مرقوم "نفحات نسمات صبح ظهور چنان همه را سرمست نموده و از دست برده بود که از هر خاری دامن‌دامن گل در بروز و از هر دانهٔ خاکساری خرمن‌خرمن سنبل در ظهور ... چه خوش اوقات و خوش ایّامی بود ... بیرونی بیت اعظم که خرابه‌ئی بود از دست افتاده بیمن مقدم محبوب ابهی غیرت فردوس اعلی گردید با آنکه دیوارش کوتاه با مهر و ماه هم‌سری می‌نمود و با آنکه جز یک سریر شاخهٔ نخل خرما که محلّ جلوس سلطان اسماء بود چیزی از اسباب و زخرف دنیا در آنجا پیدا نبود دلهای ابنای ملوک را می‌ربود ... چنان شاربان کأس وصال از رحیق جمال نشأه‌مند که در نظرشان قصور ملوک را بقدر بیت عنکبوت دوام و ثبوت نبود ... عیش و عشرتی داشتند که ملوک ارض در خواب ندیده‌اند و اکثر شبها را ده نفر بیک قمری خرمای زاهدی می‌گذرانیدند و معلوم نبود که کفش و عبا و قبائی که در آن منازل است صاحبش کیست هر کس که در بازار کار داشت کفش باو تعلّق داشت و هر کس بحضور مبارک مشرّف میشد عبا و قبا باو تعلّق داشت حتّی اسمهای خود را فراموش کرده بودند و جز هوای جانان چیزی در دل و جانشان باقی نمانده بود ... و اکثری از نفوس که طائف حول کعبهٔ جمال بودند چنان در مقام تصفیه و تزکیهٔ نفس مراقبت می‌نمودند که کلمه‌ئی بغیر ما اراد اللّه تکلّم نمی‌کردند ... و هر دو نفسی با هم هم‌قسم و همعهد شده بودند که یکدیگر را متذکّر نمایند و اگر یکی از آن دو نفس بکلمه‌ئی از روی هوی در مابین روز مبتلا میشد هنگام شب رفیق همعهد خود را مطّلع مینمود و از او استدعای جریان آن حدّ را که با هم عهد نموده بودند میکرد و تا آن حدّ جاری نمیشد از طعام و شراب ممنوع بود"

این نهضت حیرت‌انگیز و فوران نار الهی در قلوب و تقلیب نفوس و تحسین اخلاق و ترقّی افکار و تعدیل مسلک و رفتار و صدور الواح و انتشار آثار و ذلّت و خذلان دشمنان تبه‌کار منتهی بکشف نقاب از وجه جمال ذو الجلال گردید در حین حرکت از زوراء به مدینهٔ کبیره در باغ نجیبیّه پس از انقضای سنین مهلت در میقات معلوم جمال مستور نقاب از رخ برانداخت و سلطان قیّوم بر سریر سلطنت الهیّه جالس گشت و مکلّم طور بر عرش ظهور استقرار یافت روائح روح متضوّع شد کون بحرکت آمد و جمیع ممکنات در بحر طهارت منغمس گردید و کلّ اشیاء بقمیص اسماء مزیّن گشت و سفینهٔ حمرا بر بحر احمر جاری شد میعاد هزار و دویست و نود که حضرت دانیال در اصحاح اخیر کتابش بآن اشاره نموده دررسید و سلطان ظهور بر جمیع اشیاء بجمیع اسماء حسنی تجلّی فرمود و مصداق بیان نقطهٔ اولی و ان تمنّ علیّ بلقائک فی الرّضوان و نفحاتک فی ارض السّلام تحقّق یافت حسین موعود از خلف الف الف حجاب من النّور قدم بیرون نهاد و رشحی از نور مهیمن حمرا بر عالمیان مبذول داشت و مالک یوم الدّین بفرمودهٔ مبشّر امر ربّ العالمین در انتهای واحد و ابتدای ثمانین ظاهر و باهر گشت جشن اعظم و بزم اتمّ برپا شد و ناقور افخم در کرّهٔ اخری هیاکل وجود را باهتزاز آورد نسائم غفران از مهبّ عنایت بر هیاکل اکوان مرور نمود و هیاکل ممکنات از تضوّع این نفحات تجدید گشت و حوریّات بقا از غرف حمرا بیرون دویدند و ماء حیوان را بر عالمیان مبذول نمودند

طولی نکشید که این نهضت روحانی و اظهار امر صمدانی و کشف نقاب از وجه جمال لایزالی باعث حدوث فتنهٔ کبری و اعظم انقلاب قرن اوّل عصر ابهی گشت در مدینهٔ کبیره خلیفهٔ اسلام و دو وزیر اعظمش عالی و فؤاد و وکلای ملّت با سفیر عجم متّفق و پس از چهار ماه اقامت در آن مدینه جمال موعود را با آل و اصحاب مرّةً اخری بذلّت کبری در موسم زمستان به سجن بعید در خلف جبال در قطعهٔ رومیلی سرگون نمودند مظلوم عالم خطاب بخلیفهٔ اعظم چنین شهادت داده قوله جلّ ذکره "و اخرجونا عنها بذلّة الّتی لن تقاس به ذلّة فی الأرض ان انت من المطّلعین و اذهبونا الی ان دخلونا فی مدینة الّتی لن یدخل فیها احد الّا الّذینهم عصوا امرک و کانوا من العاصین ... و ما رحموا علینا و فعلوا بنا ما لا فعل مسلم علی مسلم و لا مؤمن علی کافر و کان اللّه علی ما اقول شهید و علیم و حین اخراجنا عن مدینتک حملونا علی خدور الّتی تحمل علیها

العباد اثقالهم و اوزارهم ... فلمّا وردنا ما وجدنا فیها من بیت لنسکن فیها لذا نزلنا فی محلّ الّذی لن یدخل فیه الّا کلّ ذی اضطرار غریب ... و لن یکن لأهلی و للّذینهم کانوا معی من کسوة لتقیهم عن البرد فی هذا الزّمهریر"

در این اثنا در سنین اوّلیّهٔ ورود جمال ابهی به ارض سرّ مطلع اعراض و منبع اغماض یحیی بی‌حیا که بشهادت قلم اعلی در ابداع شبه این نفس در حبّ ریاست و جاه دیده نشده و جمیع اهل ابداع از احصای حسد و بغضای نفسش عاجز حجاب را دفعةً بدرید و چون حیّهٔ رقطا جمال کبریا را بگزید آن طیر قبیح با نسر سماء علّیّین دعوی همپری نمود و بخلافت مجعوله متمسّک گشت و بر نفسی که خلافت و ولایت و رسالت و مافوق آن باشارهٔ اصبعش تحقّق یافته بمحاربه قیام کرد فتنهٔ عمیاء صمّا برپا شد و ضجیج و انین کرّوبین و اهل ملأ عالین بلند گشت و عیون طلعات فردوس بر مظلومیّت جمال مبین بگریست بتحریک و دلالت آن وسواس خنّاس ناقض عهد جمال علیّ اعلی علم اختلاف را برافراخت و هیکل اعزّ ابهی را مسموم نمود و یکی از خدّام را بر قتل مظهر معبود بگماشت متّحداً متّفقاً بنشر اراجیف و اباطیل و نسبتهای نالایقه و مفتریات عجیبه و ایقاد نائرهٔ فساد و فتنه در ادرنه و مدینهٔ کبیره مشغول گشتند و افکار دولتیان را مشوّش نمودند آتش حرص و طمع افروخته گشت و الواح ناریّه در بلاد منتشر شد آنچه از قلم ابهی در حین مهاجرت از عراق در الواح شتّی نازل تحقّق یافت سامری ظاهر شد عجل بندا آمد نعاق ناعق اعظم مرتفع گشت فصل اکبر واقع شد سنین شداد چهره بگشود جمال قدم از کلّ عزلت اختیار فرمودند و اصحاب خون گریستند و دشمنان فرحناک و امیدوار گشتند و بر جرئت و جسارت افزودند یوسف بهاء در جبّ حسد بیفتاد و نیّر آفاق پس از اشراق از افق عراق بکسوف مبتلا گشت و ارکان امر متزلزل گردید

در این مقام مظلوم عالم خود باین بیان دلخراش ناطق "قسم بآفتاب معانی که از ظلم این ظالمان قامتم خم شده و مویم سفید گشته البتّه اگر بین یدی العرش حاضر شوی جمال قدم را نمی‌شناسی چه که طراوتش از ظلم مشرکین تبدیل شده و نضارتش تمام شده تاللّه قلب و فؤاد و حشا جمیع آب شده" "تاللّه یا اعرابی لو تنظرونني لن تعرفونی و قد ابیضّ مسک السّود من تتابع البلایا و ظهرت الف الأمر علی هیئة الدّال من توالی القضایا ثمّ اصفرّ هذا الوجه المحمّر المنیر" و همچنین میفرماید "فیا لیت کنت فانیاً و ما ولدتنی امّی و ما سمعت ما ورد علیه من الّذین هم عبدوا الأسمآء و قتلوا منزلها و خالقها و محقّقها و مرسلها ... یا عین ابکی لضرّی و بلائی و یا قلب ضجّ بما ورد علی نفسی قسم بذکر اعظم که بلائی بر این عبد وارد شده که مظلومان عالم از اوّل دنیا الی حین بر مظلومیّتم نوحه مینمایند" "فآه آه ثمّ آه آه لو کان نقطة الأولی فی تلک الأیّام و یشهد حزنی لیترحّم بی و یتلطّف علیّ و یشوّقنی فی کلّ حین و یؤیّدنی فی کلّ آن فآه آه لیتنی متّ بعده قبل تلک الأیّام ام کنت نسیاً منسیّاً" و در مقام دیگر میفرماید "و کان قدّامی ثعبان القهر و فتح فمها لیبلعنی و عن ورائی غضنفر الغضب و یرید ان یشقّنی و عن فوقی یا محبوبی سحاب القضآء و یمطر علیّ امطار البلآء و عن تحتی نصب رماح الشّقا لیجرح اعضائی و بدنی" و همچنین میفرماید "انّک لو تسمع بسمعی لتسمع بأنّ علیّاً ینوح علی نفسی فی الرّقیق الأبهی و محمّداً یبکی فی الأفق الأعلی و الرّوح یضرب علی رأسه فی سمآء القضآء بما ورد علی هذا المظلوم من کلّ فاجر اثیماً" قلم اعلی خطاب بآن ناقض امر حضرت ربّ الأرباب باین بیان ناطق قوله عظم سلطانه "تاللّه الحقّ عزّ روح الأمین رأسه عن فعلک ... و جلس حوریّات الغرفات علی الرّماد من ظلمک و انّک تکون فی نفسک من الفرحین" "ان یا اخی فعلت بأخیک ما لا فعل احد بأحد و وردت علیه ما بکت عنه عیون ملإ البقآء علی غرفات عزّ منیرا ... تاللّه بما جری من قلمک قد خرّت وجوه العظمة علی رماد السّودآء و شقّت ستر حجب الکبریآء فی الجنّة المأوی و تشبّکت اکباد المقرّبین علی مقاعد القصوی و اضطربت افئدة کلّ فطن بصیرا ... تاللّه ما بقی من جسدی من محلّ الّا و قد ورد علیّ رماح تدبیرک و انّک لو تنکر یشهد بذلک قلم لسان صدق علیماً" و همچنین میفرماید "انّا حفظنا الحیّة الرّقطآء فی الشّتآء تحت جناحی فلمّا اشرقت شمس الصّیف تحرّکت و لدغتنی اوّل مرّة

یشهد بذلک عباد مکرمون" و ایضاً میفرماید "ارتکب ما لا ارتکب نفس من الّذینهم کفروا بالرّحمن فی کلّ الأعصار" "لو اذکر ما فعل لن تتمّه بحور الأرض لو یجعلها اللّه مداداً و لن تنفده الأشیآء ولو یقلّبها اللّه اقلاماً"

متعاقب این بلیّهٔ عظمی و رجفهٔ کبری و فتنهٔ صمّا بمفاد آیهٔ مبارکهٔ قل انّ القضآء مؤیّد لهذا الأمر و البلآء معین لهذا الظّهور آثار نصر مبین و ظفر جدید متدرّجاً نمودار گردید سقوط صنم اعظم نتیجهاش اعلان امر اتمّ افخم جهرةً باهل عالم و رؤسای ادیان و امم در خاور و باختر گردید شمس حقیقت که از برج حمل در سنهٔ ستّین طالع شده بود در سنهٔ ثمانین از برج اسد از اعلی افق عالم اشراق نمود و در نقطهٔ احتراق بدرخشید و فائض بر آفاق گشت با وجود بلایای لاتعدّ و لاتحصی جمال ابهی بانزال الواح و سور و رسائل شتّی در لیل و نهار قیام نمود قیام تحیّرت و استجذبت منه افئدة النّبیّین و المرسلین

جمال ابهی در این مقام بنفسه المهیمنة علی الموجودات شهادت داده قوله تبارک ذکره "بشأنی از غمام فضل امریّه و سحاب فیض احدیّه هاطل که در یک ساعت معادل الف بیت نازل" و همچنین میفرماید "الیوم فضلی ظاهر شده که در یک یوم و لیل اگر کاتب از عهده برآید معادل بیان فارسی از سماء قدس ربّانی نازل میشود و کذلک بشأن الآیات علی لسان عربیّ بدیع" و ایضاً میفرماید "و حال معادل صدهزار بیت در این ارض (ادرنه) موجود و هنوز سواد نشده تا چه رسد بجلد" و همچنین میفرماید "از اهل بیان نفسی نه که اثر اللّه نزدش موجود نباشد و من دون ذلک آنچه در این ارض (ادرنه) موجود کتّاب از تحریرش عاجز ماندهاند چنانچه اکثر بیسواد مانده" بملوک ارض و خلیفهٔ اسلام و ملوک مسیحیّه و ناپلیون سوّم و شاه ایران و صدر اعظم عثمانی و وکلای سلطان و سفیر ملک پاریس و سفیر عجم در مدینهٔ کبیره و مشایخ مدینه و حکما و اهالی آن و ملأ اعجام و فلاسفهٔ ارض خطابات مهیمنهٔ شدیدهٔ مهیّجهٔ قهریّه متتابعاً از یراعهٔ مظلوم عالم صادر و در نصیحت و عتاب و انذار و کشف اسرار و بیان حقائق و اقامهٔ دلائل و اتمام حجّت قلم اعلی لیلاً و نهاراً متحرّک در سنهٔ ستّین در مدینهٔ طیّبهٔ شیراز قائم موعود در قیّوم اسماء معشر ملوک و ابناء ملوک را بندای جانفزای انصرفوا عن ملک اللّه جمیعکم علی الحقّ بالحقّ جمیلاً و بخطاب مستطاب اتّقوا اللّه یا معشر الملوک عن البعد بالذّکر بعدما قد جآءکم الحقّ بالکتاب و الآیات من عند اللّه مخاطب ساخت در سنهٔ ثمانین در ارض سرّ سلطان قیّوم در سورهٔ ملوک معشر سلاطین را باین کلمات عالیات و آیات باهرات متذکّر فرمود قوله تعالت عظمته و عظم استقلاله "ان یا ملوک الأرض اسمعوا ندآء اللّه من هذه الشّجرة المشمرّة المرفوعة الّتی نبتت علی ارض کثیب الحمرآء برّیّة القدس و تغنّ بأنّه لا اله الّا هو العزیز المقتدر الحکیم ... اتّقوا اللّه یا معشر الملوک و لا تحرموا انفسکم عن هذا الفضل الأکبر فألقوا ما فی ایدیکم فتمسّکوا بعروة اللّه العلیّ العظیم و توجّهوا بقلوبکم الی وجه اللّه ثمّ اترکوا ما امرکم به هواکم و لا تکوننّ من الخاسرین ان یا عبد فاذکر لهم نبأ علیّ اذ جآءهم بالحقّ و معه کتاب عزّ حکیم و فی یدیه حجّة من اللّه و برهانه و دلائل قدس کریم و انتم یا ایّها الملوک ما تذکّرتم بذکر اللّه فی ایّامه و ما اهتدیتم بأنوار الّتی ظهرت و لاحت عن افق سماء منیر ... ایّاکم ان لا تغفلوا من بعد کما غفلتم من قبل فارجعوا الی اللّه بارئکم و لا تکوننّ من الغافلین ... ایّاکم ان لا تمنعوا عن قلوبکم نسمة اللّه الّتی بها تحیی قلوب المقبلین ... و ان لن تستنصحوا بما انصحناکم فی هذا الکتاب بلسان بدع مبین یأخذکم العذاب من کلّ الجهات و یأتیکم اللّه بعدله اذاً لا تقدرون ان تقوموا معه و تکوننّ من العاجزین ... ان یا ایّها الملوک قد قضت عشرین من السّنین و کنّا فی کلّ یوم منها فی بلآء جدید ... و انتم سمعتم اکثرها و ما کنتم من المانعین ... و ان لم تفعلوا بما امرتم فی کتاب اللّه لن یذکر اسمائکم عنده بالعدل و انّ هذا لغبن عظیم ... دعوا ما عندکم و خذوا ما امرکم اللّه به ثمّ ابتغوا الفضل من عنده و انّ هذا لسبیل مستقیم ثمّ التفتوا الینا و بما مسّتنا البأسآء و الضّرّآء و لا تغفلوا عنّا فی اقلّ من آن ثمّ احکموا بیننا و بین اعدائنا بالعدل و انّ هذا لخیر مبین ... ان یا عبد ذکّر العباد بما القیناک و لا تخف من احد و لا تکن من الممترین فسوف یرفع اللّه امره و یعلو برهانه بین السّموات و الأرضین فتوکّل فی کلّ

الأمور علی ربّک و توجّه الیه ثمّ اعرض عن المنکرین فاکف باللّه ربّک ناصراً و معین انّا کتبنا علی نفسنا نصرک فی الملک و ارتفاع امرنا ولو لن یتوجّه الیک احد من السّلاطین"

و همچنین به حبر اعظم و ملکهٔ لندن و امپراطور روس و امپراطور آلمان و امپراطور نمسه و رؤسای جمهور در امریک و رؤسای کنیسهٔ ملّت روح از بطارقه و مطارنه و اساقفه و قسّیسین و رهبان و همچنین به ملأ انجیل و ملأ تورات و علمای اسلام از سنّی و شیعه و ملّت مجوس و رؤسای بیان و ملأ حکما و شعرا و ادبا و عرفا و تجّار و صدر اعظم و وزیر خارجهٔ عثمانی و اصحاب مجالس در ممالک و دیار جمال مختار بتبشیر دین اللّه و ابلاغ کلمة اللّه و اعلان امر اللّه و نصیحت و انذار در ایّام اخیرهٔ اقامت در ارض سرّ و سنین اوّلیّهٔ ورود بمدینهٔ محصّنهٔ عکّا مشغول گشت و الواح الهیّه و توقیعات منیعه بمقامات عالیه و جهات مختلفه متتابعاً مترادفاً فرستاد شعلهٔ امر اللّه بلند شد و آوازه‌اش به قفقازیا و دیار مصریّه و سودان و برّیّة الشّام رسید فرائض حجّ بیت اعظم و بیت مکرّم از قلم محیی رمم در الواح مخصوصه نازل و تعیین گشت و الواح صیام از یراعهٔ مالک انام صدور یافت و سورهٔ غصن بشارت‌دهندهٔ کتاب عهد و کتاب بدیع در اثبات امر رفیع منیع و سورهٔ مبارکهٔ رئیس مترادفاً متواتراً از قلم عزّ نزول یافت تحیّت اللّه اکبر بتحیّت اللّه ابهی مبدّل شد و اهل بهاء جالسین سفینهٔ حمرا و سائرین بر قلزم کبریا از ملأ بیان و امّت ممسوخهٔ یحیی بی‌وفا ممتاز و منفصل گشتند شیفتگان جمال احدیّت و باسلان و مبارزان میدان خدمت بعزمی آهنین تأسّی بجمال مبین نموده در کشف حقائق مستوره و ردّ من ردّ علی اللّه و بسط دعوت الهیّه و نعت و مدح مظهر احدیّه رسائل استدلالیّه و خطب بدیعه و قصائد متعدّده تألیف نمودند و حزب شیطان را مأیوس و مخذول و مخجول و منکوب نمودند اذاً تحقّق ما انبأ به قلم نیّر الآفاق فی ارض العراق قوله عزّ ثنائه "اذا سمعت بأنّ سراج الحجاز ترک مشکاة العراق لا تحزن لأنّ فیه اسرار عظیم فسیوقد فی بلّور اخری و هذا تقدیر من عزیز قدیم ... قل انّ فی اخراج الرّوح عن جسد العراق لآیات بدیعاً لمن فی السّموات و الأرض فسوف تجدون هذا الفتی الالهی راکباً علی براق النّصر اذاً یتزلزل قلوب المغلّین" و همچنین قلم میثاق چنین شهادت داده "آن جوهر وجود در محلّ منفی بقدرتی عظمی و قوّتی کبری ظاهر شد که خوف و هراس قلوب اهل آن سامان را مستولی شد که مبادا این شعله در آن خطّه (ادرنه) جهان‌افروز گردد"

متعاقب این قضایا از پس پردهٔ قضا انقلابی جدید ظاهر گشت و لطمه‌ئی دیگر بر جامعهٔ جدید التّأسیس اهل بهاء وارد شد سلطان عثمانیان باتّفاق سلطان عجم و بتحریک دو وزیر بی‌تدبیر و سفیر پر تدلیس و تزویر فرمانی مخصوص خطاب بمشیر مفخّم و رؤسای دیگر در تبعید و نفی مؤبّد و مسجونیّت سلطان ظهور و طائفین حولش در اخرب مدن عالم که بردائت آب و هوا موصوف و منفای مجرمین و سارقین و قطّاع طریق محسوب بود صادر کرد و از معاشرت و اختلاط با اهالی آن مدینه نهی اکید نمود ضبّاط عسکریّه بغتةً بیت اللّه را محاصره نمودند و بذلّت کبری جمال ابهی و آل و اصحاب را حرکت دادند چنان ولوله‌ئی برپا گشت که اغیار بر حال احباب گریستند و یکی از اصحاب در مفارقت محبوب ابهی حنجر خود را بدست خود برید در لوح رئیس این بیان اعزّ اعلی از قلم ابهی نازل قوله عزّ اجلاله "زحف النّاس حول البیت و بکی علینا الاسلام و النّصاری و ارتفع نحیب البکآء بین الأرض و السّمآء بما اکتسبت ایدی الظّالمین" دشمنان دیرین فرصت را غنیمت شمرده دست تطاول گشودند و جمعی از مظلومان را در ایران و عراق عرب و مصر دستگیر و پریشان و اسیر و شهید نمودند

در حین ورود به حصن عکّا پس از آنکه سه ۳ مرتبه در عرض راه سفینه را تجدید نمودند در غرف مخروبهٔ قشلهٔ نظام مالک انام و آل اللّه و مهاجرین را محلّ و مأوی معیّن نمودند و بدست اولاد افاعی سپردند و باب قشله را بر وجه کلّ مسدود نمودند شب اوّل بشهادت آن مظلوم عالم کلّ از اکل و شرب ممنوع گشتند آب طلبیدند اجابت ننمودند باب لقا مسدود گشت و بشهادت قلم اعلی ظلمی باسرا و غربا وارد شد که شبه آن از اوّل دنیا دیده نشده و شنیده نگشت مقارن این احوال غصن ابهی المخلوق من نور البهآء و کنزه و ودیعته فی هذه الدّیار در سبیل حیات عباد و اتّحاد من فی البلاد فدا گشت و

برفیق اعلی اسیراً مظلوماً صعود نمود نحیب بکا بفرمودهٔ سلطان ارض و سماء از اهل سرادق ابهی مرتفع گشت و بکمال مظلومیّت آن غصن شهید بدست اغیار در خارج مدینه مدفون گردید سپس فتنهٔ داخله منضمّ به انقلابات خارجه و احزان وارده و رزایای متتابعه گردید دجّال خبیث و ابلیس پرتدلیس که بفرمودهٔ جمال ابهی از وجهش اثر جحیم ظاهر و از نفسش رائحهٔ اهل سجّین که با رفقایش بجاسوسی مشغول و با موظّفین دولت مرتبط فسادی برانگیخت و عرصه را بر مهاجرین بحدّی تنگ نمود که عدّه‌ئی از اصحاب بقتل پنج نفر از آن نفوس خبیثه با وجود نهی اکید سرّاً اقدام نمودند ولولهٔ عظمی برپا شد و جمال ابهی در مقرّ حکومت احضار گردید و غصن اعظمش در لیمان اسیر غل و زنجیر گشت و بیست و پنج نفر از اصحاب در زندان محبوس گشتند صرصر امتحان بشدّتی بوزید که جمال ابهی در مناجاتی که در بحبوحهٔ انقلاب سجن اعظم نازل باین بیان ناطق قوله جلّت عظمته "قد تبلبل اجساد الأصفیآء علی ارض البعد این بحر قربک یا جذّاب العالمین ... قد قام المشرکون بالاعتساف فی کلّ الأطراف این تسخیر قلم تقدیرک یا مسخّر العالمین قد ارتفع نباح الکلاب من کلّ الجهات این غضنفر غیاض سطوتک یا قهّار العالمین ... قد بلغت البلیّة الی الغایة این ظهورات فرجک یا فرج العالمین ... قد طالت الأعناق بالنّفاق این اسیاف انتقامک یا مهلک العالمین قد بلغت الذّلّة الی النّهایة این آیات عزّتک یا عزّ العالمین" اینست که در مقام دیگر در بیان اعظمیّت بلایای واردهٔ در آن ارض که مرکز میثاق به بئر مظلم تشبیه نموده و رزایای وارده را ببلای مبرم موصوف داشته قلم اعلی چنین مرقوم فرموده "ثمّ اعلم انّ فی ورودنا هذا المقام سمّیناه بالسّجن الأعظم و من قبل کنّا فی ارض اخری تحت السّلاسل و الأغلال و ما سمّی بذلک قل تفکّروا فیه یا اولی الألباب"

ولی طولی نکشید که از عرین قوّت غضنفر قدرت قدم بیرون نهاد و لیل مدلهمّ ذلّت و بلا بطلوع صبح عزّت و رخا منقضی شد تضییقات شدیده بتدبیرات الهیّه و وسائل غیبیّه اندک‌اندک تخفیف یافت و عظمت و اشتهار و قدرت و غلبهٔ ظاهرهٔ مظهر مظلومیّت کبری و غصن برومند فریدش در انظار بیگانه و آشنا جلوه نمود

امّ‌الکتاب کتاب مقدّس اقدس از قلم آن ساذج روح مؤیّداً لما صدر للملوک و الأمرآء و العلمآء من قبل و ناسخاً لما شرع فی البیان و متمّماً لما نزّل علی النّبیّین و المرسلین نازل گشت مدینهٔ مقدّسه و اورشلیم جدیده از آسمان نازل شد و سماء جدیده و ارض جدیده که در مکاشفات یوحنّا به عروس آراسته تشبیه گشته ظاهر و باهر گشت و مرکز عهد اللّه و محور میثاق اللّه و مبیّن کتاب اللّه بتلویحی ابلغ از تصریح تعیین شد و احکام و مبادی نظم بدیع جهان‌آرای الهی که نقطهٔ اولی بآن در کتاب بیان بشارت داده صادر گشت در صدر این رقّ منشور سلطان ظهور شارع اعظم باین کلمات اکمل و اتمّ ناطق قوله عزّ بیانه "یا ملأ الأرض اعلموا انّ اوامری سرج عنایتی بین عبادی و مفاتیح رحمتی لبریّتی کذلک نزّل الأمر من سمآء مشیّة ربّکم مالک الأدیان ... لاتحسبنّ انّا انزلنا لکم الأحکام بل فتحنا ختم الرّحیق المختوم بأصابع القدرة و الاقتدار یشهد بذلک ما نزّل من قلم الوحی تفکّروا یا اولی الأفکار" و همچنین خطاب بسلاطین عالم میفرماید قوله جلّ اعزازه "یا معشر الملوک قد اتی المالک و الملک للّه المهیمن القیّوم الّا تعبدوا الّا اللّه و توجّهوا بقلوب نورآء الی وجه ربّکم مالک الأسمآء هذا امر لا یعادله ما عندکم لو انتم تعرفون ... یا معشر الملوک قد نزّل النّاموس الأکبر فی المنظر الأنور و ظهر کلّ امر مستتر من لدن مالک القدر الّذی به اتت السّاعة و انشقّ القمر و فصّل کلّ امر محتوم یا معشر الملوک انتم الممالیک قد ظهر المالک بأحسن الطّراز و یدعوکم الی نفسه المهیمن القیّوم ایّاکم ان یمنعکم الغرور عن مشرق الظّهور او تحجبکم الدّنیا عن فاطر السّمآء قوموا علی خدمة المقصود الّذی خلقکم بکلمة من عنده و جعلکم مظاهر القدرة لما کان و ما یکون تاللّه لا نرید ان نتصرّف فی ممالککم بل جئنا لتصرّف القلوب ... انّا ما اردنا منکم شیئاً انّما ننصحکم لوجه اللّه و نصبر کما صبرنا بما ورد علینا منکم یا معشر السّلاطین" رؤسای ادیان را قلم اعلی در این کتاب مستطاب باین خطاب مخاطب ساخته "قل یا معشر العلمآء لا تزنوا کتاب اللّه بما عندکم من القواعد و العلوم انّه لقسطاس الحقّ بین الخلق قد یوزن ما عند الأمم بهذا القسطاس الأعظم و انّه بنفسه لو

انتم تعلمون تبکی علیکم عین عنایتی لأنّکم ما عرفتم الّذی دعوتموه فی العشیّ و الاشراق و فی کلّ اصیل و بکور توجّهوا یا قوم بوجوه بیضآء و قلوب نورآء الی البقعة المبارکة الحمرآء الّتی فیها تنادی سدرة المنتهی انّه لا اله الّا انا المهیمن القیّوم یا معشر العلمآء هل یقدر واحد منکم ان یستنّ معی فی میدان المکاشفة و العرفان او یجول فی مضمار الحکمة و التّبیان لا وربّی الرّحمن کلّ من علیها فان و هذا وجه ربّکم العزیز المحبوب ... لو عرفتم الأفق الّذی منه اشرقت شمس الکلام لنبذتم الأنام و ما عندهم و اقبلتم الی المقام المحمود ... انّا خرقنا الأحجاب ایّاکم ان تحجبوا النّاس بحجاب آخر کسّروا سلاسل الأوهام باسم مالک الأنام و لا تکوننّ من الخادعین" و همچنین خطاب بعموم من فی العالم این بیان اتمّ از قلم سرور امم نازل "یا ملأ الانشآء اسمعوا ندآء مالک الأسمآء انّه یناديکم من شطر سجنه الأعظم انّه لا اله الّا انا المقتدر المتکبّر المتسخّر المتعالی العلیم الحکیم انّه لا اله الّا هو المقتدر علی العالمین لو یشآء یأخذ العالم بکلمة من عنده ایّاکم ان تتوقّفوا فی هذا الأمر الّذی خضع له الملأ الأعلی و اهل مدائن الأسمآء اتّقوا اللّه و لا تکوننّ من المحتجبین احرقوا الحجبات بنار حبّی و السّبحات بهذا الاسم الّذی به سخّرنا العالمین" در الواح مقدّسه در وصف اعظمیّت و اکملیّت این رقّ منیع این کلمات عالیات نازل قوله جلّ احسانه "ان اعمل یا عبد بما نزّل فی الکتاب الأقدس تاللّه انّه لمیزان الهدی بین الوری و برهان الرّحمن لمن فی الأرضین و السّموات ... طوبی لنفس عملت بما انزله الرّحمن فی کتابه الأقدس الّذی تزیّن بالأحکام قل انّ الکتاب هو سمآء قد زیّنّاها بأنجم الأوامر و النّواهی یشهد بذلک من عنده امّ الألواح ... قل ما حدّد فی الکتاب لیس لأحد ان ینظره کما ینظر الی حدود الّتی ظهرت من ظنونات المتوهّمین ... کتاب اقدس بشأنی نازل شده که جاذب و جامع جمیع شرائع الهیّه است طوبی للقارئین طوبی للعارفین طوبی للمتفکّرین طوبی للمتفرّسین و بانبساطی نازل شده که کلّ را قبل از اقبال احاطه فرموده سوف یظهر فی الأرض سلطانه و نفوذه و اقتداره انّ ربّک لهو العلیم الخبیر"

طولی نکشید که جمال ابهی پس از نه سال محبوسیّت در آن مدینهٔ پربلا بمرج عکّا قدم نهاد و در قصر رفیع "المقام الّذی جعله اللّه المنظر الأکبر للبشر" جالس و مستقرّ گشت باب لقا بر وجه زائرین از دیار مختلفه مفتوح شد و علم سلطان السّلاطین در خطّهٔ هندوستان و برما و ترکستان بدست رسولان جمال رحمن منصوب گردید از امم بعیده از کلیمی و زردشتی و بودائی در سلک اهل بهاء داخل شدند و ایادی امر اللّه بر ایفای وظائف مفروضهٔ مقدّسهٔ مرجوعه قیام نمودند و مبلّغین و رافعین لواء امر مولی العالمین و اقدر الأقدرین در اطراف و اکناف بنشر نفحات اللّه مشغول شدند و بطبع کتب و رسائل پرداختند خیام عزّ در صفح جبل کرمل مرتفع شد و کوم اللّه به صهیون بشارت داد و لوح کرمل از انامل محبوب نازل گشت وعد الهی ظاهر شد و بهاء کرمل نمودار گشت و بر اودیه و اتلال ارض جلیل و عن ورائها مدینهٔ اورشلیم و مسجد اقصی پرتو بینداخت محلّ استقرار عرش ربّ اعلی بر حسب تعلیمات صادرهٔ از فم مطهّر تعیین شد و ارادهٔ نافذهٔ الهیّه بر انتقال رمس مطهّر از ارض مقدّسهٔ طهران به ارض اقدس تعلّق گرفت اراضی مجاورهٔ مقرّ بعثت حضرت روح مطابقاً لما اراده اللّه بهمّت غصن اعظم ابهی ابتیاع شد و نهر اردن به بحر اعظم متّصل گشت و صحف قیّمه و رسائل عدیده و ادعیهٔ مختلفه و الواح قدسیّه از قبیل اشراقات و بشارات و کلمات و طرازات و تجلّیات و رسالهٔ ابن ذئب که بعضی متمّم احکام منصوصهٔ کتاب اقدس است از سماء وحی الهی مترادفاً نازل گردید و وحدت عالم انسانی و عدم کفایت حبّ وطن ببیان احلای همه بار یک دارید و برگ یک شاخسار لیس الفخر لمن یحبّ الوطن بل لمن یحبّ العالم در الواح الهی بعالمیان اعلان گشت و عظمت و جامعیّت امر اللّه و غلبه و نفوذ دین اللّه رغماً لأنف ناصرالدّین ظالم و عزیز جائر و یحیی بی شرم و حیا بر کلّ ظاهر و مبرهن گردید جمال قدم خود یومی از ایّام باین بیان ناطق "شاه ایران چون از دست جاهلان آسیب دید آنچه کرد راه بجائی داشت ولی سلطان آل عثمان بدون سبب و جهت بر ظلم قیام نمود و ما را به حصن عکّا فرستاد و در فرمان شاهانه مقرّر داشت که احدی پیش ما نیاید و بشدّت تمام مبغوض خاصّ و عام باشیم لذا دست قدرت ربّانی بزودی انتقام کشید و سمیرین و وزیرین بی‌نظیرینش عالی

و فؤاد را اوّل بباد فنا داد و بعد از آن دست قدرت ببرچیدن بساط عزّت عزیز گشاد و اخذه اخذ عزیز مقتدر" بشهادت قلم میثاق "سجن مبارک تأیید اعظم شد و ایران از برزخی ببرزخی منتقل گردید"

و همچنین این بیان از فم مبارکش صادر "این شخص جلیل در سجن اعظم امرش را بلند کرد و نورش باهر شد و صیتش جهانگیر گشت و آوازهٔ بزرگواریش بشرق و غرب رسید و الی یومنا هذا چنین امری در عالم وجود واقع نشده" و ایضاً این شهادت از قلم مبارکش صادر "عظمت امر بقسمی در سجن اعظم ظاهر شد که هر کس حاضر میشد گمان سلطنت مینمود در ساحت اقدسش جمیع اعناق خاضع بود و کلّ رقاب ذلیل جمیع طوائف و ملل بخضوع تام قائم و کلّ قبائل و امم ببزرگواری و عظمت و علوّ منزلت و سموّ مرتبت جمال قدم قائل و معترف" اینست که از قلم اعلی راجع بمدینهٔ مبارکهٔ عکّا این بیان احلی در لوحی از الواح صادر "هذا المقام الأعلی الّذی سمّی مرّةً بالسّجن الأعظم و اخری بسمآء السّمآء" و قبل از افول شمس حقیقت از مغرب این زندان کتاب عهد باثر من قلمه المبارک الشّریف اتماماً للحجّة و اکمالاً للنّعمة نازل گشت و جمال قیّوم عهد وثیق از پیروان امر مقدّسش بگرفت و میثاقی غلیظ بنهاد عهدی را که قلم میثاق شهادت داده که از اوّل ابداع نظیر و مثیل نداشته و آن کتاب مبین را شارع امر اقوم بغصن اعظمش بسپرد و مظفّراً منصوراً پس از قیادت جند الهی در مدّت سی و نه سال به ممالک اخری المقامات الّتی ما وقعت علیها عیون اهل الأسمآء که ذکرش در لوح رؤیا نازل گشته عروج نمود و در عالم ترابی هزاران نفوس از عشّاق جمالش و پروردهٔ ید عنایتش و متمسّکین بحبل ولایش از خود یادگار بگذاشت

غروب شمس بهاء از افق عالم ادنی و اعلان و انتشار کتاب عهد و صحیفهٔ حمرا و تعیین مرکز و مقرّ امر اللّه و ارتقا و جلوس مرجع منصوص بر سریر خلافت عظمی و حلول دورهٔ ثالث قرن اعظم افخم اسنی بر حسب حکمتهای مقنّعهٔ بالغهٔ الهیّه بهبوب ارياح قضا و حدوث خطوب و کروب توأم و مقارن گردید سفینهٔ حمرا را امواج بلا مرّةً اخری احاطه نمود و ارياح سموم از شش جهت بوزید رائحهٔ دفرا منتشر گشت و طوفان نقض شجرهٔ الهیّه را حرکتی شدید داد و تندباد امتحان زلزله بارکان جامعهٔ اهل بهاء بینداخت و بدر میثاق در خسوف حسد و بغضای ناقضین عهد الهی مقنوع و محجوب گشت غصن اکبر نابت از سدرهٔ رحمانیّه و منصوص کتاب عهد مولی البریّه و پروردهٔ لبن عنایت الهیّه در سنین متوالیه قصد مبارزه با لیث عرین میثاق نمود و تیشه بریشهٔ سدرهٔ منتهی زد امانت اللّه را بدزدید و آیات الهی را تحریف نمود و در هدم بنیان مرصوص و هتک حرمت امر اللّه همّت بگماشت و اسم مبارک مرکز میثاق را با اسم شیطان تطبیق نمود و هیکل عهد را رئیس المشرکین نامید و فریاد برآورد که مدّعی ظهور جدیدی پیدا شده و ندای انّی انا اللّه مرتفع گشته و مرکز منصوص تفوّق به جمال قدم و اسم اعظم و مظهر ظهور اکمل و اتمّ نموده اغصان دیگر در نشر این اراجیف و اباطیل باو گرویدند و اوراق شجره از اهل حرم و آل اللّه باو پیوستند و کاتب وحی الهی و بعضی از افنان منشعبهٔ از سدرهٔ ربّانی و عدّهئی از مهاجرین و مجاورین را منحرف نموده عصبهئی تشکیل داده در قصر مبارک در حول مرقد مطهّر تمرکز یافتند و در غصب خلافت و هدم بنیان الهی و تزییف و اذیّت هیکل میثاق لیلاً و نهاراً جهد بلیغ مبذول داشتند و فتنه و فسادی عظیم در ارض اقدس برانگیختند و عبدالبهآء را در بیت عکّا مهجور و فرید بی انیس و معین بجز ورقهٔ مبارکهٔ علیا و ثمرهٔ سدرهٔ منتهی گذاشتند امّت مأیوس یحیی را امیدوار نمودند و دشمنان خارجه را فرحناک و جسور گردانیدند روح مطهّر را در ملکوت ابهی بیازردند و قلوب ستمدیدگان و ماتم‌زدگان را در ایران و اقالیم سائره بگداختند بطبع و انتشار اوراق شبهات بکمال تدبیر و منتهای تزویر اقدام نمودند و بتخدیش اذهان و القاء بغض مرکز عهد و پیمان در قلوب بیگانه و آشنا بکمال سعی و اجتهاد پرداختند یوسف بهاء چندی در جبّ حسد متواری و در لیالی از وقوع این خطب جسیم و بلیّهٔ جدید و زوبعهٔ شدید بحنین و انین دمساز و در آتش حسرت سوزان و روبهان نقض و ثعالب نکث در جولان و جمعی متزلزل و پریشان و مخلصین نالان و سرگردان و علامات ظهور تابوت عهد از بروق و اصوات و رعود و زلزله و برد عظیم که در مکاشفات یوحنّا بآن اشاره گشته در اطراف و اکناف ظاهر و نمایان

در لوحی از الواح که در بحبوحهٔ آن انقلاب نازل مرکز میثاق حیّ لایموت باین ندای حزین مترنّم "الهی تری وحدتی و غربتی و کربتی و تشاهد نحول جسمی و ذهول نفسی و خسوف بدری و کسوف شمسی و ضعف ارکانی و تزلزل اعضائی و تزعزع وجودی و تضییق صدری و خفقان قلبی و زهاق روحی و عدم شروحی و شدّة بلائی فی سبیلک و کثرة ابتلائی فی محبّتک ای ربّ استأصلت الرّوابع دوحتی النّاشئة و اقلعت الزّلازل ارومتی النّابتة و اخذتنی اعاصیر البلوی و اهلکتنی شدائد البأسآء و الضّرّآء" "یا محبوبی ... انحنی ظهری و ابیضّ شعری و ذاب لحمی و بلی عظمی و تقطّعت کبدی و احترق قلبی و اتّقدت نار الأسی بین اضالعی و احشائی" و در مقامی دیگر میفرماید "ترانی هدفاً لکلّ سهام و غرضاً لکلّ نصال و خائضاً فی غمار البلآء و غریقاً فی بحار المصائب و الأرزآء ارحمنی بفضلک و جودک یا ذا الأمثال العلیا و ریّحنی عن کلّ کربة و بلآء و ارحنی بندآء الرّجوع الی جوار رحمتک الکبری و ارفعنی الیک لأنّ الأرض ضاقت علیّ و الحیاة مریرة لدیّ و الآلام تتموّج کالبحور و الأحزان تهجم هجوم الطّیور علی الحَبّ المنثور فنهاری من آلامی لیل بهیم و صباحی مسآء مظلم بهموم عظیم و عذبی عذاب و شرابی سراب و غذائی علقم و فراشی اشواک و حیاتی حسرات و میاهی عبرات و اوقاتی سکرات و بعزّتک لقد ذهلت عن کلّ شیء و لا اکاد افرّق بین لیلی و نهاری و غداتی و عشائی و سهری و رقادی بما اشتدّت الأرزآء و عظم لی البلآء و عرض دآء لیس له دوآء" جمال قدم بنفسه المحیطة علی ما کان و ما یکون در لوحی از الواح باین رزیّهٔ کبری چنین اشاره فرموده "تاللّه یا قوم یبکی عینی و عین علیّ فی الرّفیق الأعلی و یضجّ قلبی و قلب محمّد فی السّرادق الأبهی و یصیح فؤادی و افئدة المرسلین عند اولی النّهی ان انتم من النّاظرین لم یکن حزنی من نفسی بل علی الّذی یأتی من بعدی فی ظلل الأمر بسلطان لائح مبین لأنّ هؤلاء لا یرضون بظهوره و ینکرون آیاته و یجحدون بسلطانه و یحاربون بنفسه و یخادعون فی امره کما فعلوا بنفسه فی تلک الأیّام و کنتم من الشّاهدین" و ایضاً میفرماید "هل یمکن بعد اشراق شمس وصیّتک من افق اکبر الواحک ان تزلّ قدم احد عن صراطک المستقیم قلنا یا قلمی الأعلی ینبغی لک ان تشتغل بما امرت من لدی اللّه العلیّ العظیم لا تسأل عمّا یذوب به قلبک و قلوب اهل الفردوس الّذین طافوا حول امری البدیع"

دیری نگذشت که صاعقهٔ غیرت الهی کرّة اخری بدرخشید و انین و استغاثهٔ مولای فرید و وحید اجابت گشت غیوم کثیفهٔ متراکمه متلاشی شد و قمر میثاق در آسمان امر نیّر آفاق جلوه‌ئی حیرت‌انگیز بنمود بمفاد آیهٔ مبارکهٔ قل البلآء دهن لهذا المصباح و بها یزداد نوره شجرهٔ لاشرقیّه و لاغربیّه نابت گشت و قلزم میثاق اجساد میّته را بر ساحل دمار بینداخت و اغصان یابسه و اوراق مصفرّه از سدرهٔ الهیّه منفصل شد غصن اکبر بعلّت انحراف بنصّ قاطع الهی تاللّه الحقّ لو نأخذ عنه فی اقلّ من الحین فیوضات الأمر لیصفرّ و یسقط علی التّراب ساقط گشت و به حطب اکبر مبدّل شد و تگرگ عذاب بر شکنندگان عهد و پیمان مالک الرّقاب ببارید اهل بهاء و اصحاب وفا چون سدّ قویم مقاومت سیل منهمر اراجیف فئهٔ ناقضه را بنمودند و بثبوت و استقامتی محیّر العقول مبعوث شدند و صفوف مارقین و ناکصین را در هم شکستند و در ردّ مرکز نقض و قطب شقاق رسائل عدیدهٔ متقنهٔ متینه تألیف نمودند و انتشار دادند سدرهٔ منتهی اصلها ثابت و فرعها فی السّمآء سایه بر آفاق غربیّه بینداخت و فروعش بممالک نائیهٔ فسیحهٔ ایالات متّحدهٔ امریک در ماورآء البحار امتداد یافت آوازهٔ امر اللّه در قارّهٔ اوروپ مرتفع شد و علم مبینش در دو عاصمه از عواصم عظیمهٔ غربیّه منصوب گردید جمعی از مؤمنین و مؤمنات اوروپ و امریک احرام کعبهٔ مقصود بستند و بساط احزان را در ارض اقدس در هم پیچیدند و بزیارت مطاف ملأ اعلی خاضعاً خاشعاً مبتهلاً متذکّراً مفتخر و نائل شدند و در حول سراج میثاق مجتمع گشتند و از انوارش استفاضه نمودند و پس از کسب تعلیمات عالیهٔ کامله و دستورات متقنهٔ وافیهٔ کافیه باوطان خود منقطعاً عن الجهات با شور و جذبی بدیع و عزمی بی‌نظیر و همّتی بی‌عدیل مراجعت نمودند و بتبشیر دین اللّه و تأسیس ملکوت اللّه پرداختند و با وجود حدوث امتحان و افتتان و انحراف و سقوط اوّلین مؤسّس بنیان امر الهی در خطّهٔ امریک در تأسیس مراکز جدیده و مشروعات بهیّه و تشکیل محافل روحانیّه قیامی عاشقانه نمودند اذاً ظهر ما بشّر

به القلم الأعلی قوله عزّ و جلّ "انّه اشرق من جهة الشّرق و ظهر فی الغرب آثاره" در کتاب قیّوم اسماء نقطهٔ اولی باین خطاب بدیع اهل غرب را مخاطب ساخته و آنان را باین عنایت عظیمه مخصّص داشته قوله عزّ اجلاله "یا اهل المغرب اخرجوا من دیارکم لنصر اللّه ... فأصبحوا فی دین اللّه الواحد اخواناً علی خطّ السّوآء قد احبّ اللّه فیکم ان تکون قلوبکم مرآةً لاخوانکم فی الدّین انتم تتعکّسون فیهم و هم یتعکّسون فیکم هذا صراط اللّه العزیز بالحقّ و کان اللّه بما تعملون شهیداً" و همچنین در کتاب اقدس رؤسای جماهیر آن قارّهٔ مبارکه باین شرف اعظم و دستور افخم مفتخر قوله جلّ احسانه

"یا ملوک امریقا و رؤسآء الجمهور فیها ... زیّنوا هیکل الملک بطراز العدل و التّقی و رأسه باکلیل ذکر ربّکم فاطر السّمآء کذلک یأمرکم مطلع الأسمآء من لدن علیم حکیم ... اجبروا الکسیر بأیادی العدل و کسّروا الصحیح الظّالم بسیاط اوامر ربّکم الآمر الحکیم" و از کلک میثاق این کلمات باهرات راجع بممالک غربیّه و آن قارّهٔ وسیعه علی‌الخصوص ایالات متّحده و ملّت مستعدّهٔ آن نازل "عنقریب ملاحظه خواهید کرد که از انوار بهآءاللّه غرب شرق میشود ابر رحمت پروردگار میبارد جمیع قلوب سبز و خرّم میشود ... همیشه از ابتدا تا حال چنین واقع شده که نور الهی از شرق به غرب تابیده لکن در غرب سطوع شدید یافته امر حضرت مسیح روحی فداه از شرق ظاهر شد چون پرتو نورانی بر غرب انداخت نور ملکوت در غرب انتشار بیشتر نمود" و ایضاً میفرماید "ثمّ اعلم بأنّ الشّرق استضآءت آفاقها بأنوار الملکوت و عنقریب تتلألأ هذه الأنوار فی مطالع الغرب اعظم من الشّرق و تحیی القلوب فی تلک الأقالیم بتعالیم اللّه و تأخذ محبّة اللّه الأفئدة الصّافیة" و ایضاً میفرماید "امید از فضل و موهبت ربّ جلیل در این عصر جدید چنانست که اقلیم غرب شرق شمس حقیقت گردد و احبّای الهی مطالع انوار و مظاهر آثار شوند" و همچنین میفرماید "قطعهٔ امریک در نزد حقّ میدان اشراق انوار است و کشور ظهور اسرار و منشأ ابرار و مجمع احرار" و ایضاً در لوحی از الواح منیعه خطاب بجمهور مؤمنین و مؤمنات در ایالات متّحده و اقلیم کندا این کلمات درّیّات از قلم میثاق صادر

"ای حواریّون بهآءاللّه روحی لکم الفدآء ... ملاحظه نمائید که حضرت بهآءاللّه چه ابوابی از برای شما گشوده است و چه مقام بلند اعلی مقدّر نموده است و چه موهبتی میسّر کرده است" و ایضاً خطاب بآن مؤمنین و مؤمنات میفرماید "اذا جمعتم الکلمة و اتّفقتم علی المقصد الأصلی و المحبّة المتّحدة و حقّ من فلق الحبّة و برأ النّسمة تتلألأ الأنوار من وجوهکم الی عنان الأوج الرّفیع الأعلی و یشیع صیت علوّکم و یذیع آثار سموّکم فی جمیع الأرجآء و تنفذ قوّتکم فی حقائق الأشیآء و تؤثّر نوایاکم فی الأمم العظیمة الکبری و تحیط ارواحکم بالکائنات کلّها و ترون انفسکم ملوکاً فی اقالیم الملکوت و متوّجاً بأکالیل جلیلة من عالم اللّاهوت و تصبحون قوّاداً لجیوش السّلام و امرآءً لجنود الحیاة و نجوماً فی افق الکمال و سرجاً موقدة ساطعة الأنوار بین الأنام" و ایضاً خطاب بجمهور مؤمنین و مؤمنات در آن سامان میفرماید "حال موفّقیّت شما هنوز معلوم و مفهوم نگشته عنقریب خواهید دید که هر یک مانند ستاره‌های درّی درخشنده در آن افق نور هدایت بخشیدید و سبب حیات ابدیّهٔ اهل امریک شدید ... این نداء الهی چون از خطّهٔ امریک به اوروپ و آسیا و افریک و استرالیا و جزائر پاسیفیک رسد احبّای امریک بر سریر سلطنت ابدیّه جلوس نمایند و صیت نورانیّت و هدایت ایشان بآفاق رسد و آوازهٔ بزرگواریشان جهانگیر گردد" مقارن این احوال و انتشار امر حضرت ذو الجلال در اقالیم غربیّه و ارتفاع رنّهٔ الهیّه و نغمهٔ ملکوتیّه در بلدان نائیهٔ ایالات متّحده عرش مطهّر نقطهٔ اولی طبقاً لما اراده اللّه و بر حسب تعلیمات غصن اعظم الهی پس از آنکه پنجاه سال مخفی و متواری بود و از محلّی بمحلّی منتقل از ارض طاء محفوظاً سالماً بساحل ارض اقدس واصل گشت و تسلیم مرکز عهد جمال ابهی شد ارض اعلی در جبل کرمل رغماً لأنف النّاقضین ابتیاع گشت و حجر زاویه‌اش بدست حامل امانت الهیّه و مرکز میثاق ربّ البریّه گذاشته شد و بنای مقدّس شروع گشت و صندوق مطهّر بآن جبل مقدّس انتقال یافت

طولی نکشید که این انتصارات عظیمه و فتوحات باهره علی‌الخصوص ورود زائرین و زائرات دسته‌دسته بمدینهٔ مبارکهٔ بیضا و بقعهٔ نورا محرّک عرق عصبیّت دشمنان لدود و ناقضین جهول و عنود گردید نار حسد غلیانی جدید نمود و نائرهٔ بغضا فورانی شدید کرد حزب فتور و عصبهٔ غرور فکر جدیدی نمودند و بوسائل دیگری تشبّث نمودند نائرهٔ فساد را اشدّ از قبل در دوائر دولتی افروختند و بترتیب لوائح و ارسال آن بمقامات رسمیّه پرداختند بحکّام و ولاة بلاد و عبدالحمید پلید و رؤسای اسلام و مبشّرین ملّت حضرت روح متوسّل و مرتبط گشتند و بکمال تذلّل بذیل دشمنان متشبّث شدند و بتزویر و خدعه و تدلیس و رشوه بایجاد فتن و فساد مشغول گشتند و در اعدام عبدالبهآء کمر همّت بستند آیات و کلمات الهیّه را تسلیم حکومت نمودند و بتصنیع مکاتیب و مراسلات افترائیّه پرداختند عبدالبهآء را عدوّ حکومت گفتند و نسبت فساد دادند و به باب عالی نوشتند که علم عصیان را برافراخته و با مسیحیان و اهل امریک سرّاً متّفق گشته و در جبل کرمل قلعه‌ئی بنا نموده و رایة اختلاف و فساد را در قری و مدن مرتفع ساخته و عشائر و قبائل را تحریک نموده و خود را ابن اللّه نامیده و مبالغ باهظه اندوخته و اراضی وسیعه مالک گشته و معدّات حربیّه حاضر و آماده نموده و در غصب مقام سلطنت و تأسیس حکومت مستقلّه مصمّم گشته در اثر این دسائس و وساوس فرمان از طرف سلطان جائر در تجدید سجن مرکز عهد و پیمان و احبّای الهی صادر گشت و هیئت تفتیشیّه تعیین گردید و بمدینهٔ عکّا اعزام گشت و پس از ورود از مرکز حکومت اعضای آن هیئت با مرکز نقض و اعوان و دوستانش فوراً مرتبط گشتند و در ارسال لوائح عدیده بمقرّ سریر سلطنت اقدام نمودند و بناقضین ناکثین وعده دادند که قتل و صلب عبدالبهآء مبرم و محتوم است بفرمودهٔ مرکز میثاق نفس مدّعیان و مفتریان در تحقیق و تفتیش با مأمورین سهیم و شریک شدند و مدّعی و حاکم و شاهد نفوس واحده گردید

خطر عظیم بمرجع منصوص متوجّه گشت و مدّت هفت سال طوفان شدید مرکز امر الهی را احاطه نمود و غموم و هموم بر قلوب یاران در ارض اقدس و ایران و اقالیم دیگر مستولی شد در کتاب وصایا که در بحبوحهٔ آن بلایا نازل گشته این کلمات حزن‌انگیز از قلم میثاق در مقام مناجات صادر "ربّ و محبوبی و مقصودی انّک لتعلم و تری ما ورد علی عبدک المتذلّل بباب احدیّتک و ما جنی علیه اهل الجفآء النّاقضون لمیثاق فردانیّتک النّاکثون لعهد حضرة رحمانیّتک انّه ما من یوم الّا رمونی بسهام البغضآء و ما من لیل الّا و بیّتوا یشاورون فی ضرّی فی السّرّ و الخفیّ و ما من صباح الّا ارتکبوا ما ناح به الملأ الأعلی و ما من مسآء الّا ان سلّوا علیّ سیف الاعتساف و رشقونی بنصال الافترآء عند الأشقیآء ... ربّ و رجائی و مغیثی و منائی و مجیری و معینی و ملاذی ترانی غریقاً فی بحار المصائب القاصمة للظّهور و الرّزایا المضیّقة للصّدور و البلایا المشتّة للشّمل و المحن و الآلام المفرّقة للجمع و احاطتنی الشّدائد من جمیع الجهات و احدقت بی المخاطر من کلّ الأطراف خائضاً فی غمار الطّامّة الکبری واقعاً فی بئر لا قرار لها مضطهداً من الأعدآء و محترقاً فی نیران البغضآء من ذوی القربی ... تری یا الهی یبکی علیّ کلّ الأشیآء و یفرح ببلائی ذوو القربی فوعزّتک یا الهی بعض الأعدآء رثوا علی ضرّی و بلائی و بکوا بعض الحسّاد علی کربتی و غربتی و ابتلائی"

در حینی که سیل بلا منحدر و اضطراب عظیم قلوب را اخذ نموده و طائفین حول متشتّت و پریشان و اهل حرم حیران و نگران و جاسوسان در حول بیت مواظب و مراقب و سفینه در بین حیفا و عکّا در حرکت و حاضر و مستعدّ که هیکل میثاق را به صحرای فیزان انتقال دهد و هیئت تفتیشیّه در مدینهٔ حیفا و اطراف مقام اعلی بتفحّص و تجسّس مشغول و ناقضین سبک‌مغز در وجد و سرور که ناگاه بمفاد آیهٔ مبارکهٔ قل انّ القضآء مؤیّد لهذا الأمر و البلآء معین لهذا الظّهور ابرهای متراکمه دفعةً واحدة منقشع و متشتّت شد و پرتو تأیید ساطع و باهر گشت افق تیر و تاریک روشن شد و بدر میثاق که سنین عدیده بخسوف حسد و بغضا مبتلا بود اشراقی جدید نمود واقعهٔ هائله و حادثهٔ خطیره زلزله بارکان مدینهٔ کبیره بینداخت و توپ خدا

بفرمودهٔ حضرت عبدالبهآء صدا نمود و شهریار ظالم را بحدّی مرعوب و مضطرب ساخت که از تحقیق و تعقیب قضیّه منصرف شد

طولی نکشید که شورش عظیم در عاصمهٔ آن اقلیم برپا گشت و مشروطیّت در تمام آن مملکت اعلان گردید منفیّون سیاسی کلّ از قید اسارت برهیدند و سلطان جبّار خود مبتلا و گرفتار شد و مخلوع و منفی گشت ورقای ایکهٔ عبودیّت از قفس سجن اعظم پس از چهل سال محبوسیّت رهائی یافت و در دامنهٔ کرم الهی ایّامی چند لانه و آشیانه اختیار کرد و در همان سنه که سلطان عثمانیان از اوج عزّت بحضیض ذلّت بیفتاد حامل امانت الهیّه بدست مبارک خویش هیکل مقدّس نقطهٔ اولی و عنصر اعزّ الطف اطهر اعلی را پس از آنکه مدّت شصت سال از محلّ بمحلّی منتقل در صندوق مقدّس بنهاد و در حضور جمعی از یاران شرق و غرب در مقام اعلی در قلب کرمل مقابل قبلهٔ اهل بهاء روضهٔ غنّا و بقعهٔ مطهّرهٔ مقدّسهٔ علیا و محطّ رحال ملأ اعلی و در قرب مقام حضرت ایلیا استقرار داد اوّلین معبد بهائی در مدینهٔ عشق بنا گشت و اراضی اوّلین مشرق‌الأذکار امریک امّ المعابد غرب ابتیاع شد و اوّلین محفل روحانی بهائی در ممالک غربیّه بر حسب دستور مرکز عهد مولی البریّه انتخاب و تأسیس گشت سپس اوّلین مؤتمر ملّی بهائی در امریک در مدینهٔ شیکاغو تشکیل شد و هیئت تنفیذیّهٔ مشرق‌الأذکار از طرف عموم وکلای بهائیان آن دیار انتخاب گشت و اراضی معبد رسماً باسم آن هیئت منتخبه انتقال یافت مدارس بهائی در عاصمهٔ اقلیم ایران و نقاط دیگر متتابعاً تأسیس گشت و عدد محافل مقدّسهٔ روحانیّه در موطن اصلی جمال قدم در اثر کلک دائم الجولان مرکز عهد اقوم تزاید یافت مجاهدین امریک از رجال و نساء دامن همّت بر کمر زدند و لسان بتبلیغ گشودند و باقالیم بعیده و جزائر محیط اعظم مسافرت نمودند و در کشور مقدّس ایران اقامت اختیار کردند و بتقویت معاهد جدید التّأسیس آن اقلیم پرداختند آوازهٔ امر الهی بممالک آلمان و چین و ژاپان و عربستان و جزائر محیط در شرق اقصی برسید و دائرهٔ نشریّات و مطبوعات امریّه در دو قارّهٔ اوروپ و امریک اتّساعی عظیم و سریع یافت الواح عدیده و صحف قیّمهٔ الهیّه بلغات مختلفه ترجمه و طبع و منتشر گردید و بر اشتهار آئین الهی بیفزود

در خلال این احوال پس از استقرار عرش مطهّر و انجام این مشروع خطیر و تأسیس بی‌نظیر مرکز عهد ربّ قدیر آهنگ آفاق غربیّه نمود و در مدّت سه سال در دیار مصریّه و انگلستان و فرانسه و آلمان و مجرستان و نمسه و در قریب چهل مدینه از مدن مهمّهٔ ایالات متّحده و اقلیم کندا سیّار گشت و در مجامع عظمی و انجمنهای لاتعدّ و لاتحصی و دارالفنونهای مهمّه و کنائس مسیحیان و معابد کلیمیان و مجامع زنادقه و اشتراکیّون و صلح‌جویان و فلاسفه و ما دونها با وجود ضعف مزاج و تقدّم سنّ نعرهٔ یابهآءالأبهی برآورد و باثبات حقیقت الوهیّت و وحدت مظاهر مقدّسه و ابلاغ امر بدیع و بسط مبادی سامیهٔ اساسیّه و کشف اسرار مدنیّت الهیّه و حلّ مشاکل اقتصادیّه و اعلان وحدت عالم انسانی و انذار بوقوع بلای ناگهانی بی پرده و حجاب لیلاً و نهاراً بپرداخت حجر زاویهٔ اوّلین مشرق‌الأذکار امریک را در ایّام رضوان بنهاد و مقصد اصلی عهد وثیق و میثاق غلیظ جمال ابهی را در مجمع پیروان امر عزیزش در مدینهٔ میثاق مکشوف و مدلّل ساخت در انجمن شور روحانی نمایندگان مراکز امریّهٔ آن اقلیم وسیع بنفسه حاضر شد و روح حیات در کالبد مشروعات بهیّهٔ جدید التّأسیس علمداران حزب مظلوم بدمید کتائب تأیید متتابعاً نازل شد و ولولهٔ عظیم در آن قطر کریم در دلها بیفتاد آهنگ تسبیح و تقدیس در مجامع عظمی بلند شد و فریاد یابهآءالأبهی و یاعلیّ‌الأعلی قلوب جمّ غفیری را باهتزاز آورد و اوصاف و نعوت امر ابهی و مرجع اهل بهاء در جرائد و مجلّات و کتب و صحائف لاتعدّ و لاتحصی منتشر گردید بلایای واردهٔ بر جمال قدم و مظلوم عالم و شهادت مبشّر اسم اعظم و اهراق دماء بریئهٔ پیروان امر اعزّ افخم اثر و ثمرش پدیدار گشت و شدّت و ذلّت عظمی برخا و عزّت کبری مبدّل شد

در لوحی از الواح که در ایّام توقّف در اقطار غربیّه از یراعهٔ میثاق صادر این کلمات عالیات مسطور "وعده‌هائی که از فم مطهّر شنیده بودم کلّ تحقّق یافت و هذا من فضل ربّی الأبهی" در سفرنامهٔ مبارک مدوّن و مذکور که یومی از ایّام "برای

مجلس ثالث تشریف میبردند از شدّت مسرّت صدای مبارک چنان بلند بود که هنگام تاخت و تاز کالسکه عابرین صوت مبارک را میشنیدند میفرمودند ای بهآءاللّه چه کردهئی ای بهآءاللّه بقربانت ای بهآءاللّه بفدایت ایّام را بچه مشقّت و بلا گذرانیدی چه مصائبی تحمّل فرمودی آخر چه اساس متینی نهادی و چه علم مبینی بلند نمودی" و ایضاً در آن سفرنامه مذکور "وقتی حین مشی و گردش در ذکر و یاد جمال مبارک ناطق و بعباراتی حزنانگیز ذکر ایّام سلیمانیّه و وحدت و مظلومیّت طلعت قدم میفرمودند با آنکه مکرّر این حکایت را فرموده بودند ولی آن روز بغتةً حال مبارک منقلب شده هایهای بنای گریه گذاردند بقسمی که صدای مبارک تا دور میرفت و جمیع خدّام بگریه درآمدند و از استماع بلایای جمال قدم و رقّت قلب سرّ اکرم کدورت و اندوه شدید روی نمود"

متعاقب این نصرت عظیم و اعلان امر مقدّس در آن قطر کریم و مسافرت و قیام حیرتبخش فرع منشعب از اصل قدیم که در ادوار سابقه و عصور غابره سابقه نداشته و ذلّت و خذلان خصم خصیم و عدوّ لئیم و ناقض اثیم الّذی رجع کیده الی نحره و بآء بغضب من اللّه نائرهٔ جنگ بینالمللی بغتةً مشتعل گشت و انذارات صریحهٔ قلم ملهم میثاق تحقّق یافت ارکان هیئت اجتماعیّه متزلزل شد و سیل بلا بر عالمیان منحدر گشت و انقلاباتش به ارض اقدس سرایت نمود و در مدّت چهار سال مقامات مقدّسه را در مرج عکّا و جبل کرمل در مخاطرهٔ عظیم بینداخت مقالید امور بدست جمال سفّاک و بیباک سپرده شد و فتنهئی جدید برپا گشت عصبهٔ غرور و اصحاب فتور که از تابش انوار تأیید و مهابت غرّش شیر بیشهٔ میثاق مرعوب و متشتّت و مأیوس و متفرّق گشته بودند مرّةً اخری امیدوار گشته فرصت را غنیمت شمردند و بتولید فساد و نشر اراجیف و تخدیش اذهان پرداختند با بیگانگان مرتبط شدند و در اجرای مقاصد و تحقّق نوایای سیّئهٔ خویش همّت بگماشتند ابواب مخابره و مراسله با مراکز امریّه در شرق و غرب مسدود گشت و بیم و اضطراب بر قلوب جمعی از یاران در خاور و باختر مستولی شد سالار غدّار بخاصّانش صریحاً اظهار نمود و کراراً تهدید کرد که پس از فتح اقلیم مصر و شکست و مغلوبیّت دشمنان خارجه بدفع ضرّ مفسدین داخله و اعدام مرکز میثاق علی رؤوس الأشهاد حتماً اقدام نماید و مقام مقدّس را منهدم سازد و با خاک یکسان نماید شدائد و رزایا از داخل و خارج مرکز امر بهاء را در مدّت چهار سال احاطه نمود و اشتعال نار جنگ و قتال و حدوث آفات و ورود اخبار موحشه و سدّ سبل و انقطاع اخبار بر احزان مستولیهٔ بر قلب مرکز امر کردگار بیفزود

در مناجاتی که در ایّام جنگ از قلم میثاق صادر این کلمات مسطور "الهی الهی تری قد اشتدّ الظّلام الحالک علی کلّ الممالک و احترقت الآفاق من نائرة النّفاق و اشتعلت نیران الجدال و القتال فی مشارق الأرض و مغاربها فالدّمآء مسفوکة و الأجساد مطروحة و الرّؤوس مذبوحة علی التّراب فی میدان الجدال ربّ ربّ ارحم هؤلآء الجهلآء و انظر الیهم بعین العفو و الغفران و اطفئ هذه النّیران حتّی تنقشع هذه الغیوم المتکاثفة فی الآفاق حتّی تشرق شمس الحقیقة بأنوار الوفاق و ینکشف هذا الظّلام و یستضیء کلّ الممالک بأنوار السّلام ... ربّ قد طالت الحروب و اشتدّت الکروب و تبدّل کلّ معمور بمطمور ... ربّ ابعث فی بلادک نفوساً خاضعةً خاشعةً منوّرة الوجوه بأنوار الهدی منقطعةً عن الدّنیا ناطقةً بالذّکر و الثّنآء ناشرةً لنفحات قدسک بین الوری"

طولی نکشید که باثر این مناجات جنگ جهانسوز بپایان رسید و مرکز امر اللّه و دو بقعهٔ مقدّسهٔ مطهّرهٔ نورا از خطر عظیم برهید سپاه انگلیز غالب و منصور گشت و جمال پروبال مغلوب و مقهور شد و بسرعت تمام فرار اختیار کرد و خائب و خاسر گشت دولت قاهره در ارض مقدّسه علم برافراخت و سالار انگلیز بر حسب تعلیمات و سفارشات اکیدهٔ وزیر خارجه بشرف مثول فائز گشت و در حضور مرکز میثاق بزیارت مرقد نیّر آفاق فائز و نائل شد مخاطرات عظیمه که در مدّت شصت و پنج سال در اثر تعدّیات و تجاوزات حکّام و مأمورین عثمانی در عراق عرب و مدینهٔ کبیره و ارض سرّ و حصن عکّا جمال ابهی و مرکز میثاق را احاطه نموده بود بکلّی زائل شد و سدّ منیع مرتفع گشت مصداق آیات کتاب اقدس ظاهر شد و حنین برلین

مرتفع گشت و امپراطوری آلمان و نمسه منقرض شد و وسائل هجرت و توطّن ابناء خلیل و ورّاث کلیم در اراضی مقدّسه فراهم گشت باب لقا بر وجه مشتاقان و سوختگان آتش حرمان مفتوح شد و دائرهٔ مخابرات و مراسلات وسعت یافت الواح عدیده و رسائل متعدّده از قلم میثاق نازل و بسرعت تمام و بکمال آزادی در اطراف جهان منتشر گشت فرمان الهی خطاب بفارسان مضمار خدمت در امریک رسماً ابلاغ گشت و یرلیغ بلیغ تبلیغ که بصورت الواح مخصوصه از قلم میثاق خطاب بجمهور مؤمنین و مؤمنات در آن دیار صادر در انجمن روحانیان در عید رضوان در آن سامان تلاوت گشت و اعلان شد نقشهٔ بدیع معبد عظیم الشّأن یاران را در آن سامان هیئت نمایندگان باتّفاق آراء انتخاب نمودند و بوضع اساس آن بنیان قویّ الأرکان پرداختند ورقهٔ زکیّهٔ شهیره فخر المبلّغین و المبلّغات قدم بمیدان تبلیغ نهاد و باستقامت عظمی برخاست و پرچم موهبت کبری را بانقطاع و شجاعتی بی‌نظیر مرتفع نمود جمعی از مؤمنین و مؤمنات باقالیم بعیده مسافرت نمودند و بفتح قارّهٔ استرالیا و ندای بملکوت اللّه در اقلیم برازیل در قارّهٔ جنوبی امریکا و افریقیای جنوبی و ممالک ایطالیا و سویس و هولند و مجرستان و تونس مفتخر گشتند در ارض اقدس صیت عظمت و قدرت و بزرگواری طلعت میثاق یوماً فیوماً بر ارتفاع بیفزود و مغناطیس حبّش قلوب جمعی را از وزرا و امرا و علما و ادبا از انگلیز و عرب و عجم بربود کلّ از خاصّ و عام بزیارتش مفتخر و از انوار هدایتش مستفیض و بر خوان نعمتش جالس و از بحر جود و کرمش مستمدّ و بحمد و ستایش و شکرانهٔ نعم و آلایش ناطق ناقضین حسود و جحود چون موش کور در حفرات خود خزیده و از تلألؤ انوار کوکب میثاق حیران و پریشان

اذاً تمّ ما صدر من قلم المیثاق "این نفوس بمنزلهٔ بعوضند چندی در گل و کثافات خویش میغلطند یک عربده‌ئی می‌اندازند و عاقبت کأن لم یکن شیئاً مذکورا معدوم گردند" "و سترون انّ الأشعّة السّاطعة من شمس المیثاق احاطت الآفاق و تزلزلت ارض الشّبهات و فاض غمام العهد و غیض غدیر النّقض یومئذ ترون جمال العهد مستقرّاً علی کرسیّ الجلال و آیات المیثاق تتلی علی الآفاق" و همچنین در لوحی از الواح از قلم مرکز عهد در بیان عظمت میثاق الهی این کلمات عالیات صادر "ای یاران الهی سراج میثاق نور آفاق است و حقیقت عهد موهبت اشراق کوکب پیمان مه تابان است و اثر قلم اعلی بحر بی‌پایان ربّ مجید در ظلّ شجرهٔ انیسا عهدی جدید بست و میثاق عظیمی بنهاد ... آیا در هیچ عهد و عصری و زمان و قرنی چنین عهدی تحقّق یافته و یا میثاقی باثر قلم اعلی دیده شده لا واللّه" و همچنین میفرماید "قوّهٔ میثاق مانند حرارت آفتاب است که جمیع کائنات ارضیّه را تربیت نماید و نشو و نما بخشد بهمچنین نور میثاق عالم عقول و نفوس و قلوب و ارواح را تربیت نماید" و همچنین میفرماید "العهد الّذی اخذه اللّه فی ذرّ البقآء لمرکز المیثاق" و در مقام دیگر میفرماید "هذا المیثاق الّذی اخذه اللّه تحت شجرة انیسا یوم ظهوره و اشراقه فی ذرّ البقآء ثمّ تجسّم و تمثّل فی ملکوت الأعیان علی صورة لوح منقوش بالقلم الأعلی سبحان ربّی الأبهی" و ایضاً میفرماید "سبب اقوی و ذیل رداء کبریا عهد و پیمان حضرت یزدان است ... بدان عروهٔ وثقی که از اوّل ابداع در زبر و الواح و صحف اولی نازل عهد و میثاق است و ایمان و پیمان مختار علی الاطلاق" و ایضاً میفرماید "این گوهر یگانه در آغوش صدف ملکوت ابهی پرورش یافته و در سلک قلم اعلی درآمده و از اوّل ابداع نظیر و مثیل نداشته" و همچنین در لوحی از الواح این بشارت عظمی مسطور "قد رجع حدیث یوسف فی نفس عبدالبهآء و القوه فی البئر الظّلمآء اهل الجفآء و سیرد رائد البقآء و یدلی دلو الوفآء و یقول یا بشری هذا غلام البهآء و یعرضه فی معرض مصر العلی و یتجلّی بنور المیثاق عن مطالع الآفاق و ینجو من سجن اوهام اهل الشّبهات و یجعله اللّه عزیزاً بعدما امسی ذلیلاً بین متبّعی المتشابهات و مهملی المحکمات و یقول المتکبّرون تاللّه الحقّ انّ الأمر مشرق لائح سبحان من اختارک و جعلک مظهر التّأیید و مرکز العهد الجدید" و ایضاً در بیان عظمت میثاق الهی این کلمات صادر "الیوم میزان کلّ شیء و مغناطیس تأیید عهد و میثاق ربّ مجید است ... و اگر روح القدس مجسّم گردد فرضاً ادنی توقّف نماید قسم به جمال قدم روحی لأحبّائه الفدآء

که جسم معوّق و جسد معطّل گردد ... و بالفرض طفل رضیعی بثبات و رسوخ تام قیام نماید جنود ملکوت ابهی نصرت او نماید و ملأ اعلی اعانت او کند عنقریب این سرّ عجیب آشکار گردد"

رجفهٔ کبری و مصیبت دهما افول نجم درّی میثاق جمال ابهی و صعود یگانه مرجع منصوص و پشتیبان اعظم اهل بهاء و انفصال غصن برومند اعزّ اعلی از عالم ادنی و فقدان اب حنون و مولای بیهمتا بساط احزان را مرّةً اخری بگسترانید و انقلابی جدید و وحشت و دهشتی عظیم احداث کرد خفّاشان بحرکت آمدند و از حفرات یأس بیرون دویدند و جولانی نمودند و عربدهئی انداختند سالار نقض که سر در جیب خمول فرو برده بود فقدان درع اعظم امر الهی را غنیمت شمرده علم برافراخت و پای بفشرد و بحکم قد اصطفینا متمسّک گشت و بنشر اراجیف و تحریک و تدلیس و تخدیش اذهان مشغول شد تا بنیان الهی را که بقوّهٔ بازوی همایون غصن یزدانی و سلوک و رفتار و بیان معجزشیمش در عالم امکان محکم و استوار گشته از بنیاد براندازد و امور مستقیمه را معوجّ نماید و زحمات بیست و نه ۲۹ سالهٔ آن مولای فرید را هدر دهد و عالمی را بخسران اندازد مشتی از نفوس موهومهٔ واهیهٔ سافله باو گرویدند و در ایجاد رخنه و انشقاق در جامعهٔ بین‌المللی پیروان نیّر آفاق همّت بگماشتند

زعیم ثانی و جمعی از بلها و بلدا از خویش و اعوان در حول مقام مقدّس مجتمع گشتند و بجسارت تمام مفتاح آن مقام را از پاسبان و باغبان روضهٔ مبارکه غصب نمودند و بولاة امور و رؤسای شرع متوسّل گشتند و بنشر اراجیف و هذیانات و کلمات لایسمن و لایغنی مشغول شدند و ادّعای اولویّت در تولیت مطاف ملأ اعلی و قبلهٔ اهل بهاء نمودند فائق ارمنی با عدّهئی از جهلا در مدینهٔ قاهره جمعیّهٔ علمیّه را بهانه نموده بتخریب بنیان محفل روحانی و تشتیت شمل یاران و استحکام اساس ریاست خود قیام نمود و فساد عظیم برپا کرد زنی در امریک خودسرانه و جسورانه فریاد برآورد که وصایای مقدّسهٔ مرکز عهد ربّ البریّه بی‌اصل و مجعول است و از درجهٔ اعتبار ساقط و بکمال جدّیّت و عناد در امریک و انگلستان بر اثبات مدّعای خویش برخاست و مبالغی در این سبیل مصروف نمود و بحکومت فلسطین ملتجی گشت و وجهی فرستاد و اصرار و ابرام نمود که ولاة امور خود در این امر خطیر تحقیق نمایند و اقامهٔ دعوی کنند و این تزویر و خدعه را در جمیع اطراف اعلان نمایند نفسی که از مؤسّسین امر اللّه در اقلیم آلمان محسوب و در سلک مبلّغین محشور در دام این نفس غافلهٔ محتجبه گرفتار گشت و از منهج قویم منحرف شد و بعضی را با خود همراه نمود و بذلّت دارین مبتلا گشت قطرهٔ آسنه آوارهٔ بیچاره بر اطفاء نار موقدهٔ الهیّه بهمّت تمام و بغضای عظیم و امیدواری کامل قیام نمود و بمقاومت امواج طمطام اعظم برخاست بلحنی شدید و عباراتی شنیع و تأویلاتی رکیک و کلماتی قبیح بر تحقیر و تزییف و توهین امر اعظم در تألیفات متتابعه‌اش قیام کرد و بنشر اراجیف و هذیانات مدّتی مدید مشغول شد و بزعم باطلش کشف الغطآء نمود و آئین نازنین را رسوای خاصّ و عام کرد و شریعهٔ سمحهٔ بیضا را از بنیاد برانداخت با علمای سوء و مبشّرین ملّت حضرت روح و دشمنان دیگر مرتبط شد و روی اعدای پیشین را سفید نمود و از افترا و بهتان چیزی باقی نگذاشت و بخود وعده داد که در اندک زمانی امر اللّه را مستأصل و نظم الهی را پریشان و حزب اللّه را متشتّت و مضمحل گرداند و اثری از دین اللّه در خاور و باختر نگذارد دشمنان دیرین که در عراق عرب مدّتی مواظب و در کمین بودند و از اشراق انوار امر جهان‌افروز الهی و اقدامات مرکز عهد یزدانی در تعمیر و ترمیم بیت اعظم در مدینةاللّه در سنین اخیره برآشفته و در اشدّ هیجان صعود مرکز پیمان را غنیمت شمرده دست تطاول گشودند و آن مقرّ مقدّس را جائرانه تصرّف نمودند و اولیای امور را با خود متّفق ساختند و ولوله و آشوبی انداختند و باستحکام تعدّیات و تجاوزات خویش بهمّت تمام پرداختند اذاً ظهر ما اخبر به القلم الأعلی فی السّنة الأولی فی ارض السّرّ قوله المبارک المنیع "ثمّ اعلم بأن لیس هذا اوّل وهن نزّل علی بیتی و قد نزّل من قبل بما اکتسبت ایدی الظّالمین و سینزل علیه من الذّلّ ما تجری به الدّموع عن کلّ بصر بصیر کذلک القینا الیک بما هو المستور فی حجب الغیب و ما اطّلع علیه احد الّا اللّه العزیز الحمید ثمّ تمضی ایّام یرفعه اللّه بالحقّ و یجعله علماً فی الملک بحیث یطوف حوله ملأ العارفین"

این بحران شدید و هیجان عظیم پس از افول کوکب میثاق و این لطمات متتابعه و قیام دشمنان داخله و خارجه و تعدّیات و تجاوزات اعداء دینی و سیاسی و دسائس و وساوس خصماء قدیم و جدید بمفاد آیهٔ مبارکهٔ قل انّ الاعراض من کلّ معرض مناد لهذا الأمر و به انتشر امر اللّه و ظهوره بین العالمین بر اشتهار امر اللّه و استحکام بنیان رصین و رزین بیفزود شعلهاش افزونتر گشت و صیتش مرتفعتر شد بشهادت قلم میثاق خرق علّت التیام و منع باعث تشویق گشت اهل وفا پروردهٔ ید عنایت حضرت عبدالبهآء کثلّة واحدة قیامی عاشقانه نمودند و در حصن حصین وصایای مقدّسه متحصّن گشتند و متوکّلاً علی اللّه بتأسیس نظم بدیع قیام نمودند و بایفای وظائف مقدّسهٔ مفروضهٔ مرجوعه مشغول گشتند

طولی نکشید تأیید شدید متتابعاً برسید و قوّهٔ قدسیّه نبعانی جدید نمود و وعد صریح الهی و نراکم من افقی الأبهی و ننصر من قام علی نصرة امری بجنود من الملإ الأعلی و قبیل من الملائکة المقرّبین ظاهر و آشکار گشت دشمنان جسور مرّةً اخری منکوب و مخذول گشتند و امر الهی نافذ و غالب گشت مفتاح آن مقام مقدّس پس از تحقیقات کامله از طرف مقامات رسمیّه بواسطهٔ حاکم انگلیز در جوار آن مرقد منوّر تسلیم همان پاسبان و باغبان گردید و مفتریات و وساوس جهلا و بلها بر ولاة امور واضح و مبرهن گشت و مجهودات و مساعی خائنین و مغرضین و مستکبرین و طالبین ریاست کلّ بهدر رفت بلکه نتیجه بالعکس بخشید قضیّهٔ بیت اعظم جمال قدم شهرتی عظیم یافت و از محکمهٔ شرعیّهٔ جعفریّه بمحاکم اهلیّه و سپس بمحکمهٔ علیا در آن ارض منتقل گشت و اخیراً در بساط جمعیّهٔ امم مطرح مذاکره و مناقشه در بین نمایندگان ممالک مختلفه و وزرا و سفرا و وکلای دول شرقیّه و غربیّه واقع گردید و عاقبة الأمر پس از تحقیقات کامله ظلم و تعدّی شیعیان ثابت و مبرهن گشت و تظلّم بهائیان مقبول واقع شد و شهادتی خطیر رسماً صریحاً از طرف عصبهٔ امم اعلان گشت و نصّ شهادت در نشریّات رسمیّه و جرائد مختلفه در شرق و غرب منتشر گردید و بحکومت بریطانیا از طرف نمایندگان حکومات مختلفه سفارشات اکیده کتباً و رسماً ابلاغ گردید که بحکومت عراق تعلیمات لازمه در محافظهٔ حقوق مسلوبهٔ مظلومین و دفع شرّ غاصبین صادر گردد در خلال این احوال بر حسب تعلیمات الهیّه و مطابق وصایای وافیهٔ متقنهٔ اکیدهٔ صریحه نظم اعظم ولید میثاق جمال قدم بأحسن ما یمکن فی الابداع بدست حامیان امر اللّه و بانیان قصر مشید دین اللّه تأسیس گشت و قوائم و دعائم دیوان عدل الهی در خاور و باختر متدرّجاً منصوب گردید

قوّهٔ قدسیّه که در مدینهٔ طیّبهٔ شیراز نقطهٔ بیان در سنهٔ ستّین بآن بشارت داده و در سنهٔ تسع در ارض مقدّسه در زندان طهران متولّد گشته و تصرّفات اوّلیّهاش در مدینةاللّه نمودار گشته و در ارض سرّ در سنهٔ ثمانین بمنتهی درجهٔ قدرت در حقائق کائنات سریان و نفوذ نموده و در ایّام قیادت مرکز میثاق از سجن اعظم بجهان فرنگ سرایت کرده و اقالیم غربیّه را بحرکت آورده پس از افول کوکب میثاق این قوّهٔ ساریهٔ دافعهٔ نافذه در مشروعات و مؤسّسات بهیّهٔ پیروان امر خداوند یگانه حلول نمود و مجسّم و مشخّص و مصوّر گشت در کتاب بیان که در سجن آذربایجان در بدو نشأهٔ امر حضرت رحمن نازل این بشارت عظمی از قلم مبشّر جمال کبریا صادر قوله الأحلی "طوبی لمن ینظر الی نظم بهآءاللّه و یشکر ربّه فانّه یظهر و لا مردّ له من عند اللّه فی البیان الی ان یرفع اللّه ما یشآء و ینزل ما یرید انّه قویّ قدیر" سپس در کتاب اقدس شارع قدیر باین نظم بدیع خود اشاره فرموده قوله عزّ بهائه "قد اضطرب النّظم من هذا النّظم الأعظم و اختلف التّرتیب بهذا البدیع الّذی ما شهدت عین الابداع شبهه اغتمسوا فی بحر بیانی لعلّ تطّلعون بما فیه من لآلئ الحکمة و الأسرار" این نظم بدیع را که شبه آن چشم عالم ندیده و در هیچ یک از ادوار سابقه و ادیان عتیقه مثیل و نظیر نداشته و حضرت اعلی بصراحت تمام بآن بشارت داده و باسم مبارک موعود بیان مرتبط فرموده و اصول و احکامش را جمال ابهی خود در کتاب مقدّس اقدس که مرجع اهل عالم است نازل فرموده و کیفیّت تأسیسش را طلعت میثاق در کتاب وصایا تبیین و تشریح فرموده

جالسین فلک بهاء و متمسّکین بعروهٔ وثقی و ثابتین بر عهد اوفی و بانیان این نظم اعزّ اعلی بوضع اساسش و رفع قوائم و قواعدش متّحداً متّفقاً در خاور و باختر قیام و اقدام نمودند محافل روحانیّه که اسّ اساس این نظم بدیع است متتابعاً در مدن و قری در اقالیم متعدّده تأسیس گشت و تعمیم یافت و لجنه‌های امریّه که ایادی و اجنحهٔ آن محافل مقدّسه‌اند تشکیل شد و صندوقهای خیریّه در تحت ادارهٔ منتخبین جمهور مؤمنین و مؤمنات کاملاً ترتیب یافت در کتاب اقدس این امر اکید از قلم شارع قدیر صادر قوله عزّ اجلاله "قد کتب اللّه علی کلّ مدینة ان یجعلوا فیها بیت العدل و یجتمع فیه النّفوس علی عدد البهآء و ان ازداد لا بأس و یرون کأنّهم یدخلون محضر اللّه العلیّ الأعلی و یرون من لا یری و ینبغی لهم ان یکونوا امنآء الرّحمن بین الامکان و وکلآء اللّه لمن علی الأرض کلّها و یشاوروا فی مصالح العباد لوجه اللّه کما یشاورون فی امورهم و یختاروا ما هو المختار کذلک حکم ربّکم العزیز الغفّار" در الواح مرکز میثاق راجع باین محافل روحانیّه این کلمات درّیّات نازل "فهذه المحافل الرّوحانیّة مؤیّدة بروح اللّه و حامیها عبدالبهآء و ینشر جناحه علیها فهل من موهبة اعظم من هذا و هذه المحافل الرّوحانیّة سرج نورانیّة و حدائق ملکوتیّة ینتشر منها نفحات القدس علی الآفاق و یشرق منها انوار العرفان علی الامکان و یسری منها روح الحیاة علی کلّ الجهات"

پس از وضع اساس این نظم بدیع محافل مرکزی که من‌بعد به بیوت عدل خصوصی معروف و موصوف خواهند گشت بواسطهٔ وکلای مؤمنین و مؤمنات در اقالیم مختلفه تأسیس گشت و ارکان و اعمدهٔ این قصر مشید منصوب گردید لجنه‌های ملّی پی در پی تشکیل گشت و انجمنهای شور روحانی و صندوقهای خیریّهٔ مرکزی مرتّباً تأسیس یافت دستور بهائی و قانون اساسی جامعهٔ بهائیان بکمال دقّت تدوین گشت و بلغات مختلفه ترجمه و منتشر گردید و بر انتظام دوائر امریّه و ارتباط مراکز بهائیان بیکدیگر و تقویت وحدت جامعه بیفزود سپس نمایندگان ملّت باب مخابره با اولیای امور گشودند و بتسجیل محافل مقدّسهٔ روحانیّه پرداختند و اعتبارنامه‌های رسمی از دوائر دولتی تحصیل نمودند محافل مرکزی بهائیان امریک و هندوستان و مصر و استرالیا و انگلستان و همچنین عدّه‌ئی از محافل محلّی در اقلیم هندوستان و آلمان و برما و کندا و قارّهٔ استرالیا و جزائر محیط اعظم و چهل محفل از محافل محلّیّهٔ روحانیّه در قارّهٔ امریکا بر حسب قوانین جاریهٔ متبوعه در این ممالک مختلفه رسماً تسجیل گشت و صفت شرعی یافت و در نظر اولیای امور از دوائر مشروعهٔ معتبره محسوب گردید طولی نکشید که اوقاف بهائی در نهایت متانت تأسیس گشت و اماکن متبرّکه و اراضی وسیعه و معابد و حظائر مختلفه بنام این محافل معتبرهٔ مرکزی و محلّی در دوائر ثبت اسناد در این ممالک مختلفه رسماً انتقال یافت

در ارض اقدس قلب العالم و قبلة الأمم نتائج و ثمرات مشروع رفیع افخم که جمال قدم بنفسه الأعزّ الأکرم در آن ارض پس از خروج از سجن اعظم تأسیس فرموده پس از ابتیاع ارض اعلی و بنای آن مقام اسنی و استقرار عرش نقطهٔ اولی متدرّجاً ظاهر و پدیدار گشت اراضی مجاورهٔ آن مقام محمود در قلب جبل کرمل بهمّت یاران جانفشان الهی ابتیاع گشت و باراضی موقوفهٔ قبل منضمّ شد و قیمت کافّهٔ موقوفات جامعهٔ بهائی در آن بقعهٔ مقدّسه به نیم ملیون جنیه برسید و شعبهٔ دو محفل مرکزی بهائیان امریک و هندوستان بر حسب قوانین حکومت فلسطین تأسیس شد و قسمی از این اراضی جدید الابتیاع پس از اجرا و اتمام سی ۳۰ معاملهٔ قانونیّه در ادارهٔ ثبت اسناد رغماً لأنف النّاقض الأکبر و ابنه باسم شعبهٔ محفل ملّی بهائیان امریک انتقال یافت طولی نکشید که این اراضی وسیعه بتمامها از رسوم دولتی معاف گشت و از اوقاف بین‌المللی جامعهٔ بهائی محسوب شد حجرات آن ضریح مقدّس مطابق ارادهٔ نافذهٔ بانی آن مرقد منوّر تکمیل گشت و طبقات آن مقام مطهّر امتداد یافت محفظهٔ آثار بین‌المللی بهائیان تأسیس شد و آثار نفیسهٔ متشتّته در سه ۳ حجرهٔ متّصل بآن رمس مطهّر جمع و منتظم گشت گلزار مقام اعلی نزهتگاه عموم از طبقات و طوائف مختلفه گردید و بر اشتهار و عظمت آن مقام رفیع بیفزود موقوفات جدیده در مرج عکّا و جنوب فلسطین و ماوراء نهر اردن تأسیس گشت و قصر رفیع جمال قدم پس از آنکه چهل سال مرکز و مسکن شخصی ناقضین

ناکثین بود رغماً لأنفهم تخلیه گشت و تعمیر و روشن شد و از مالیات معاف گشت و از موقوفات بین‌المللی جامعهٔ بهائی محسوب گردید و زیارتگاه عموم از یار و اغیار گشت

اماکن متبرّکه در کشور مقدّس ایران در ایالات مختلفه و عاصمهٔ آن مملکت ابتیاع گشت و اراضی وسیعه که مساحتش حال از سه ۳ ملیون متر مربّع متجاوز در خارج عاصمهٔ آن اقلیم در دامنهٔ جبل البرز مشرف بر ارض مقدّسه جهت بنای اوّلین مشرق‌الأذکار بهائیان ایران ابتیاع شد و بموقوفات ملّی بهائی در آن سامان منضمّ گشت حظائر قدس ملّی مراکز اداری نمایندگان جامعهٔ بهائی در مدینةاللّه و ارض طاء و در جوار امّ المعابد غرب و عاصمهٔ هندوستان و عاصمهٔ اقلیم مصر و اوّلین مرکز امر اللّه در قارّهٔ استرالیا تأسیس گشت و مدارس تابستانه و معاهد مختلفهٔ متعدّده جهت ترویج مصالح امآء الرّحمن و جوانان و اطفال جامعه تأسیس یافت دفتر بین‌المللی بهائی در قلب قارّهٔ اوروپ و مرکز جمعیّهٔ امم تشکیل شد و الواح اصلیّه بر حسب تعلیمات محافل روحانیّه در ممالک شرقیّه استنساخ گشت محافل جدید التّأسیس بهائیان با انجمنهای متنوّعهٔ عمومیّه در امور عامّ المنفعه و ترویج مصالح هیئت اجتماعیّه و مساعی خیریّه اشتراک نمودند و باب مخابره و مراسله جهت تبشیر امر اللّه و احقاق حقوق مظلومین گشودند بملوک و امرا و وزرا و علما و ادبا کتب قیّمه و صحف الهیّه را تقدیم نمودند و در اثبات عمومیّت و جامعیّت امر الهی بکمال شجاعت و متانت من‌دون ستر و خفا جهد بلیغ مبذول داشتند

در این اثنا لطمه‌ئی دیگر بجامعهٔ قویّ الأرکان پیروان جمال رحمن وارد گشت و از ناحیهٔ غیر منتظره دشمنان دینی و سیاسی هجومی عنیف بر مقدّسات و مؤسّسات امر بهائی نمودند تأسیس نظم بدیع و ارتفاع قواعد و نصب اعمدهٔ قصر مشید دشمنانی جدید مبعوث نمود و محرّک عرق عصبیّت اعدای قدیم گشت علمای سنّت و جماعت در اقلیم مصر مرکز عالم عربی و اسلامی حجاب اعظم را بدریدند و حقائق مکنونهٔ مستوره که در مدّت هشتاد سال در خلف حجاب حکمت مقنوع بود بصرافت طبع اعلان و اثبات نمودند محکمهٔ شرعیّهٔ اسلامیّه در اثر تأسیسات جدیدهٔ بهائیان در دیار مصریّه حکم قاطع انفصال بهائیان را رسماً و کاملاً از شریعت محمّدیّه و اخراج آنان را از جامعهٔ اسلامیّه صادر کرد و عقد ازدواج را بین بهائی و مسلم نسخ نمود و زوج را از زوجه منفصل کرد و ارتداد و کفر و الحاد متمسّکین بشریعت سمحا را اعلان نمود و باستقلال امر اعظم الهی شهادت داد و بدلائل متقنه و آیات کتاب اقدس و الواح مهمّهٔ صادرهٔ از قلم اعلی و کلک میثاق اصالت دین مبین را اثبات کرد و این حکم شدید و صریح را مفتی دیار مصریّه و قاضی القضاة در مدینهٔ قاهره هر دو تصدیق و تأیید نمودند و در جرائد و مجلّات در اقلیم مصر و ممالک مجاوره انتشار دادند و باین شهادت اعظم اوّلین قدم را دشمنان دینی امر جمال قدم در سبیل استقلال آئین اعزّ اقدس اکرم برداشتند در این حکم مبرم این عبارات صریحه مسطور "انّ البهائیّة دین جدید قائم بذاته له عقائد و اصول و احکام خاصّة به تغایر و تناقض عقائد و اصول و احکام الدّین الاسلامی تناقضاً تامّاً فلا یقال للبهائی مسلم و لا العکس کما لا یقال بوذیّ او برهمیّ او مسیحیّ مثلاً مسلم و لا العکس للتّناقض فیما ذکر" و از برای سدّ باب مراجعهٔ بهائیان بمحاکم شرعیّهٔ اسلامیّه و ایجاد مشکلات از برای نمایندگان جامعه و اعضای محافل روحانیّه در آخر این حکم این قید و شرط مذکور و مسطور "و من تاب و آمن منهم و صدّق بکلّ ما جآء به سیّدنا محمّد رسول اللّه ... و عاد الی الدّین الاسلامی الکریم عودةً صحیحةً فی نظر الاسلام و المسلمین حقّاً لا فی نظر الأدعیآء المبطلین ... و سلّم بأنّ سیّدنا محمّد ... هو خاتم النّبیّین و المرسلین لا دین بعد دینه و لا شرع ینسخ شرعه و انّ القرآن هو آخر کتب اللّه و وحیه لأنبیائه و رسله ... قبل منه ذلک و جاز تجدید عقد زواجه و من یتّبع غیر الاسلام دیناً فلن یقبل منه و هو فی الآخرة من الخاسرین"

متعاقب این انفصال و اخراج و در اثر ضوضا و غوغا و تعرّضات و تعدّیات شدیدهٔ اشرار و متعصّبین در آن اقلیم و منع دفن اموات بهائی در مقبرهٔ مسلمین فتوای مفتی دیار مصریّه بر حسب خواهش وزارت عدلیّه صادر گشت و نصّ آن فتوی در جرائد منتشر شد در این فتوای خطیر که متمّم حکم محکمهٔ شرعیّه محسوب این عبارات مدوّن و مسطور "انّ هذه الطّائفة

لیست من المسلمین ... و من کان منهم فی الأصل مسلماً اصبح باعتقاده لمزاعم هذه الطّائفة مرتدّاً عن دین الاسلام و خارجاً عنه تجری علیه احکام المرتدّ المقرّرة فی الدّین الاسلامی القویم و اذا کانت هذه الطّائفة لیست من المسلمین لا یجوز شرعاً دفن موتاهم فی مقابر المسلمین سوآء منهم من کان فی الأصل مسلماً و من لم یکن کذلک" این حکم شدید علمای دین و اخراج صریح از جامعهٔ مسلمین و تولید مشاکل عظیمه و وقوع امتحانات شدیده از برای مؤمنات و مؤمنین در آن سرزمین و اقالیم دیگر در ممالک اسلامیّه منضمّ بلطمات دیگر از طرف سیاسیّون و حکّام گشت محن و بلایای پیروان شجیع و دلیر جمال ابهی در ترکستان و قفقازیا در این اثنا شدّت یافت و منجرّ بتوقیف و استنطاق نمایندگان بهائی و منتهی بالغاء محافل روحانیّه و لجنه‌های امریّه و معاهد دینیّه و منع مخابره با مراکز خارجه و ضبط کتب و اوراق و الواح الهیّه و نهی از تبلیغ و ابطال دستور بهائی و بستن مدارس و حجز و استملاک مشرق‌الأذکار و حبس و زجر و تبعید اکثر مؤمنین و مؤمنات در آن دیار گشت

در خلال این حوادث جان‌گداز و وقوعات خطیرهٔ هائله مرّةً اخری اشعّهٔ تأیید ساطع گشت و فیالق توفیق بر حاملان امانت الهیّه و رسولان حضرت ربّ البریّه نازل شد بمفاد آیهٔ شریفهٔ قد جعل اللّه البلآء غادیة لهذه الدّسکرة الخضرآء و ذبالة لمصباحه الّذی به اشرقت الأرض و السّمآء قیام امرا و حکّام و وزرا و حکم اخراج و نسبت کفر و الحاد از طرف رؤسای شرع و تعدّیات و تجاوزات رؤسا و زمامداران پر شوکت و اقتدار باعث نصرتی جدید و فتحی مبین گشت اعلان یوم رهیب فصل و تولید مشاکل متنوّعهٔ جدیده و حدوث امتحانات عظیمه و تضییقات شدیده پیروان اسم اعظم را دقیقه‌ئی از ایفای وظائف مقدّسهٔ خویش بازنداشت و عربده و هیاهوی جهّال علّت فتور و اضطراب و اختلال نگردید

جند هدی حامیان امر الهی علی‌الخصوص نوّاب جامعهٔ بهائی فرصت را غنیمت شمرده علم مبین را علی رؤوس الأشهاد برافراشتند و در اعلی المقامات کوس استقلال امر بهاء را بکوفتند دامن همّت بر کمر زدند و باعلان حقائق مستوره و کشف اسرار مخزونه و تنفیذ احکام الهیّه من‌دون کتمان و تقیّه بکمال صراحت و شجاعت و متانت اقدام نمودند باب مخابره را رسماً با ولاة امور در اقالیم مختلفه گشودند و در احقاق حقّ مظلومین و ردّ مفترین و مبطلین و دفاع از شریعت حضرت ربّ العالمین و کشف اصول و اقامهٔ حدود و تعظیم شعائر و تشهیر مناقب و نوامیس دین مبین و ترتیب و تدوین احکام کتاب اقدس و ترجمهٔ مجموعهٔ مندرجات مهمّهٔ آن کتاب مستطاب بلغات مختلفه و طبع و انتشار و تقدیم آن باولیای امور همّت بگماشتند از دوائر شرعیّه و کنائس و معابد ادیان عتیقه جامعه را رسماً منفصل ساختند و عدم قبول وظائف شخصیّه را در معاهد و مؤسّسات دینیّه از مسیحی و کلیمی و اسلامی و هندی و بودائی و زردشتی در نشریّات خود من‌دون تردید و مداهنه در شرق و غرب اعلان نمودند تهدید و توقیف و حبس و تبعید و تحقیر و تزییف و ضبط اوراق و حرق کتب و تعطیل دوائر و بستن مدارس ادنی خللی و یا فتوری در عزم و استقامت نمایندگان جامعهٔ بهائی ایجاد ننمود و علّت انحراف گروه مجاهدین از صراط مستقیم و منهج قویم نگشت میزان عدل الهی منصوب شد و منصوصات کتاب اقدس راجع به صوم و صلوة و ازدواج و طلاق و میراث و تجهیز و تکفین و تدفین اموات و احتراز از مشروبات و محرّمات دیگر تعمیم و تنفیذ گشت تعطیل عمومی دوائر امریّه در ایّام متبرّکهٔ محرّمه در ممالک شرقیّه و غربیّه اعلان گردید و رسمیّت آئین مولی البریّة تحقّق یافت و حکم انفصال اداری متمرّدین و منحرفین از جامعهٔ بهائی و محرومیّت آنان از حقّ انتخاب و عضویّت محافل روحانیّه در اقلیم مقدّس ایران و اقالیم دیگر جاری شد در ارض اقدس شعائر امریّه بی پرده و حجاب مجری گشت و تسجیل عقدنامهٔ بهائی در دوائر حکومتی و معافیّت مقامات مقدّسه و توابع آن از رسوم دولت از طرف اولیای امور تصویب گردید اجازهٔ رسمی از طرف ولاة امور در قطر مصر جهت تأسیس مقابر بهائی پس از مناقشات طولانی و مفاوضات رسمی صادر شد و زمین از طرف حکومت مصریّه تعیین و تخصیص و تسلیم امنای محفل مرکزی در آن اقلیم گشت

در قارّهٔ امریک در پنج ایالت از ایالات متّحده محافل روحانیّهٔ محلّی باخذ تصریح کتبی رسمی از برای اجرای عقد بهائی و عدم مراجعه بمحاکم مدنی و دوائر دینیّه و ثبت عقدنامهٔ امری در دوائر دولتی موفّق و مفتخر گشتند و از طرف وزارت جنگ و رؤسای لشکر محفل مرکزی آن اقلیم بثبت اسم اعظم بر مراقد بهائیان در مقابر حکومتی لأجل امتیاز از مقابر مسیحیان و کلیمیان مأذون گشت رفته‌رفته شریعهٔ غرّا و طریقهٔ سمحهٔ بیضا شهرهٔ آفاق گشت و سرّ مصون و کنز مخزون ظاهر و پدیدار شد و مسلک اهل بهاء رغماً لکلّ افّاک اثیم بر مدّعیان و زمامداران مکشوف گردید اعلان انفصال شریعت حضرت ذو الجلال توأم باقبال ملکهٔ نیک‌طینت خوش‌خصال بامر ملیک متعال گشت و بر اشتهار امر الهی بیفزود قلب ممرّد آن ملکهٔ فرخنده‌اختر حفیدهٔ ملکهٔ انگلیز و امپراطور روس که بافتخار هر یک از قلم جمال قدم در حین ورود به سجن اعظم توقیع مکرّم افخم نازل گشته در اثر مطالعهٔ کتب امریّه و مکالمه و مذاکره با آن نفس منقطعهٔ زکیّه و قبسهٔ نار محبّت الهیّه مجذوب تعالیم سماویّه گشت و آثار بهیّه‌اش در عالم اشراق نمود و در بسیط غبرا منتشر گشت

طولی نکشید که بصرافت طبع بانتشار اعلانهای متتابعه در جرائد متعدّده در اقالیم شرقیّه و غربیّه پرداخت و با وجود نفوذ رؤسای کنیسه و ارتباط به بطریک اعظم در عاصمهٔ مملکت علناً باسلوبی بدیع و بیانی فصیح و ملیح و شجاعتی بی‌نظیر شهادت بمقام جمال قدم و رسالت رسول اکرم و علوّیّت و جلالت آئین اسم اعظم داد و در مکاتیب متعدّده بدوستان و متعلّقین خویش و بامّ روحانی خود ستایش از تعالیم الهیّه بنمود کتب امریّه را از لندن خود رأساً طلبید و سنین متوالیه بمطالعه و تفرّس در آن آثار نفیسه مشغول شد و از سرچشمهٔ آب حیات نصیبی وافر برد سپس با صبیّهٔ خویش عزم زیارت و طواف مقامات مقدّسه نمود و در جرائد شرق و غرب خود این نیّت را اعلان کرد و وارد مدینهٔ مبارکهٔ حیفا شد و از حصول مقصد و مرامش ممنوع و محروم گشت و از منع سیاسیّون در نامه‌ئی مخصوص بخطّ خویش شکایت و اظهار تأسّف و تحسّر بنمود

در نامه‌ئی که بخطّ خود این ملکهٔ ادیبهٔ فاضله مرقوم نموده این عبارات عالیه مسطور "پیام حضرت بهآءاللّه و حضرت عبدالبهآء نورانیّتی عظیم در من احداث نمود این بشارت ... چون تخم پاک در ارض دل تمکّنی تام یافت کوچکترین صبیّهٔ من نیز تقویت روح و تسلیت خاطر موفوری از تعالیم این دو مولای محبوب احساس مینماید او و من هر دو این پیام را از فم بفمی میرسانیم و بهر نفسی که ابلاغ میگردد فی‌الفور سطوع انوار در وجهش لامع و نمایان میگردد ... بعضی از هم‌قطاران من تعجّب مینمایند و این جرئت و اقدام مرا در اعلان کلماتی که تفوّهش از عادات تاجداران عالم نبوده تصویب نمی‌نمایند ولی محرّک روحی مرا چنان تحریک باین اقدام مینماید که مقاومت نتوانم" در اعلان اوّلش خطاب بعموم اهل عالم این ملکهٔ بلنداختر باین نصیحت عظمی ناطق گشته "هر هنگام نام بهآءاللّه یا عبدالبهآء بسمعتان رسید از تمعّن در آثارشان غفلت منمائید در آثار و کتبشان تعمّق نمائید و بگذارید کلمات و تعالیم بهیّهٔ صلح‌آورندهٔ محبّت‌دهندهٔ آنها در اعماق قلوبتان چنانچه در اعماق قلب من قرار گرفته تمکّن گیرد" و همچنین در اعلانهای دیگر او این شهادت کبری مسطور و مرقوم "آئین بهائی منادی صلح و سلام است و مروّج حسن تفاهم در بین انام ... پیامش مصدّق ادیان الهیّه است و مبدأش موافق معتقدات سابقه هیچ بابی را سدّ ننماید و هر سبیلی را مفتوح گذارد در حینی که قلبم از مخاصمات متمادیهٔ پیروان مذاهب عدیده محزون بود و روحم از حمیّهٔ جاهلیّهٔ آنان خسته و آزرده نظرم بتعلیمات بهائی بیفتاد و روح حقیقی حضرت مسیح که بسا از نفوس ندانسته و نشناخته در آن تعالیم ظاهر و هویدا گشت ... برای هدایت نفوسی که طالب روشنائی هستند تعالیم بهائی مانند نجم درّی است بسوی معرفت کامل و اطمینان و صلح و خیرخواهی نوع انسان ... آئین بهائی روح را اطمینان بخشد و قلب را امید عطا نماید طالبان سبیل ایقان را کلمات اب آسمانی چشمه‌ایست که در پی آن گمگشتگان صحرای طلب بادیه‌ها پیموده و بنعمتش مرزوق و متنعّم گشته"

اقرار و اعتراف باستقلال امر الهی و انفصال شریعت آسمانی و اقبال علیاحضرت ملکه بآئین یزدانی و صدور اعلانهای تاریخی در نعت و ستایش جمال لایزالی و دعوت ملوکانه بعموم عالم انسانی مصادف با قیام عاشقانهٔ خادمان برازندهٔ جمال رحمن در سنین اخیرهٔ قرن اوّل بهائی گشت فارسان مضمار الهی علی‌الخصوص یاران امریک پس از انتظام امور امریّه و تأسیس و استقرار نظم بدیع سمند همّت را در میادین تبلیغ چنان جولانی دادند که پس از انقضای سنین معدوده امر اللّه کرهٔ ارض را احاطه نمود و صیتش جهانگیر گشت امر اعظم که انتشارش در دورهٔ اولی منحصر باقلیم ایران و ارض عراق بود و در ایّام قیادت جمال ابهی به ده ۱۰ اقلیم از اقالیم شرقیّه سرایت نموده بود و در عهد مرکز میثاق رایتش در بیست ۲۰ مملکت از ممالک شرقیّه و غربیّه مرتفع گشته بود حال دائره‌اش بهمّت رسولان اسم اعظم و ثابتین بر عهد اقوم چنان اتّساعی یافت که قبل از اختتام قرن اوّل افخم پنجاه و شش ۵۶ مملکت از ممالک مستقلّه در شرق و غرب عالم و بیست و دو ۲۲ اقلیم از اقالیم تابعه در قارّهٔ امریک و آسیا و افریک مسخّر و از نژادهای مختلفه از عرب و ایرانی و ترک و هندی و زنگی و برمائی و چینی و ژاپانی و کردی و ارمنی و انگلیزی و آلمانی و فرانسوی و ایطالیانی و روسی و مجری و سربی و بلغاری و اسوجی و نروجی و ارنؤطی و هلندی و ایرلندی و فینلندی و اسپانیولی و پلندی و ماوری و اسکیموئی در ظلّ سراپرده‌اش وارد و از شریعت مقدّسه‌اش مستفیض و مستمدّ گشتند نشریّات امریّه بسرعت تمام در اقالیم جهان منتشر گردید و کتب و صحف قیّمه از طرف حاملان امانت الهیّه بملوک و امرا وادبا و علما و وزرا و سفرا تقدیم گشت و در کتابخانه‌های خصوصی و عمومی در ممالک مختلفه گذارده شد تألیف و طبع کتب و انتشار رسائل و ترجمهٔ آثار بحدّی ترویج یافت که در ایالات متّحدهٔ امریک در مدّت یازده ۱۱ ماه متجاوز از نوزده‌هزار ۱۹۰۰۰ کتاب بفروش رسید و یا آنکه مجّاناً توزیع شد و صدهزار ۱۰۰۰۰۰ جزوه انتشار یافت

کلمات مکنونه به هشت ۸ لغت و کتاب ایقان به هفت ۷ لغت و کتاب مفاوضات به شش ۶ لغت و کتاب بهآءاللّه و عصر جدید به سی و هفت ۳۷ لغت ترجمه و طبع گردید و طبع این کتاب اخیر نه ۹ دفعه بلغت اصلی تجدید شد و متجاوز از سی و هفت هزار ۳۷۰۰۰ نسخه در شرق و غرب منتشر گشت در ایالات متّحدهٔ امریک یاران کتب امریّه را بمتجاوز از هزار ۱۰۰۰ کتابخانهٔ عمومی تقدیم نمودند و از برای محصّلین و محصّلات در دارالفنونهای مهمّه و از برای کوران و مسجونین نیز وسائل استفاضه از الواح و کلمات الهیّه فراهم ساختند امّ المعابد غرب رمز مدنیّت الهیّه که بفرمودهٔ حضرت عبدالبهآء هزاران مشرق‌الأذکار از آن تولّد خواهد یافت با وجود بحران اقتصادی در آن اقلیم بنیانش در قطب امریک مرتفع گشت و اجتماع اوّل در آن معبد عظیم نوزده سال تمام پس از وضع حجر زاویه‌اش بدست مرکز عهد مالک انام منعقد گردید و تزیینات خارجه‌اش در ایّام پرانقلاب جنگ یک سال قبل از میعاد معیّن انجام و اتمام یافت

رمسین اطهرین غصن شهید الهی و مخدّرهٔ کبری امّ حضرت عبدالبهآء ورقهٔ مقدّسهٔ علیا از جوار مقبرهٔ اسلامی بجوار پرانوار مقام اعلی و حدیقهٔ غلبا قرب ضریح خانم اهل بهاء انتقال یافت و قدم اوّل در سبیل تأسیس مرکز بین‌المللی اداری جامعهٔ پیروان امر اقدس ابهی مطابقاً لما نزّل فی لوح الکرمل من القلم الأعلی برداشته شد مرحلهٔ اولی در تنفیذ فرمان حضرت عبدالبهآء خطاب باحبّای امریک که در ایّام جنگ در الواح مخصوصه صادر منقضی گردید و نقشهٔ هفت‌سالهٔ آن مجاهدین فی سبیل اللّه در آن قطر کریم باکلیل فتح و ظفری مبین مکلّل گشت محافل روحانیّه بکمال انتظام در کافّهٔ ایالات متّحدهٔ امریک و ولایات اقلیم کندا که بفرمودهٔ حضرت عبدالبهآء مستقبلش بسیار عظیم است و حوادثش بی‌نهایت جلیل تأسیس یافت و عدّهٔ نقاط امریّه از مدن و قری در آن دو قطر جلیل که در آن یاران باوفا متوطّن گشته از هزار و سیصد ۱۳۰۰ تجاوز نمود علم هدایت کبری در هر یک از جمهوریّات مرکزی و جنوبی مرتفع گشت و در عواصم یازده ۱۱ جمهوریّت از این جمهوریّات محافل روحانیّه تأسیس شد در جمهوریّت مکسیک که اهالی آن بتعصّب مذهبی معروف و در دریای تقالید مستغرق مؤسّسین نظم بدیع الهی بتشکیل سه ۳ محفل روحانی و تأسیس حظیرةالقدس مرکزی و تسجیل محفل روحانی در عاصمهٔ آن مملکت

موفّق گشتند در جمهوری پناما که در میان دو محیط اعظم واقع و بفرمودهٔ حضرت عبدالبهآء در آینده اهمّیّت کبری خواهد یافت و هر تعالیم که در آنجا تأسیس یابد شرق و غرب و جنوب و شمال را بیکدیگر ارتباط دهد نفحات قدس منتشر گشت و در مدینهٔ بهیّه که در ساحل اقلیم برازیل واقع و بشهادت قلم میثاق بالهام روح القدس باین اسم مبارک در قرون ماضیه موسوم گشته محفل روحانی تأسیس شد در دو جمهوری سیاهان در محیط اطلس که در آن الواح مخصوصه مذکور یاران امریک سراج الهی روشن نمودند و ندای ملکوت اللّه را بمسامع اسکیموهای شمال که نیز ذکرشان در آن الواح نازل گشته رساندند شمع هدایت کبری را در اقصی شمال امریک در اقلیم السکا که منصوص آن الواح مبارکه است برافروختند و هندیهای امریک را که اهالی اصلی آن دیارند و قلم میثاق آنان را باهالی قدیمهٔ جزیرة العرب تشبیه فرموده از نعمت کبری بهره‌مند نمودند زنگیان را بیدار نمودند و بوجد و حرکت آوردند و در مجامع و مدارس و معاهد آنان ندای روان‌بخش الهی را مرتفع ساختند مرکزی مخصوص جهت طبع کتب در عاصمهٔ جمهوریّت ارجنتین تأسیس نمودند و بترجمهٔ آثار الهیّه و تألیفات مهمّهٔ یاران پرداختند در جزیرهٔ آیسلند که در بین دو قارّهٔ اوروپ و امریک و در قرب مدار قطب شمال واقع نفحهٔ حیات دمیدند و بطبع کتب و انتشار مقالات در صحف و جرائد اقدام نمودند و در مدینهٔ نائیهٔ مجلّانیس که در اقصی جنوب قارّهٔ جنوبی امریکا واقع و ابعد مدن جنوبیّهٔ عالم از خطّ استواست متوطّن گشتند و متوکّلاً علی اللّه بتبشیر دین اللّه قیام نمودند

و حال که ختام قرن اوّل ذهبی عصر بهائی و هنگام احتفال اعظم در جامعهٔ پیروان امر الهی است و از حسن تصادف پنجاه سال بالتّمام از سنهٔ تأسیس اوّلین مرکز امر اللّه در دیار غربیّه منقضی گشته جنود مجنّدهٔ ابهی در آن قارّهٔ واسعة الأرجآء بتدارک اوّلین مؤتمر مجلّل بین‌المللی بهائیان که مسک الختام قرن اوّل عصر مشعشع ربّ الأنام است مشغول و دعوت رسمی از طرف امنای محفل مرکزی ایالات متّحده صادر تا نمایندگان بیست و یک ۲۱ جمهوریّت از جمهوریّات شمالی و مرکزی و جنوبی امریکا در لیل بعثت حضرت نقطهٔ اولی در اشرف نقطهٔ جهان فرنگ در ظلّ قبّهٔ بیضای اوّلین مشرق‌الأذکار رفیع البنیان جدید التّأسیس یاران غرب مجتمع شوند و دو قطعهٔ شمال و جنوب دست در آغوش یکدیگر گردند و در وضع اساس مدنیّت الهیّه در آن قارّهٔ مستعدّهٔ جسیمهٔ عظیمه مذاکره و مشورت نمایند و در این لیلهٔ مبارکه کلّ متّفق و همعهد شوند که با وجود بعد مسافت و اختلاف جنس و مشرب و لغت کنفس واحدة قیام نمایند و در قرن ثانی عصر اعظم مراحل باقیه را طیّ نمایند و کما امرهم محبوبهم و مولاهم امر مبین را اعلان و شرع قویم را تأسیس در اقالیم باقیهٔ عالم نمایند طوبی لهم بشری لهم من هذا الفوز العظیم و الشّرف المبین در لوحی از الواح از یراعهٔ میثاق این وعد الهی و بشارت کبری صادر قوله الأحلی "یا امةاللّه انّی ادعو اللّه ان یبعث نفوساً مقدّسة منزّهة روحانیّة فی الأقطار الغربیّة و الأقالیم الشّمالیّة حتّی تکون تلک النّفوس آیات الهدی و رایات الملإ الأعلی و ملائکة الملکوت الأبهی عند ذلک تجدین الغرب افق الشّرق و الأنوار تتلألأ کالأقمار فی تلک الأقطار هنالک تصبح الأرض قطعة من ریاض الملکوت و تفیض علیها السّحاب من اعلی المقامات و تهتزّ تلک الأرض و تربو و تنبت من ریاحین الحکمة و البیان و ازهار المعرفة و الایقان فاطمئنّی یا امةاللّه انّ هذا الفضل سیشرق انواره علی الغرب و یبعث اللّه تلک النّفوس بقوی روحانیّة و تأییدات ملکوتیّة و همم عالیة و وجوه نورانیّة و قلوب رحمانیّة و ارواح سبحانیّة و سنوحات وجدانیّة انّ ربّک لمقتدر قدیر"

یا مشاعل الحبّ و الوداد این بود شمّه‌ئی از انقلابات هائله و انتصارات باهره که در خلال این قرن ابدع افخم اسنی که بفرمودهٔ مرکز میثاق جمال ابهی سلطان قرون است از پس پردهٔ قضا از بدایت ظهور طلعت اعلی الی یومنا هذا مرتّباً متناوباً ظاهر و پدیدار گشته وقوع این حوادث خطیره و حدوث این تطوّرات عجیبهٔ مدهشه در مدّت صد سال کلّ مثبت این بیان اکمل اتمّ احلی که از مخزن قلم ابهی صادر قوله عزّ اعزازه و تبارک بیانه "انّا لم نزل ارفعنا سدرات الأمر بمآء الاعراض و الدّم ان انتم من العالمین" و همچنین میفرماید "قل تاللّه ترتفع هذه السّدرة بمآء اعراضکم ولکن انتم لا تشعرون فی انفسکم و

تکوننّ من الغافلین" و ایضاً میفرماید "بالبلآء علا امره و سنا ذکره" و در مقام دیگر این آیهٔ مبارکه نازل "لو یسترون النّور فی البرّ انّه یظهر من قطب البحر و یقول انّی محیی العالمین"

تاریخ حیرت‌انگیز این قرن عظیم بر مدّعیان در کلّ اقطار کاملاً ثابت و مبرهن نمود که هبوب عواصف شدیده علّت تقویت ریشهٔ شجرهٔ الهیّه گشت و حدوث امتحان و افتتان بر استحکام بنیاد بنیان حضرت رحمن بیفزود ذلّت قمیص عزّت گشت و بأساء و ضرّاء دهن مصباح امر الهی شد تشدّد و تعرّض سبب رسوخ و ثبوت گشت و زجر و منع بادی توجّه و اقبال و اشتهار گشت عقوبت و مقهوریّت و مغلوبیّت بالمآل نتیجه‌اش سطوع انوار غلبه و قهّاریّت امر نازنین شد و انقلاب و هیجان بمرور ایّام باعث تطهیر و تقویت بنیهٔ امر ربّ قدیر گشت نعاق ناعقین و عربدهٔ مبطلین و ضوضاء معترضین ممدّ و مساعد ارتفاع رنّهٔ ملکوتی شد و خرق احجاب و هتک استار بادی جلوه و ظهور حقائق و اسرار مودعهٔ در هویّت امر حضرت پروردگار گشت اینست که قلم اعلی میفرماید "بظلمهم رفعنا الأمر و انتشر ذکر اسم ربّک فی البلاد بمنعهم ظهر الاقبال و بظلمهم طلع نیّر العدل تفکّروا لتعرفوا یا اولی الألباب" و همچنین میفرماید "مرّةً بأیادی الظّالمین یرفع امره و اخری بأیادی اولیائه الّذین یرون الغافلون ککفّ تراب و ینطقون بما نطق القلم الأعلی فی الأفق الأبهی"

حال در بقیّهٔ این اوراق نظری بحال پروبال فئهٔ ضلال از مشرکین و معرضین و خادعین و خائنین و منافقین و مغلّین و مفسدین و مستکبرین اندازیم که در مدّت صد سال مسبّب این انقلابات هائله و محرّک این فتن و دسائس شدیده و علّت حدوث این امتحانات مظلمه و نزول این بلیّات و رزایای عظیمه گشته‌اند قلم اعلی در این مقام در ذکر ظالمین چنین شهادت داده "چنانچه این ظهور و مظاهر اثباتیّهٔ آن اعظم مظاهر است کذلک حروفات نفی این ایّام هم از جمیع ازمنهٔ قبلیّه و بعدیّه اعظمتر و در اعراض ثابت‌تر و راسخ‌ترند کذلک قدّرنا الأمر فی لوح حفیظ" سلاطین پر قوّت و احتشام در خاور و باختر بعضی دست تطاول گشودند و حکم اسارت و محبوسیّت شارع و مبشّر و مبیّن این امر مقدّس را صادر نمودند و در قلع و قمع شجرهٔ الهیّه همّت بگماشتند و برخی ندآء اللّه را اجابت ننمودند و دعوت الهی را نپذیرفتند و انکار و استکبار نمودند و از نصائح مشفقانه و مواعظ حکیمانهٔ ناصح امین رو بتافتند و از نصرت مظهر نفس اللّه و ابلاغ کلمة اللّه کما امرهم القلم الأعلی امتناع ورزیدند و بعضی دیگر انذارات صریحه و خطابهای شدیدهٔ صادرهٔ در توقیعات مخصوصه را اعتنا ننمودند عزّتشان مطابقاً لما صدر من القلم الأعلی اخذ شد و عذاب از کلّ جهات بر آنان نازل گشت و آثار سخط و عدل الهی ارکان سلطنتشان را در شرق و غرب متزلزل و متزعزع نمود بعضی مقتول و معزول و گروهی در ممالک خود اسیر و مقهور و اکثری پریشان و منکوب و حیران گشتند

خلافت عظمی خصم خصیم جمال ابهی بمقاومت قیام نمود از بنیاد برافتاد و کما اخبر به النّقطة الأولی فی قیّوم‌الأسمآء باشدّ عذاب و بأس النّکال در قیامت اخری معذّب گشت و ببلای ادهم نظیر نکبت عظمی و فادحهٔ کبری که بر کهنه و رؤسای ملّت کلیم در قرن اوّل میلاد نازل گشته گرفتار شد علمای اسلام که بخطاب مهیمن بکم ناح الرّسول و صاحت البتول و خربت الدّیار و اخذت الظّلمة کلّ الأقطار مخاطب و بشهادت قلم اعلی علم دین مبین اسلام را منکوس و ملّت بیضا را مخذول نمودند و بهمّت تمام در کمال بغضا بتوهین و تکفیر و تدمیر و تعذیب حزب مظلوم قیام نمودند عزّتشان کما اخبر به مرکز المیثاق مبدّل بذلّت کبری شد و سطوت و شوکتشان منقلب بمقهوریّت عظمی گشت و نغمهٔ واطوبی واطوبی منقلب بفریاد واویلا و واسفا گردید آفات و بلیّات آن قوم ظلوم و جهول را از شش جهت احاطه نمود و ارکانشان متزلزل گشت و علمشان منکوس و نفوذشان زائل و نجم سعادتشان غارب شد دشمنان داخله علم اختلاف و نفاق را برافراختند و از آل اللّه و منتسبین شجرهٔ مبارکه و اغصان منشعبه و اوراق و افنان سدرهٔ الهیّه و اصحاب اوّلیّه و اقطاب جامعه و کتّاب کلمات الهیّه جمعی از صراط مستقیم منحرف گشتند و در تولید فساد و ایجاد رخنه در جامعهٔ پیروان حضرت ربّ البریّه نظیر اعداء خارجه همّت

بگماشتند کلّ از ذروهٔ امتناع بخاک مذلّت بیفتادند و بخسران ابدی گرفتار گشتند قد طردهم اللّه و اخرجهم من ملکوته و اخذهم بقهره و جعلهم عبرةً للنّاظرین امرا و وزرا و حکّام و سفرا علی اختلاف مراتبهم دست تعدّی گشودند و بدسائس مختلفه و وسائل متنوّعه متمسّک شدند و با علمای شرع همعهد و همداستان گشتند و بر حزب اللّه هجومی عنیف نمودند نظیر تاجداران جهان از مسند عزّت بحضیض ذلّت بیفتادند

افراد ملّت ایران که بقساوتی محیّر العقول و شقاوتی مبین بتنفیذ احکام ولاة امور و رؤسای شرع اقدام نمودند و ظلم و اعتسافی مرتکب گشتند که بشهادت قلم میثاق در هیچ تاریخی از قرون اولی و اعصار وسطی از ستمکارترین اشقیا حتّی برابرهٔ افریقا شنیده نشد بجزای اعمالشان رسیدند و در سنین متوالیه آسایش و برکت از آن ملّت متعصّب جاهل ستمکار بالمرّه مقطوع گشت و آفات گوناگون از قحطی و وبا و بلیّات اخری کلّ را از وضیع و شریف احاطه نمود و ید منتقم قهّار چندین هزار نفس را بباد فنا داد عالم انسانی از تعالیم جانپرور الهی رو بتافت و غفلت ورزید و اجابت دعوت الهی ننمود و گوش بنصائح مشفقانه و وصایای محکمهٔ قلم اعلی نداد و بتحذیرات صریحهٔ متتابعهٔ صادرهٔ از فم مرکز میثاق اعتنا ننمود ارکانش متزلزل و فرائصش مرتعد و نظمش پریشان شد نار جهان‌سوز مشتعل گشت و جنگ و جدال جهان را زیر و زبر نمود بلای ناگهانی بفرمودهٔ جمال قدم نازل گشت و هرج و مرج راه یافت مدن محترق گشت و نفحات عذاب از کلّ اشطار بوزید عقاب عظیم رخ بنمود و انتقام کبیر اکبر که در احسن‌القصص صد سال قبل باصرح بیان از قلم مبشّر امر رحمن اخبار گشته تحقّق یافت

هیاکل بغضیّه و نفوس شریره از سلاطین و امرا و علما و فقها و وزرا و وکلا و سفرا و منتسبین بسدرهٔ منتهی که هر یک بقدر قوّه و استطاعت خویش در ازمنهٔ مختلفه و بوسائل متنوّعه در خاور و باختر تیشه بریشهٔ شجرهٔ الهیّه زدند و اعراض و اعتراض نمودند بسیاط قهر الهی معذّب گشتند و خائباً خاسراً بمقرّ خود راجع شدند

قل سیروا فی الأرض فانظروا کیف کان عاقبة المکذّبین ظالم ارض شین حسین پرکین اوّل من حارب اللّه و اسّس اساس الظّلم که در اوّلین سنهٔ ظهور نقطهٔ اولی حبیب و محبوب را بجسارت تمام اهانت و تحقیر نمود و مرتکب آن عمل شنیع شد معزول و مردود گردید و از لباس عزّت عریان گشت وزیر بی‌تدبیر که مظهر نفس اللّه را بجبال آذربایجان نفی و تبعید نمود بر حسب وعدهٔ صریح خطبهٔ قهریّه در اندک زمانی گرفتار شد و نفی به عراق عرب گردید و در آتش غم و اندوه بسوخت و بمقرّ خود در اسفل جحیم راجع شد اتابک اعظم تقی سفّاک و بی‌باک که حکم اعدام سیّد عالم را صادر نمود و جمعی از اصحاب را در مازندران و نیریز و زنجان و طهران شربت شهادت بنوشانید دو سال بعد از آن واقعهٔ هائله بسخط شهریار پرکین مبتلا گشت و در حمّام فین بأسفل السّافلین راجع شد برادرش که در این عمل فظیع شریک و سهیم گشت در همان ایّام بدار البوار راجع شد و قائم مقامش که در فتنهٔ سنهٔ حین مذبحهٔ عظمی را برپا نمود عاقبة الأمر معزول گشت و از دار الخلافه تبعید شد و مخذول و منکوب بمقرّش راجع گشت سعید شقی که مسبّب فتنهٔ هائلهٔ مازندران و شهادت طلعت قدّوس گشت بمرض عجیب مبتلا گشت و از برد شدید بحدّی متألّم که فریاد و فغانش مرتفع گشت و در این حال پروبال باشدّ حرمان و خذلان بسقر راجع شد محمود عنود که طاهرهٔ زکیّه را در بیت خود توقیف و محبوس نمود پس از سنین معدوده بغضب سلطانی معذّب و در ملأ عام مقتول گشت شیخ‌الاسلام خبیث که بدست خود در مدینهٔ تبریز بتعزیر طلعت اعلی اقدام نمود بمرض فلج مبتلا و بذلّت کبری ایّام باقیهٔ حیات را بگذرانید فوج ناصری که هیکل اعزّ اعلی را تیرباران نمودند دستهٔ اوّل در همان سنهٔ شهادت در اثر زلزلهٔ شدید بین اردبیل و تبریز هلاک گشتند و دو دستهٔ دیگر پس از دو سال در اثر عصیان و طغیان تیرباران شدند و رئیس آن فوج در حرب محمّره هدف گلولهٔ توپ گشت و بآنان ملحق گردید هائم در هیماء جهل و عمی کریم زنیم بساطش منطوی و نورش مطفی گشت و مساعی و مجهوداتش در اطفاء سراج امر الهی هدر رفت و در اسفل درکات جحیم مقرّ گزید حاجب غدّار در چنگ قومی سفّاک و خونخوار گرفتار گشت و باشنع عقوبات معذّب و مبتلا شد سلطان ایران که بخطاب یا ملک

المسلمین در قیّوم اسماء مخاطب و بتطهیر ارض مقدّسه و نصرت امر الهی مأمور و با وجود توقیعات متتابعهٔ نقطهٔ اولی حضرت را از ورود بآن ارض مانع گشت و حکم تبعید را بجبال آذربایجان صادر نمود و زمام امور را بدست وزیر پرتدلیسش بسپرد قریب یک سال و نیم پس از صدور حکم تبعید بمقرّی که در آن کتاب مستطاب قلم علیّ اعلی مقدّر فرموده راجع گشت

مرکز خلافت عظمی و جالس بر اریکهٔ ظلم و جفا که بدون سبب و جهت سه ۳ دفعه متتابعاً جمال ابهی را سرگون نمود و بحصن عکّا اخرب و اقبح مدن دنیا فرستاد پس از انقضای سنین معدوده معزول و مقتول گشت و بساط عزّتش مطویّ شد و سمیرین و وزیرین بی‌نظیرش عالی و فؤاد در همان ایّام بثمرهٔ اعمال قبیحهٔ خود رسیدند ارض سرّ بفرمودهٔ جمال ابهی منقلب گشت و زلزله بارکان دولت جائره بیفتاد و اضطراب عظیم ظاهر گشت و ندای ارامل و قبائل از مدینهٔ کبیره مرتفع شد ملک پاریس الّذی استکبر علی اللّه و نبذ اللّوح عن ورائه اشهر معدوده پس از صدور توقیع ثانی از قلم اعلی و انذار صریح و شدید دفعةً واحدة در جنگ آلمان مغلوب و مقهور گشت و ولیعهدش بدست قبائل افریک مقتول شد و سلطنت بجمهوریّت مبدّل گشت و بشهادت قلم اعلی ذلّت از کلّ جهات آن ملک مغرور را احاطه نمود و بخسران عظیم مبتلا گشت و در دیار غربت بتراب راجع شد مهدی مکّار که بفرمودهٔ جمال مختار از فعلش نالهٔ روح القدس مرتفع در قبضهٔ اقتدار گرفتار گشت و بمقرّ قهر در اسفل سقر راجع شد حبر اعظم که بخطاب مهیمن یا رئیس القوم دع ما عندک من الزّینة المزخرفة ثمّ انفقها فی سبیل اللّه مخاطب متعاقب صدور توقیع منیع اسیر و مقهور و منکوب و مسجون گشت و سلطهٔ زمنیّه‌اش محدود شد و مدینهٔ رومیّه که هزار سال مقرّ سلطنتش بوده در تصرّف خصم الدّش درآمد کاذب ارض طاء که فتوی بر قتل عامّ پیروان جمال ابهی صادر نمود ببلای عقیم مبتلا گشت و باسفل جحیم راجع شد مردود دارین و مبغوض ثقلین شیخ عبدالحسین بشهادت قلم میثاق معزول و منکوب و پشیمان و پریشان گشت سفیر عجم که بفرمودهٔ جمال قدم کان ان یشرب الخمر و یرتکب الفحشآء و فسد فی نفسه و افسد العراق مخذول و گرفتار گشت اساسش ویران گردید و بنیادش برافتاد ذئب خونخوار که قلم اعلی به بقیّة اثر الشّمس علی رؤوس الجبال آن جاهل مرتاب را تشبیه فرموده مخذول و معدوم گشت و بساط ریاستش منطوی شد و از شدّت توهین رحلت به عتبات نمود و در آتش حسرت و اندوه بسوخت رقشا که بشهادت جمال ابهی از ظلمش انین اشیاء مرتفع گشت و فرائص اولیا مرتعد شد و چند مرتبه از ظالم ارض طفّ شقی‌تر بود ببلاء ادهم در اواخر ایّامش چنان معذّب گشت که اهلش از او اجتناب نمودند و بذلّت بی‌منتهی بادنی درک سجّین راجع شد نارش کما اخبر اللّه فی لوح البرهان مخمود گشت و نفحات عذاب آن طاغی باغی را بشأنی احاطه نمود که مدار عبرت عظیم گشت ظلّ زائل سطوت و اقتدارش معدوم شد و شوکت و جلالش بخسران و وبال تبدیل یافت

مطلع اعراض یحیی بی شرم و حیا که بخطاب عرّ روح الأمین رأسه عن فعلک و جلس حوریّات الغرفات علی الرّماد من ظلمک مخاطب گشته از اعلی المقام باسفل درکات هبوط نمود و بذلّت کبری ایّامی را بسر برد وصیّ اوّلش تائب و راجع گشت و وصیّ ثانیش در ملأ عام از نقطهٔ اولی و من انتسب الیه تبرّی جست و شهدایش اکثر پشیمان و بباب محبوب انام ملتجی و خود در جزیرهٔ شیطان بنار حسبان راجع شد سیّد لئیم خبیث اصفهانی که آن مشرک باللّه را اغوا نمود در همان آتش که بدست خود در سجن اعظم مشتعل نموده بود بیفتاد و بسوخت و در قعر جحیم مسکن و مأوی جست ظالم عجم ناصر جائر که قلم اعلی بلقب رئیس الظّالمین ملقّب فرموده و شهادت داده بأنّه علّق هیکل الأمر فی الهوآء و قتله بظلم بکت علیه کلّ الأشیآء هنگامی که بتهیّه و تدارک جشن خطیر ختام دورهٔ پنجاه‌سالهٔ سلطنتش مشغول بود در بقعهٔ شاه عبدالعظیم بغتةً هدف تیر هلاک گشت و آرزویش را بخاک برد و جزای اعمال قبیحهٔ شنیعهٔ خود را یافت پاشای غدّار که جمال مختار را خودسرانه در مدینهٔ عکّا بدار الحکومه احضار نمود و جسورانه زبان بعتاب گشود منکوب و معزول گشت و مانند ولاة و

متصرّفین دیگر که تعرّض بجمال ابهی و اولیای الهی نموده بودند خوار و ذلیل گشت عبدالحمید پلید خصم الدّ غصن وحید و فرید آخر الأمر بخسران مبین افتاد و مقهور و معزول و مسجون و تبعید گشت

اعضای هیئت خاسرهٔ تفتیشیّه که ببغض مجسّم و ظلم مصوّر از قلم میثاق موصوف رئیسشان مقتول و دیگری منفی و دو نفر دیگر محتاج و مفلوک و منکوب گشتند جمال ستمکار که بخود وعدهٔ اعدام مرکز امر کردگار و هدم بقعهٔ نورا را داده بود در جنگ انگلیز مقهور و مغلوب گشت و بسرعت تمام فرار اختیار نمود و آخر الأمر بضرب رصاص مقتول گشت سیّد افغانی عدوّ لدود و حقود بمرض سرطان مبتلا شد و زبانش مقطوع گشت و عاقبة الأمر باثر این داء وبیل شربت هلاک را بنوشید پیر کفتار جمال تبه‌کار که باهل شرور بپیوست و ناقض جحود را تأیید و تشجیع و تقویت نمود و وعدهٔ نصرت داد محلّ سیاط قهر و غضب الهی گشت و بذلّت مبین بیفتاد و بحسرت تمام با دست تهی بمقرّ خود راجع گشت سیّد دهجی که نیز در هدم میثاق الهی بکمال جدّیّت و وقاحت قیام نمود خوار و ذلیل شد و با ابنائش بخسران مبین دچار گشت و در غایت حقارت ایّام اخیره‌اش را بسر برد ابراهیم زنیم اوّل من نقض عهد اللّه و میثاقه فی الغرب و اتّحد مع النّاقض الأکبر و ابنه و رفع علم الاختلاف فی تلک الأشطار دفعةً واحدة از مسند عزّت بخاک مذلّت بیفتاد و وحیداً فریداً خائباً خاسراً مغموماً مهموماً در اقلیم امریک بتراب راجع گشت و بفئهٔ هالکین ملحق شد بدیع بدخصال غاصب مفتاح ضریح مطهّر حضرت ذو الجلال در اندک مدّتی مغلوب و محروم و رسوا و مقهور گشت و با جمعی از منسوبین و اعوانش از اصحاب فتور در حفرهٔ یأس و قنوط بخزید سیّد متمرّد الّذی افتی علی مرکز المیثاق و اراد قتله خوار و ذلیل و وحید و فرید در ارض باء بدار البوار راجع گشت و ابن ارشدش بمرضش گرفتار شد و متعاقباً باو ملحق گشت فائق ارمنی خود بخود خاموش شد و جمعیّهٔ علمیّه‌اش منحلّ و فساد و عربده‌اش زائل گشت طیر قبیح آوارهٔ سفیه مخذول و مردود طرفین گشت و جناحش مقروض و نعاقش خاموش شد نفس مهملهٔ سافله که وصایای محکمهٔ مرکز میثاق ربّ البریّه را موهوم و مجعول شمرده رسوای خاصّ و عام گشت و در حفرهٔ یأس و حرمان و ذلّت و خذلان بطپید خلافت عظمی عدوّ صائل جمال ابهی سقوط یافت و دیهیم و افسرش واژگون گشت و بطلانش بر جهانیان ثابت و عیان گردید سلطنت مبدّل بجمهوریّت گشت و سیاست از شریعت رسماً کاملاً انفصال یافت و ابطال و الغاء احکام شرعیّه و شعائر اسلامیّه در مرکز خلافت در مدینهٔ شهیره از طرف رؤسای دولت و ملّت اعلان گشت

سلسلهٔ قاجاریّه منقرض گشت و امپراطوری روس و آلمان و نمسه هر سه ۳ سقوط یافت حنین برلین مطابقاً لما نزّل من القلم الأعلی فی الکتاب الأقدس مرتفع شد و عزّ مبینش بذلّت کبری مبدّل گشت قبّة الاسلام واژگون گشت و زینة ظاهرهٔ نقطهٔ واقعهٔ فی شاطئ البحرین زائل شد و در این سنین اخیره مرکز نقض و قطب شقاق که بهجماتی متتابعه و دسائس متنوّعهٔ عجیبه سنوات عدیده قصد مقاومت و انعدام میثاق حیّ لایموت نموده بود پس از چهل سال انتظار از کلّ جهات مأیوس گشت و از قصر منیع مطرود و در گوشهٔ انزوا مفلوک و خاموش و بمرض فلج مبتلا و از صولت بأس و بطش جیش عرمرم میثاق در میادین خاور و باختر حیران و پریشان خائباً خاسراً باسفل درکات نیران راجع گشت قد اخذته زبانیة القهر من لدن مقتدر قهّار و بقت قصّته عبرةً للنّاظرین و موعظةً و ذکری للمتبصّرین امّت نکث کما وعدنا سیّدنا و مولانا ممسوخ شد و عقدهٔ نقض مفسوخ گشت و کلمهٔ نفی منسوخ گردید

و حال در این ایّام که ختام قرن اوّل عصر بهائی است ملاحظه میشود چگونه در این انقلاب اعظم اهل عالم از ملوک و مملوک در شرق و غرب و جنوب و شمال ببلای ادهم گرفتار گشته‌اند و هرج و مرج راه یافته و ارکان هیئت اجتماعیّه متزلزل شده و اختلال و اعتلال در نظم جهان آشکار و پدیدار گشته اقالیم ویران و گردباد بغضا در هبوب و قصور سلاطین منهدم و مدن محترق و سیل دماء منحدر و نالهٔ اغنیا و توانگران مرتفع و فزع اکبر بر قلوب زمامداران مستولی و ملوک ارض باشدّ عذاب معذّب بعضی در ممالک خویش اسیر و بعضی در بلاد غربت حیران و پریشان و بعضی دیگر در معرض مخاطرات بی‌پایان لیتمّ

ما اخبر به القلم الأعلی فی ارض السّرّ خطاباً للملوک و السّلاطین قوله عزّ بهائه و جلّ سلطانه و عظم کبریائه "و ان لن تستنصحوا بما انصحناکم فی هذا الکتاب بلسان بدع مبین یأخذکم العذاب من کلّ الجهات و یأتیکم اللّه بعدله اذاً لا تقدرون ان تقوموا معه و تکوننّ من العاجزین" و همچنین در آن سورهٔ منیعهٔ مبارکه نازل "ان یا ملوک المسیحیّة ... لم ما تقرّبتم به لتفوزوا بلقائه و تکوننّ من الفائزین ... و ما استقبلتم الیه و ما حضرتم بین یدیه لتسمعوا آیات اللّه من لسانه و تطّلعوا بحکمة اللّه العزیز الحکیم ... فکیف اذا سمعتم امرنا ما استفسرتم منّا لیظهر لکم الحقّ عن الباطل و تطّلعوا بما کنّا علیه و تعرفوا بما ورد علینا من قوم سوء اخسرین" و در کتاب اقدس نازل "یا معشر الملوک انتم الممالیک قد ظهر المالک بأحسن الطّراز و یدعوکم الی نفسه المهیمن القیّوم ایّاکم ان یمنعکم الغرور عن مشرق الظّهور او تحجبکم الدّنیا عن فاطر السّمآء ... انّا ما اردنا منکم شیئاً انّما ننصحکم لوجه اللّه و نصبر کما صبرنا بما ورد علینا منکم یا معشر السّلاطین" تعالی تعالی اسمه المبارک المهیمن البهیّ الباهی الأبهی تعالی تعالی جماله الأظهر الأطهر الأبدیّ الأزلیّ المشعشع الأعزّ الأقدس الأسنی تعالی تعالی امره القاهر المبرم الغالب المسخّر الأوعر المتلاطم المتهیّج الأسمی تعالی تعالی عهده الأرفع الأتمّ الأحکم الأبدع الأوفی له الغلبة و الهیمنة و الاستقلال و العزّة و الاقتدار لأحبّائه و امنآء امره و المستظلّین فی ظلّه و الثّابتین علی عهده و المروّجین لشریعته و النّاطقین بثنائه و المؤسّسین لأرکان نظمه البدیع و الرّافعین للوآء دینه المبین بین العالمین

در خاتمهٔ این اوراق تمنّا و خواهش این عبد از یاران ممتحن جمال قدم و هموطنان اسم اعظم و زائرین بیت مکرّم علی‌الخصوص امنای محفل مرکزی آن کشور مقدّس آنکه در این لیلهٔ مبارکه که نمایندگان جامعهٔ بهائی از ولایات مختلفه در مدینهٔ طیّبهٔ شیراز مجتمع و بزیارت آن مقام مقدّس نائل و فائز و از شعشعات انوار آن مقرّ اعزّ افخم مستفیض یادی از این عبد مستمند بنمایند و بالنّیابه جبین را بر عتبهٔ سامیهٔ آن حجرهٔ مطهّره بنهند و از صاحب آن بیت از صمیم قلب عون و صون و تأیید و توفیق مسئلت نمایند و همچنین از برای مجاهدین فی سبیل اللّه که در میادین شرق و غرب بتسخیر مدائن قلوب مشغولند امدادات متتابعهٔ الهیّه را ملتمس شوند تا مراحل باقیه را بقوّهٔ ربّ الجنود یک‌یک طیّ نموده امر عزیز الهی را که در سبیلش صدر مقدّس مشبّک گشته و هزاران نفوس خون خویش را فدا نموده بسرمنزل مقصود رسانیم و ثمرات بهیّهٔ بدیعهٔ لطیفهٔ طیّبهٔ قدسیّهٔ جنیّهٔ سدرهٔ الهیّه را بر جهانیان ایثار نمائیم

یا ربّنا الأعلی نسألک بحقّ دمک المرشوش علی التّراب بأن تجب دعائنا و تحفظنا فی صون حمایتک و کلاءتک و تمطر علینا سحاب جودک و احسانک و تؤیّدنا و توفّقنا علی السّلوک فی سبیلک و التّمسّک بحبل ولائک و اثبات حجّتک و انتشار آثارک و دفع شرّ اعدائک و التّخلّق بأخلاقک و اعلان امر محبوبک الأبهی الّذی فدیت نفسک فی سبیله و ما تمنّیت الّا القتل فی محبّته اغثنا یا محبوبنا الأعلی و اشدد ازورنا و ثبّت اقدامنا و اغفر لنا ذنوبنا و کفّر عنّا سیّئاتنا و اطلق السنتنا بمحامدک و نعوتک و کلّل اعمالنا و مجهوداتنا باکلیل قبولک و رضائک و اجعل خاتمة حیاتنا ما قدّرته للمخلصین من بریّتک و اجرنا فی جوار رحمتک و ادخلنا فی فضآء انوار قربک و احشرنا مع المقرّبین من احبّتک و قدّر لنا الوفود علیک و رنّحنا بصهبآء لقائک و اخلدنا فی حدائق قدسک و ارزقنا کلّ خیر قدّرته فی ملکوتک یا مغیث العالمین

نوروز ۱۰۱

بندهٔ آستانش شوقی

توقیع مبارک رضوان ۱۰۵ بدیع

احبّای الهی و امآء الرّحمن برادران و خواهران روحانی در اقطار و ممالک شرقیّه طرّاً ملاحظه نمایند

ایّها المضطهدون فی سبیل اللّه و الثّابتون علی عهده الأوفی و المؤسّسون لدعائم نظمه الأبدع الأسنی در این حین که سنهٔ اولای عهد ثانی عصر دوم نخستین دورهٔ مقدّس کور مشعشع اعظم الهی اختتام یافته نظر این مستمند بسوی آن یاران ارجمند متوجّه و جان و روان این دردمند از روایح مسکیّه و نفحات قدسیّه که از شطر آن نفوس نفیسه و وجودات زکیّه و فئهٔ ثابتهٔ راسخه و عصبهٔ نورانیّهٔ ملکوتیّه در هبوب و مرور است مستبشر و مستمدّ و قلب این مشتاق از فوران نار محبّت عشّاق نیّر آفاق در احتراق و روح این معتکف آستان حضرت رحمن از شدّت اشتیاق مشاهدهٔ روی دلجوی اهل وفاق متأجّج و ملتهب و از وقوع حوادث ناگوار و استمرار و اشتداد باران بلا در این سنین اخیره که از سحاب قضا در موطن اصلی جمال قدم بر متمسّکین بعروهٔ وثقی هاطل و نازل متألّم و قلم این بی‌نوا و سبّاح بحر بلا و خستهٔ تیر جفای منتسبین و متعلّقین بی‌وفا بذکر اوصاف و نعوت مقرّبان حریم کبریا که بشرافت نسبت حقیقیّه مشرّف و در میادین مختلفه و اقطار متعدّده در ظلّ لواء معقود بتسخیر مدن و فتح دیار و حراست حصن حصین یگانه ملجأ و ملاذ جمهور ابرار و اخیار و نصب قواعد نظم نوین جهانی ساطع الأنوار حضرت کردگار در لیل و نهار مشغولند متحرّک و جوارح و ارکان از ظهورات و بروزات عجیبه که از تباشیر حلول قرن ثانی بهیّ الأنوار کور جهان‌آرای جمال ابهی محسوب و کلّ مدلّ بر همم مبذوله و مساعی مشکوره و اقدامات باهره و مشروعات بهیّه و تأسیسات بدیعه و فتوحات جلیلهٔ جند هدی است مهتزّ و لسان باین مناجات که از اعماق قلب حزین بدرگاه قاضی الحاجات ربّ الآیات البیّنات متصاعد ناطق که

ای محبوب ابهی سپاس تو را که از بدو اشراق امر اعزّ اعلایت و تأسیس بنیان قویّ الأرکان مقدّس نازنینت و صدور بشارت جان‌افزای جلوهٔ نظم بدیع جهان‌آرایت این مشت ضعفا را با وجود هطول امطار رزایا و بلایا و هبوب عواصف و قواصف لاتعدّ و لاتحصی و تتابع محن و مصائب از زجر و حبس و نهب و نفی و اسارت و سفک دماء و تسویلات و تعدّیات و دسائس اولو البغضآء و مهاجمهٔ عنیف ملوک و خلفا و علما و امرا در ظلّ جناحت مقرّ و مأوی بخشیدی و وحدت جامعهٔ منادیان امر اعظمت را و سالکان سبیل اقومت را از انشقاق و انقسام و انشعاب محافظه فرمودی و لؤلؤ امر گرانبهایت را در صدف میثاق از سارقان و خائنان و اهریمنان صیانت نمودی و پرچم استقلال شریعت غرّا را بدست باسلان و مبارزان امرت در ممالک غربیّه و اقالیم شمالیّه و اقطار جنوبیّه برافراشتی جالسین بر اریکهٔ ظلم و اعتساف را بخاک مذلّت بینداختی و صفوف ناقضین و ناکصین عهد بی مثیل و عدیلت را در دورهٔ اولی و عهد ابهی و یوم میثاق و پس از افول کوکب پیمان از افق عالم امکان در هم شکستی و آثار بهیّهٔ صادرهٔ از مخزن قلم اعلایت را بید ملائکهٔ ناشرات به ازید از پنجاه ۵۰ لغت از لغات شرقیّه و غربیّه در بین عالمیان منتشر ساختی و بنیاد لایتزعزع نظم اجلّ افخم اعلایت را در نود ۹۰ اقلیم در خاور و باختر استوار فرمودی و نمایندگان سی ۳۰ نژاد از نژادهای مختلفهٔ جهان را در سلک مستظلّین رایت بیضایت محشور نمودی و اعظم و اشرف دول قاهرهٔ ارض را و جمعی از اجلّه و دانشمندان باختر را بر تجلیل و تکریم و تشهیر مبادی و تعالیم امر نازنینت برانگیختی و باعتراف باصالت شریعت سمحا و اقرار برسمیّت هیئت منتخبهٔ جامعهٔ پیروان امرت و نصرت مستضعفین عبادت در اقطار شرقیّه بگماشتی و از قلم ملکه‌ئی از ملکات در اقلیم فرنگ خطابهای مهیّجهٔ متتابعه در ستایش و نیایش تعالیم مقدّسه و مبادی سامیهٔ امرت بصرافت طبع و طیب خاطر صادر فرمودی نقاب از وجه شریعت غرّایت برانداختی و سرّ مکنون و رمز

مصون را شهرهٔ آفاق نمودی کوس استقلال دین مبین را در اعلی المقامات بدست دشمنان دیرین علمای رسوم بلند نمودی و بسمع قریب و بعید رساندی و مرکز خلافت عظمی خصم خصیم و عدوّ لدود شارع امرت را از اوج عزّت بحضیض ذلّت بینداختی مصداق وعود حتمیّهٔ کتاب اقدس و قسطاس اعظمت را مستمرّاً مترادفاً متتابعاً ظاهر نمودی و قبلهٔ اهل بها را در قلب عالم ارض میعاد لانهٔ انبیا و اصفیا در مرج عکّا و بقعهٔ احدیّهٔ نورا جوار مدینهٔ منوّرهٔ بیضا مستقرّ فرمودی و اسّ اساس قصر مشید نظم اعظم حجر زاویهٔ دیوان عدل الهی را در اشرف ممالک ارض در دامنهٔ کرم مقدّس الهی بید قدرت بنهادی

ای قویّ قدیر این نهال بیهمال را که در مزرعهٔ جهان باصابع اقتدار و ارادهٔ غالبه و مشیّت نافذه‌ات غرس نمودی و بحرارت محبّت بی‌منتهایت پرورش دادی و بدماء بریئهٔ بیست‌هزار نفس از شهیدان امرت سقایت نمودی و از سیل بنیان‌کن محن و آفات گوناگون متجاوز از صد سال محافظه نمودی و اصلش را در ارض کبریا ثابت فرمودی و فروعش را در ماورآء البحار باقالیم شاسعهٔ نائیه در قطعات خمسهٔ عالم رساندی از نشو و نما بازمدار و در ظلّ رعایت و صون حمایت خویش از صرصر امتحانات شدیده و انقلابات آتیه و منازعات کونیّه صیانت فرما و از فیض مدرار پر بار و شکوفه نما و از اشعّهٔ ساطعهٔ تأیید اهتزازی جدید بخش و از اقتطاف ثمرات جنیّهٔ بهیّهٔ قدسیّهٔ ازلیّهٔ منیعهٔ بدیعه‌اش جهان و جهانیان را بمرور ایّام بهرمند فرما وعود باقیه که در امّ‌الکتابت بتلویح و تصریح بقلم اعلایت ثبت نمودی ظاهر نما و حزب مظلوم را در موطن اصلیت از قیود و سلاسل صدساله برهان دست تطاول ستمکار را کوتاه کن و قوم ظلوم و جهول را بعذاب ادهم و انتقام کبیر اکبرت معذّب فرما غیوم کثیفه از افق آن اقلیم پرابتلا متلاشی کن و هیاهو و عربدهٔ جهلا و بلها و سفها را تسکین ده اهل فتور را عبرة للنّاظرین نما و عصبهٔ مقلّدین و سالکین منهج سقیم را بشاهراه هدایت کبری دلالت نما گمگشتگان وادی شهوات را در این بحران عظیم بحلل تقدیس و تنزیه مزیّن کن و فئهٔ مستکبرین و خادعین و منحرفین و منفصلین از جامعهٔ پیروان امرت را تقلیب نما و بتلافی ما فات عنهم موفّق دار دول و ملل عالم را که در هیماء ضلالت هائم و در تولید نفاق و کشتن بذر شقاق مداوم و در تسعیر نار حرب و قتال ساعی و جاهد هدایت فرما و از این سبات عمیق و کابوس ثقیل نجات ده و از خطر محدق که سقوط و هبوط باسفل درکات است محافظه فرما من علی الأرض را کما وعدتنا فی زبرک و الواحک از ادیان مختلفه و مذاهب متفرّعه و اوطان متباغضه و اجناس متنوّعه و طبقات متضادّه و احزاب متنافره در ظلّ سراپردهٔ وحدت اصلیّهٔ حقیقیّه مجتمع فرما و برفع ارکان صرح مشید رفیع المنار محکمهٔ کبرایت بگمار سلطنت الهیّه و غلبهٔ ظاهره و سلطهٔ قاهره و سیطرهٔ محیطهٔ اسم اعظمت را بر مدّعیان کالشّمس فی رابعة النّهار ظاهر و آشکار فرما و وحدت سیاسی و دینی و نژادی و اقتصادی و اجتماعی نوع بشر را که از علامات بلوغ عالم و از اعظم بشارات مصرّحهٔ در صحف الهیّهٔ نازلهٔ در ادوار سابقه و محور تعالیم مقدّسه در این یوم عظیم است و اشرف ثمرهٔ عصر ذهبی دورهٔ اولای کور بهائی محسوب و مقدّمهٔ تأسیس مدنیّت لاشرقیّه و لاغربیّهٔ الهیّه است در انجمن بنی‌آدم بر اساس متین و رزین تأسیس کن تا عالم پر شور و آشوب بآسایش حقیقی فائز گردد و قلوب از قید هموم و غموم برهد و از محنت عظمی و بلیّهٔ کبری نجات یابد و عالم ناسوت بنیروی اسم اعظمت که در حقائق کائنات و هویّت ممکنات جاری و ساری جلوه‌گاه ملأ اعلی و آئینهٔ عالم بالا و قطعه‌ئی از فردوس ابهی گردد توئی مغیث و توئی مجیر و توئی شنونده و بینا و مقتدر و توانا

یا معشر المحبّین وقت آنست که بسپاس این مواهب جلیله و انتصارات باهره و عنایات مبذوله و فیوضات کامله که از بدو ظهور مکلّم طور الی یومنا هذا در بسیط غبرا مترادفاً متتابعاً ظاهر و پدیدار گشته و تمهیداً لما یظهر من بعد من خفیّات امره و اسرار حکمته و اشراقات انواره و منصوصات کتابه نظر قاصر را علی قدر استعداده بکیفیّت و عظمت و امتداد و انبساط و ابّهت و جلال عدیم المثال این کور مقدّس اعزّ ابهی متوجّه نمائیم و بمقام مظهر نفس اللّه المهیمنة علی العالمین که موجد و

محرّک اصلی و مبدأ و منتهای این کور است علی قدر مراتبنا پی‌بریم و بمعرفت شمّه‌ئی از این تجلّیات بدیعهٔ مدهشه که امم ماضیه در قرون اوّلیّه و ازمنهٔ سابقه و عصور خالیه مشاهده بل تخطّر و تصوّر آن را ننموده موفّق گردیم

چه مقدار عظیم و بزرگ است این ظهور اعزّ صمدانی و چه مقدار رفیع و بلند است این کور مکرّم مقدّس مفخّم معزّز رحمانی اگر بنظر حدید ملاحظه نمائید و در آنچه از قلم اعلی و کلک نقطهٔ اولی و یراعهٔ مرکز عهد جمال ابهی نازل گشته تدبّر و تفرّس نمائید معلوم و واضح گردد که این تصرّفات عجیبهٔ غریبه و وقائع هائلهٔ خطیره که از جریان و سریان قوّهٔ محیطهٔ ازلیّهٔ دافعهٔ الهیّه در حقائق ممکنات در سنین اوّلیّهٔ این کور مقدّس در عالم امکان ظاهر و نمایان گشته کلّ از نتائج سحر است که بنفسه بشارت‌دهندهٔ اشراق شمس سلطنت آتیهٔ الهیّه و مقدّمهٔ طلوع آفتاب جهان‌تاب سعادت و رفعت و عزّت موعودهٔ عالم انسانی است که در قرنهای لاحقه و ادوار آتیهٔ این کور مجید بسیط خاک را نورانی و متلألأ نماید و خلعت جدید پوشاند و یک وطن نماید و بدرجهٔ بلوغ و اوج کمال رساند و مدنیّت لاشرقیّهٔ لاغربیّهٔ الهیّه را تأسیس فرماید و ساکنین کرهٔ ارض را من اقصاها الی اقصاها بتنفیذ مشیّت ازلیّهٔ ربّ البریّه و تحقّق وعود و بشارات مظاهر الهیّه و عروج بمقامات سامیه که غایة قصوای ایجاد و تکوین هیئت اجتماعیّه و خلقت بشر و بعث رسل است موفّق و مفتخر گرداند

مرکز میثاق حیّ لایموت در لوحی از الواح در وصف این قوّهٔ محیطهٔ الهیّه که در سلسلهٔ تصرّفات محیّر العقولش هنوز مرحلهٔ اولی را طیّ ننموده باین بیان ناطق "حضرت اعلی میفرماید لو ارادت نملة ان تفسّر القرآن من ذکر باطنه و باطن باطنه لتقدر لأنّ السّرّ الصّمدانیّة قد تلجلج فی حقیقة الکائنات چون مور ضعیف را چنین استعداد لطیف حاصل دیگر معلوم است که در ظلّ فیوضات جمال مبارک روحی لأحبّائه الفدآء چه عون و عنایت حاصل گردد و چه تأیید و الهام متواصل شود"

این کور اعظم افخم بشارتش در متون صحف و زبر و کتب و اسفار و الواح از آدم تا خاتم مدوّن و در تاریخ شرائع و ادیان از اوّل النّبیّین الی خاتم النّبیّین بی نظیر و عدیل و مثیل و سابقه است بشأنی بزرگوار است که امتدادش پانصدهزار سال است و مجلّی و محور و مؤسّسش مظهر نفس اللّه جمال قدم و اسم اعظم قیّوم الأرض و السّموات مالک الوجود مبعث الرّسل مکلّم الطّور ربّ الجنود اب سماوی مالک یوم الدّین که در تورات و انجیل و قرآن مجید بتلویح و تصریح مذکور و بابدع نعوت منعوت و باعظم و اشرف اوصاف موصوف این کور مقدّس بشأنی منیع و رفیع است که نسبتش بحقّ داده شده و انبیای اولو العزم و مرسلین مستظلّین در ظلّ آن شارعین قدیر متعاقباً متزایداً بمقتضای نشو و ارتقای اهل ارض و استعداد روحانی عباد بآن بشارت داده ولی بر کیفیّت آن بتمامها آگاه نگشته و بر حسب ادراکات خلق شمّه‌ئی از عظمت آن را بیان فرموده و خود را در ساحت اعزّ اعلای مؤسّس بزرگوارش احقر الوجود شمرده و آرزوی دقیقه‌ئی از ایّامش را نموده اینست که در اظهار و اثبات اعظمیّت و اکملیّت این کور الهی مؤسّس آن بذاته میفرماید

"امروز یوم اللّه است و حقّ وحده در او ناطق لا یذکر فیه الّا هو ... امروز سیّد روزها و سلطان ایّامهاست ... بصر ایّام است بلکه بصر عالم بآن روشن عالم زمان بساعتی از ساعاتش معادله ننماید ... آفتاب و ماه شبه این یوم را ندیده ... از ختمیّت خاتم مقام این یوم ظاهر و مشهود ... اگر از عظمت یوم الهی علی ما هو علیه ذکر شود البتّه اکثر ناس منصعق شوند بلکه صرعی مشاهده گردند"

و ایضاً میفرماید "قد بشّر کلّ نبیّ بهذا الیوم و ناح کلّ رسول حبّاً لهذا الظّهور ... هذا یوم لو ادرکه محمّد رسول اللّه لقال قد عرفناک یا مقصود المرسلین و لو ادرکه الخلیل لیضع وجهه علی التّراب خضّعاً للّه ربّک و یقول قد اطمئنّ قلبی یا اله من فی ملکوت السّموات و الأرضین ... و لو ادرکه الکلیم لیقول لک الحمد بما اریتنی جمالک و جعلتنی من الزّائرین ... هذا یوم فیه سرع کوم اللّه شوقاً للقائه و صاح الصّهیون قد اتی الوعد و ظهر ما هو المکتوب فی لوح اللّه المتعالی العزیز المحبوب"

در بیان عظمت ظهور خویش که مبدأ و مطلع این کور مقدّس است جمال قدم میفرماید "قد ظهر فی هذا الظّهور ما لا ظهر فی ازل الآزال ... مظاهر قبل هیچ یک بر کیفیّت این ظهور بتمامه آگاه نه الّا علی قدر معلوم ... و لو یکون مشارق الوحی کلّها فی هذا الحین الّذی فیه ینطق لسان العظمة و الکبریآء و یتوقّفنّ فی هذا الأمر اقلّ من آن لیهبط اعمالهم کذلک قضی الأمر من لدی الحقّ علّام الغیوب ... انّه لهو الّذی قرّت بجماله عین اللّه الملک العزیز الجمیل ... هذا لهو الّذی ارسل من عنده المرسلین و جآء من لدنه معشر النّبیّین ... هذا لهو الّذی قد اخذ نقطة البیان عهده فی ذرّ البیان و محمّد رسول اللّه فی ذرّ الفرقان و الرّوح فی ذرّ الانجیل و الکلیم فی ذرّ التّوریة و الخلیل فی ذرّ الأمر ان انتم من العالمین"

و در مقامی دیگر در اثبات قهّاریّت و امتناع و جبّاریّت این ظهور اعظم میفرماید "تاللّه الحقّ تلک ایّام فیها امتحن اللّه کلّ النّبیّین و المرسلین ثمّ الّذینهم کانوا خلف سرادق العصمة و فسطاط العظمة و خبآء العزّة و کیف هؤلآء المشرکین"

و همچنین مؤیّداً لما صدر من مخزن قلمه الأعلی این کلمات درّیّات نازل "قل انّ روح القدس قد خلق بحرف ممّا نزّل من هذا الرّوح الأعظم ان انتم تفقهون ... قل انّ معراج محمّد قد عرج سبعین الف سنة الی ان بلغ الی فنآء هذا الباب ... لعمر اللّه لمّا نزّلت الآیات من سمآء المشیّة سجد النّقطة الأولی و قال آمنت بک یا مالک الوجود"

و در مقامی دیگر در بیان انبساط و امتداد این کور جسیم از قلم اعلی نازل "هذا لظهور یظهر نفسه فی کلّ خمس مائة الف سنة مرّة واحدة کذلک کشفنا القناع و رفعنا الأحجاب"

و همچنین از کلک میثاق متمّماً لما صدر من القلم الأعلی و مبیّناً لما نزّل من سمآء مشیّة مالک العرش و الثّری در بیان اکملیّت و اصالت این ظهور مقدّس و کور مکرّم نازل "قرنها بگذرد و دهرها بسر آید و هزاران اعصار منقضی شود تا شمس حقیقت در برج اسد و خانهٔ حمل طلوع و سطوع نماید ... اولیاء پیشینیان چون تصوّر و تخطّر عصر جمال مبارک مینمودند منصعق میشدند و آرزوی دقیقهئی میکردند ... جمیع اولیا در اعصار و قرون ماضیه گریان و سوزان آرزوی آنی از ایّام اللّه را مینمودند و در این حسرت از این عالم فانی بجهان باقی شتافتند ... این ظهور اعظم مثلش آفتاب است و ظهورات سائره در اکوار سابقه و لاحقه نجوم و اقمار مگر بعد ادهار و احقاب که اقلّ از پانصدهزار سال نبوده و نباشد"

ای برادران و خواهران روحانی ملاحظه فرمائید که چگونه در یک مقام نفس مظهر کلّی الهی تصریح فرموده که این کور اکرم امتدادش پانصدهزار سال است و در مقامی دیگر مبیّن منصوص آیاتش بهمان صراحت در لوحی از الواح شهادت داده که در این مدّت که اقلّ از پانصدهزار سال نبوده و نباشد مظاهر الهیّه که از شطر احدیّه در بین بریّه مبعوث میگردند کلّ بمنزلهٔ نجوم و اقمار و مؤسّس این کور وحده چون آفتاب درخشنده و تابان یعنی انبیای الهی مظاهر مقدّسه که من‌بعد در این کور جلیل متتابعاً مبعوث میگردند و بعضی از آنان مانند انبیای اولو العزم از پیشینیان صاحب کتاب و شارع شرع جدید و بعضی دیگر مانند انبیای بنی‌اسرائیل که در ظلّ شارعین شریعت الهیّه مستظلّند کلّ من‌دون استثنا بمنزلهٔ قمر مقتبس از نور آن آفتابند و مستمدّ و مستفیض از فیض نیّر اعظم قطب این کور مفخّم و طائف حول آن نور الأنوار نیّر الآفاق حقیقة الحقائق الأصل القدیم و النّبأ العظیم مطاف الرّسل "من کان مخزوناً فی افئدة الأنبیآء و مسطوراً من القلم الأعلی فی کتب اللّه ربّ العالمین"

و ایضاً در لوحی دیگر مبیّن آیات اللّه و مرکز عهده و میثاقه در تبیین این مبدأ اساسی و تشریح این لطیفهٔ ربّانی تأکیداً لما ذکر من قبل باین بیان صریح الطف احلی که فصل الخطاب است ناطق "و امّا المظاهر المقدّسة الّتی تأتی من بعد فی ظلل من الغمام من حیث الاستفاضة هم فی ظلّ جمال القدم و من حیث الافاضة یفعل ما یشآء و یحکم ما یرید" یعنی هرچند در این کور مقدّس که امتدادش بنصّ آیهٔ کریمه اقلّاً پانصدهزار سال است انبیای الهی و مهابط وحی آسمانی و سفرای رحمانی که از جانب حقّ مبعوث میگردند و باقتضای زمان و مکان و بر حسب تغییرات و تطوّرات و تبدیلات هیئت اجتماعیّه که از لوازم ذاتیّهٔ ضروریّهٔ نشو و ارتقای عالم انسانی است برسالتی جدید و کتابی جدید و شرعی جدید ظاهر میگردند و احکام

و سنن و شعائر و قوانین و انظمهٔ یکدیگر را تعدیل و نسخ مینمایند و تغییر و تبدیل میدهند و در افاضهٔ بر عالمیان یفعل ما یشآء و یحکم ما یریدند و بدینجهت از انبیای اولو العزم محسوب ولی کلّ الی ان ینتهی هذا الکور الأعظم العظیم مستمدّ از یک مصدرند و مستفیض از یک فیض و متوجّه بیک وجه و مرتبط بیک مرکز و طائف حول یک قطب که آن جمال قدم و مشرق از مطلع اعظم و شارع دور بهائی و مؤسّس این کور الهیست

همچنان که از آدم تا خاتم انبیای اولو العزم مانند موسی بن عمران و عیسی بن مریم و محمّد بن عبداللّه که هر یک بکتابی جدید در ازمنهٔ مختلفه در میان قبائل و طوائف متنوّعهٔ متباغضه مبعوث گشتند و در وضع احکام و تشریع شریعت و اقامهٔ شعائر و تأسیس سنن مختار علی الاطلاق بودند ولی کلّ در عین حال مستفیض و مقتبس از مقام محمود و فانی در ساحت مالک الوجود و مبشّر بیوم موعود و تأسیس ملکوت و نزول ربّ الجنود یوم یقوم النّاس لربّ العالمین مظاهر آتیه نیز که پس از اشراق شمس الشّموس از مطلع اعظم ابهی در این عالم ادنی مبعوث میگردند در مدّت پانصدهزار سال او ازید کلّ با وجود اختیار در تشریع و نسخ احکام و تبدیل سنن و شعائر مانند مظاهر قبلیّه مقتبس از آن نور الأنوار و طائف حول آن حقیقة الحقائق و مستمدّ از آن بحر البحور خواهند بود الی ان یتمّ اللّه نوره و یخرج من بطون هذا الکور الألمع الأمنع الخطیر ما اراده و یظهر فی حیزّ الوجود کلّ ما قدّره من خفیّات هذا الأمر الأعظم الأوعر الفرید تعالی تعالی هذا الکور الأقدس الأبدع الأعزّ المشعشع المبارک المنیع الّذی لم یسبقه کور فی الابداع و الّذی نسبه اللّه الی نفسه و اختصّه بعطیّته و موهبته و زیّنه بطراز التّخصیص و توّجه بظهور جمال القدم و الاسم الأعظم و الرّمز المنمنم بهآء من فی السّموات و الأرضین تعالی تعالی هذا الکور العظیم الّذی بشّر به سفرآء اللّه و امنائه و ناح حبّاً لظهوره اصفیآء اللّه و اولیائه و امتحن اللّه فیه کلّ الأنبیآء و المرسلین و المبشّرین لدینه المبین من آدم الأوّل الی خاتم النّبیّین تعالی تعالی هذا الکور العظیم الّذی خضعت لسلطانه اعناق المرسلین فی القرون الأوّلیّة و الأدوار السّابقة و ستخضع له اعناق النّبیّین فی القرون الآتیة و الأدوار اللّاحقة امراً من لدی اللّه المقتدر القاهر الآمر الحکیم و اعزازاً و اجلالاً لمقامه الشّامخ الباذخ المتعظّم المتعزّز المنیع

یا امنآء البهآء و حلفآء حبّه و حملة امانته و هداة خلقه بیقین مبین بدانید که این ادوار الهیّه که در آینده در ازمنهٔ مختلفه متناوباً متسلسلاً بر حسب مشیّت ازلیّه در بین بریّه تجدید میگردد کلّ مانند شرائع قبلیّه چون حلقه‌های یک سلسله بیکدیگر مرتبط و از اقسام و اجزاء این کور مقدّس محسوب و هر یک منتسب بمظهری از مظاهر الهیّه و خاضع و تابع سنن و احکام مخصوصهٔ صادرهٔ از شارع آن دور مقدّس است

اوّل و اشرف و اعظم این ادوار دور اعزّ بهیّ الأنوار جمال اقدس ابهی که بنفسه المهیمنة علی العالمین هم شارع دور بهائی و هم مؤسّس این کور متعالیست مرجع این دور کتاب اقدس الصّحیفة العلیا و الحجّة العظمی و قسطاس الهدی بین الوری بدایتش سنهٔ ستّین که بفرمودهٔ نفس مظهر ظهور مبدأ تاریخ بدیع است امتدادش بنصّ آن کتاب مستطاب اقلّاً هزار سال ما به الامتیازش تأسیس بنیان مرصوص عهد متین و میثاق غلیظ حضرت ربّ العالمین و رفع لواء معقود و نصب حبل ممدود بین السّموات و الأرضین یگانه کافل و ضامن انتظام و استحکام اساسش نظم بدیع الهی ولید میثاق یزدانی آغازش دو ظهور متعاقب و اشراق شمس حقیقت متتابعاً از خانهٔ حمل و برج اسد مسک الختامش جلوهٔ سلطنت قاهرهٔ الهیّه و اعلان امر مبرم حضرت احدیّه و استقرار ملکوت اللّه در بین بریّه و استحکام وحدت اصلیّهٔ هیئت اجتماعیّه و ارتفاع علم صلح اعظم و تأسیس مدنیّت لاشرقیّه و لاغربیّهٔ الهیّه در این دور مقدّس که غرّهٔ کور عظیم الهیست نقرهٔ ناقور و نغمهٔ صافور مطابقاً لما نزّل من القلم الأعلی مترادفاً مرتفع گشت و رستخیز اعظم برپا شد کون بحرکت آمد و عالم عالم دیگر گشت و جشن اعظم و عیش اکمل اتمّ اهل ملأ اعلی را باهتزاز آورد جمیع ممکنات در بحر طهارت منغمس گردید و کلّ اشیاء بقمیص اسماء مزیّن گشت نسائم غفران بر هیاکل اکوان بوزید و عالم و ما فیها را منقلب نمود و استعداد بلوغ در هیکل عالم انسانی ایجاد گشت مکلّم طور سلطان سریر

لاهوت بر عرش ظهور مستقرّ گردید و ماء حیوان از شطر رحمن بر عالمیان مبذول گشت در این مقام از یراعهٔ مرکز عهد اللّه این کلمات عالیات نازل "اگر در این کور بدیع و دور جدید ببصر حدید ملاحظه نمائی مشاهده میفرمائی که جهان در این تجلّی جمال قدم از مطلع اعظم بخلق جدید فائز گردیده و حقیقت وجود بجمیع کمالات غیب و شهود مزیّن گردیده و انوار تقدیس از افق توحید بر مطالع تجرید ساطع گشت و غمام تسبیح بامطار تمجید هامر شمس حقیقت از برج اسد لامع شد و باشدّ حرارت در اشرف نقطه ظاهر حال بحسب ظاهر اگرچه آثار باهرهٔ این طلوع الهی بتمامه در حیزّ شهود مشهود نه امّا در حقیقت وجود تحقّق یافته و بمقتضای استعداد این عباد ظاهر و عیان گردد"

یا معشر المؤمنین این دور الهی که حلقهٔ اولای کور مقدّس محسوب و مبدأش مولد شریعت بهائیّه و منتهایش ظهور نتیجه و ثمرهٔ آن در عالم امکان است بسه ۳ عصر عظیم منقسم و این اعصار ثلاثه هرچند از یکدیگر ممتاز و هر یک باسمی موسوم و بوصفی موصوف و بشئونی مخصّص و در کیفیّت مختلف و در امتداد متفاوت ولی بیکدیگر کاملاً مرتبط زیرا ارتباط حقیقی هر یک از این اعصار ثلاثه بنظم بدیع الهی و ایجاد و نشو و ارتقایش در عالم وجود ثابت و محقّق اگر بنظر دقیق و بصر حدید ملاحظه نمائید معلوم و واضح گردد که این نظم بدیع که در هویّت این دور الهی مندمج و حقیقت فائضهٔ امر اعزّ ابهی بأحسنها و اکملها در آن تجلّی نموده و بمرور ایّام کاملاً در تأسیسات بدیعه‌اش مصوّر و مشخّص خواهد گشت و صیت بزرگواریش ولوله در بین عموم دول و ملل و نحل و امم و قبائل ارض خواهد انداخت و قواعد و ارکانش در کلّ اقطار مرتفع خواهد شد و جهان و جهانیان را احاطه خواهد نمود ولید میثاق جمال قدم و اسم اعظم است زیرا از اقتران معنوی بین قوّهٔ فاعلهٔ فائضهٔ دافعهٔ شریعت اللّه که از شارع قدیر مندفع و مندفق گشته و لطیفهٔ میثاق که در حقیقت مرکز عهد اللّه و مبیّن آیات اللّه مستور و مخزون و مندمج بوده ظاهر گشته و بوجود آمده تار و پود این نظم الهی احکام مقدّسهٔ متعالیهٔ مصرّحهٔ در کتاب اقدس که از مخزن قلم اعلی صادر و مبادی سامیهٔ روحانی و اداری که در الواح و خطابهای مرکز عهد و میثاق و مبیّن آیات نیّر آفاق و کتاب وصایایش مدوّن و مسطور بشارتش فاتحهٔ عصر اوّل و تکوین و تأسیسش در عصر ثانی و تصرّفات کامله‌اش مسک الختام عصر ثالث دور مقدّس الهی مبشّرش حضرت نقطهٔ اولی واضع احکامش جمال اقدس ابهی مهندس و مبیّن کیفیّت تأسیسش مرکز میثاق اتمّ اوفی حضرت عبدالبهآء و بانیان صرح مشیدش جمهور سالکین سبیل هدی اهل بها و راکبین سفینهٔ حمرا این نظم بدیع از انظمهٔ باطلهٔ سقیمهٔ عالم ممتاز و در تاریخ ادیان فرید و بی مثیل و سابقه بنیادش بر دو رکن رکین استوار رکن اوّل و اعظم رکن ولایت الهیّه که مصدر تبیین است و رکن ثانی بیت عدل اعظم الهی که مرجع تشریع است همچنان که در این نظم الهی تفکیک بین احکام شارع امر و مبادی اساسیّه‌اش که مرکز عهد و میثاقش تبیین نموده ممکن نه انفصال رکنین نظم بدیع نیز از یکدیگر ممتنع و محال

عصر اوّل دورهٔ اولای کور مقدّس الهی که به عصر رسولی موسوم و بعلّت انتسابش بدو مظهر ظهور و مرکز عهد میثاق ربّ غفور بمراتب اعظم و اهمّ و اشرف از عصرین آخرین امتدادش هفتاد و هفت ۷۷ سال بدایتش بعثت نقطهٔ اولی در سنهٔ ستّین در مدینه شیراز و انتهایش صعود مرکز عهد الهی در ارض اقدس در عقد ثامن قرن اوّل بهائی

در این عصر نورانی که فخر جمیع اعصار است قوّهٔ محیطهٔ غالبهٔ الهیّه که در هویّت امر عظیم و بطون این دین مبین و شرع مجید مکنون و مستور و مخزون بوده بر عالمیان فائض گشت و در عروق و شریان عالم امکان چون سیل جارف منهمر جاری و ساری شد و نهال بیهمال بدم اطهر نفس مظهر ظهور و خون بیست‌هزار شهید از شیفتگان جمالش و پیروان امرش سقایت گشت شارع امر مبین عهدی متین با جمهور پیروان آئین نازنین ببست و بنیاد میثاق غلیظ باثر قلم اعلی در کتاب عهدش بنهاد بشارت نظم بدیع الهی بقلم مبشّر فریدش در کتاب مجید صریحاً داده شد و احکام و اصولش از قلم اعلای

شارع قدیر در کتاب اقدس نازل گشت و کیفیّت تأسیس بنیانش در کتاب وصایا از قلم مرکز عهدش تبیین و تشریح گردید آوازهٔ امرش ولوله در اقطار غربیّه بینداخت و نفوذ آئین مقدّسش بشمال و جنوب سرایت نمود

این عصر مشعشع بنفسه مانند دور اعزّ اجلّ ابهی بسه ۳ قسم منقسم عهد اوّل این عصر مبارک عهد اعلی و منتسب به نقطهٔ اولی و مرتکز بر احکام بیان صادر از قلم آن قرّهٔ عین انبیا و اصفیا امتدادش نه ۹ سال ابتدایش طلوع فجر هدی از افق اقلیم فارس در سنهٔ ستّین و انتهایش بزوغ شمس حقیقت در سنهٔ تسع در زندان طهران که خاتمهٔ دور بیان است و حلول عهد موعود من یظهره اللّه در این عهد اوّل نخستین عصر دورهٔ اولای کور مقدّس بساط اوّلین دفعةً واحدة منطوی گشت و نسیم الهی از شطر مدینهٔ منوّرهٔ معظّمهٔ شیراز بوزید باب اعظم بر وجه اهل عالم مفتوح گشت و نغمهٔ اولای صور افخم من علی الأرض را منصعق نمود شرع قدیم منسوخ گشت حروفات بیانیّه بارادهٔ غالبهٔ ازلیّه تعیین شد و ندای جان‌فزای طوبی لمن ینظر الی نظم بهآء اللّه مرتفع گشت خطاب مهیمن در قیّوم اسماء انذاراً للملوک و الأمرآء و العلمآء و الوزرآء و عموم طوائف عالم از قلم قائم موعود صادر شد و رایت سودا در ارض خاء مرتفع گشت و ارض مازندران و نیریز و زنجان و سائر ولایات مهد آئین حضرت یزدان از دماء بریئهٔ شهیدان ریّان گشت در ارض بدشت بهمّت و شهامت جمعی از انصار و اصحاب خرق احجاب و کشف نقاب گردید و در عاصمهٔ ایالت آذربایجان اعلان قائمیّت از فم محبوب انام بسمع ولیعهد و علمای اعلام و حکّام عظام برسید مظهر مظلومیّت کبری پس از تبعید و اسارت و محبوسیّت بامر مبرم اتابک غدّار در مدینهٔ تبریز کأس شهادت بنوشید

و مذبحهٔ کبری در ارض طاء بر اثر حادثهٔ رمی شاه برپا شد و جمال ابهی یگانه ملجأ و ملاذ اصفیا و اولیا را بقعر زندان انتن اظلم بینداخت و اجلّهٔ اصحاب و انصار و هزاران از احباب را طعمهٔ شمشیر و اسیر و بی سر و سامان نمود

عهد ثانی این عصر مبارک منتسب بهیکل مکرّم افخم جمال قدم و اسم اعظم و طائف حول آن مظلوم عالم و موعود و مقصود کلّ ملل و امم و مستند بر شرع اشرف امجد اعزّ اقدس آن محیی رمم امتدادش سی و نه ۳۹ سال ابتدایش حلول سنهٔ تسع و دعوت سرّی مظهر کلّی الهی و تجلّی روح اعظم بر قلب اصفای ممرّد سلطان قدم در سجن مظلم و انتهایش صعود آن منجی امم و افول آن کوکب درّی مشرق بر آفاق عالم در مغرب سجن اعظم

در این عهد مشعشع ممتاز ساطع الأنوار سرمدیّ الآثار عدیم المثال ارفع اکرم افخم که بمراتب اعظم و اکبر و اشرف از عهد سابق و عهد لاحق این عصر نورانی است و بمثابهٔ بصر است در این دور اعزّ صمدانی و تاج وهّاج قرن اوّل بهائی و قطب اعظم کور الهی جمال وهّاب ربّ الأرباب متدرّجاً در ارض مقدّسه افق نور امّ العالم و مدینةاللّه دارالسّلام و مدینهٔ کبیره و ارض سرّ و مدینهٔ محصّنهٔ عکّا سجن اعظم سمآء السّمآء نقاب از رخ بیفکند و سلطان قیّوم بر سریر سلطنت قاهرهٔ ابدیّهٔ ازلیّهٔ الهیّه مستوی گشت اسرافیل حیات مرّة اخری در صافور افخم بدمید و سرّ سنهٔ تسع آشکار گشت و در سرّ سرّ نفوس مقدّسهٔ مطهّرهٔ زکیّه تکمیل شدند جنین امر بمقام احسن التّقویم رسید و مصداق "انّ لکم بعد حین امر ستعلمون" "و ستعلمنّ نبأه بعد حین" تحقّق یافت دعوت سرّی مظهر کلّی الهی بدعوت جهری پس از خروج از بیت اعظم در حین مهاجرت از مدینةاللّه به مدینهٔ کبیره مبدّل گشت و سنین مهلت منقضی شد و مکلّم طور بر عرش ظهور واضحاً مشهوداً جالس گشت سفینهٔ حمرا بر بحر احمر جاری شد و مصداق بیان نقطهٔ اولی "و ان تمنّ علیّ بلقائک فی الرّضوان و نفحاتک فی ارض السّلام" تحقّق یافت و سلطان ظهور مالک یوم الدّین بفرمودهٔ آن مبشّر فرید امر عظیم در انتهای واحد و ابتدای ثمانین از خلف سبعین الف الف حجاب من النّور قدم بیرون نهاد و از سرّ مستسرّ علی قدر سمّ الابرة از طور اکبر ظاهر و مکشوف نمود فتنهٔ عمیاء صمّا اعظم انقلاب قرن اوّل بهائی ارض سرّ را متزلزل نمود و صنم اعظم را بخاک بینداخت ارکان جبت متزعزع شد طوریّون منصعق گشتند قمر منشقّ گشت فصل اکبر تحقّق یافت سرّ ثمانین آشکار گشت خطاب مهیمن در سورهٔ ملوک و الواح اخری از قلم قیّوم الأرض و السمّآء بملوک و سلاطین جمعاً و منفرداً و خلفا و امرا و علما و فقها و وزرا و سفرا و اغنیا و فقرا و شعرا و ادبا و

حکما و عرفا و همچنین به حبر اعظم و معشر بطارقه و مطارنه و اساقفه و قسّیسین و رهبان و ملوک مسیحیّه و مشایخ مدینهٔ کبیره و رؤسای جمهور در قارّهٔ امریک و رؤسای مجوس و ملأ انجیل و ابناء خلیل و ورّاث کلیم و رؤسای بیان و اصحاب مجالس در دیار کالغیث الهاطل نازل گشت و نفوذ امر اللّه از مهد آئین مقدّس و اقلیم مجاور عراق عرب بخطّهٔ قفقاز و دو اقلیم هند و برما و مصر و ترکستان و سودان و ارض شام سرایت نمود سراج حجاز که بفرمودهٔ ربّ بی‌انباز از مشکوة عراق خارج و در بلّور اخری بتقدیر مالک عرش و ثری در ارض سرّ مشتعل گشته بود رغماً لأنف الأعدآء و الخصمآء من الملوک و الأمرآء و العلمآء و الوزرآء و الوکلآء در مشکوة سجن اعظم روشن و متلألأ گشت و بشارات کتب مقدّسه و وعود الهیّه که در تورات و انجیل و قرآن مجید مصرّح کاملاً تحقّق یافت صحیفهٔ علیا و مرجع اعلی فرات الرّحمة و مشکوة الفلاح و قسطاس الهدی کتاب مقدّس اقدس امّ‌الکتاب دور اعزّ اقدس ابهی با وجود بلای مبرم که در آن بئر مظلم بر هیکل مظلوم عالم وارد از مخزن قلم اعلی نازل گشت و ختم رحیق مختوم باصبع سلطان قیّوم برداشته شد مدینهٔ مقدّسه اورشلیم جدیده نازل گشت و سماء جدیده و ارض جدیدهٔ مصرّحهٔ در کتب مقدّسه پدیدار گردید و اصول و احکام نظم بدیع الهی در این سفر قدیم از قلم اعلی هدایةً و تمهیداً لتأسیس قواعده و رفع دعائمه و ارکانه نازل گشت خیام عزّ در دامنهٔ کوم اللّه منصوب شد و بهاء کرمل نمودار گردید صهیون برقص آمد بیت لحم ندای وابشری برآورد اراضی اورشلیم بتجلّیات انوار ربّ مزیّن گشت هتاف ابن در وادی نهر اردن مرتفع شد خطّهٔ حجاز اهتزازی جدید یافت حنین بطحا از تضوّع عرف قمیص بها مرتفع شد و هلهلهٔ طور سینا از جلوهٔ مکلّم طور بلند گردید و مسجد اقصی بندای واطوبی وافرحا دمساز گشت جملهٔ انبیا و معشر اصفیا و کافّهٔ اولیا و عن ورائهم هیاکل الصّافین و الکرّوبین فی الملإ الأعلی و طلعات الفردوس فی الجنّة المأوی از این جلوهٔ حیرت‌انگیز ابهی مدهوش و باین نغمهٔ جان‌افزا مترنّم

تعالی تعالی جماله البهیّ الباهی المتباهی الأبهی تعالی تعالی امره الغالب المبرم الأوعر المهیمن علی من فی الانشآء تعالی تعالی نوره الأبدیّ الأزلیّ القدمیّ اللّائح المشرق علی من فی الأرض و السّمآء تعالی تعالی کوره الأعظم الأشرف الأسمی تعالی تعالی دوره الأکرم المتعالی الأعلی تعالی تعالی عصره المشعشع الألمع المتلألأ علی کلّ الأرجآء تعالی تعالی شرعه المبارک الأکمل الأتمّ الأسنی تعالی تعالی عهده المتعالی الأفخم الأمتن الأوفی تعالی تعالی نظمه الدّرّیّ السّامی الأبدع المتجلّی علی بسیط الغبرآء له القدرة و البقآء و له الرّفعة و الضّیآء و له العزّة و السّنآء و له العظمة و الکبریآء و له الهیمنة و السّیطرة و الاستقلال

عهد ثالث این عصر پرانوار منتسب بفرع منشعب از اصل قدیم غصن اللّه الأعظم و سرّه الأکرم و مستند بر میثاق وثیق جمال قدم و منجی امم امتدادش بیست و نه ۲۹ سال افتتاحش جلوس مبیّن منصوص و حافظ بنیان مرصوص بر کرسیّ خلافت عظمی و ختامش عروج حمامهٔ میثاق برفرف اسمی و جنّة علیا و ملکوت ابهی در این عهد ثالث و اخیر نخستین عصر دورهٔ اولای کور مقدّس ارياح قضا بر مرکز اعلی و مقرّ اسنی مرّة اخری مرور نمود و رجفهٔ کبری مانند فتنهٔ عمیا که در ارض سرّ مشتعل گشته بود ارکان جامعهٔ جدید التّأسیس پیروان بها را مرتعش و متزلزل ساخت و رائحهٔ دفرا از ناحیهٔ بقعهٔ بیضا بوزید و طوفان شدید نقض بدر میثاق را در سنین معدوده بخسوف حسد مخسوف و مقنوع ساخت و آل اللّه را از حرم و اغصان و اوراق و افنان و اصهار از سدرهٔ منتهی منفصل نمود و بخاک مذلّت بینداخت و بخذلان سرمدی گرفتار نمود اشعّهٔ امر الهی که از دو ظهور مقدّس متتابع در عهد اعلی و عهد ابهی مستمدّ رغماً لأنف النّاقضین بر آفاق فرنگ ساطع گشت و علم مبینش در قلب ایالات متّحدهٔ امریک مهد مدنیّت الهیّه که بفرمودهٔ مرکز عهد "میدان اشراق انوار است و کشور ظهور اسرار" منصوب شد

امانت الهیّه عرش مطهّر نقطهٔ اوّلیّهٔ ازلیّه سالماً آمناً بساحل اراضی مقدّسه واصل گردید و بنیان ثابت الأرکان مقام اعلی مطابقاً لما اراده اللّه و بر حسب تعلیمات مرکز عهد اللّه در دامنهٔ کرم الهی مرتفع شد و بدست بانی مقدّس در عید فیروز نوروز

پس از آنکه شصت سال از انظار مخفی و پنهان بود در ارض اعلی در حظیرهٔ غنّا در جبل کرمل مقابل قبلهٔ اهل بها و جوار مقرّ حضرت ایلیا استقرار یافت

زوبعهٔ ثانی این عهد نورانی بقعهٔ بیضا را احاطه نمود و یوسف بها را در بئر بلا بینداخت و طوق مسجونیّت بر گردن یگانه سهیم و شریک مظلوم عالم در سجن اعظم بنهاد صاعقهٔ غیرت بغتةً بدرخشید و واقعهٔ هائله در مرکز خلافت عظمی رخ بنمود و مشروطیّت اعلان گشت سلطان جائر عبدالحمید پرکین از سریر سلطنت بحضیض ذلّت بیفتاد و روبهان نقض در حفرهٔ یأس بخزیدند و عصبهٔ غرور هیئت خاسرهٔ تفتیشیّه بجزای اعمال سیّئهٔ خود برسیدند بنیان رفیع الشّأن اوّلین مشرق‌الأذکار جامعهٔ بهائی در مدینهٔ عشق بدستور مرجع امر بها مرتفع گشت و اراضی امّ المعابد غرب بتشویق مرکز عهد اوفی در جوار نخستین مرکز جدید التّأسیس امر الهی در قطب امریک ابتباع شد جمعی از نفوس منقطعهٔ زکیّه در اقطار غربیّه صلای جانفزای "یا اهل المغرب اخرجوا من دیارکم لنصر اللّه" که در قیّوم اسماء در سنین اوّلیّهٔ نخستین عهد عصر ابهی از قلم نقطهٔ اولی نازل اجابت نموده علم مبین را در دو عاصمهٔ عظیم الشّأن فرانسه و انگلستان و صفحات چین و ژاپان و قارّهٔ استرالیا و آلمان و ممالک نمسه و مجرستان و افریقیای جنوبی و جمهوریّت برازیل در قارّهٔ جنوبی امریک برافراشتند حمامهٔ وفا از چنگ زاغان جفا برهید و آهنگ ریاض غربیّه نمود و در مدّت سه ۳ سال بنغمه‌سرائی مشغول گشت آن منادی ملکوت ابهی و قدوهٔ اهل بها در مجالس و معابد و هیاکل و کنائس و صوامع و دارالفنونهای عظیمه در ممالک انگلستان و فرانسه و آلمان و نمسه و مجرستان و چهل مدینه از مدن ایالات متّحده و اقلیم کندا باعلان و تبیین و اثبات حقائق آئین حضرت ربّ العالمین بآهنگی بدیع و قدرتی محیّر العقول لیلاً و نهاراً مشغول گشت و حجر زاویهٔ اوّلین معبد بهائی را در اقطار غربیّه بدست مبارکش بنهاد و عظمت و کیفیّت عهد نیّر آفاق را در مدینهٔ میثاق در مجمع اهل وفاق ثابت و مدلّل فرمود

زوبعهٔ ثالث این عهد پر شور و آشوب کرّهٔ اخری ارض اقدس را در مدّت چهار سال در مخاطرات عظیمه بینداخت و نائرهٔ جنگ بین‌المللی مشتعل گشت و جمال پروبال دست تطاول بگشود و ثعالب نقض از حفرات یأس بیرون دویدند و جولانی جدید نمودند باب لقا مسدود شد حبل مخابرات و مراسلات منفصم گردید و اضطراب شدید بر قلوب اهل بها مستولی گشت سپاه منصور انگلیز باحتلال اراضی مقدّسه موفّق گردید و بدر میثاق که بخسوف محن و بلایا مخسوف و محجوب بود در آسمان امر اللّه جلوه‌ئی جدید بنمود یرلیغ بلیغ فرمان الهی خطاباً للّذین اختارهم اللّه لتسخیر المدن والدّیار و رفع علم الاستقلال و حمایة المستضعفین فی البلاد شامل تعلیمات کافیهٔ وافیه و متضمّن دستورات خطیرهٔ منیعه در الواح متعدّدهٔ مخصوصه از قلم معجزشیمش صادر گشت و مصداق خطابهای قهریّه و انذارات شدیده در سورهٔ ملوک و الواح سلاطین و کتاب اقدس متتابعاً متدرّجاً تحقّق یافت امور در ارض طاء منقلب گردید و مدینهٔ کبیره مرّةً اخری مضطرب گشت سلطان جائر الجالس علی کرسیّ الظّلم مانند خلیفهٔ سابق معزول شد و بخسران ابدی گرفتار گشت حنین برلین مرتفع شد و ملک مغرورش به من کان اعظم منه شأناً و اکبر منه مقاماً ملحق گشت و بتراب راجع شد امپراطوری روس و آلمان و نمسه هر سه ۳ مبدّل بجمهوریّت گشت و ملک عجم ناصر غدّار الملقّب من القلم الأعلی به رئیس الظّالمین هدف تیر هلاک گشت و مطلع اعراض ناعق اعظم الّذی استکبر علی اللّه در جزیرهٔ شیطان بدار البوار راجع شد یوسف مصر الهی پس از قیادت امر اعزّ صمدانی در مدّت بیست و نه ۲۹ سال معزّزاً مظفّراً منصوراً غالباً علی اعدائه و خصمائه بجهان جاودانی جوار اب آسمانی عروج نمود و الواح وصایا آخرین رنّهٔ ملکوتیش را در عالم ادنی بدست اهل وفا و رافعین رایت بیضا و پروردهٔ ید عنایت کبری و حامیان حصن حصین ابهی و ثابتان بر عهد اوفی و بانیان نظم بدیع اسنی بسپرد

حلول عصر ثانی عظیم الشّأن دور مشعشع کور مقدّس در عقد ثامن قرن اوّل بهائی و واحد خامس تاریخ بیانی که موسوم بعصر تکوین و موصوف بعصر انتقال و حلقهٔ اتّصال بین عصر رسولی و عصر ثالث و اخیر دور بهائی که بعصر ذهبی

موسوم است و عصر ظهور و جلوهٔ اعلی و ابهی ثمرهٔ نظم بدیع جهان‌آرای جمال ابهی در عالم ادنی است مقارن باعلان کتاب وصایا منشور مبارک مقدّس مرکز عهد جمال ابهی و فرمان سالار جند بها و وثیقهٔ مقدّسهٔ عظمی و کاشف کیفیّت تأسیس نظم بدیع در بسیط غبرا و متمّم کتاب مستطاب اقدس مهیمن بر کتب و صحف اولی امتدادش مجهول و در علم الهی مخزون انتهایش استقرار این نظم اکمل امتن اتمّ در شرق و غرب عالم و جلوهٔ وحدت اصلیّه در انجمن بنی‌آدم و استحکام اساس صلح اصغر بین دول و امم مولد این نظم اعظم الهی که بفرمودهٔ جمال قدم از سطوت ظهور و بروزش در عالم امکان نظم جهان مضطرب و ارکانش متزلزل خواهد گشت مصادف بانقلابات عظیمه و حوادث خطیره و امتحانات شدیده و لطمات متتابعه بجامعهٔ پیروان امر مولی البریّه و قیام دشمنان داخل و خارج از قدیم و جدید و دینی و سیاسی و شرقی و غربی گردید کوته‌نظرانی چند از اقربا و منتسبین سدرهٔ منتهی و ارکان و اقطاب جامعهٔ اهل بها و فقها و علما و رؤسای ملّت روح و زمامداران از امرا و وزرا در بقعهٔ بیضا و مهد آئین جمال ابهی و اقالیم مجاورهٔ مصر و عراق و دو قارّهٔ اوروپ و امریکا افول کوکب میثاق و فقدان حامی و حارس امر نیّر آفاق را غنیمت شمرده در تشتیت شمل پیروان امر حضرت احدیّه و تزییف و تحقیر شعائر امریّه و انکار صحّت و اصالت وصایای محکمهٔ متقنه در سنین متمادیه همّت بگماشتند در ارض اقدس ناقض اکبر بنشر اراجیف باهتمامی عظیم مشغول گشت و بدیع بدخصال بکمال جسارت مفتاح ضریح مقدّس را غصب نمود ولولهٔ علمای شیعه در مدینةاللّه بلند گشت و بیت اعظم بدست غاصبین بیفتاد گروهی از بلها در دیار مصریّه بتخریب اساس جامعه و استبدال آن بجمعیّهٔ موهومه بکمال تدلیس پرداختند و در مهد آئین ذو الجلال مشتی از سفها و علی رأسهم النّاعق الأکبر بنهایت وقاحت بر هتک حرمت دین اللّه قیام نمودند در امریک زنی بی‌شعور خودسرانه فریاد برآورد که الواح وصایای غصن برومند شجرهٔ بها و منقوش بقلم گهربارش بی‌اصل و مجعول است و ثانی مؤسّس جامعهٔ پیروان امر رحمن در خطّهٔ آلمان را اغوا نمود و با جمعی از ضعفا از صراط مستقیم منحرف ساخت عدّه‌ئی از مبشّرین ملّت روح در اوروپ و امریک بقدح و ذمّ دین الهی در نشریّات خویش پرداختند و بفئهٔ ضالّه دشمنان دیرین از دو حزب سنّی و شیعه اقتدا نمودند امین سرّ غصن الهی بکمال غرور متهوّرانه در خطّهٔ امریک عربده‌ئی بینداخت و بکمال دنائت در تمزیق کتاب وصایا و ایجاد رخنه در بنیان مرصوص امر بها پای بفشرد و بکتّاب وحی و مترجمین که در عهدهای سابق بأسفل السّافلین ساقط گشتند ملحق گشت کتائب تأیید بحمایت و نصرت بانیان این نظم بدیع هجوم نمودند مفتاح مرقد منوّر بواسطهٔ ولاة امور پس از تدقیق کامل مسترد گشت صحّت و اصالت وصایای الهیّه بر مدّعیان ثابت و مبرهن گردید تعدّی و اغتصاب رؤسای حزب شیعه پس از مناقشه در بساط لجنهٔ انتداب جمعیّهٔ امم مدلّل گشت جمعیّهٔ علمیّه منحلّ شد و انفصال منتسبین و متعلّقین بی‌وفا فروع منشعبهٔ از سدرهٔ منتهی و انحراف مشتی از کتّاب و مترجمین و امناء سرّ غصن دوحهٔ بقا و ارتداد بعضی از اقطاب و مشاهیر مبلّغین و مؤسّسین آئین جمال ابهی علّت تطهیر و تصفیهٔ امر نازنین و باعث تقویت بنیهٔ جامعهٔ پیروان امر حضرت ربّ العالمین گشت

سالکین سبیل وفا که در حصن حصین امر بها متحصّن و بحبل المتین وصایای غصن دوحهٔ بقا متمسّک و از شدید القوی مستمدّ متوکّلین علی اللّه منقطعین عن الجهات متوجّهین الی نیّر الآفاق مبتعدین عن اهل الشّقاق با وجود اختلاف مشارب و مسالک و عادات و اجناس و اوطان و لغات و طبقات کثلّة واحدة بتأسیس قواعد و نصب دعائم و رفع اعمدهٔ نظم بدیع قیام نمودند نظمی را که در عهد اعلی نقطهٔ اولی بآن بشارت داده و در عهد ابهی جمال کبریا اصول و احکامش را نازل فرموده و در یوم میثاق مرکز عهد اللّه نقشهٔ بدیعش را ترسیم فرموده نظمی که ولید شریعت اللّه و میثاق نیّر آفاق است نظمی که رکن اوّلش ولایت اللّه و رکن ثانی آن دیوان عدل الهی است نظمی که کافل ظهور وحدت اصلیّه در هیئت اجتماعیّه و وصول عالم بدرجهٔ بلوغ و کمال و رافع علم صلح اعظم و ضامن تأسیس مدنیّت الهیّه در عصر ذهبی دور اعزّ افخم کور الهیست نظمی که مثیل و نظیرش نه در شریعت موسوی و نه در شریعت عیسوی و نه در شریعت محمّدی و نه در شرائع دیگر از آدم تا

خاتم ظاهر نگشته نظمی که نه از قوانین و انظمه و دساتیر سقیمهٔ عالم مقتبس و نه به افکار و اصول شعوب و امم شرقیّه و غربیّه متمایل نظمی که از دسائس احزاب و مخاصمات دول و منازعات امم در کنار نظمی که دارای بعضی از مزایا و عناصر صالحه و حقائق سلیمهٔ انظمهٔ عالم و از عیوب اصلیّهٔ فطریّهٔ آنان عاری و مبرّا

رفته‌رفته قوّهٔ قدسیّهٔ ساریهٔ جاریهٔ دافعهٔ الهیّه که در سنهٔ ستّین بآن بشارت داده شده و در سنهٔ تسع در عالم وجود احداث گشته و تولّد یافته و در سنهٔ ثمانین سریانش بمنتهای درجهٔ قدرت رسیده و در یوم میثاق تصرّفات اوّلیّه‌اش جهان فرنگ را باهتزاز آورده در این عصر نورانی در مؤسّسات نظم بدیع الهی حلول نمود و تجسّم یافت و در قنوات و مجاری معیّنهٔ منصوصهٔ از قلم اعلی و کلک مبیّن آیات جمال ابهی جاری و ساری گشت محافل محلّیّه اسّ اساس قصر مشید رسماً منظّماً در قارّات خمسهٔ عالم از طرف جمهور پیروان اسم اعظم از مؤمنین و مؤمنات انتخاب گردید و بر این اساس اقوم اعمدهٔ دیوان عدل الهی بیوت عدل خصوصی در ایالات متّحده و جزائر بریطانیا و کشور ایران و اقلیم آلمان و خطّهٔ هندوستان و قطرین مصر و عراق و قارّهٔ قاصیهٔ استرالیا مرتفع گشت لجنه‌های متعدّدهٔ متنوّعهٔ محلّی و مرکزی که بمثابهٔ ایادی و اجنحهٔ محافلند متتابعاً تشکیل شد و صندوقهای خیریّه تأسیس گشت و دساتیر و انظمهٔ متعدّده که مقدّمهٔ وضع ناموس اعظم و متضمّن قانون اساسی جامعه در اقالیم مختلفه است بکمال اتقان تدوین و بلغات مختلفه ترجمه و طبع و منتشر گشت انجمنهای شور روحانی ملّی و ایالتی بنهایت انتظام در ممالک مختلفه در خاور و باختر تأسیس یافت و متجاوز از هشتاد ۸۰ محفل روحانی مرکزی و محلّی در ایالات متّحده و هندوستان و آلمان و انگلستان و مصر و بلوچستان و برما و قارّهٔ استرالیا و دو اقلیم کندا و السکا و هشت جمهوریّت از جمهوریّات مستقلّهٔ مرکزی و جنوبی قارّهٔ امریکا رسماً در دوائر حکومت تسجیل گشت و اعتبارنامهٔ رسمی صادر شد و اوقاف بهائی بر حسب شرع اعزّ صمدانی تأسیس یافت تشیید

حظائر قدس ملّیّه و محلّیّه محور نظام اداری و مراکز بیوت عدل خصوصی و محلّی در عواصم بلدان مختلفه و ایالات تابعه در شرق و غرب و جنوب و شمال انجام یافت و ثانی مشرق‌الأذکار عالم بهائی امّ المعابد غرب رمز مدنیّت الهیّه در قطب امریک تأسیس گشت تشکیل مدارس و معاهد علمیّهٔ متنوّعه و مؤسّسات بدیعهٔ جوانان و امآء الرّحمن و اطفال تحت اشراف امنای منتخبه بر استحکام و ارتفاع شأن بنیان الهی بیفزود اراضی وسیعه که مساحتش از سه ۳ ملیون و نیم متر مربّع متجاوز لأجل تشیید معبد ثالث بهائی در ارض طاء ابتیاع گشت اراضی مجاورهٔ ضریح مقدّس نقطهٔ اولی در دامنهٔ جبل کرمل بتصرّف اهل بها درآمد و باوقاف دیگر در مدینهٔ منوّرهٔ بیضا و مرج عکّا و ساحل نهر اردن و جنوب اراضی مقدّسه که قیمت مجموعش از نیم ملیون جنیه متجاوز منضمّ گشت قسمی از این اراضی که وقف ابدی مطاف ملأ اعلی است پس از اجرای سی ۳۰ معاملهٔ قانونیّه باسم شعبهٔ محفل ملّی امریک و محفل ملّی هندوستان منتقل و بتوقیع ابن ناقض اکبر در ادارهٔ ثبت اسناد تصدیق گشت باب مخابره بین امنای منتخبهٔ جامعه و اولیای امور رسماً مفتوح شد و مشارکت رسمیّهٔ محافل روحانیّه در امور عامّ المنفعه با طبقات متنوّعه در ممالک مختلفه تعمیم یافت الواح اصلیّه استنساخ گشت محفظهٔ آثار الهیّه در جوار مقام اعلی و در حظائر قدس ملّیّه تشکیل شد و اماکن متبرّکهٔ مهمّه در موطن اصلی مولی البریّه ابتیاع گردید

ولولهٔ عظمی بر اثر تشیید ارکان نظم اعزّ اسنی در مدینهٔ قاهره مرکز عالم عربی و اسلامی نقاب از وجه حقائق و نوامیس و احکام و شعائر شرع مبین بیفکند و حکم محکم محکمهٔ شرعیّه و فتوای مفتی دیار مصریّه بتأیید قاضی القضاة و شیخ جامع ازهر و تصدیق وزارت عدلیّه در اعلان و اثبات اصالت و استقلال شریعت بهائیّه و انفصالش از شریعت محمدیّه و انفصال زوج از زوجه و عدم جواز دفن اموات بهائی در مدافن اسلامیّه صادر گشت و این حرکت مبارکه بمهد آئین حضرت ربّ البریّه و اقطار مجاورهٔ عراق و هندوستان و برّالشّام سرایت نمود و انعکاسش در اقصی ممالک غربیّه ظاهر گشت حجاب اکبر خرق گردید راز نهان پدیدار شد یوم رهیب فصل آشکار گشت خروج از کنائس مسیحیّه و معاهد ادیان عتیقه در اقطار غربیّه و شرقیّه

و انفصال از شریعت اسلامیّه و امتناع از قبول وظائف در دوائر شرعیّه اعلان گشت ایّام مخصوصه تعیین گردید و تعطیل دوائر امریّه در ایّام محرّمه عمومیّت و رسمیّت یافت منتخبات احکام مهمّهٔ کتاب اقدس تدوین و ترجمه و تعمیم و تقدیم ولاة امور گشت و عقدنامه و طلاقنامهٔ بهائی تهیّه و طبع و منتشر گردید مقابر بهائیّه ریاض ابدیّه متتابعاً تأسیس شد و اعتبارنامهٔ رسمی در ثبت اسناد ازدواج بهائی در هشت ۸ ایالت از ایالات متّحدهٔ امریک و عدم مراجعهٔ بمحاکم مدنی از طرف ولاة امور صادر گشت و اجازهٔ کتبی در معافیّت مقامات مقدّسه و معابد و اوقاف بهائی از رسوم دولت در مرکز بین‌المللی و اقالیم دیگر بر جلوه و استحکام شرع مقدّس بیفزود

حواریّون حضرت بهآءاللّه فارسان جیش کبریا و حامیان حزب مظلوم و مشعلداران مدنیّت الهیّه و علی رأسهم امةاللّه المنقطعه فخر المبلّغین و المبلّغات بتسخیر مدن و دیار و تنفیذ دستور افخم اکرم که از قلم مرکز عهد جمال قدم در الواح مخصوصه در سنین اخیرهٔ عهد ثالث صادر و طرح نقشهٔ اولای هفت‌ساله که اعظم مشروع قرن اوّل بهائی محسوب مبادرت نمودند و بانقطاعی مبعوث گشتند و چنان همّتی بگماشتند و صولتی بنمودند و در جمهوریّات مرکزی و جنوبی قارّهٔ امریک جولانی نمودند و شوری انگیختند و ولوله‌ئی انداختند که ملأ اعلی باهتزاز آمد و ندای بشری لکم بشری لکم یا نصرآء الرّحمن و حماة دینه اهل غرفات جنّة اعلی و سکّان رفیق ابهی را بوجد و طرب آورد ملکهٔ نیک‌خصال فرخنده‌فال ندای امر ذو الجلال را لبّیک گفت و در هفت اعلان از اعلانهای متتابعهٔ مهیّجه‌اش امر اللّه را ستایش نمود و عقیدهٔ راسخه‌اش را بظهور اب سماوی و حقّیّت رسالت سیّد المرسلین بی ستر و خفا بسمع جهانیان برسانید دائرهٔ امر اللّه در قارّهٔ امریک از اقصی شمال خطّهٔ السکا در قرب مدار قطب شمال الی اقصی جنوب جمهوریّت شیلی مدینهٔ نائیهٔ مجلّانیس که اقرب مدن دنیا بقطب جنوب است امتداد یافت امر مبرم که نطاقش در عهد اعلی منحصر بمهد آئین مقدّس و خطّهٔ مجاورهٔ عراق عرب بود و در عهد ابهی به ده ۱۰ اقلیم از اقالیم شرقیّه و در عهد میثاق به بیست ۲۰ اقلیم دیگر در شرق و غرب سرایت نموده بود در این عصر نورانی پرچمش در پنجاه و نه ۵۹ مملکت دیگر از ممالک مستقلّه و اقالیم تابعه مرتفع گشت در ایالات متّحدهٔ امریک که بفرمودهٔ مرکز عهد کردگار میدان اشراق انوار است و کشف ظهور اسرار تعداد مراکز امریّه که در یوم میثاق از سی و نه ۳۹ تجاوز ننموده بود و در آغاز تنفیذ مشروع اوّل هفت‌سالهٔ یاران در آن دیار به سیصد ۳۰۰ رسیده بود در خاتمهٔ قرن اوّل از هزار و سیصد ۱۳۰۰ تجاوز نمود قیمت مجموع اوقاف ملّی و محلّی جامعهٔ یاران در آن خطّهٔ مبارکه قریب به سه ۳ ملیون دولار و مخارج معبد رفیع الشّأنش تا بحال بالغ به دو ملیون و میزانیّهٔ محفل مرکزیش ثلث ملیون و عدد مطبوعاتش در یک سنه از صد و هشتاد هزار ۱۸۰۰۰۰ متجاوز در قارّهٔ نائیهٔ استرالیا متجاوز از سی ۳۰ مرکز و در کشور پرانقلاب آلمان بیش از چهل ۴۰ مرکز و در اقلیم وسیع هندوستان بیش از هشتاد ۸۰ مرکز و در جمهوریّات مرکزی و جنوبی قارّهٔ امریک بیش از صد ۱۰۰ مرکز متدرّجاً تأسیس گشت و کتب امریّه به متجاوز از هزار ۱۰۰۰ کتابخانهٔ عمومی بهمّت حاملان امانت الهیّه تقدیم گشت و یکی از این کتب نفیسه که از تألیفات مهمّهٔ قیّمه محسوب به پنجاه ۵۰ لغت از لغات شرقیّه و غربیّه ترجمه و طبع گردید و بیش از پنجاه‌هزار ۵۰۰۰۰ نسخه در خاور و باختر انتشار یافت

در این شور و آشوب مطابقاً لما صدر من یراعة نقطة الأولی و القلم الأعلی و قلم مرکز عهد اللّه الأوفی گرفتاری ناگهان و عقاب عظیم و عذاب کبیر فرائص عالم را مرتعد نمود دول مقهوره بفرمودهٔ مرکز میثاق آتش جنگ را مشتعل نمودند و انقلاب اکبر برپا گشت مخاطرات عظیمه در سنین عدیده ارض اقدس را از طرف غرب و جنوب و شمال احاطه نمود و مدن بفرمودهٔ جمال ابهی محترق گشت و ملوک ارض مطابقاً لما انذرهم مولاهم و مالکهم بعذاب الیم مبتلا گشتند انذارات و خطابهای قهریّه که در عهد جمال قدم باعث سقوط ملک پاریس و انقراض سلطنت ناپلیون و مسجونیّت و ذلّت حبر اعظم در مدینهٔ رومیّه و خلع و قتل خلیفهٔ اعظم سلطان عثمانیان و در یوم میثاق موجب قتل ملک عجم و عزل و نفی خلیفهٔ ثانی در مدینهٔ کبیره و

انقراض امپراطوری روس و آلمان و نمسه و ارتفاع حنین برلین و تبدیل سلطنت بجمهوریّت در مملکت پرتقال و کشور چین گردید در این عصر نورانی اثراتش متعاقباً ظاهر و پدیدار گشت سلسلهٔ قاجاریّه منقرض گشت و سلطنت آل عثمان سرنگون شد خلافت عظمی ساقط گشت و ذلّت و خذلان رؤسای شیعه نمودار شد سریر ظلم در نقطهٔ واقعهٔ فی شاطئ البحرین منهدم گشت و زینة قبّة الاسلام زائل و شرع اسلام از دوائر سیاسیّه در مدینهٔ کبیره منفصل گشت و محاکم شرعیّه در مملکت ترکیّه مبدّل بمحاکم مدنیّه گردید و بر اثر جنگ جهان‌سوز گروهی از ملوک معزول و منکوب و اسیر و مقهور و پریشان گشتند و عاقبة الأمر در ممالک اسپانیا و سرب و البانیا و مجرستان و ایطالیا و بلغار و رومانیا متعاقباً مترادفاً اساس سلطنت متزعزع گشت و بجمهوریّت مبدّل گردید و بیان صریح جمال قدم سلطان السّلاطین مظلوم عالم که "عزّت از دو طائفه اخذ شد از ملوک و علما" تحقّق یافت حرکتهای تازهٔ عمومی در این انقلاب اعظم بفرمودهٔ مرکز عهد جمال قدم بکمال تهوّر و ظلم و اعتساف تمام قوّت را در تنفیذ مقاصد خویش مجری داشتند و حرکت شمالیّه اهمّیّت یافت و تعالیم مادّیّه منتشر گشت و باقالیم اوروپ سرایت نمود و اسباب عجیبهٔ غریبه که در ارض موجود و از انظار مستور و در الواح الهیّه مذکور ظاهر گشت ارياح عدلیّه بوزید و آثار فزع اکبر مرّة اخری در جهان نمودار شد و یوم "فیه یستغیثون و لا یغاثون" و "یغشیهم العذاب من فوقهم و من تحت ارجلهم" نزدیک گشت

ایّها النّاصرون لدین اللّه حال که مرحلهٔ اولای عصر ثانی نخستین دورهٔ کور مقدّس منتهی گشته ملاحظه نمائید که از جهتی چه انقلابی در عالم ادنی احداث گشته و چه غفلتی دول و ملل را مبتلا نموده و چه خطر جسیمی کرهٔ ارض را احاطه نموده و چه اسباب عجیبهٔ غریبه‌ئی در عالم کون ظاهر و نمودار گشته و چه فزع شدیدی بر قلوب جهانیان مستولی گشته و از جهتی دیگر اوّلین تجلّی نظم بدیع مشعشع جمال ابهی بر بسیط غبرا چه ولوله‌ئی در جهان انداخته و قیام عاشقانهٔ لشکر حیات و سپاه نجات در تأسیس و ترویج و تنفیذ مشاریع مهمّهٔ متقنه بر وفق اصول و مبادی این نظم بی‌همتا چه نهضتی ایجاد نموده و خطوات اوّلیّه در سبیل اجرای فرمان عظیم الشّأن صادر از قلم سالار جند هدی غصن اعظم ابهی بعلمداران شریعت سمحا در دو قارّهٔ اوروپ و امریکا چه شور و آشوبی در قلوب افکنده و چه نصرتی از ملکوت ابهی ظاهر فرموده ظلمت ضلالت بفرمودهٔ مرکز عهد حضرت احدیّت با نور هدایت در جنگ و ستیز است و سهم و سنانش بسی تند و تیز اصحاب یمین و شمال در میادین مختلفه در خاور و باختر مهاجم و قوای مادّیّه و معنویّه متصادم

از جهتی مقدّمات حدوث انقلاب عظیم اعظم و وقوع عذاب کبیر اکبر در عالم فراهم و آثار نفاق و ضغینه و بغضا و انشقاق در مجمع نمایندگان ملل و امم پدیدار رقابت و خصومت در بین دول و اجناس و ادیان و طبقات آناً فآناً در ازدیاد و مکاید سیاسیّه و دسائس حزبیّه و منازعات دینیّه و مخاصمات جنسیّه در انتشار معدّات حربیّه و آلات جهنّمیّه و وسائل نسف و حرق و بوار و دمار در اکثر ممالک و دیار مهیّا و سیل محن و آفات گوناگون از هر سوئی منحدر بحران اقتصادی شدید مشاجرات بین رنجبران و سرمایه‌داران متزاید نیران تعصّبات جنسیّه و دینیّه و سیاسیّه مشتعل وجه عالم متغیّر و نظم جهان مضطرب و ارکان مدنیّت متزعزع دول غافل و ذاهل و امم بر اصنام اوهام عاکف سراج دین مستور دخان فساد متصاعد افکار مشوّش آراء متناقض عقائد متزلزل نجم اقبال رؤسای ادیان عتیقه آفل نفوس در غمرات شهوات مستغرق مفاسد اخلاقیّه منتشر عرش سلاطین منهدم و حنین اغنیا مرتفع و ناله و فغان ایتام و ارامل و فقرا و غربا و اسرا بعنان آسمان متواصل افراد و امم در دام حرص گرفتار امم شرقیّه در اشدّ هیجان و خطّهٔ اوروپ بدو شطر منقسم و بعسرت و محنتی شدید مبتلا کشور هند منقلب ارض اقدس قلب العالم و قبلة الأمم در هیجان و بمخاطرات عظیمه محاط و مهد امر اللّه در پنجهٔ تقلیب گرفتار و حزب مظلوم بر اثر این حرکت رجعیّه در مخالب فئهٔ ضالّه اسیر و مقهور توازن بین‌المللی مختلّ حرکت شمالیّه در قارّات خمسه در تقدّم فرائص اهل امریک مرتعد قبائل افریک مضطرب دول ضعیفه حیران و هراسان حقوق اقلّیّات دینیّه و جنسیّه مسلوب تندباد

عصیان و نافرمانی در هبوب دریای سخط الهی پر جوش و خروش و گمگشتگان ارض از امیر و حقیر و صغیر و کبیر و حاکم و محکوم و رئیس و مرئوس از بادهٔ غفلت سرمست و مدهوش

و از جهتی دیگر ملاحظه میگردد چگونه اهل بها و برگزیدگان حضرت کبریا و مقتبسین از نور هدی و راکبین سفینهٔ حمرا و متحصّنین در حصن عهد اوفی با وجود ریزش باران نوائب و رزایا بی خوف و هراس و ستر و خفا بنشاطی عظیم و عزمی متین و روحی پرفتوح و اتّحادی کامل و نیّتی خالص و قلبی مطمئن و قدمی راسخ بتشیید ارکان باقیهٔ نظم عدیم النّظیر قویّ الأرکان جهان‌آرای الهی مشغول و از عربده و هیاهو و مکاره و مفاسد و مآرب و مقاصد و نزاع و جدال اهل ضلال در کنار و از شئون امکانیّه و کدورات و تلوّنات دنیای فانیه مقدّس و مبرّا و بانشآء مشاریع مختلفه و طرح نقشه‌های بدیعه و ترسیم خطط مختلفهٔ متنوّعه در اقطار شرقیّه و غربیّه که تباشیر افتتاح عهد ثانی دومین عصر دورهٔ اولای کور مقدّس است مأنوس و مألوف و در استقرار اساس این نظم بدیع که از جهتی محدث زلزلهٔ عظمی در ارکان مدنیّت ضالّهٔ فاسدهٔ هالکهٔ حاضره و از جهتی دیگر بشارت‌دهندهٔ تأسیس مدنیّت سامیهٔ الهیّه است لیلاً و نهاراً ساعی و جاهد تا بتدریج قوّهٔ قدسیّهٔ الهیّه که در عصر رسولی دور بهائی تولّد یافته و در مرحلهٔ اولای عصر تکوین در تشکیلات و مؤسّسات این نظم بدیع متدرّجاً حلول نموده و متجسّد گشته در این مرحلهٔ ثانیهٔ این عصر نورانی تصرّفاتش بوسیلهٔ این ادوات و قنوات مشخّصهٔ معیّنه که حامل و واسطهٔ ایصال فیض نامتناهی الهی باین جهان پر وحشت و انقلاب است در انفس و آفاق نمودار گردد و نتیجه و ثمر حلول و تجسّد این قوّهٔ الهیّه در عالم کون ظاهر و عیان گردد

در ایالات متّحده مهد مدنیّت الهیّه جنود مجنّدهٔ منصوره بر تنفیذ مشروع ثانی هفت‌ساله که مرحلهٔ ثانیه در سبیل تحقیق نوایای مقدّسهٔ مرکز عهد ربّ البریّه محسوب قائم و در جزائر بریطانیا ناصران امر جمال ابهی بمشروع شش‌ساله و در کشور هندوستان یاران راستان بمشروع چهارساله و نیم و در خطّهٔ ایران مهد آئین جمال قدم هموطنان اسم اعظم بمشروع چهل و پنج ماهه و در قارّهٔ استرالیا شیفتگان جمال کبریا بمشروع شش‌ساله و در اقلیم عراق پیروان نیّر آفاق بمشروع ۳ سه‌ساله مشغول و مألوف و در اجرای این نقشه‌های بدیعه کلّ علی قدر استعدادهم و مراتبهم لیلاً و نهاراً ساعی و مداوم مؤسّسین این مشروعات جلیله امنای مجلّلهٔ محافل مرکزی در شرق و غرب عالم بهائی مجریانش محافل محلّیّه و لجنه‌های تابعه و افراد جامعهٔ پیروان امر اعزّ امنع صمدانی آغازش مقارن بانتهای جنگ ثانی بین‌المللی و افتتاح قرن ثانی بهائی و حلول عهد ثانی این عصر نورانی پایانش در بعضی از این ممالک توأم باحتفال عید مئوی حلول سنهٔ تسع میلاد رسالت و دعوت سرّی جمال قدم و افتتاح عهد اعظم و در بعضی دیگر بصدمین سال شهادت نقطهٔ اولی مبشّر آئین جمال قدم و موعود ملل و امم اهدافش تنفیذ آخرین وصیّت مرکز عهد ربّ البریّه و تشتّت حاملان امانت الهیّه در میادین مختلفه در اقطار شرقیّه و غربیّه و تأسیس محافل روحانیّه در عواصم ده مملکت از ممالک مستقلّهٔ قارّهٔ اوروپ و اتمام و اکمال تزیینات داخلهٔ امّ المعابد غرب در ایالات متّحده و اقامهٔ سه ۳ رکن از ارکان بیت عدل اعظم و تشکیل سه ۳ محفل مرکزی در اقلیم کندا و جمهوریّات جنوبی و مرکزی قارّهٔ امریکا و ایجاد نوزده ۱۹ محفل روحانی در عواصم جزیرهٔ ایرلند و ویلس و اسکتلند و مراکز دیگر در جزائر بریطانیای عظمی و اعادهٔ تشکیل محافل منحلّه و تأسیس نود و پنج مرکز در ایالات و ولایات موطن اقدس جمال ابهی و مضاعفهٔ عدد محافل روحانیّهٔ موجوده در کشور هند و برما و تشکیل سی و هشت ۳۸ مرکز در قارّهٔ استرالیا و استحکام اساس دین مبین و ازدیاد مراکز امریّه در شطّ العرب و الویهٔ تابعهٔ خطّهٔ مبارکهٔ عراق و اتّساع دائرهٔ جامعهٔ جدید التّأسیس در جمهوریّات مرکزی و جنوبی قارّهٔ امریکا و تأسیس محفل روحانی در امارت بحرین و ارض حجاز و عاصمهٔ افغانستان و تشکیل مراکز جدیده در یمن و احسا و امارت کویت و عدن و عمان از اقالیم عربستان

این قیام عدیم المثال رسولان آئین ذو الجلال در غرب و شرق و جنوب و شمال در سنین اوّلیّهٔ قرن ثانی فرخنده‌فال بنفسه مقدّمهٔ تحقّق نبوّات انبیا و بشارت مصرّحهٔ در کتاب حضرت دانیال که در تبیین و تفسیرش از کلک اطهر مرکز عهد ربّ متعال این بیان جان‌افزا صادر "هزار و سیصد و سی و پنج ۱۳۳۵ مذکوره بدایتش از یوم هجرت حضرت رسول محمّد المصطفی علیه الصّلوة و السّلام است که در آن تاریخ آثار علوّ و امتناع و سموّ و اعتلا از برای کلمة اللّه در شرق و غرب حاصل گردد" و همچنین میفرماید "بذلک التّاریخ ینقضی قرن من طلوع شمس الحقیقه و تعالیم اللّه تتمکّن فی الأرض حقّ التّمکّن و تملأ الأنوار مشارق الأرض و مغاربها یومئذ یفرح المؤمنون"

ای ستایندگان اسم اعظم ملاحظه نمائید که در سنین معدودهٔ اوّلیّهٔ قرن ثانی بهائی که مقارن بافتتاح عهد ثانی دومین عصر دورهٔ اولای کور مقدّس و آغاز ظهور ثمرات طیّبهٔ شهیّهٔ این مشروعات ملّیّهٔ بهیّهٔ عظیمهٔ تاریخیّهٔ پیروان جمال اقدس ابهی است نیروی اسم اعظم و فیوضات آن ساذج قدم چه نفوذی در شرق و غرب عالم نموده و آئین آن محیی رمم چه اشتهاری یافته و در جامعهٔ پیروان یگانه منجی عالم چه قدرت و شجاعتی و همّت و انقطاعی و صولت و بسالتی و ثبات و استقامتی و تعاون و تعاضدی از افراد و نوّاب و وکلای جامعه ظاهر گشته و چه تأییدی از ملأ اعلی شامل گروه منادیان امر مبرمش و رافعین علم مبینش و حامیان حصن حصینش و مروّجین شریعت سمحایش و مؤسّسین نظم بدیعش گشته

در قلب قارّهٔ پرهیجان اوروپ فئهٔ ثابتهٔ راسخه در کشور آلمان سیل جارف بلیّات را از توقیف و تشدید و تخویف و تهدید و زجر و غصب و ضبط و حجز در سنین متوالیه مقاومت نمودند و در آتش امتحان چون ذهب ابریز رخ برافروختند و مظفّراً منصوراً پس از تسکین انقلاب اعظم قدم بمیدان مجاهدت گذاشتند و چنان همّتی بگماشتند که پس از انقضای اشهر معدوده عدّهٔ مؤمنین و مؤمنات در آن خطّهٔ پر شور و آشوب مضاعف گردید و تعداد مراکز امریّه در مناطق مختلفهٔ آن اقلیم از چهل۴۰ تجاوز نمود و در قلب آن کشور حظیرةالقدس ملّی تأسیس گشت و همچنین در جنوب شرقی قارّهٔ آسیا در اقلیم برما و جزائر محیط اعظم و شرق اقصی مجاهدین فی سبیل اللّه که سنین عدیده از ارض اقدس منفصل تأسّی بستمدیدگان در کشور آلمان نموده در اعادهٔ تشکیلات امریّه و اثبات و دفاع از حقوق مسلوبه و تقویت بنیهٔ جامعه و ازدیاد عدد محافل روحانیّه و ایجاد روابط متینه با همکاران خویش در اقالیم مختلفه سعی بلیغ مبذول داشتند

در جمهوریّات مرکزی و جنوبی قارّهٔ امریکا سپاهیان ملکوت باستحکام بنیاد حصن حصین که در سنین اخیرهٔ قرن اوّل بر وفق نقشهٔ اولای هفت‌سالهٔ یاران امریک تأسیس گشته قیام نمودند و در تهیّهٔ وسائل جهت تأسیس دو محفل بین‌المللی مرکزی در آن سامان که مقدّمهٔ تشکیل محافل ملّیّهٔ روحانیّه در آن جمهوریّات خواهد بود همّت بگماشتند در این جمهوریّات مرکزی و جنوبی که در عهد میثاق نطاق امر اللّه منحصر بمدینهٔ بهیّه در جمهوریّت برازیل بود و در انتهای قرن اوّل بهائی بر اثر همم عالیهٔ واضعان نقشهٔ اولای هفت‌ساله تعداد مراکز امریّه در کافّهٔ این جمهوریّات از پنجاه و هفت ۵۷ تجاوز نموده بود به صد و چهارده ۱۱۴ بالغ گشت و در شش ۶ جمهوریّت از این جمهوریّات محافل محلّیّهٔ روحانیّه رسماً تسجیل گشت و اعتبارنامهٔ رسمی از طرف ولاة امور صادر شد و قطعه زمینی بالغ به نودهزار ۹۰۰۰۰ متر مربّع بهمّت کنیزی از کنیزان جمال ابهی در عاصمهٔ جمهوریّت شیلی وقف اوّلین معبد بهائی و ملحقاتش در قارّهٔ جنوبی امریکا گشت و در مدینهٔ نائیهٔ مجلّانیس در اقصی جنوب قارّهٔ جنوبی محفل روحانی تأسیس شد و مدارس تابستانه در دو جمهوریّت ارجنتین و شیلی تشکیل گشت و اوّلین کنگرهٔ بهائی در عاصمهٔ ارجنتین و جمهوریّت پناما تأسیس یافت و نمایندگان مراکز امریّه در جمهوریّات مرکزی و جنوبی قارّهٔ امریک در این دو مؤتمر تاریخی مجتمع گشتند و در تشیید روابط روحانیّه و ترویج امر تبلیغ و اعزام مبلّغین با یکدیگر مشورت نمودند و باتّخاذ تصمیمات مهمّه موفّق گشتند

در ایالات متّحده منشأ و مبدأ این حرکت مبارکه و مهد مدنیّت الهیّه تمهیدات اوّلیّه در سبیل اتمام تزیینات داخلهٔ امّ المعابد غرب انجام یافت و اوّلین اتّفاقنامه با یکی از مشاهیر مهندسین پس از مشاورات و تحقیقات دقیقه از طرف امنای معبد امضا گردید و میزانیّهٔ این مشروع جلیل القدر که از نیم ملیون دولار متجاوز تعیین شد و عدّهٔ محافل روحانیّه به صد و نود ۱۹۰ بالغ گشت و مجموع عدّهٔ زائرین معبد مفخّم از ممالک مختلفه از ربع ملیون تجاوز نمود و عدد زوّار در یک روز به نهصد ۹۰۰ بالغ گشت و موقوفات ملّیّه از دو ملیون دولار تجاوز نمود و عدّهٔ محافل روحانیّه که رسماً تسجیل گشته و اعتبارنامهٔ رسمی از طرف رؤسای دولت بنام آنان صادر گشته از چهل و پنج ۴۵ متجاوز گشت باب مخابرات رسمیّه بین امنای محفل مرکزی آن اقلیم جلیل و شخص شخیص رئیس جمهور و وزارت خارجه و وزارت معارف در عاصمهٔ آن مملکت مفتوح گردید و روابط متینه با هیئت نمایندگان امم متّحده در مدینهٔ میثاق و لجنه‌های متفرّعهٔ آن از قبیل لجنهٔ وصایت و لجنهٔ حقوق نساء و لجنهٔ امور اجتماعی و اقتصادی ایجاد گشت و بیان‌نامه‌های مختلفه متضمّن تعالیم الهیّه راجع بحقوق افراد در هیئت اجتماعیّه و حقوق نساء صادر و بواسطهٔ هیئت منتخبه تقدیم این مقامات رسمیّه و مراجع عالیه گردید

در اقلیم کندا که بفرمودهٔ مرکز میثاق جمال ابهی مستقبلش چه از حیثیّت ملک و چه از حیثیّت ملکوت بسیار عظیم است و حوادثش بی‌نهایت جلیل بر حسب نقشهٔ ثانی هفت‌ساله رکن رکین بیت عدل الهی تأسیس گشت و عدّهٔ مراکز امریّه از شصت۶۰ تجاوز نمود و انجمن شور روحانی ملّی در اوّلین مرکز امر اللّه که بقدوم مبارک من طاف حوله الأسمآء مشرّف گشته منعقد گشت و اوّلین محفل مرکزی آن اقلیم تشکیل شد و استقلال و انفصالش از محفل مرکزی بهائیان ایالات متّحده اعلان گشت

در خطّهٔ وسیعهٔ هندوستان یاران ستمدیدهٔ جمال رحمن نوائب و بلیّات و مصائب و مصاعب متنوّعه را مقاومت نمودند و در میدان تبلیغ و مجاهدت و نشر آثار و کشف اسرار امر ربّ مختار چنان همّتی بگماشتند که عدّهٔ مراکز امریّه که در عهد ثالث اوّلین عصر دور بهائی از شش مرکز تجاوز ننموده بود و در خاتمهٔ قرن اوّل از شصت تجاوز نموده بود به هشتاد ۸۰ بل ازید بالغ گشت و دائرهٔ نشریّات بکمال سرعت وسعت یافت و حظیرةالقدس ملّی جدیدی در عاصمهٔ آن اقلیم بمبلغ پانصد و هفتاد و پنج هزار ۵۷۵۰۰۰ روپیه بهمّت یاران راستان از ادیان و اجناس و طبقات مختلفه ابتیاع گشت

مبالغ باهظه متجاوز از بیست‌هزار ۲۰۰۰۰ جنیه لأجل اعانهٔ ستمدیدگان در کشور نمسه و آلمان و ترویج امر تبلیغ و اتّساع دائرهٔ نشریّات امریّه و استحکام اساس جامعه از طرف محافل روحانیّه و افراد جامعه در شرق و غرب جمع‌آوری گردید و کتب امریّه بهمّت کنیزی از کنیزان مولی البریّه در اقطار شمالیّه بکتابخانه‌های عمومی متعدّده در عاصمه و مراکز مختلفهٔ جزیرهٔ گرین‌لند و مدینهٔ نائیه اوپرناویک که ماوراء مدار قطب شمال واقع ارسال گشت اوّلین محفل روحانی در اقلیم السکا تشکیل شد و از اسکیموهای آن بلاد که ذکرشان از قلم میثاق در الواح مصرّح عدّه‌ئی مفتون تعالیم الهیّه گشتند و جمعی از هندیهای سرخ‌پوست امریک اهالی اصلی آن دیار که قلم میثاق ربّ مختار باهالی قدیمهٔ جزیرة العرب تشبیه نموده و استعداد فطری آنان را ستایش فرموده دفعةً واحده اقبال بامر ذو الجلال نمودند و در ترویج دین اللّه با برادران و خواهران روحانی از جنس ابیض و اصفر و اسود که از ساکنین در آن دیارند مشارکت نمودند

در ارض اقدس با وجود انقلابات متزایدهٔ سیاسیّه اراضی وسیعه باسباب غیبیّه در دامنهٔ جبل کرمل که قیمتش از چهل‌هزار جنیه متجاوز متدرّجاً ابتیاع گشت و منضمّ باراضی موقوفهٔ مقام اعلی گردید و قسمی از این اراضی بنام شعبهٔ جدید التّأسیس محفل مرکزی ملّی روحانی هندوستان رسماً منتقل گشت و این معاملات اخیره کما فی السّابق بتوقیع ابن ناقض اکبر در دائرهٔ ثبت اسناد تصدیق گشت

عقدنامهٔ بهائی مقدّمهٔ تأسیس محکمهٔ شرعیّهٔ بهائیّه در سه ۳ ایالت دیگر از ایالات متّحده رسماً تسجیل گشت و اعتبارنامهٔ رسمی در اجرای حکم محکم الهی و عدم مراجعه بمحاکم مدنیّه و رؤسای کنیسه از طرف ولاة امور و حکّام ولایات صادر شد

در قطر مصر و خطّهٔ عراق با وجود محظورات و مشاکل عدیده مدارس تابستانه تأسیس و نشریّات امریّه ترجمه و طبع و منتشر گردید در عاصمهٔ حبشه و عاصمهٔ سودان بهمّت مهاجران و منادیان امر رحمن محفل روحانی تأسیس گشت و هزار ۱۰۰۰ نسخه از جزوهئی که متضمّن تعالیم الهیّه و عقائد بهائیّه است بلغت تگرینیا که در بین قبائل حبشه و اقالیم مجاوره متداول ترجمه و طبع گردید

در اقالیم ثلاثهٔ ایرلند و ویلس و اسکتلند بنیاد نظم بدیع بدست مجریان نقشهٔ شش‌ساله تأسیس گشت و اوّلین محفل روحانی در عاصمهٔ هر یک از این اقالیم تشکیل شد

امر اللّه که در عهد اوّل عصر رسولی نطاقش محدود و منحصر بدو مملکت و در عهد ثانی انوارش بر ده ۱۰ مملکت دیگر ساطع گشت و در عهد ثالث علمش در بیست ۲۰ مملکت دیگر از ممالک شرقیّه و غربیّه مرتفع گشت و از صعود مرکز میثاق تا انتهای قرن اوّل به چهل و شش ۴۶ مملکت دیگر از ممالک مستقلّه و اقالیم تابعه سرایت نمود در این سنین اخیره اساس نظم بدیعش در سیزده ۱۳ مملکت دیگر تأسیس یافت و نشریّات امریّه که در ختام قرن اوّل به چهل و یک ۴۱ لغت ترجمه و طبع و منتشر گشته بود به نه ۹ لغت دیگر ترجمه و طبع و منتشر گردید و به دوازده ۱۲ لغت دیگر ترجمه‌اش مباشرت گشت

طلیعهٔ جنود مجنّدهٔ الهیّه و مشعلداران شریعت بهیّهٔ بهائیّه در این دو سنهٔ اخیره بر حسب دستور و فرمان امنع اقدس صادر از قلم مرکز میثاق ربّ البریّه و بر وفق تعلیمات واضعین نقشهٔ دوم هفت‌ساله از ایالات متّحده منشأ این حرکت مبارکه هجرت نمودند و در اقطار شمالیّه و جنوبیّه و غربیّه و مرکزیّهٔ قارّهٔ منقلبهٔ اوروپ امّ جامعهٔ مسیحیّه و مهد مدنیّت غربیّه و قاصم شوکة جیوش اسلامیّه در اعصار غابره منقطعین عن الجهات متوکّلین علی ربّ الآیات البیّنات مستمدّین من مولاهم و محبوبهم بهآء الأرضین و السّموات متشتّت گشتند و بتسخیر مدن و بلاد قیام نمودند و بسرعتی محیّر العقول در عاصمهٔ اسپانیا و پرتقال و ایطالیا و سویس و هولند و بلجیک و لکسمبورگ و دانمارک و اسوج و نروج اساس نظم بدیع را بنهادند و بمقدّمات تشکیل اوّلین انجمن شور تبلیغی تاریخی در مرکز سابق عصبهٔ امم در یوم مبعث مبشّر امر جمال قدم پرداختند و جمعی از مبلّغین و مروّجین این مشروع افخم برادران و خواهران روحانی خویش را در اقالیم مجاوره بحضور در این مجمع محترم دعوت نمودند و در مدینهٔ رومیّه مرکز خلافت حبر اعظم و حصن حصین اتباع اعظم و اقدم کنائس مسیحیّه نشریّات امریّه منتشر ساختند و به متجاوز از سیصد ۳۰۰ کتابخانه از کتابخانه‌های عمومی و خصوصی در مدن مهمّهٔ کشور ایطالیا تقدیم نمودند و در دارالفنون عاصمهٔ آن اقلیم اوّلین خطابه در تبیین حقائق امریّه و تشریح تعالیم الهیّه القا نمودند و آوازهٔ امر اللّه را بمدن مهمّهٔ دیگر در آن کشور رساندند لیظهر ما صدر من قلم المیثاق مخاطباً ایّاهم و اعوانهم و من سبقهم فی تلک الدّیار "این نداء الهی چون از خطّهٔ امریک به اوروپ و آسیا و افریک و استرالیا و جزائر پاسیفیک رسد احبّای امریک بر سریر سلطنت ابدیّه جلوس نمایند و صیت نورانیّت و هدایت ایشان بآفاق رسد و آوازهٔ بزرگواریشان جهانگیر گردد"

ای برادران و خواهران روحانی این بود شمّه‌ئی از انتصارات باهره که بر اثر مساعی مشکوره و همم عالیه و مجهودات سامیهٔ یاران جمال ازلیّه در سنین اوّلیّهٔ قرن ثانی بهائی و بدایت عهد دوم عصر تکوین در این عالم پر وحشت و اضطراب ظاهر و پدیدار گشته این آثار عظیمه در سنین معدوده پس از ختام قرن اوّل بهائی در بسیط زمین ظاهر و آشکار گشته دیگر معلوم است چه آثاری بمرور ایّام در این قرن عظیم که قرن جلوهٔ نظم بدیع جدید التّأسیس جهان‌آرای الهی است و قرون آتیه در این

عصر مبارک ثانی دور بهائی و عصر ذهبی که عصر اخیر دورهٔ اولای کور مقدّس است در عالم کون مشهود و نمایان گردد واقعه‌ها در پیش است و حوادث جسیمهٔ جلیله از عقب بفرمودهٔ مرکز عهد جمال ابهی "بدایت انبات است و آغاز ظهور آیات بیّنات" هنگام نصب و استحکام دعائم دیوان رفیع المنار عدل الهی است و زمان زمان اتمام و انجام مشاریع مختلفهٔ مهمّهٔ متعدّدهٔ پیروان امر اعزّ صمدانی و یوم یوم جهاد کبیر اکبر در سبیل تحقیق اهداف سامیه و تنفیذ وصایای محکمهٔ مرکز امر جمال لایزالی

در سنین آتیهٔ این دور بهائی دوری که امتدادش بنصّ قاطع الهی اقلّاً هزار سال است قبّهٔ این قصر مشید بر این اعمدهٔ مجلّله مرتفع گردد و بیت عدل اعظم الهی مطابقاً لما اراده المحبوب استقرار یابد و تشیید این بنیان مجید انجام پذیرد

ناموس اعظم نظامنامه و قانون اساسی اعظم هیئت تشریعیّهٔ جامعهٔ بهائی بکمال اتقان تدوین گردد و مرکز اداری امر اللّه در جوار قبلهٔ اهل بها و مقام اعلی مرکز روحانی جامعهٔ پیروان آئین حضرت کبریا در کمال عظمت و جلال تأسیس شود و مصداق آیات لوح کرمل کاملاً پدیدار گردد

تأثیرات عظیمهٔ فرمان صادر از قلم مهیمن سالار جند بها خطاب بانصار دین اللّه و علمداران شریعت سمحا در قارّهٔ امریکا ولوله در قارّات خمسهٔ دنیا و جزائر دو محیط اعظم اندازد و بشارات کتاب حضرت دانیال تحقّق پذیرد احکام کتاب مستطاب اقدس باسلوبی بدیع تدوین و اعلان گردد و اقامهٔ شعائر مقدّسه مابین بریّه کاملاً ظاهراً بی خوف و تقیّه در بسیط زمین شهرتی عظیم یابد

تشیید مقام بهیّ الأنوار نقطهٔ اولی در قلب کرمل مطابقاً لما وعدنا مولانا و محبوبنا انجام پذیرد و قبّهٔ ذهبیّه‌اش شهرهٔ آفاق گردد وسائل بنای توابع و ملحقات اوّلین مشرق‌الأذکار عالم بهائی در مدینهٔ عشق و امّ المعابد الغرب در قلب قارّهٔ امریک بکمال اتقان و انتظام فراهم گردد و معابد متعدّدهٔ بهائی در ارض طاء امّ العالم افق نور و جبل مقدّس کرمل قلب العالم و مطاف الأمم و مرکز عالم عربی و اسلامی و مدینةاللّه و عواصم ممالک اخری در شرق و غرب تأسیس شود

جامعهٔ پیروان امر اعزّ اسنی در موطن اصلی جمال ابهی و ممالک اسلامیّه و اقطار شرقیّه از قید اسارت و مقهوریّت رهائی یابند و انفصال شریعت اللّه از ادیان عتیقه کاملاً تحقّق پذیرد و علم استقلال دین اللّه علی رؤوس الأشهاد مرتفع گردد و بیت اللّه الأعظم و کعبة الأمم از چنگ غاصبان و ظالمان مستخلص گردد و زیارتگاه عالمیان شود محکمهٔ شرعیّهٔ بهائیّه بکمال عظمت و متانت تشکیل گردد و علم یابهآءالأبهی بفرمودهٔ غصن اعظم سدرهٔ منتهی در قلب اوّلین جامعهٔ اسلامیّه در مدینهٔ قاهره منصوب گردد حنین رؤسای کنائس و ادیان عتیقه در هند و چین و ژاپان مانند حنین منابر و نالهٔ علما و فقهای شریعت اسلامیّه از دور و نزدیک بلند شود اعلان صلح اصغر عالم را از بلای عقیم و داء وبیل نجات دهد موهبت وحدت عالم انسانی رخ بگشاید و قطعات خمسه حکم یک قطعه یابد و وحدت اصلیّه در هیئت اجتماعیّه تحقّق پذیرد محکمهٔ کبری تأسیس شود دورهٔ صباوت عالم انسانی منتهی گردد و علامات بلوغ عالم که در الواح الهیّه مصرّح ظاهر و پدیدار شود ملک عادل بر سریر سلطنت در ارض طاء جالس گردد و صوت رجال از ارض خاء در ذکر ربّ غنیّ متعال گوشزد قریب و بعید گردد هیکل امر اللّه در انجمن بنی‌آدم جلوه‌ئی محیّر العقول نماید و صیحهٔ ایادی غالبه‌اش مرتفع شود و سطوت اعضاد قاهره‌اش واضح و عیان گردد رایت صلح اعظم بر اعلی الأعلام موج زند و مدنیّت لاشرقیّه و لاغربیّهٔ الهیّه بساطی جدید در جهان بگستراند عالم بدرجهٔ کمال رسد و جلوهٔ سلطنت بهائیّه و غلبهٔ ظاهرهٔ شریعت الهیّه من علی الأرض را باهتزاز آرد و ملوک و سلاطین را در ظلّ سیطرهٔ محیطهٔ کلمة اللّه مجتمع گرداند ملکوت اللّه کما بشّره الابن فی الانجیل در عالم شهود تأسیس شود و سطوت ربّ الجنود چهره بگشاید و مجد اب سماوی عالم را منوّر فرماید عالم ناسوت جلوه‌گاه عالم لاهوت و عالم ادنی مرآت ملأ اعلی و تصویر عالم بالا و قطعه‌ئی از ریاض ملکوت ابهی گردد شلّیک یاعلیّ‌الأعلی و یابهآءالأبهی از قطب

آفاق بلند گردد و ندا از مکمن اسنی از خلف عرش کبریا خطاب باین عالم ادنی من علی الأرض را من اقصاها الی اقصاها بوجد و طرب آرد بأن

یا ارض بشری لک بشری لک بما القت علیک شمس البهآء ذیل شعاعها و شملتک اهداب ردائها بشری لک بشری لک بما استوی علیک عرش البهآء و تلجلج فیک سرّ البهآء و انطبع فیک جمال البهآء بشری لک بشری لک بما جعلک البهآء قطعة من الفردوس الأبهی و مرآةً تنعکس فیها انوار الملإ الأعلی تعالی تعالی هذا الصّنع الأتمّ الأبدع الأکمل المبارک الأقدس الأرفع الأسنی فسبحان ربّنا العلیّ الأعلی فسبحان ربّنا البهیّ الأبهی

رضوان ۱۰۵

بندهٔ آستانش شوقی

توقیع مبارک نوروز ۱۰۸ بدیع

احبّای الهی و امآء الرّحمن در کشور مقدّس ایران و ممالک مجاورهٔ هندوستان و افغانستان و عراق و عربستان و مصر و سودان و سوریّه و لبنان طرّاً ملاحظه نمایند

ایّها المحترقون من نار الفراق ایّها المضطهدون فی سبیل امر نیّر الآفاق مژده باد مژده باد که در این روز فیروز و نوروز سنهٔ ثامن قرن ثانی کور بدیع جهان‌افروز تصمیم قطعی در تهیّهٔ مقدّمات اوّلیّه و لوازم ضروریّهٔ تشیید قبّهٔ رفیعهٔ منیعهٔ بدیعهٔ ذهبیّهٔ ضریح مقدّس ربّ اعلی نقطهٔ اوّلیّهٔ ازلیّه و شجرهٔ لاشرقیّه و لاغربیّه متوکّلاً علی اللّه و متوسّلاً بأهداب فضله و کرمه و ملتمساً عونه و تأییده و هدایته اتّخاذ گردید و این بشارت عظمی بمراکز امریّه در شرق و غرب عالم بهائی رسماً ابلاغ گشت و بوضع اساس قواعد و ارکان گنبد رفیع الشّأن این بنیان اعزّ اجلّ ارفع ابدع اعلی در این ایّام که افتتاح عهد ثانی عصر دوم اوّلین دور کور مشعشع بهائی است مباشرت گردید جمال قدم و شارع امر افخم که فی‌الحقیقه مؤسّس این مشروع اتمّ اقوم است و من بعده غصنه الأعظم و مرکز عهده الأکرم که ارادهٔ قاهرهٔ غالبهٔ الهیّه را تنفیذ فرمود و عرش مطهّر را از مهد امر اللّه بساحل ارض اقدس برسانید و حجرات مرقد مطهّر را بید قدرت بنا فرمود و در قلب کرم الهی امانت اللّه را مقرّ و مأوی داد از ملأ اعلی ناظر و شاهد و عن ورائهما معشر النّبیّین و المرسلین که بیوم ظهور صاحب این مقام بشارت داده و بتجلیل و تکریم آرامگاه ابدی آن مظهر مظلومیّت کبری در کتب مقدّسه پرداخته و در آرزوی لقایش در عصور غابره بآه و حنین دمساز گشته و در این حسرت از این عالم بجهان باقی شتافته بتهلیل و تسبیح و تکبیر ناطق و ارواح قدّیسین و کرّوبین و ملائکهٔ مقرّبین حول این مقرّ اعلی طائف و از مکمن اسنی هتاف ملأ اعلی مرتفع که ان یا مظلوم العالم علیک من الصّلوات اکملها و ابهاها ان یا باب اللّه الأعظم علیک من التّحیّات اطیبها و ازکاها سبحان من اختارک و بعثک سبحان من جعلک مبشّراً لأمره و الذّبح الأکبر لدینه تعالت قدرتک یا قرّة عین النّبیّین و علت سلطنتک یا سلطان المرسلین و لاح کبریائک یا محبوب من فی السّموات و الأرضین و ظهر یوم انتقامک یا من فدیت بروحک و بشّرت العالم بیوم یقوم النّاس لربّ العالمین

ای ستایندگان اسم اعظم چه مقدار رفیع است شأن و منزلت این ودیعهٔ ربّانیّه و چه بلند است مقام این هیکل اعزّ صمدانیّه که بدار آویخته و بخون آغشته و بهزار گلوله مشبّک گشته و در این ضریح منوّر مطابقاً لما اراده المحبوب در مقابل قبلهٔ اهل بهاء و روضهٔ مبارکهٔ علیا مطاف ملأ اعلی مدینهٔ منوّرهٔ بیضا آرمیده و از سمت یسارش مقام حضرت ایلیا و از یمینش اتلال جلیل مهد حضرت عیسی و در خلفش مسجد اقصی واقع گشته اقلام از وصفش عاجز و عقول از ادراک قوّهٔ مکنونهٔ نافذه و سیطرهٔ غالبهٔ محیطه‌اش قاصر در بیان تأثیر و نفوذ تراب منتسب بآن مضجع منوّر از قلم میثاق در حین تسمیهٔ ابواب خمسهٔ آن مقام مقدّس در لوحی مخصوص این کلمات درّیّات نازل "هذا ما الهمنی تراب مطاف ملإ اعلی" این حقیقت ازلیّه و نقطهٔ اوّلیّه و مظهر وحدانیّت الهیّه همچنان که در عوالم غیبیّه بفرمودهٔ حضرت ربّ البریّه مطاف ارواح مرسلین است در عالم کون نیز مرکزیّت مقام اعلایش ثابت و محقّق و رمس معطّرش بظاهر ظاهر مرکز دوائر تسعهٔ ناسوتیّه واقع دائرهٔ اولی کرهٔ ارض عالم ادنی و در قلب این کره ارض اقدس قلب العالم و قبلة الأمم لانه و آشیانهٔ انبیا و در قلب این ارض کرم اللّه کوه خدا جبل الرّبّ مقام حضرت ایلیا و در قلب این جبل حرم اقدس اراضی متّسعهٔ موقوفهٔ آن مقام مقدّس و در قلب این حرم فردوس ابهی و جنّة علیا حدائق وسیعهٔ متعدّدهٔ تابعهٔ آن مقرّ اسنی و در قلب این فردوس بنیان بدیع رفیع البنآء مقام اعلی و در قلب این مقام که بمنزلهٔ صدف است لؤلؤ لالا قدس الأقداس ضریح مطهّر که حجرات آن در یوم میثاق تشیید گشته و در قلب این

ضریح و گوهر گرانبها مقرّ اعزّ اسنی و در قلب این مقرّ تابوت مقدّس که بفرمودهٔ حضرت عبدالبهآء در قرآن مصرّح و کتاب اللّه بآن بشارت داده و در قلب این تابوت سکینة اللّه رمس معنبر منوّر معطّر ربّ اعلی و نقطهٔ اولی تعالی تعالی اسمه العلیّ العالی الأعلی تعالی تعالی شأنه الأعظم الأرفع الأسنی تعالی تعالی مقرّه الأبدع الأمنع الأسمی تعالی تعالی رمسه الأطهر الأقدس النّافذ فی کلّ الأشیآء تعالی تعالی امره الأعزّ الأکبر المهیمن علی من فی الأرض و السّمآء

ای برادران و خواهران روحانی وقت آنست که بپاس این بشارت عظمی و موهبت کبری سلسلهٔ وقائع مهمّهٔ تاریخیّه را از بدایت این تأسیس جلیل الی یومنا هذا بیاد آوریم و در تأثیرات عجیبهٔ عظیمه‌اش که در مدّت شصت ۶۰ سال متدرّجاً در این ارض با وجود مقاومت مرکز خلافت عظمی و مأمورین دولت و هیئت مفتّشین و فئهٔ ضالّهٔ ناقضین و مبشّرین پرکین ظاهر و پدیدار گشته تفرّس نمائیم و در انجام و اتمام این مشروع خطیر سعی بلیغ مبذول داریم الی ان یظهر ما کنز فی الواحه و نطق به لسانه و نزّل من قلمه الأعزّ المبارک المنیع

جمال قدم و اسم اعظم روحی لأدنی عبد من عبیده الفدآء در اواخر ایّام از قلعهٔ محصّنهٔ عکّا قصد مدینهٔ مکرّمهٔ حیفا بنمود و بقدوم مبارکش تلّ الهی را مشرّف ساخت جشن اعظم در ملأ اعلی برپا گشت کوم اللّه باهتزاز آمد و بهاء کرمل نمودار شد و در دامنه‌اش خیمهٔ مبارک منصوب گردید و آیات باهرات لوح کرمل در جوار مقام حضرت ایلیا بصوت مرتفع از لسان اطهر جاری شد و لسان عظمت بتعریف و توصیف بقعه‌ئی از بقاع آن که در قلب آن جبل واقع ناطق گشت و ارادة اللّه در آن حین بانتقال عرش ربّ اعلی علیّ حبیب بی‌همتایش و مظهر قبلش و مبشّر جمالش بآن بقعهٔ مشرّقه تعلّق گرفت و مقام محمود از فم مطهّر مخاطباً بغصن اعظمش تعیین گشت و باصبع اقتدار بآن مکان مقدّس اشاره فرمود و پس از صدور امر محکم در انتقال عرش مطهّر آن محیی رمم بمقرّ اوّلیّه‌اش در سجن اعظم مراجعت فرمود طولی نکشید که شمس بهاء از افق زندان غارب گشت و غصن وحید اعظمش در بحبوحهٔ طوفان نقض مطابقاً لما امره محبوبه الأبهی بتنفیذ دستور صادر از فم مقدّسش قیام فرمود و ارض اعلی اوّلین قطعهٔ مبارکهٔ مشرّفهٔ بقدوم جمال ابهی در آن جبل مقدّس با وجود دسائس ناقضین ناکصین ابتیاع گردید سپس بتأییدات موعودهٔ جمال ابهی دستور غصن بقا در انتقال عرش اعلی از ارض طاء بمدینهٔ مکرّمهٔ عکّا صادر گشت و در همان ایّام صندوق مرمر و تابوت مقدّس بر حسب ارادهٔ مبارکه‌اش حاضر و مهیّا گردید و از هندوستان آمناً سالماً وارد مدینهٔ مبارکهٔ حیفا شد و سنگ اساس آن مقام مقدّس را غصن بهاء بدست مبارکش بنهاد طولی نکشید که بتفتین و تحریک دشمنان و ناقضان پرکین از مدینهٔ کبیره فرمان سلطانی بمسجونیّت یوسف بهاء در قلعهٔ محصّنهٔ عکّا بغتةً صادر گشت ولی با وجود موانع لاتحصی و متاعب و بلایای بی‌منتها جادّهٔ خصوصی مقام اعلی و قطعه‌ئی دیگر از اراضی مجاورهٔ آن ابتیاع گردید و حجرات بنیان مرصوص رغماً لکلّ عدوّ لدود و مکّار عنود بنیروی بازوی مرکز منصوص عهد ربّ ودود مرتفع گشت و این انتصار عظیم و نصرت مبین محرّک عرق عصبیّت حکّام جهول و برادران حسود و مورث رعب و توهّم و اضطراب خلیفهٔ ظلوم گردید و در خلال این احوال عرش مطهّر که از دارالخلافهٔ طهران و مدینهٔ اصفهان و کرمانشاهان و دارالسّلام و برّ شام و ارض باء بساحل ارض اقدس پنجاه سال پس از شهادت آن حضرت واصل و در حجره‌ئی از حجرات بیت مسکونهٔ حضرت عبدالبهآء مخفی و پنهان بود بدامنهٔ جبل کرمل با وجود مسجونیّت غصن برومند الهی وارد گشت و در مکان معلوم مستوراً عن الأبصار مقرّ و مأوی یافت متعاقب این قضایا انقلابی جدید رخ بنمود و بامر سلطان جائر هیئت ضالّهٔ خاسرهٔ مفتّشین تعیین گردید و بمدینهٔ عکّا اعزام و اعضای آن هیئت بدلالت و تشویق و تأیید محرّکین و ناقضین و مأمورین و مبغضین پرتدلیس بارسال لوائح و تفتیش آن مقام مقدّس پرداختند ولی بفرمودهٔ حضرت عبدالبهآء بغتةً صاعقهٔ غیرت درخشید و غرّش توپ خدا مرتفع گشت و اعضای آن هیئت خائباً خاسراً بمدینهٔ کبیره بسرعت تمام مراجعت نمودند و در اثر انقلاب اعظم سلطان غدّار گرفتار گردید و بدار البوار راجع شد و زنجیر از عنق عبدالبهآء مرتفع گشت و بگردن عبدالحمید پلید بیفتاد سپس حمامهٔ وفا از قفس

زندان عکّا برهید و در مدینهٔ حیفا در ظلّ مقام بهیّ الأنوار نقطهٔ اولی مقرّ و مأوی جست و در همان سنه که خصم خصیم مخلوع و مسجون گردید در یوم عید سعید نوروز مقارن با یوم افتتاح اوّلین مؤتمر بهائی یاران امریک راجع بتأسیس مشروع رفیع الشّأن امّ المعابد غرب عرش مطهّر پس از آنکه مدّت شصت ۶۰ سال از محلّ بمحلّی منتقل بدست حامل امانت الهیّه و مجری ارادهٔ ازلیّهٔ نافذه و ناشر لواء شریعت ربّانیّه در حضور جمعی از یاران خاور و باختر در تابوت مرمر در مقرّ اطهر استقرار یافت و سنهٔ بعد یوسف بهاء بدیار مصریّه رحلت نمود و از آن خطّه بممالک غربیّه بشتافت و در غیابش مهمانخانهئی جهت زائرین و مسافرین در جوار آن مقام مقدّس تأسیس و قطعهئی چند از اراضی مجاورهٔ ابتیاع گردید و منضمّ بموقوفات اوّلیّهٔ آن مقرّ اسنی گشت سپس نائرهٔ جنگ و جدال مشتعل گشت و انقلاب ثالث دورهٔ میثاق رخ بنمود و جمال پروبال بتحریک ناقضین بدخصال بر تهدید تخریب مقام حضرت ذو الجلال و اعدام غصن بی‌همال قیام نمود و عاقبة الأمر مغلوب و مخذول و منکوب و مقتول گردید و بخلیفهٔ مخلوع و معزول ملحق گشت در آن ایّام پرانقلاب که نیران جنگ مشتعل و غصن منشعب از اصل قدیم در معرض خطر عظیم واقع بیانی از فم مطهّرش صادر در حینی که در مقابل آن مقام اطهر جالس و نظر مبارکش بآن بنیان مقدّس متوجّه قوله عزّ بیانه "نشد مقام اعلی ساخته شود ... انشآءاللّه میشود دیگر ما باینقدر رسانده‌ایم"

پس از سنین معدوده غصن منشعب از سدرهٔ الهیّه از عالم ادنی برفیق اعلی صعود نمود و بر حسب وعود کتب مقدّسه و الواح منیعهٔ صادرهٔ از مخزن قلم سلطان احدیّه و بشارات صریحهٔ مرکز عهد ربّ البریّه هجرت بنی‌اسرائیل و ورّاث کلیم و ابناء خلیل بارض میعاد بغتةً تزاید و تقدّمی سریع یافت و در ابتیاع اراضی واقعهٔ در سفح آن جبل مقدّس و مدینهٔ حیفا و اطراف آن اولیای امور و مهاجرین جدید الورود بجدّیّت تمام و نشاط کامل قیام نمودند و چون خطر متوجّه بآن مقرّ اطهر گشت فدائیان امر الهی و حامیان حصن حصین آئین یزدانی در خاور و باختر کتلّة واحدة در محافظهٔ اراضی مجاورهٔ آن مقرّ اعزّ اعلی از تسلّط و تصرّف بیگانگان همّت بلیغ بگماشتند و قطعات متّسعهٔ متعدّده‌ئی که امتدادش از قلّهٔ کوه تا مدینهٔ حیفا و در سمت شمالی و جنوبی و شرقی و غربی آن مرکز انوار واقع متتابعاً مالک گشتند سپس قسمی از این اراضی موقوفه با وجود اعتراض و مخالفت ابن ناقض اکبر بنام شعبهٔ جدید التّأسیس محفل روحانی مرکزی بهائیان امریک انتقال یافت و این اراضی واقعهٔ در قلب آن جبل و تابعهٔ آن مقام اطهر بتمامها بر حسب فرمان صادر از مرکز حکومت و مندوب سامی دولت بهیّهٔ انگلیز از رسوم دولت معاف گشت مقارن این قضایا طبقات مقام اعلی کما وعدنا مولانا و محبوبنا متدرّجاً امتداد یافت و حجرات ثلاثهٔ متّصل بآن مضجع منوّر بر حسب دستور مقدّسش بنا گشت و بنای اصلی ضریح مطهّر اکمال گردید رفته‌رفته حدائق مقام اعلی در حول این مرقد اطهر تأسیس گشت و بر رونق اراضی وسیعه و جلوهٔ طبقات ممتدّه و ابّهت و نضارت آن بقعهٔ مشرّفهٔ مرتفعه بیفزود گلزار مقام اعلی نزهتگاه عموم از طبقات مختلفه و اجناس متنوّعه و ادیان و مذاهب متعدّده گردید و جبهه و طبقات مستظلّهٔ در ظلّ آن بانوار متعدّده و سرج لامعه روشن و منوّر گشت و مصداق طبقات من النّور نور علی نور ظاهر و نمایان گردید رمسین اطهرین غصن شهید بهاء و مخدّرهٔ کبری امّ حضرت عبدالبهآء با وجود اعتراض و احتجاج بدیع شنیع بیوفا از جوار مدفن اسلامیان در خارج مدینهٔ عکّا بجوار مرقد ورقهٔ مقدّسهٔ علیا خانم اهل بهاء و در قرب آن مقام اعزّ اشرف اعلی منتقل گشت و بر شکوه و عظمت تأسیس عظیم الشّأن جمال قدم در آن جبل مقدّس بیفزود و محور و مرکز دوائر و تأسیسات و معاهد اداری امریّه که در آینده بر حسب اشارات و رموز الواح مقدّسه در دامنهٔ این مزرعهٔ الهیّه تأسیس خواهد شد تعیین گشت و تباشیر وعود و بشارات لوح کرمل آشکار و پدیدار گردید رفته‌رفته نقشهٔ بدیعهٔ قبّهٔ منیعهٔ آن مقام پر مجد و احتشام محیی انام و مجسّمه مجلّلهٔ آن مطابقاً لما اراده المحبوب تعیین و آن رسم بدیع در یوم احتفال عید مئوی بعثت صاحب آن مقام رفیع در مجمع جمعی از مجاورین و عاکفین کعبهٔ مقصود ارائه گردید و تصمیم قطعی در تهیّهٔ مقدّمات تشیید این بنیان رزین و متین بپیروان امر حضرت ربّ العالمین در شرق و غرب عالم بهائی ابلاغ و اعلان گشت سپس مهندس این نقشه و بنا بکشور ایطالیا با وجود انقلاب متزاید

و اضطراب شدید در بقعهٔ نورا متوکّلاً علی اللّه جهت تهیّهٔ اعمدهٔ مجلّلهٔ رواق مقام اعلی رهسپار گشت و پس از اشهر معدوده مقارن عید سعید نوروز چهل۴۰ سال پس از استقرار عرش مطهّر در تابوت مقدّس با وجود موانع لاتحصی اوّلین سنگ این بنا که چون صدف حافظ این لؤلؤ لالا و گوهر گرانبهاست منصوب گشت و موادّ لازمه از احجار منقوشه و مرمر ممتاز که مجموعش از هشتصد ۸۰۰ تن متجاوز متتابعاً سالماً بساحل ارض اقدس واصل و بسرعت تمام آن اعمدهٔ مجلّله که از حیث وزن و لون و ارتفاع و جسامت و متانت و ظرافت در این صفحات کمیاب بل بی نظیر و عدیل حول ضریح مقدّس از طرف شرق و غرب و جنوب و شمال مرتفع و مرتکز گردید و متعاقباً تاج رواق این مقام که قسمی از آن از رخام و بلونین حمرا و خضرا که رمز شهادت و علامت سیادت آن مظلوم عالم است ملوّن و باسم اعظم در صدر و زوایای اربعهٔ آن مطرّز و مذهّب و مزیّن منصوب گشت و بر اتّساع و ارتفاع و ابّهت و جلال و اشتهار مرقد بهیّ الأنوار رفیع البنیان قویّ الأرکان مبشّر امر حضرت رحمن بیفزود و طبقهٔ اولای این بنیان پس از انقضای صد ۱۰۰ سال از شهادت آن حضرت اتمام و انجام یافت و مرحلهٔ اوّلیّه در تشیید آن منتهی گشت و جمهور واردین و زائرین این بقعهٔ مشرّفهٔ علیا از دور و نزدیک و شرقی و غربی و وضیع و شریف و آشنا و بیگانه و دوست و دشمن از جلوهٔ این مقام و ظهور این عزّت و احتشام و سطوع این انوار و کشف این اسرار بعضی واله و بعضی حیران و بعضی مستبشر و شادمان و بعضی در آتش بغض و حسد سوزان

در توقیع محمّد شاه که از قلعهٔ ماه‌کو از قلم آن مظلوم وحید و مسجون فرید نازل این خطاب جانگداز مدوّن قوله ما احلی بیانه و ما ابهی ذکره "قسم بخداوند اگر بدانی در عرض این چهار سال چها بر من گذشته است از حزب و جند حضرتت نَفَس را بَنفَس نمیرسانی از خشیة اللّه الّا و آنکه در مقام اطاعت امر حجّة اللّه برآئی و جبر کسر آنچه واقع شده فرمائی قسم بسیّد اکبر اگر بدانی در چه محلّ ساکن هستم اوّل کسی که بر من رحم خواهد کرد حضرتت میبود در وسط کوهی قلعه‌ایست در آن قلعه از مرحمت آن حضرت ساکن و اهل آن منحصر است بدو نفر مستحفظ و چهار سگ حال تصوّر فرما چه میگذرد" و ایضاً میفرماید عزّ بیانه و تعالت عظمته "در این جبل فرد مانده‌ام و بموقفی آمده‌ام که احدی از اوّلین مبتلا نشده و احدی هم از مذنبین متحمّل نشده فحمداً ثمّ حمداً لا حزن لی لأنّی فی رضآء مولائی و ربّی و کأنّی فی الفردوس متلذّذ بذکر اللّه الأکبر و انّ ذلک من فضل اللّه علیّ و اللّه ذو الفوز الکبیر"

یا احبّآء الرّحمن و هداة خلقه ملاحظه نمائید که در این مدّت شصت ۶۰ سال از بدایت تأسیس این مشروع اعزّ افخم و خروج مظلوم عالم از سجن اعظم و صدور فرمان جمال قدم و محیی رمم مخاطباً لغصنه الأعظم الأکرم در آن جبل مقدّس مکرّم الی یومنا هذا با وجود موانع جسیمه و انقلابات هائله و دسائس مختلفه و مخاطرات عظیمه و تهدیدات شدیده از ترک و عرب و آلمان و عجم چه نصرتی و چه ظفری نصیب حامیان و مروّجان این مشروع عظیم گشته و چه صدماتی و لطماتی بر مبطلین و معارضین و مخالفین آن وارد شده نه نقض و دسیسهٔ منتسبین شجرهٔ الهیّه و نه ظلم و جفای خلفا و اقطاب شریعت اسلامیّه و نه طغیان و فساد رؤسای احزاب سیاسیّه و نه تهدیدات و انذارات رؤسای عسکریّه و نه مکاید طوائف و اقوام مبغضه ادنی رخنه‌ئی در این بنیان مرصوص و تأخیر و تعویقی در تحقّق وعود حتمیّه و تبدیل و تغییری در خطّهٔ مرسومه و فتوری در تنفیذ ارادهٔ متعالیهٔ نافذهٔ مؤسّس عظیم الشّأن بی‌نظیرش احداث ننمود و فئهٔ مخالفین و مستهزئین و مفسدین و مبغضین و مبطلین کل متوالیاً متتابعاً در ارض اقدس و اقالیم مجاورهٔ آن و بوسائل مختلفه و اسباب غیبیّه و در اثر انقلابات عجیبهٔ جسیمه از اوج عزّت بحضیض ذلّت بیفتادند بعضی مخلوع و مسجون و بعضی مغلوب و مقهور و بعضی اسیر و مقتول و بعضی پریشان و مفلوک گشتند لیظهر ما صدر من فمه الطّاهر الصّادق الأمین و سطر من قلمه الأعزّ الأقدس المنیع اینست که در بیان عظمت شأن صاحب این مقام در همان توقیع مکرّم نازل گشته قوله عزّ ذکره و جلّت عظمته "الا انّنی انا رکن من کلمة الأولی

الّتی من عرفها عرف کلّ حقّ و یدخل فی کلّ خیر و من جهلها جهل کلّ حقّ و یدخل فی کلّ شرّ" "قد جعل اللّه کلّ مفاتیح الرّضوان فی یمینی و کلّ مفاتیح النّیران فی شمالی" "من عرفنی ورائه الیقین و کلّ خیر و من جهلنی ورائه السّجّین و کلّ شرّ"

و حال که تصمیم قطعی در نصب قواعد و تأسیس ارکان قبّهٔ ذهبیّهٔ این مقام رفیع الشّأن اتّخاذ گشته و لوازم ضروریّهٔ آن فراهم و مهیّا گردیده مشروع بنای طبقات تسعهٔ این مقام اشرف اعلی نیز که اوّلین طبقهٔ آن متجاوز از بیست و پنج ۲۵ سال قبل افتتاح یافته و بیش از ده ۱۰ سال در اثر تحریکات ناقضان حسود و بیوفایان عنود معوّق و معطّل مانده در شرف انجام و اتمام است و بنای دو طبقهٔ اخیرهٔ آن عنقریب بتأییدات الهیّه منتهی گردد و آنچه دلخواه حضرت من اراده اللّه و وعدهٔ صریح مرکز عهد اللّه بوده کاملاً تحقّق پذیرد و این جادّهٔ مجلّل و زیبا که امتدادش از مقام اعلی تا شهر حیفا و محاذی اعظم خیابان آن مدینهٔ مکرّمه است و باشجار و ریاحین مختلفه مزیّن و بسرج مضیئهٔ لامعه منوّر و منظور نظر اهالی این سامان است و مایهٔ ابتهاج و افتخار ولاة امور در این ارض من‌بعد حسب الاشارهٔ مرکز عهد الهی بشاهراه ملوک و سلاطین ارض مبدّل گردد و این تاجداران عظام و محرمان کعبهٔ رحمن پس از وصول بساحل ارض مقصود و زیارت و طواف قبلهٔ اهل بهاء مطاف ملأ اعلی در مرج عکّا باین مدینهٔ مکرّمهٔ مشرّفه توجّه نمایند و بجبل کرمل صعود نمایند و بکمال شوق و وله و انجذاب بسوی این مقام محمود بشتابند و از راه این طبقات خاضعاً خاشعاً متذلّلاً منکسراً تقرّب بآن مرقد منوّر مطهّر جویند و در باب حرم کبریا تاج را بر خاک اندازند و سجده‌کنان تراب مشکبیزش را تقبیل نمایند و لبّیک لبّیک یا علیّ الأعلی گویان در رواق مقدّسش طواف نمایند و بکمال عجز و ابتهال آیات باهرات لوح کرمل را تلاوت نمایند و در حدائق و چمنستانهای وسیعهٔ بدیعهٔ این مقرّ اسنی و حظیرهٔ غنّا و جنّت علیا مشی و سیر نمایند و روائح معطّره‌اش را استنشاق کنند و از اثمار طیّبهٔ جنیّهٔ بدیعه‌اش مرزوق گردند و آلام و محن و بلایا و رزایا و اسارت و مسجونیّت و شهادت آن مظلوم عالم را با چشمی اشکبار و قلبی سوزان یک یک بیاد آرند و بهاء کرمل و آثار عظمت و قهّاریّت و غلبه و سیطرهٔ محیطهٔ قهّار العالمین را در اطراف و اکناف این بقعهٔ مرتفعه برأی العین مشاهده نمایند و بتسبیح و تمجید اله کرمل پردازند و پس از ادای فرائض زیارت و طواف مراقد مطهّره در جوار مقام اعلی و اشتراک در صلوة و تلاوت آیات بیّنات در مشرق‌الأذکار آن جبل مقدّس و استفاضه و کسب دستور از مرکز اداری بین‌المللی آئین بهائی در آن جوار پرانوار و زیارت اماکن متبرّکهٔ تاریخیّهٔ ادیان مختلفه در آن ارض باقلیم مجاور عراق توجّه نمایند و بسوی مدینةاللّه بشتابند و فرائض حجّ بیت اللّه الأعظم را بتمامها ادا نمایند و از آن کشور مقدّس بمهد امر اللّه موطن اصلی شارع امر اعظم رهسپار گردند و بزیارت بیت مکرّم در مدینهٔ شیراز و اماکن متبرّکه در ارض طاء و ارض خاء و نقاط اخری که بقدوم مبارک جمال قدم و مبشّر آن نیّر اعظم مشرّف و از دم عاشقان و شهیدان و فدائیان امرش ریّان پردازند و از آن دیار بممالک و اوطان خویش هر یک چون کرهٔ نار مراجعت نمایند و با قلبی مستبشر و روحی پرفتوح بشکرانهٔ عنایات مبذولهٔ حضرت خفیّ الألطاف و ستایش و نیایش حضرت بدیع الأوصاف زبان گشایند و بر آنچه لازمهٔ عبودیّت صرفهٔ محضهٔ حقیقیّهٔ آستان جمال بیمثال حضرت ذو الجلال است بعزمی متین قیام نمایند

ای برادران و خواهران روحانی شایسته و سزاوار آنکه در این مقام بعضی از آیات باهره و خطابهای مهیّجهٔ مهیمنهٔ لوح عظیم کرمل را بیاد آریم و در بشارات عظیمه و رموز مستورهٔ مکنونه و اشارات خفیّهٔ منیعه‌اش اندکی تفرّس نمائیم قوله عزّ اجلاله و جلّ کبریائه "حبّذا هذا الیوم الّذی فیه تضوّعت نفحات الرّحمن فی الامکان حبّذا هذا الیوم المبارک الّذی لاتعادله القرون و الأعصار حبّذا هذا الیوم اذ توجّه وجه القدم الی مقامه اذاً نادت الأشیآء و عن ورائها الملأ الأعلی یا کرمل انزلی بما اقبل الیک وجه اللّه مالک ملکوت الأسمآء و فاطر السّمآء ... طوبی لعبد طاف حولک و ذکر ظهورک و بروزک و ما فزت به من فضل اللّه ربّک ... یا کرمل بشّری صهیون قولی اتی المکنون بسلطان غلب العالم و بنور ساطع به اشرقت الأرض و من علیها ... اسرعی ثمّ طوفی مدینة اللّه الّتی نزلت من السّمآء و کعبة اللّه الّتی کانت مطاف المقرّبین و المخلصین و الملائکة العالین ... هذا یوم

فیه بشّر البحر و البرّ و اخبر بما یظهر من بعد من عنایات اللّه المکنونة المستورة عن العقول و الأبصار سوف تجری سفینة اللّه علیک و یظهر اهل البهآء الّذین ذکرهم فی کتاب الأسمآء تبارک مولی الوری الّذی بذکره انجذبت الذّرّات و نطق لسان العظمة بما کان مکنوناً فی علمه و مخزوناً فی کنز قدرته انّه هو المهیمن علی من فی الأرض و السّمآء باسمه المقتدر العزیز المنیع"

چه خوش سروده در این مقام عندلیب خوشنوای گلشن بهاء بر شاخسار عبودیّت نقطهٔ اولی بمناسبت استقرار عرش علیّ اعلی در آن بقعهٔ مشرّفهٔ مقدّسهٔ علیا

"ببال ای کوه کرمل بر زمین و آسمان یکسر
که یک عالم شکوه و فرّ ز یزدان در تو شد پیدا
ز احجارت سروش آید بگوش هر سروش اکنون
ز اشجارت بگوش آید خروش سدرهٔ سینا
گر خوانم ترا جنّت ز رویت میکشم خجلت
که جنّت از تو در بهجت بود ای جنّت علیا
ترا ذو العرش اگر خوانم سزا باشد روا دانم
که عرش اکبر اعظم نمود اندر دلت مأوا
تو ای کوه مقدّس مرکز فردوس اعلائی
که هم مجرای کوثر آمدی هم مغرس طوبا
توئی آن مغرب اعظم که غارب در تو شد خورشید
توئی آن مشرق اعلی که مشرق از تو شد بیضا
سزد گر کعبه گردد طائف حول تو چون گشتی
مقام عرش اعظم ربّ اعلی نقطهٔ اولی
چو گشت آن مظهر واحد بذیل اقدست راقد
فلک شد در برت ساجد ملک شد بر درت پویا
چو گشتی مرکز اشراق آن خورشید لاهوتی
شدی هر دم مطاف قدسیان عالم بالا
تو ای ارض مقدّس شادمانی کن که شد ساکن
بهآءاللّه در عکّا و باب‌اللّه در حیفا"

ای والهان جمال کبریا در این سنین اخیره هرچند ارض اقدس منقلب و در معرض خطر عظیم واقع و ناقضان عهد بهاء و اقربا و منتسبین بی‌وفا فرصت را غنیمت شمرده بفتنه و فساد مشغول و بانواع وسائل در ایجاد مشکلات جدیده ساعی و جاهد و یاران ستمدیدهٔ صابر صادق جمال ابهی در موطن اصلی حضرت کبریا در پنجهٔ تقلیب گرفتار و مخابرات و مراسلات با یاران راستان در اکثر بلدان و ممالک شرقیّه معوّق و مختلّ و قلوب عاشقان و ناصران امر یزدان از این هیجان و افتتان و حرمان قرین حزن و اندوه بی‌پایان ولی شکر مولای بیهمتا را که با وجود این محن و فتن و موانع و مشاکل و مصاعب و مصائب امر عزیز الهی یوماً فیوماً در ارتفاع و دائرهٔ خدمات یاران باوفا و متمسّکین بعروهٔ وثقی آناً فآناً در اتّساع آئین نازنین ذو الجلال در خاور و باختر اشتهارش بیشتر و شعله‌اش افزونتر و اساس نظم بدیع در متجاوز از صد ۱۰۰ کشور محکمتر و وعود الهیّه ظاهرتر و باهرتر و امدادات غیبیّه نافذتر و جلوهٔ مشروعات خطیرهٔ بدیعهٔ متعدّدهٔ مختلفهٔ یاران عظیمتر و پرتو تأیید ساطعتر و تصرّفات قوّهٔ

قدسیّهٔ مکنونهٔ الهیّه سریعتر و عجیبتر چنانکه بکرّات و مرّات تأکید گشته در بحبوحهٔ انقلاب آثار نصرت و ظفر نمودار و در اثر هر محنت و ابتلائی فتح و انتصاری جدید آشکار و جلوهئی بدیع و تلألؤئی شدید پدیدار تاریخ پرهیجان مشعشع محیّر العقول صدسالهٔ امر حضرت یزدان مثبت این قول و مؤیّد این بیان است ملاحظه نمائید از بدایت طلوع فجر هدی از افق اقلیم فارس در سنهٔ ستّین الی یومنا هذا که بدایت عهد ثانی عصر تکوین که عصر ثانی اوّلین دور مقدّس کور بهائی است هر انقلابی که دست دشمن ستمکار در جامعهٔ پیروان امر کردگار احداث نمود علّت استحکام اساس و اسباب اشتهار و باعث اتّساع و مورث انتصار امر الهی گشت

در عهد اوّل عصر رسولی دور بهائی توقیف و توبیخ و تحقیر مبشّر آئین الهی در مدینهٔ طیّبهٔ شیراز و تبعید بجبال آذربایجان و حبس و اسارت در دو قلعهٔ ماه‌کو و چهریق منجرّ بصدور امّ الکتاب دورهٔ بیان و تشریع احکام و تأسیس میثاق مولی الأنام و اعلان استقلال شریعت جدیده در ارض بدشت در مجمع اصحاب و اظهار و اثبات قائمیّت در عاصمهٔ ایالت آذربایجان در مجلس حکومت بواسطهٔ نفس شارع امر مقدّس گشت سپس حوادث مؤلمهٔ هائلهٔ مازندران و نیریز و زنجان و شهادت شهدای سبعه و مصیبت کبری قتل نقطهٔ اولی در مدینهٔ تبریز و مذبحهٔ کبری در ارض طاء و محبوسیّت جمال ابهی در سیاه‌چال طهران نتیجه‌اش حلول سنهٔ تسع و اختتام شریعت بیان و ظهور وعدهٔ ربّ اعلی و نقطهٔ اولی و افتتاح عهد مشعشع جمال اقدس ابهی که در آن سنه بفرمودهٔ حضرت عبدالبهآء جنین امر بمقام احسن التّقویم رسید

و در عهد ابهی اخراج جمال کبریا از ارض طاء و غیبت آن کوکب درّی افق هدایت کبری و هجرتش بجبال کردستان و بروز علامات اوّلیّهٔ نفاق در جمع مؤمنین در اقلیم عراق و موطن اصلی نیّر آفاق کلّ مقدّمهٔ نهضت جدیده در جامعهٔ پیروان امر حضرت ربّ البریّه و هبوب نفحات یوم ظهور موعود در مدینةاللّه و اظهار امر محیی انام در دارالسّلام و استقرار مکلّم طور بر عرش ظهور و کشف نقاب از وجه جمال قیّوم و تحقّق بشارات حضرت دانیال و ظهور مالک یوم الدّین در انتهای واحد و ابتدای ثمانین و صدور توقیعات و رسائل و تفاسیر و ادعیه و الواح مخصوصه از قلم اعلی و ظهور سطوت و اقتدار امر اللّه و غلیان محبّة اللّه در قلوب و نفوذ کلمة اللّه در ارواح و نفوس و همچنین حدوث رجفهٔ کبری در ارض سرّ و ظهور فتنهٔ عمیاء صمّا و ارتفاع نعاق ناعق اعظم و فصل اکبر و ظهور سنین شداد و کسوف شمس بهاء و نشر اراجیف و اباطیل و بروز فتنه و فساد در مدینهٔ کبیره کلّ باعث طلوع و سطوع شمس حقیقت از برج اسد و ظهور سرّ ثمانین و اعلان امر الهی بملوک و سلاطین و وزرا و وکلا و امرا و سفرا و رؤسای ادیان و امم در شرق و غرب عالم گشت و ایضاً نفی سلطان قیّوم باخرب مدن دنیا منفای مجرمین و سارقین و دخول در سجن اعظم و محبوسیّت سلطان ظهور در غرف مخروبهٔ قشلهٔ نظام و پریشانی دوستان در دو خطّهٔ عراق و ایران و ظهور فتنهٔ جدیده در مدینهٔ عکّا و قتل نفوس معلومه و احضار جمال ابهی در مقرّ حکومت و محبوسیّت غصن اعظم و جمعی از اصحاب علّت تحقّق وعود صریحهٔ کتب مقدّسه و مقدّمهٔ نزول کتاب مقدّس اقدس و نزول مدینهٔ مقدّسه و اورشلیم جدیده از آسمان و تعیین مرکز عهد و پیمان و تبیین اصول نظم بدیع الهی و منتهی بخروج مظلوم عالم از سجن اعظم بمرج عکّا و استقرار در قصر مشید و ارتفاع خیام عزّ در کرم الهی و تعیین مقرّ استقرار عرش نقطهٔ اولی در آن جبل مقدّس گشت

و در یوم میثاق عهد ثالث و اخیر عصر پرانوار دور بهائی طوفان نقض و هبوب ارياح اختلاف و انتشار رائحهٔ دفرا در بقعهٔ نورا پس از غروب شمس بهاء و خسوف بدر میثاق در سنین معدوده منجرّ بفتح اقالیم غربیّه و ارتفاع علم امر اللّه در دو قارّهٔ اوروپ و امریک و ورود زائرین و زائرات از باختر و وصول عرش اعلی بمدینهٔ حیفا و ابتیاع ارض اعلی در جبل کرمل و وضع حجر اساس مقام اعزّ اسنی بدست غصن برومند بهاء گشت سپس تجدید محبوسیّت یوسف بهاء در قلعهٔ عکّا و مخالفت خصم الدّ خلیفهٔ اسلام عبدالحمید پلید و اعزام هیئت مفتّشین و جولان ناقضین پرکین بالمآل نتیجه‌اش حدوث واقعهٔ

خطیره و انقلاب اعظم در مدینهٔ کبیره و سقوط و خلع و اسارت سلطان جائر و اعلان مشروطیّت و استخلاص مظهر عبودیّت و استقرار عرش اعلی بدست حضرت عبدالبهآء در جبل الرّبّ و بنای اوّلین معبد بهائی در مدینهٔ عشق و ابتیاع اراضی امّ المعابد غرب و انعقاد اوّلین مؤتمر بهائی در امریک و مسافرت پر عزّت و حشمت مرکز عهد حضرت احدیّت بممالک فرنگ گشت

و همچنین اشتعال نائرهٔ جنگ بین‌المللی و تأثیراتش در ارض اقدس و حدوث مخاطرات عظیمه و اشتداد عداوت و تهدیدات سالار اعظم جمال سفّاک و بی‌باک در اعدام غصن سدرهٔ الهیّه و هدم روضهٔ مقدّسهٔ مبارکه و مقام مقدّس مبشّر امر حضرت ربّ البریّه و سدّ سبل و انقطاع اخبار و مراسلات و مخابرات بین ارض اقدس و مراکز امریّه در شرق و غرب عاقبت باعث مغلوبیّت و فرار و هلاک آن ظالم خونخوار و حلول سپاه انگلیز و تشرّف سالار اعظم در رکاب غصن افخم اعظم بمرقد مطهّر جمال قدم و تحقّق انذارات کتاب اقدس و ارتفاع حنین برلین و سقوط امپراطوری آلمان و نمسه و هجرت بنی‌اسرائیل ابناء خلیل و حزب کلیم بارض میعاد و وضع ارکان مشرق‌الأذکار امریک و صدور فرمان غصن بهاء بیاران مقیم در ایالات متّحده و اقلیم کندا در تبلیغ و تبشیر امر بهاء در شرق و غرب عالم گشت

و همچنین در عصر ثانی این دور مشعشع الهی مصیبت عظمی عروج غصن سدرهٔ بقا از عالم ادنی بملکوت ابهی و قیام ناقض اکبر و غصب مفتاح مقام اقدس اطهر بواسطهٔ زعیم ثانی و حصول بحران شدید در ارض اقدس و اقالیم مجاوره و جولان روبهان نقض در این ارض و عربدهٔ مشتی از سست‌عنصران سبک‌مغز در مصر و عراق و ایران و امریک و آلمان و غصب بیت اعظم در مدینهٔ بغداد توأم بافتتاح عصر تکوین و تأسیس نظم بدیع و منجرّ باعادهٔ کلید ضریح مطهّر و اثبات تولیت آن مقام مقدّس و رفع قوائم و دعائم و ارکان بیت عدل اعظم و وضع قانون اساسی جامعه در بلدان و ممالک شرقیّه و غربیّه و تسجیل محافل روحانیّه و تأسیس اوقاف و ابتیاع اماکن متبرّکه و اراضی اوّلین معبد بهائی در موطن شارع امر الهی و تشیید حظائر قدس در عواصم ممالک مختلفه و تأسیس مدارس تابستانه و ابتیاع اراضی وسیعه در جبل کرمل و بنای حجرات ثلاثه در قرب آن مقام اعلی و امتداد طبقات و تأسیس محفظهٔ آثار و تخلیه و تعمیر و ترمیم و تنویر و تزیین قصر مشید جمال کردگار و معافیّت آن از رسوم دولت و افتتاح باب مخابره بین امنای جامعه اعضای محافل روحانیّه و ولاة امور گردید

و همچنین ضوضا و غوغای علمای سنّت و جماعت در قطر مصر مرکز عالم عربی و اسلامی و هجوم عنیف دشمنان جدید و کشف نقاب از وجه اسرار مکنونه و احکام مستورهٔ مقنّعه و صدور حکم انفصال شریعت بهائیّه از ادیان عتیقه و اخراج از جامعهٔ اسلامیّه ونسبت کفر و الحاد و ارتداد بپیروان شریعت جدیدهٔ الهیّه و فسخ عقد ازدواج و منع دفن اموات و وقوع امتحانات عدیده و حدوث تضییقات شدیده و ظهور محن و بلایا در ترکستان و قفقازیا و حجز و استملاک اوّلین معبد بهائی در مدینهٔ عشق کلّ مقدّمهٔ اعلان رسمیّت امر متعال و اثبات استقلال و اشتهار صیت آئین ذو الجلال و خروج از کنائس و معابد و عدم مراجعه بمحاکم شرعیّهٔ اسلامیّه و اقامهٔ شعائر امریّه و تدوین احکام کتاب اقدس و تقدیم آن بولاة امور و اعلان تعطیل عمومی درایّام تسعهٔ محرّمه و وضع عقدنامه و طلاقنامهٔ بهائی در بلدان متعدّده بواسطهٔ محافل روحانیّه و تأسیس مقابر بهائی و اعتراف برسمیّت عقدنامهٔ بهائیان در ارض اقدس و اقبال علیا حضرت ملکه رومانیا بامر جمال ابهی و انتقال رمسین اطهرین بجوار مقام اعلی و منتهی بافتتاح و تنفیذ مشروع هفت‌سالهٔ یاران امریکا که مرحلهٔ اولی در اجرای فرمان حضرت عبدالبهآء بعلمداران حزب مظلوم است و اتمام تزیینات خارجهٔ امّ المعابد غرب و تأسیس محافل روحانیّه در هر یک از عواصم جمهوریّات مرکزی و جنوبی قارّهٔ امریکا و احتفال عید افخم مجلّل مئوی بعثت حضرت ربّ اعلی در صد ۱۰۰ اقلیم از اقالیم شرقیّه و غربیّهٔ عالم گشت

و حال در این سنین اوّلیّهٔ قرن ثانی و عهد دوم عصر ثانی دور بهائی با وجود انقلاب و اغتشاش ارض اقدس و وقوع جنگ و جدال بین عناصر و طوائف متضادّهٔ متباغضه در این سامان و بیوفائی اقارب و منتسبین از افنان و ورقات و فروع سدرهٔ الهیّه و جفای ناقضین و تهدیدات قوم پرکین که باولاد افاعی تشبیه گشته و بلیّات واردهٔ بر مؤمنات و مؤمنین در اثر تعدّیات و تجاوزات و دسائس دشمنان دیرین در مهد آئین حضرت ربّ العالمین و عدم امکان مخابره و مراسله با افراد جامعه و محافل روحانیّه در اکثر ممالک و بلدان شرقیّه آثار غلبهٔ امر اللّه و خذلان دشمنان دین اللّه و استقلال شریعت اللّه و استحکام اساس جامعهٔ سرمستان بادهٔ محبّة اللّه و اتّساع دائرهٔ خدمات و مشروعات مروّجان کلمة اللّه در شرق و غرب و جنوب و شمال ظاهر و باهر و مقدّمات ظفر و نصرتی عظیم در بلدان خاور و باختر فراهم و مهیّا و علامات اوّلیّهٔ اعلان امر الهی و اعتراف رسمی عمومی آئین یزدانی و تحقّق بشارات باقیهٔ مصرّحهٔ در کتاب الهی در جهات عدیده آشکار و پدیدار

صاعقهٔ قهر الهی متتابعاً بر اهل فتور عصبهٔ مغروره و ثلّهٔ مقهوره نازل و ارکان آن فئهٔ ضالّه متزلزل زعیم ثانی بدیع شنیع غاصب مفتاح مرقد مطهّر ربّ منیع که مدّت شصت۶۰ سال بانواع وسائل در ایجاد رخنه در بنیان مرصوص الهی همّت بگماشت و شعاع پرتباه خلیفهٔ ناقض اکبر و برادر حقود و حسودش که خصم الدّ جسور میثاق ربّ ودود بود و قرینهٔ غصن دیگر از اغصان یابسهٔ ساقطه کلّ متعاقباً بدار البوار راجع منتسبین بی‌وفا که از صراط وصایای محکمهٔ حضرت عبدالبهآء منحرف و در اثر سه ۳ اقتران با ابناء سیّد متمرّد عدوّ مرکز عهد اللّه و اقتران رابع با دشمنان سیاسی دین اللّه از سدرهٔ منتهی منفصل و بعضی با شکنندگان میثاق جمال ابهی مرتبط و از ارض اقدس در اثر انقلابات داخلهٔ سیاسیّه خودسرانه فرار اختیار نموده و سپس بذیل نمایندهٔ اعداء امر بهاء متوسّل گشته و بکمال غفلت در سرّ سرّ بتخدیش اذهان و تزییف و تحقیر این عبد آستان مشغول در گوشه‌ئی خزیده و از سلوک متهوّرانهٔ خود مأیوس و از اعمال ناشایستهٔ خویش مخجول

رواق مقام اعلی بتأیید مؤسّس مشروع اعزّ افخم ابهی و هدایت بانی ضریح مطهّر علیّ اعلی مشیّد و اعمده‌اش مرتفع و تاجش منصوب و انوارش متلألئ و اسم اعظمش جاذب قلوب و محیّر نفوس طبقاتش در کمال شکوه و جلال ممتدّ و سرجش روشن و مضیء حدائق و خیابانهای متعدّده‌اش که بالوان بیضا و حمرا و صفرا و زبرجدی خضرا ملوّن و بازهار و اوراد مختلفه مطرّز و مزیّن کلّ حیرت‌بخش و بهجت‌انگیز مقدّمات نصب قواعد و ارکان هشت‌گانهٔ قبّهٔ رفیعهٔ ذهبیّه‌اش مهیّا و فراهم و صیت عظمتش در اکناف و اطراف این صقع جلیل منتشر

تزیینات داخلهٔ امّ المعابد غرب در قطب امریک در شرف انجام و اتمام رکن رکین دیوان عدل الهی بهمّت فارسان مضمار الهی در اقلیم کندا منصوب و عنقریب منضمّ بدو رکن دیگر در جمهوریّات مرکزی و جنوبی قارّهٔ امریکا خواهد گست

مشروعات بهیّه و نقشه‌های بدیعهٔ یاران عزیز ایران و هندوستان و امریکا و انگلستان و کندا و استرالیا و آلمان و عراق و مصر و سودان بعضی باکلیل ظفر مکلّل و بعضی در شرف اختتام و بعضی بکمال سرعت در تقدّم

مراکز جدیده در جزیزة العرب و اقالیم مجاورهٔ خلیج فارس و ممالک و جزائر واقعهٔ در جنوب شرقی قارّهٔ آسیا بهمّت یاران ایران و عراق و هندوستان در شرف تأسیس مشروع عظیم الشّأن فتح اقالیم مرکزی در قلب قارّهٔ افریقیا باعث استحکام روابط بین محافل روحانیّهٔ پیروان جمال ابهی در جزائر بریطانیا و موطن جمال ابهی و قطر مصر و قارّهٔ شمالی امریکا

مصداق وعدهٔ الهی بابناء خلیل و ورّاث کلیم ظاهر و باهر و دولت اسرائیل در ارض اقدس مستقرّ و بروابط متینه بمرکز بین‌المللی جامعهٔ بهائی مرتبط و باستقلال و اصالت آئین الهی مقرّ و معترف و بثبت عقدنامهٔ بهائی و معافیّت کافّهٔ موقوفات امریّه در مرج عکّا و جبل کرمل و لوازم ضروریّهٔ بنای بنیان مقام اعلی از رسوم دولت و اقرار برسمیّت ایّام تسعهٔ متبرّکهٔ محرّمه موفّق و مؤیّد

قصر مبارک مزرعه که پس از خروج جمال قدم از سجن اعظم بقدوم آن محیی رمم در سنین معدوده مشرّف پس از پنجاه سال بطیب خاطر بواسطهٔ نمایندگان وزارت ادیان تسلیم متولّیان اماکن متبرّکهٔ مطهّرهٔ بهائیان در ارض اقدس گشت

حجرهٔ مسکونهٔ مولی الأنام در قشلهٔ نظام تخلیه و از اماکن مقدّسهٔ بهائیان محسوب گردید تعمیر و ترمیم و تنویر و تزیین بیت افخم جمال قدم در مدینهٔ عکّا که در بحبوحهٔ انقلابات داخله در سنین اوّلیّهٔ سجن اعظم بقدوم مبارک مشرّف و در ایّام هبوب ارياح نقض بقدوم غصن فرید و وحیدش مزیّن منتهی و مانند دو قصر مزرعه و بهجی زیارتگاه زائرین و حیرت‌بخش واردین از دور و نزدیک گردید

مقدمّات تهیّهٔ نقشهٔ اوّلین معبد جبل کرمل که مهندس آن بقلم مرکز عهد الهی تعیین گشته فراهم

روابط جدیده با نمایندگان عصبهٔ امم در ممالک مختلفه در خاور و باختر مستحکم محافل روحانیّهٔ جدید التّأسیس در ده ۱۰ کشور از کشورهای قارّهٔ اوروپ بهمّت علمداران حزب مظلوم ثابت و استوار و انجمنهای بین‌المللی بهائی در عواصم این بلدان در اثر این فتح عظیم در هر سنه مرتّباً دائر عقدنامهٔ بهائی در خطّهٔ عراق پس از مدّتی انتظار و در بیست ۲۰ ایالت از ایالات متّحدهٔ امریک در دوائر رسمیّه مثبوت و معتبر

متجاوز از صد ۱۰۰ محفل روحانی بعضی مرکزی و اکثری محلّی در دوائر دولتی در قارّهٔ شمالی و مرکزی و جنوبی امریکا و هندوستان و برما و پاکستان و اقلیم کندا و آلمان و انگلستان و جزائر فیلیپین و مصر و استرالیا مسجّل و بدین واسطه یاران عزیز در این ممالک بتأسیس اوقاف بهائی رسماً مفتخر نشریات امریّه متجاوز از شصت ۶۰ لغت در اقطار عالم مطبوع و منتشر علم دین اللّه در متجاوز از صد ۱۰۰ مملکت از ممالک مستقلّه و اقالیم تابعه در شرق و غرب مرتفع

و اخیراً بتأییدات ربّ الجنود و عون و عنایت ربّ ودود که در جمیع شئون قائد و حافظ و حارس و هادی و ناصر حزب مظلوم است هیئت بین‌المللی بهائی که مقدّمهٔ تشکیل اوّلین محکمهٔ رسمی در جامعهٔ پیروان آئین یزدانی و منتهی بتأسیس دیوان عدل الهی و تمرکز و استحکام مرکز بین‌المللی اداری امر اللّه در قرب مقام اعلی و جریان سفینة اللّه بر جبل کرمل و ظهور اهل بهاء خواهد گشت در ظلّ مقامات مقدّسه در ارض اقدس تأسیس گشته تا این عبد مستمند را که در دریای مشاغل و غوائل لاتعدّ و لاتحصی غوطه‌ور است معاونت کند و در تشیید بنیان مقام رفیع اعلی و استحکام روابط با امنای دولت جدید التّأسیس در این ارض و تهیّهٔ وسائل جهت تبدیل این هیئت بمرور ایّام بمحکمهٔ مستقلّ بهائی و اجرا و تنفیذ احکام آئین یزدانی مساعده نماید تا بتدریج آنچه در الواح الهیّه مسطور و مدوّن است در این ارض و بلدان دیگر در شرق و غرب کاملاً تحقّق پذیرد

ای برادران و خواهران روحانی در این سنهٔ جدیده و سنهٔ آتیه که ان شآء اللّه و اراد منتهی بجشن مجلّل عید مئوی حلول سنهٔ تسع و ظهور وعدهٔ صریح نقطهٔ اولی و تجلّی روح اعظم بر قلب الطف جمال ابهی در سجن ارض طاء و افتتاح عهد اعزّ ابهی خواهد گشت و صد سال تمام از واقعهٔ هائلهٔ مذبحهٔ کبری و بلیّهٔ عظمی و توقیف و توهین و سجن جمال قدم در آن مقرّ انتن اظلم و شهادت نقطهٔ جذبیّه ورقهٔ طیّبهٔ طاهرهٔ زکیّه و قتل اصحاب باقیه و رؤسای معدودهٔ حزب مظلوم و نهب اموال و هتک ناموس و اهراق دم جمعی از نفوس بریئهٔ مقدّسهٔ ثابتهٔ راسخه منقضی خواهد شد شایسته و سزاوار آنکه بیاد آن بلایای عظیمه و رزایای متتابعه و دماء مسفوکه و اموال منهوبه و بیوت مطموره و بقاع و قرای منهدمه و بشکرانهٔ صون و صیانت الهیّه که در مدّت صد ۱۰۰ سال بل ازید نهال بیهمال امر اللّه را از صرصر امتحان و زوابع افتتان و ارياح حوادث و انقلابات عالم امکان محافظه فرمود در این اشهر باقیهٔ معدوده که بکمال سرعت در گذر است و تلافی هر قصور و فتوری که در این ایّام واقع من‌بعد ممتنع و محال عموم من فی البهآء کتلّة واحدة بآنچه سزاوار عبودیّت این آستان مقدّس و فداکاری در سبیل این مشروع اعظم افخم است قیام نمایند قیام تتحیّر منه سکّان ملإ الأعلی قیام تستبشر منه ارواح القدّیسین و الکرّوبین فی الجنّة

العليا قيام تهتزّ منه طلعات الفردوس و حوريّات الأنس فی الفردوس الأبهی قيام يتباهی به معشر النّبيّين و المرسلين فی جبروت البقآء قيام يمجّده غصن البهآء الجالس عن يمين عرش العظمة فی حرم الكبريآء قيام يقدّسه النّقطة الأولی فی مقابلة العرش خلف سرادق القدس فی قطب الجنان قيام يشهده سلطان القدم المستوی علی عرشه الأفخم الأعظم فی ظلّ قباب العظمة فی بحبوحة الفردوس فی ملكوته الأبهی تا بمنّه تعالی اين مراحل باقيه بتقديرات الهيّه و تأييدات مولی البريّه طیّ گردد و اين مشروع اعزّ اعلی در ارض اقدس انجام يابد و بمرور ايّام مصداق بشارات الهيّه در كتب و صحف و زبر و الواح در اطراف و اكناف عالم تحقّق پذيرد و در اين عهد و عهود آتيهٔ اين عصر و در عصر ثالث كه عصر ذهبی دور مقدّس جمال ابهی است آنچه در هويّت اين امر عزيز الهی است ظاهر و نمايان گردد و شريعت اللّه جلوه‌ئی حيرت‌انگيز در بسيط غبرا نمايد و علم استقلال دين اللّه در قطب آفاق موج زند و شلّيک وحدت عالم انسانی بلند شود و جهان بدرجهٔ بلوغ رسد و عصر ذهبی جمال قدم عالم را منوّر فرمايد و مدنيّت الهيّه چهره بگشايد و سلطنت الهيّه تأسيس گردد و ملكوت اللّه در انجمن بنی‌آدم استقرار يابد و عالم ادنی آئينهٔ عالم بالا و قطعه‌ئی از فردوس اعلی و جنّت ابهی گردد

البدار البدار يا احبّآء البهآء البدار البدار يا اصحاب الرّاية البيضآء البدار البدار يا مظاهر الحبّ و الوفآء الرّاكبين فی السّفينة الحمرآء و المروّجين للشّريعة الغرّآء هلمّوا بنا علی السّلوک فی هذا الصّراط المستقيم الممدود و الاستقامة فی هذا السّبيل الواضح المشهود و انفاق ما وهبنا ربّنا لتشييد هذا المقام المبارک المحمود و نصب هذا اللّوآء المعقود علی اعلی الأعلام فی مشارق الأرض و مغاربها و القيام علی اجرآء ما نصحنا و امرنا به مولانا و سيّدنا و محبوبنا مالک الغيب و الشّهود و التّكبير و البهآء و التّحيّة و الثّنآء و النّور و الضّيآء عليكم و علی من يحبّكم و يقتدی بكم و يسلک فی منهاجكم و يحميكم و يعينكم و ينصركم و يرفع شأنكم و يحقّق آمالكم و يخذل اعدائكم و يأخذ حقّكم من الّذين ظلموكم حبّاً للّه ربّ العالمين

نوروز سنهٔ ۱۰۸

توقیع مبارک نوروز ۱۱۰ بدیع

هیئت محترمهٔ مجلّلهٔ ایادی امر اللّه و حضرات افنان ثابتهٔ راسخهٔ بر میثاق اللّه و جنود منصورهٔ مجاهدان و مهاجران فی سبیل اللّه و عصبهٔ جلیلهٔ مبلّغان و ناشران نفحات اللّه و اعضای محافل مقدّسهٔ روحانیّه ارکان و حامیان شریعت اللّه و افراد جامعهٔ پیروان دین اللّه در کشور مقدّس ایران و خطّهٔ هندوستان و برما و پاکستان و اقالیم عربستان و قطر مصر و سودان و ترکیّه و افغانستان و عراق عرب و سوریّه و لبنان رجالاً و نسآءً صغیراً و کبیراً ملاحظه نمایند

ایّها المتمسّکون بالعروة الوثقی و المضطهدون فی سبیل ربّنا البهیّ الغالب القاهر الأبهی و المجاهدون لنصرة امره الأرفع الأعزّ الأعلی و المؤسّسون لأرکان نظمه الأبدع الأعظم الأمتن الأسنی در این اوان که نوروز فیروز سنهٔ عاشر قرن دوم بهائی با عید مئوی دعوت سرّی جمال اقدس ابهی روحی للمبتلین فی سبیله الفدآء توأم گشته و این دو جشن افخم در این سنهٔ مقدّسهٔ مبارکه در سراسر عالم بهائی برپا و از مکمن اسنی و رفرف اعلی ندای جانفزای البدار البدار یا معشر الأبرار قوموا عن مقاعدکم و انفقوا ما وهبکم ربّکم و اهجروا دیارکم و اوطانکم و انصروا بارئکم و بلّغوا النّاس ما بلّغکم محبوبکم و مولاکم خطاب باهل بهاء و اصحاب رایة بیضا در قارّات خمسه متواصل و هلهلهٔ کرّوبین و قدّیسین و ملائکهٔ مقرّبین در تشجیع جیش عرمرم بهاء و اشتراک در جهاد جهانی روحانی کبیر اکبر متصاعد و شارع قدیر و مبشّر فریدش هر دو از اعلی غرفات جنّت ابهی ناظر و شاهد و نقشهٔ ملکوتی غصن افخمش و مهندس نظم بدیع جهان‌آرایش که در کتاب وصایا و الواح اخری مدوّن و مسطور در انظار عالمیان مکشوف و فیالق تأیید مستعدّ نزول و نصرت بانیان قصر مشیدند و گروه مجاهدین و مجاهدات در شرق و غرب و جنوب و شمال صفّ بسته مهیّای خروج و هجوم و کفاحند این عبد آستان بیاد آن یاران راستان که اکثر در پنجهٔ تقلیب گرفتارند مشغول و بذکرشان مألوف و از تتابع بلایا و تراکم رزایای واردهٔ بر آن حبیبان که در آتش حسرت و حرمان سوزانند متحسّر و متألّم از شدّت فوران نار محبّت و با وجود مشاغل و غوائل بی حدّ و حصر که در نتیجهٔ اتّساع خارق‌العادهٔ دائرهٔ امر اللّه از شش جهت این عبد را احاطه نموده قلم برداشته تا شمّه‌ئی از فتوحات جلیله و انتصارات باهره و حوادث جسیمه و وقائع تاریخیّه که در این دو سنهٔ اخیره در جامعهٔ پیروان امر حضرت ربّ البریّه جلوه نموده در این اوراق ثبت نماید و این بشارات را بآن متغمّسین بحر بلا روحی لمصائبهم الفدآء ابلاغ نماید و افئدهٔ آن ستمدیدگان را شاد و مستبشر گرداند

ای یاران باوفا چه مقدار عظیم است امر عزیز الهی و چه مقدار متین و رصین است بنیان آئین مقدّس یزدانی و چه مقدار عجیب و غریب است تصرّفات قوّهٔ ازلیّهٔ قدسیّهٔ دافعهٔ ساریهٔ صمدانی که در مدّت صد سال از سنهٔ تسع که میقات انقضای دورهٔ بیان و ظهور ثمرهٔ آئین مبشّر امر محبوب و مقصود عالمیان و افتتاح عهد افخم اعزّ جمال رحمن است الی یومنا هذا در بسیط غبرا علی رؤوس الأشهاد ظاهر و باهر گشته ملاحظه نمائید که شجرهٔ لاشرقیّه و لاغربیّه که در عهد آدم ید قدرت الهیّه در ارض مشیّت غرس نموده و در ادوار سابقه در ارض میعاد در عهد حضرت خلیل و حضرت کلیم و حضرت روح و در جزیرة العرب در عهد حضرت خاتم و در کشور ایران و هندوستان در عهد حضرت زردشت و حضرت بودا و سائر انبیای اولو العزم صلوات اللّه علیهم اجمعین در مدّت شش‌هزار سال متدرّجاً نشو و نما نموده و بدم شهدای لاتعدّ و لاتحصی سقایت گشته و با وجود هبوب ارياح مخالف و عواصف گوناگون ریشه‌اش مستحکم گشته و اغصان و افنان و فروعش در ممالک و بلدان در خاور و باختر تعدّد و امتداد یافته و بمرور ایّام ببرگ و شکوفه و گل آراسته و مزیّن گشته و سایه بر عالمیان افکنده و روائح معطّره‌اش مشامّ مؤمنین و مؤمنات را در بسیط غبرا معطّر نموده این شجرهٔ الهیّه شجرة اصلها ثابت فی ارض الکبریآء و فرعها فی السّمآء که ادیان عتیقه در ادوار مختلفه از این اصل قدیم منشعب و متفرّع گشته در سنهٔ ستّین در اقلیم

فارس در مدینهٔ طیّبهٔ شیراز بر اثر ظهور قائم موعود "النّقطة الأوّلیّة الّتی تدور حولها ارواح المرسلین" ثمرهٔ ازلیّهٔ جنیّهٔ قدسیّه‌اش را که در هویّتش مکنون و مخزون بوده پس از انقضای شش‌هزار سال ظاهر و آشکار نمود و عالم کون را پس از طیّ مراحل طفولیّت و صباوت بمقام بلوغ ذاتی برسانید و این ثمر جنیّ رطب لطیف "زیتونة لا شرقیّة و لا غربیّة" "قرّة عیون النّبیّین" و "الظّاهر بآثار جمیع الأنبیآء" در مدّت شش سنه در آسیاب محن و بلا و رنج و ابتلا مقهور و معصور گشت و عاقبة الأمر در خطّهٔ آذربایجان در اثر رزیّهٔ عظمی و شهادت کبری خود را در سبیل ظهور و اشراق "بهآء السّموات و الأرض" فدا نمود

سپس در سنهٔ تسع در زندان ارض طاء آن سجن انتن مظلم زیت این ذبح اعظم و دهن لطیف آن شهید اکبر افخم و فدائی موعود و مقصود امم مشتعل و روشن گشت و بر اثر تجلّی روح اعظم بر قلب ممرّد الطف جمال قدم و مظلوم عالم رشحی از نور مهیمن حمرا بر عالمیان در ظلمت آن زندان مبذول گشت سپس آن لمعهٔ نور که در طور اکبر درخشیده و طوریّون از لمعانش منصعق گشته در مدّت ده سال در پس حجبات و سبحات غلیظهٔ اهل غلّ و بغضا در مدینةاللّه مقنوع گشت و پس از انقضای سنین مهلت در حین حرکت سلطان ظهور از دارالسّلام بغداد به مدینهٔ کبیره مصباح محجوب و مغطو جلوه‌ئی شدید بنمود و در انتهای واحد از بحبوحهٔ رضوان پرتو بر عالمیان بیفکند متعاقباً در ارض سرّ بر حسب وعدهٔ صریح مبشّر امر حضرت ربّ العالمین در بدایت ثمانین مصباح الهی بفرمودهٔ جمال ابهی در بلّور اخری مشتعل گشت و انوار ساطعه‌اش اقالیم مجاوره را روشن و منوّر گردانید سراج امر که نطاق انوارش پس از شهادت حضرت ربّ اعلی منحصر بمهد امر و عراق عرب بود در ایّام توقّف شارع اعظم در ارض سرّ و حصن عکّا چنان برافروخت که پرتو بر آفاق روم و خطّهٔ هندوستان و قفقازیا و برما و ترکستان و مصر و سودان و سوریّه و لبنان بیفکند این انوار ساطعه لمعانش رفته‌رفته بارادهٔ غالبهٔ الهیّه ازدیاد یافت تا آنکه بر اثر تأسیس میثاق غلیظ و وثیق اتقن اقوم موعود امم در سجن اعظم تجلّیات این مصباح در ایّام مرکز عهد محیی رمم از خاور بر باختر منعکس گردید

و حرارت این نار ذات الوقود پس از صعود جمال کبریا بقارّهٔ امریکا سرایت نمود و در اقصی الغرب مشتعل گشت و از خطّهٔ امریک بقارّهٔ اوروپ و در اواخر دورهٔ میثاق این انوار شرق اقصی را منوّر ساخت و در ماورآء البحار در قارّهٔ نائیهٔ استرالیا متلألئ گشت اینست که میفرماید "لو یسترون النّور فی البرّ انّه یظهر من قطب البحر و یقول انّی محیی العالمین" و قبل از اختتام عصر رسولی دور اوّل کور مقدّس که مقارن با افول کوکب میثاق حیّ لایموت بوده شعشعات انوار این مصباح سی و پنج ۳۵ اقلیم از اقالیم شرقیّه و غربیّه را روشن و منوّر ساخت و قارّات خمسهٔ عالم از فیوضات بهیّهٔ باهره‌اش مستنیر و مستفیض گشت اذاً تحقّق ما صدر من قلم المیثاق قوله عزّ بیانه "و سترون انّ الأشعّة السّاطعة من شمس المیثاق احاطت الآفاق و تزلزلت ارض الشّبهات و فاض غمام العهد و غیض غدیر النّقض یومئذ ترون جمال العهد مستقرّاً علی کرسیّ الجلال و آیات المیثاق تتلی علی الآفاق"

طولی نکشید که بر اثر وضع اساس و نصب قواعد و رفع اعمدهٔ اوّلیّهٔ نظم بدیع جهان‌آرای الهی که مبشّرش ربّ اعلی و نقطهٔ اولی و واضع احکامش شارع قدیر جمال اقدس ابهی و مهندس و مبیّنش مرکز میثاق بهاء نور جهان‌افروز این مشعلهٔ الهیّه بر جمهوریّات مرکزی و جنوبی امریک و ممالک مستقلّه و اقالیم تابعه در قطعات اوروپ و آسیا و افریک پرتو بیفکند و در قلب عالم چنان فورانی نمود که مقارن احتفال عید مئوی بعثت حضرت نقطهٔ اولی عدّهٔ ممالک و بلدان که در ظلّ رایت الهی محشور و از انوار بهیّه‌اش مستنیر گشته به هفتاد و هشت ۷۸ بالغ گشت و در این سنین اخیره در مدّت نه ۹ سال که فاصلهٔ بین عید مئوی اوّل و ثانی اهل بهاست لشکر حیات بتأییدات ربّ الآیات البیّنات بفتح پنجاه ۵۰ مملکت دیگر مفتخر و مجموع عدد ممالک و بلدان که در حین ترقیم این اوراق بقوّهٔ اسم اعظم مسخّر و از اشراقات محیّر العقول این نور جهان‌افروز منوّر گشته به یکصد و بیست و هشت ۱۲۸ بالغ اینست که از قلم غصن اعظم و مبیّن آیات جمال قدم و مرکز عهد اقوم اتقن

این بیان اکمل اتمّ صادر قوله عزّ اعزازه "سراج میثاق شدّت اشراقش بعد از انکسار زجاج است" و همچنین میفرماید "اگر چنانچه وقتی آید که غصن از عالم جسمانی انفصال یابد و اوراقش بریزد هراسان مشوید زیرا سبز و خرّم شود و پس از مفارقتش چنان انبات نماید و بروید که عالم وجود را بظلّ خویش درآورد و اوراقش بذروهٔ علیا سر برآرد و بثمر و فواکهی جلوه کند که جهان را معنبر نماید"

و حال پس از انقضای صد ۱۰۰ سال تمام از بروز و ظهور این لمعهٔ نور و شعلهٔ طور که در افق نور ظاهر و باهر گشته نوری که فی‌الحقیقه ولید ثمرهٔ ازلیّهٔ شجرهٔ لاشرقیّه و لاغربیّه است که شش‌هزار سال قبل ید قدرت الهیّه در ارض مشیّت کشته و بریزش باران رحمت بی‌کرانش و حرارت فیض بی‌منتهایش و نسائم مهبّ عنایتش پرورش داده مقتبسین این نور هدی و فارسان جیش کبریا و گروه مجاهدین و مهاجرین و ناصرین امر بهاء که باشتراک در این جشن اکبر افخم اعلی در این سنهٔ مقدّسهٔ مبارکه مفتخر بپاس این عنایت کبری و منحهٔ عظمی عزم را جزم نموده و حاضر و مهیّا گشته که بتأییدات لاریبیّهٔ هاطلهٔ از ملکوت ابهی چنان قیامی نمایند که در سنین عشرهٔ آتیه که مقدّمهٔ احتفال جشن افخم اعظم و عید مئوی ثالث عالم بهائی و صدمین سال دعوت جهری جمال لایزالی و استقرار مکلّم طور بر عرش ظهور است بفتح و تسخیر یکصد و سی و یک ۱۳۱ مملکت دیگر از ممالک مستقلّه و اقالیم تابعه و جزائر مهمّهٔ کرهٔ ارض نائل و مفتخر گردند تا بمنّه و فضله و هدایته عدّهٔ ممالک و بلدان که در مدّت یک قرن بل ازید بقوّهٔ اسم اعظم در ظلّ امر اللّه وارد گشته مضاعف گردد و شعلهٔ این آئین نازنین در ارکان عالم برافروزد و لهیب سراجش بعنان آسمان رسد و تجلّیاتش آفاق اکوان را احاطه نماید و نورش جهانتاب گردد و صیت عظمت و اقتدار و قهّاریّت و غلبهٔ ظاهره و سیطرهٔ محیطه‌اش جهانگیر گردد و وعدهٔ غصن برومند بهاء که در دو لوح امنع اقدس در تفسیر آیهٔ کریمهٔ سفر حضرت دانیال مدوّن و مسطور است تحقّق پذیرد قوله عزّ کلمته "در آن تاریخ آثار علوّ و امتناع و سموّ و اعتلا از برای کلمة اللّه در شرق و غرب حاصل گردد ... و تعالیم اللّه تتمکّن فی الأرض حقّ التّمکّن و تملأ الأنوار مشارق الأرض و مغاربها یومئذ یفرح المؤمنون" نعم العزم هذا العزم و نعم القیام هذا القیام بهما استفرحت ارواح الملإ الأعلی و اهتزّت هیاکل الصّافین و الکرّوبین فی الأفق الأبهی و ارتفع صوت التّهلیل و التّکبیر فی بحبوحة الفردوس خلف حرم الکبریآء سبحان ربّنا البهیّ الأبهی سبحان ربّنا العلیّ الأعلی تعالی تعالی ربّنا المسخّر المتجبّر النّاصر الغالب المقتدر القهّار له الغلبة و الهیمنة و الاستقلال و العزّة لأحبّائه و ایادی امره و افنان شجرته و امنآء شریعته و انصار دینه و المختارون فی ملکوته

یا احبّآء البهآء و مطالع انواره و مظاهر آثاره وقت آنست که بیمن و مبارکی این سنهٔ مقدّسه نظر را بالواح الهیّه و صحف قیّمه و ببعضی از قصائد و مدائح در وصف و بیان میقات و اثبات عظمت و اهمّیّت این سنه که بسنهٔ بعد حین معروف و موصوف است متوجّه و منعطف سازیم و در کیفیّت و رفعت آن تفکّر و تمعّن نمائیم حلول این سنهٔ مقدّسه که فی‌الحقیقه ولید اوّلین عهد پر شور و آشوب عصر رسولی دور بهائی است و مبدأ الف سنهٔ مذکورهٔ در کتاب الهی و اختتام دورهٔ شریعت بیانی و افتتاح عهد مشعشع جمال لایزالی غرّهٔ محرّم الحرام سنهٔ هزار و دویست و شصت و نه ۱۲۶۹ از هجرت رسول اکرم علیه الصّلوة و السّلام است پس از انقضای دو ماه از دخول مظلوم عالم در سجن اکبر مظلم در ارض طاء که به امّ‌العالم در امّ‌الکتاب ملقّب و بافق نور موصوف و بخطاب "قد جعلک اللّه مطلع فرح العالمین" مخاطب گشته حلول این سال فرخنده‌فال متعاقب حوادث مؤلمهٔ مازندران و نیریز و زنجان و واقعهٔ هائلهٔ شهادت شهدای سبعه در طهران و شهادت نقطهٔ اخری و رافع رایت سودا در خراسان و وحید عصر و فرید زمان در نیریز و شخص شاخص و صاحب قول نافذ در زنجان و شهادت نقطهٔ اولی در تبریز و مذبحهٔ کبری در ارض طاء و مقارن با شهادت نقطهٔ جذبیّه سرحلقهٔ نساء دورهٔ بیان و کاتب وحی و انیس و جلیس نقطهٔ اولی در جبلین شامخین و کاتب دیگر که از ارکان شرع بدیع محسوب گشت

در بیان عظمت و تعیین میقات این سنهٔ مقدّسه این کلمات درّیّات از سماء مشیّت ربّ اعلی نازل قوله جلّت عظمته "و فی سنة التّسع انتم کلّ خیر تدرکون" "و فی سنة التّسع انتم بلقآء اللّه ترزقون" و همچنین میفرماید "فانّ لکم بعد حین امر ستعلمون" و ایضاً میفرماید "و اشهد انّ فرق القائم و القیّوم عدد تسعه ذلک ما تکملنّ الکینونات فی مقاعدهنّ ذلک فرق بین کلّ اعظم و عظیم" و ایضاً میفرماید "من اوّل ذلک الأمر الی قبل ان یکمّل تسعة کینونات الخلق لم تظهر و انّ کلّ ما قد رأیت من النّطفة الی ما کسوناه لحماً ثمّ اصبر حتّی تشهد خلق الآخر اذاً قل فتبارک اللّه احسن الخالقین" و همچنین میفرماید "امروز بیان در مقام نطفه است و در اوّل ظهور من یظهره اللّه آخر کمال بیان ظاهر میشود که ثمرات اشجاری که غرس کرده بچینند" و ایضاً میفرماید "و لتراقبنّ فرق القائم و القیّوم ثمّ فی سنة التّسع کلّ خیر تدرکون" و ایضاً خطاباً للعظیم میفرماید "هذا ما قد وعدناک قبل حین الّذی اجبناک اصبر حتّی یقضی عن البیان تسعة فاذاً قل فتبارک اللّه احسن المبدعین"

و جمال قدم و اسم اعظم روحی لسلطنته الفدآء در این مقام باین بیان ناطق قوله عزّ بهائه "در این ظهور بدع قدس رحمانی در سنهٔ تسع در سرّ سرّ نفوس مقدّسهٔ مطهّرهٔ زکیّه در همان حین تکمیل شدند" و همچنین میفرماید "در سنهٔ تسع این ظهور اعظم از مشرق ارادهٔ الهی مشرق و لائح لا ینکره الّا کلّ غافل مریب"

و از کلک میثاق این کلمات محکمات صادر قوله عزّ بیانه "سنهٔ شصت و نه ۶۹ که در کتاب باب بسنهٔ بعد حین تعبیر و وعد ظهور حقیقت امر و اسرار خویش نموده" و ایضاً میفرماید "فی‌الحقیقه در شب و روز دقیقه‌ئی از ذکر او فتور نداشت و جمیع تابعان را بانتظار طلوع او دلالت مینمود بقسمی که در تألیفات خویش بیان مینماید که من از کتاب اعظم حرفی و از آن بحر بی‌پایان شبنمی هستم و چون او ظاهر گردد حقیقت و اسرار و رموز و اشارات من مشهود شود و جنین این امر در مراتب وجود و صعود ترقّی نموده بمقام احسن التّقویم فائز و بخلعت فتبارک اللّه احسن الخالقین مزیّن گردد و این قضیّه در سنهٔ شصت و نه ۶۹ که مطابق عدد سنهٔ بعد حین است کشف نقاب کند و تری الجبال تحسبها جامدة و هی تمرّ مرّ السّحاب تحقّق یابد" و همچنین میفرماید "در جمیع الواح و کتب ذکر بهآءاللّه نمودند و بشارت بظهور بهآءاللّه دادند که در سنهٔ نه ۹ هر خیری مییابید در سنهٔ نه ۹ سعادت کلّی حاصل میکنید در سنهٔ نه ۹ بلقآء اللّه فائز میشوید و از این قبیل بیانات بسیار و جمال مبارک را باسم من یظهره اللّه ذکر فرموده‌اند"

و در مکاشفات یوحنّا این آیه مدوّن و مسطور "وای دوم درگذشته است اینک وای سوّم بزودی میآید" در تفسیر این آیه این کلمات از کلک میثاق صادر "وای اوّل ظهور حضرت محمّد بن عبداللّه علیه السّلام وای دوم حضرت اعلی له المجد و الثّنآء وای سوّم یوم عظیم است که یوم ظهور ربّ جنود و تجلّی جمال موعود است" و ایضاً در تفسیر این آیه میفرماید "و این وای سوّم روز ظهور جمال مبارک است یوم اللّه است و نزدیک است بیوم ظهور حضرت اعلی" و همچنین شیخ اجلّ احسائی کوکب درّیّ صبح هدی در جواب نامهٔ حضرت سیّد مرفوع که نیز بظهور موعود بشارت داده و از میقات آن یوم رهیب استفسار نموده چنین نگاشته "ان اطمئنّ بفضل ربّک و لا تبتئس بما یعملون لا بدّ لهذا الأمر من مقرّ و لکلّ نبإ مستقرّ و لا یحسن الجواب بالتّعیین فستعلمنّ نبأه بعد حین و لا تسألوا عن اشیآء ان تبدّلکم تسوءکم و السّلام"

در ذکر بلایای واردهٔ در آغاز این سنهٔ مقدّسه بر جمال قدم و مظلوم عالم در آن زندان مظلم این کلمات درّیّات از سماء مشیّتش نازل قوله تبارک ذکره "ما را اخذ نمودند و از نیاوران که در آن ایّام مقرّ سلطنت بوده سر برهنه و پای برهنه پیاده با زنجیر بسجن طهران بردند چه که یک ظالمی سواره همراه کلاه از سر برداشت و بسرعت تمام با جمعی از میرغضبان و فرّاشان ما را بردند و چهار شهر در مقامی که شبه و مثل نداشت مقرّ معیّن نمودند امّا سجن که محلّ مظلوم و مظلومان بوده فی‌الحقیقه دخمهٔ تنگ تاریک از آن افضل بوده و چون وارد حبس شدیم بعد از ورود ما را داخل دالانی ظلمانی نمودند از آنجا از سه ۳ پلّهٔ سراشیب گذشتیم و بمقرّی که معیّن نموده بودند رسیدیم امّا محلّ تاریک و معاشر قریب صد و پنجاه ۱۵۰ نفس

از سارقین اموال و قاتلین نفوس و قاطعین طرق بوده مع این جمعیّت محلّ منفذ نداشت جز طریقی که وارد شدیم اقلام از وصفش عاجز و روائح منتنه‌اش خارج از بیان و آن جمع اکثری بی لباس و فراش اللّه یعلم ما ورد علینا فی ذاک المقام الأنتن الأظلم" و ایضاً میفرماید "در ایّام توقّف در سجن ارض طاء اگرچه نوم از زحمت سلاسل و روائح منتنه قلیل بود ولکن بعضی از اوقات که دست میداد احساس میشد از جهت اعلای رأس چیزی بر صدر میریخت بمثابهٔ رودخانهٔ عظیمی که از قلّهٔ جبل باذخ رفیعی بر ارض بریزد و بآن جهت از جمیع اعضا آثار نار ظاهر و در آن حین لسان قرائت مینمود آنچه را که بر اصغاء آن احدی قادر نه" و ایضاً میفرماید "چهار شهر در مقدّمهٔ حضرت سلطان بعذابی معذّب که ذکر و شرح آن از قلم و مداد برنیاید و لسان از ذکرش عاجز و قاصر است"

و در مناجاتی از قلم اعلی در ذکر این رزایا و بلایا نازل "لم ادر من ایّ بلائی اشکو الیک اشکو یا الهی عن سجنی فی اشهر معلومات او عمّا ورد علیّ فیه من سلاسل الّذی کسّرت عنقی من ثقلها او حدید الّذی کان علی رجلی عمّا اکتسبت ایدی الأشقیآء ... او اذکر یا الهی حین الّذی اخذونی و اذهبونی من قریة الی مدینة و کان رأسی عریاناً و رجلی متحافیاً و عنقی مغلولاً و یدای مشدوداً ثمّ اجتمعوا علیّ العباد و منهم عرفونی و منهم الّذین ما عرفونی و الّذین هم عرفونی فمنهم کانوا قائمون و متحیّرون فی امری فمنهم کانوا ان یشتمونني و الّذین ما عرفونی رموا کلّهم نحوی ما تیسّر لهم من الحجر و الخشب کأنّهم ما شربوا خمر الانصاف و ما شمّوا روائح الائتلاف فوجمالک القدیمة و انوار وجهک البدیعة وردوا علیّ ما استحیی ان اذکره بین یدیک و القلم لن یحرّک علیه و المداد لن یجری به و اللّوح لن یحمل و النّفوس لن تطیق"

و در مناجاتی دیگر میفرماید "گردنی را که در میان پرند و پرنیان تربیت فرمودی آخر در غلّهای محکم بستی و بدنی را که بلباس حریر و دیبا راحت بخشیدی عاقبت بر ذلّت حبس مقرّر داشتی قلّدتنی قضائک قلائد لا تحدّ و طوّقتنی اطواقاً لا تفکّ"

و در تاریخ نبیل اعظم راجع بشدائد این سجن اکبر این عبارات مدوّن و مسطور "چون بانبار رسانیدند در سیاه‌چالی که در قدیم خزینهٔ حمّام بوده جایشان دادند و زنجیر قره‌کهر که در سنگینی معروف است بر گردن و بند گران بر پایشان نهادند و تا سه ۳ یوم مطلقاً نه اکلی موجود و نه شربی و نه سکونی مشهود و نه نومی"

و همچنین در تاریخ خود مینگارد "در ایّام حضور بارها از لسان مبارک شنیده شد که میفرمودند جمیع این نفوسی که در فتنهٔ سنهٔ حین بشهادت رسیدند در انبار طهران با من بودند و ماها دو دسته بودیم که روبروی یکدیگر پا در خلیلی و گردن در زنجیر بودیم من بآنها ذکری تعلیم نموده بودم که شبها بصوت بلند خوانده میشد یک دسته میگفتند هو حسبی و حسب کلّ شیء دستهٔ دیگر در جواب میگفتند و کفی باللّه حسیباً بهمین منوال در منتهای شوق و اشتعال هر شب تا نیمه‌های شب صدای ذکر مرتفع بود بحدّی که یک شب شاه در عمارت خود شنیده بود و پرسیده بود که این چه صداست گفته بودند که بابیها هر شب ذکر میکنند و این صدای ذکر آنهاست ... و هر روزی میآمدند و اسمی را ذکر مینمودند که صاحب این اسم کیست هر کس که میگفت منم معلوم بود که نوبت شهادت اوست و چون پایش را از خلیلی بیرون میآوردند با من مصافحه میکرد و او را بمقام بقا و افق اعلی بشارت میدادم و خوشنود روانه میکردم و با دیگران هم میگفتم مصافحه میکرد و میرفت و بعد از شهادتش آن میرغضب که با من اظهار محبّت میکرد میآمد و تفصیل حالش را که چه نوع شهیدش کردند و مقام صبر و استقامتش بچه درجه بود ذکر مینمود هر روز بهمین منوال بود"

و امّا آنچه راجع بکیفیّت نزول وحی الهی و تجلّی روح اعظم بر قلب الطف اطهر اقدس مظلوم عالم و محبوب امم است این کلمات دریّات از مخزن قلم اعلی صادر قوله جلّ کبریائه "در شبی از شبها در عالم رؤیا از جمیع جهات این کلمهٔ علیا اصغا شد انّا ننصرک بک و بقلمک لا تحزن عمّا ورد علیک و لا تخف انّک من الآمنین سوف یبعث اللّه کنوز الأرض و

هم رجال ینصرونک بک و باسمک الّذی به احیا اللّه افئدة العارفین" در این مقام در سورهٔ هیکل این کلمات عالیات نازل "فلمّا رأیت نفسی علی قطب البلآء سمعت الصّوت الأبدع الأحلی من فوق رأسی فلمّا توجّهت شاهدت حوریّة ذکر اسم ربّی معلّقة فی الهوآء محاذی الرّأس و رأیت انّها مستبشرة فی نفسها کأنّ طراز الرّضوان یظهر من وجهها و نضرة الرّحمن تعلن من خدّها و کانت تنطق بین السّموات و الأرض بندآء تنجذب منه الأفئدة و العقول و تبشّر کلّ الجوارح من ظاهری و باطنی ببشارة استبشرت بها نفسی و استفرحت منها عباد مکرمون و اشارت باصبعها الی رأسی و خاطبت من فی السّموات و الأرض تاللّه هذا لمحبوب العالمین ولکن انتم لا تفقهون هذا لجمال اللّه بینکم و سلطانه فیکم ان انتم تعرفون و هذا لسرّ اللّه و کنزه و امر اللّه و عزّه لمن فی ملکوت الأمر و الخلق ان انتم تعقلون انّ هذا لهو الّذی یشتاق لقائه من فی جبروت البقآء ثمّ الّذین هم استقرّوا خلف سرادق الأبهی ولکن انتم عن جماله معرضون"

و همچنین در ابیاتی که در آن ایّام از مخزن قلم ابهی صادر نفس مظهر ظهور بتلویحی ابلغ از تصریح اشاره بتجلّی این روح اعظم میفرماید قوله تبارک ذکره

رشح عما از جذبهٔ ما میریزد
سرّ وفا از نغمهٔ ما میریزد
از باد صبا مشک ختا گشته پدید
این نفحهٔ خوش از جعدهٔ ما میریزد
بحر خفا از موج لقا کرده ظهور
وین طرفه عطا از جذبهٔ ها میریزد
نقرهٔ ناقوری جذبهٔ لاهوتی
این هر دو ز یک نفحه از جوّ سما میریزد
دور انا هو از چهرهٔ ما کرده ظهور
کور هو هو از طفحهٔ ما میریزد
یوم خدا از جلوهٔ ربّ شد کامل
این نغز حدیث از غنّهٔ طاء میریزد
کوثر حقّ از حقّهٔ دل گشته هویدا
وین ساغر شهد از لعل بهاء میریزد
آهنگ عراقی بین دفّ نوائی بین
کفّ الهی بین کز مشرق ها میریزد
طفح بهائی بین رشح عمائی بین
کاین جمله ز یک نغمه از لحن خدا میریزد
نخلهٔ طوبی بین رنّهٔ ورقا بین
غنّهٔ ابهی بین کز لمع صفا میریزد
طلعت لاهوتی بین حوری هاهوتی بین
جلوهٔ ناسوتی بین کز ساحت ها میریزد

نبیل اعظم شیفته و دلدادهٔ جمال قدم و مدّاح آن محیی رمم در قصیده‌ئی از قصائد خویش در ذکر سنهٔ تسع چنین سروده

آن نبأ را که کاظم مسعود
گشت سائل ز احمد محمود
احمدش گفت کآن رخ باهر
نبأش بعد حین شود ظاهر
سنهٔ حین شد مه و ماهی
کرد با عاشقانش همراهی
ماند با عاشقانش از افضال
چهار مه در سلاسل و اغلال
تا که حین رفت و بعد حین آمد
سنهٔ تسع والهین آمد
تسع موعود را که ربّ بیان
کرد وصفش چو آفتاب عیان
گفت آن شاهباز عرشی سیر
کاندر او تدرکون کلّ الخیر
شاه ابهی برون شد از زندان
جمله آفاق شد چون گل خندان
عطری از طرّه‌اش پدید آمد
کآسمان و زمین جدید آمد

و همچنین در وصف عید نوروز آن سنهٔ مقدّسه این ابیات در آن تاریخ مدوّن و مسطور

مبارک عید نوروزی که عالم زو جدید آمد
که در وی بر همه امکان بخوشنودی نوید آمد
که یاران جام جان نوشید قمیص نور درپوشید
برضوان لقا کوشید که یار ناپدید آمد
جمال اللّه ظاهر شد ظهور تسع باهر شد
جهان از شرک طاهر شد که سلطان فرید آمد
شهنشاه انام آمد ولی نامش غلام آمد
شب هجران تمام آمد لنا البشری که عید آمد
برون شد یوسف از زندان جهان شد همچو گل خندان
مبارک کنز مخفی را ز عرش اللّه کلید آمد
زمان پر روح و ریحان شد زمین پر از دل و جان شد
که چشم و قلب وی روشن ز ذی العرش المجید آمد

وزید آن نسمهٔ باقی ز باغ وصل خلّاقی
بسر شد لیل نومیدی الا صبح امید آمد

و همچنین عندلیب گلشن بهاء در قصیده‌ئی از قصائد خویش در نعت و ثنای جمال ابهی باین نغمه مترنّم

ساقی بده جامی دگر صهبای گلفامی دگر
کاینک دلارامی دگر آمد چه زیبا آمده
از نقطه بعد از نه ۹ سنه با سطوت و با هیمنه
با صدهزاران بیّنه از کشور طاء آمده
ذرّات امکان در ندا کز مشرق قدس لقا
نور احد شمس بهاء با صد تجلّا آمده
عقل نخستین مات او روح القدس مرآت او
و از نفحهٔ آیات او جان در مسیحا آمده
با یک جهان مجد و شرف با عالمی شور و شعف
خود با نبیّین سلف آن فرد یکتا آمده
شمس بقا طالع شده صبح لقا طالع شده
یوم خدا طالع شده ربّ البرایا آمده
وجه لمیع کبریا غیب منیع لایری
با نغمهٔ انظر تری بر ارض غبرا آمده
غیب بقا شد جلوه‌گر سرّ عما شد پرده‌در
و آن غائب از هر ذی بصر بی پرده پیدا آمده

و همچنین ورقای ایکهٔ وفا بلبل خوش‌سخن و طوطی شکرشکن در وصف و مدح سنهٔ مقدّسهٔ تسع باین نغمهٔ احلی مترنّم

چو گشت میقات تسع بامر حقّ منتهی
ز ذلّت امر یافت اله خلق آگهی
چو لجّه آمد بجوش غیرت ربّ البهیّ
نشست سلطان امر بعرش شاهنشهی
بدست حقّ برفکند ز وجه ابهی نقاب

گشت ز شعشاع وجه کون و مکان بحر نور
بزد سرافیل روح بامر حقّ نفخ صور
حشّر من فی الوجود بُعثر من فی القبور
نُشّر ما فی الصّحف حُصّل ما فی الصّدور
نزّل ما فی السّمآء بُرّز ما فی التّراب

بعرش شد مستوی من هو یحیی العظام

بصور اعلی قلم دمید روح القیام
برآمد از انصعاق قلوب موتی تمام
مهلّلاً ناطقاً بحمد ربّ الأنام
مسبّحاً ناظراً بمن الیه اناب

ز خرمن جود وی بهر کران خوشه‌چین
گروهی از انبیا قبیلی از مرسلین
بحقّ کمین خادمش فدای روح الأمین
چو ذرّه در ساحتش شموس حقّ الیقین
دیوک عرشی برش حقیرتر از ذباب

از قلمش منهمر بحر بیان موج موج
جنود الهام و وحی در کنفش فوج فوج
اهل حضائض ز وجد پریده بر اوج اوج
بسوی او دوان منجذبین زوج زوج
ز شوق پراضطرام ز وجد پرانجذاب

چو سدرهٔ هیکلش بحبّ شرربار شد
عشق وی جهان پر از نار شد
چو آذرین طلعتش بجلوه نوّار شد
ز نوبهار جمال زمانه گلزار شد
فتاد اندر قلوب ز نار عشق التهاب

شد دل هر قطره‌ئی ز وجد او بحر حبور
ز وجه هر ذرّه‌ئی تافت شموس سرور
لجّهٔ ظلمت بدل گشت بدریای نور
شد ز قری و مدن پدید شور و نشور
روان قوم کفور فتاد در پیچ و تاب

مهیمنا مالکا بذات سبحانیت
بمظهر اسم ربّ که شد بجان فانیت
بمشرق شمس عهد بغصن قدمانیت
بفرع قدس رفیع ببدر نورانیت
که خلق داده نجات ز ظلمت احتجاب

یا اصحاب الوفآء و الرّاکبین فی السّفینة الحمرآء ملاحظه نمائید که حلول این سنهٔ مبارکهٔ مقدّسه که فاتحهٔ عهد بهیّ الأنوار ثانی نخستین عصر دور اوّل کور مقدّس است و از قلم اعلی و کلک نقطهٔ اولی و یراعهٔ غصن اعظم سدرهٔ منتهی بچنین اوصاف عالیه‌ئی موصوف و در کتب انبیا و اولیا و رسالهٔ نجم بازغ افق هدی و قصائد و مدائح پیروان آئین اعزّ اسنی بچنین نعوتی منعوت با چه مصائب و نوائبی مصادف و مقارن گشته در آغاز این سنهٔ مقدّسه سیل بلا من کلّ الجهات در مهد امر اللّه منهمر و باران محن و رزایا از سحاب قضا نازل و هاطل جامعهٔ جدید التّأسیس در معرض مخاطرات عظیمهٔ گوناگون واقع و طوفان امتحان و افتتان در اشدّ هیجان و نار غضب شاهانه و بغض و عداوت مأمورین دولت از وزرا و وکلا و علمای سوء و ملّت غافل و جاهل در اشتعال و فوران حلول این سنه در ایّامی واقع که شارع قدیر امر بدیع خود شهید و نجوم درهرهٔ آسمان بیان آفل و فحول اصحاب و بعضی از حروفات بیانیّه و کتّاب وحی و خال اعظم آن سیّد امم مقتول و جمعی دیگر اسیر و مسجون بشهادت مرکز عهد الهی در یک سنه از آن سنوات پر محنت و انقلاب "بیش از چهارهزار ۴۰۰۰ نفر کشته و جمّ غفیری اطفال و نساء بی کس و پرستار پریشان و سرگشته پامال شده تلف گشتند" شخص معلوم که خود را پیشوای حزب مظلوم می‌پنداشت مرعوب و بلباس تبدیل در جبال مازندران متواری بعضی از رؤسای بیان خودسرانه و جسورانه مدّعی مقامات عالیه و برخی در کمال ذلّت و مسکنت سرگردان و پریشان و نالان

در عراق عرب بفرمودهٔ جمال قدم "حرفی از امر اللّه مذکور نبود و قلبی مشهود نه" و در مهد آئین نازنین بشهادت نبیل اعظم که در آن ایّام در آن دیار سیّار بود "سراج امر خاموش و ارباب دواعی در جوش و خروش" ارکان منهدم نور الهی مقنوع و مغطو و جمال لایزالی یگانه ناصر امر ربّ قدیر در اعماق آن زندان اظلم اسیر غلّ و زنجیر مطابقاً لما اخبر به الرّسول و رواه الشّیخ ابن العربیّ فی کتابه "و یقتلون کلّهم الّا واحد منهم ینزل فی مرج عکّآء فی المأدبة الالهیّة الّتی جعلها اللّه مائدة للسّباع و الطّیور و الهوامّ" و این شهادت را نیز ناظر امور خارجهٔ ایران میرزا سعید خان در نامهٔ خویش خطاب بسفیر دولت علیّه در مدینهٔ کبیره داده و این عبارت را نگاشته و اطمینان داده "بعد از اهتمامات بلیغه که در قلع و قمع فرقهٔ ضالّهٔ خبیثهٔ بابیّه از جانب دولت علیّه بآن تفصیل که آن جناب میدانید بتقدیم رسید الحمد للّه ریشهٔ آنها بتوجّهات خاطر همایون سرکار اعلیحضرت قویّشوکت شاهنشاه جمجاه دین‌پناه روحنا فداه کنده شد"

حال ملاحظه نمائید با وجود این لطمات شدیده که بر هیکل امر الهی در سنین اوّلیّه وارد گشته و این زوبعهٔ عظمی که قندیل الهی را بمجرّد اشتعالش احاطه نموده و این زلزلهٔ کبری که ارکان آئین جدید التّأسیس الهی را در بدو نشأه‌اش مرتعش ساخته بمرور ایّام و در طیّ سنین و اعوام چه آثاری از جلوهٔ هیکل زیبای امر الهی و چه تأثیراتی از التهاب و اشتعال این نار موقدهٔ صمدانی و چه نتائجی از ارتفاع این بنیان الهی در آفاق و انفس ظاهر و پدیدار گشته و حال در این دو سنهٔ اخیره که پایان این قرن پرانوار سرمدیّ الآثار است ملاحظه نمائید که جند اللّه و راکبین سفینة اللّه و ثابتین بر عهد اللّه و مروّجین شریعت اللّه و ناشرین نفحات اللّه و حامیان دین اللّه و مؤسّسین نظم بهآءاللّه روحی لقیامهم الفدآء چه قیامی نموده‌اند و بچه فتح و ظفری در اقطار جهان نائل گشته‌اند قیام و ظفری که فی‌الحقیقه مسک الختام این قرن جلیل است یاران جمال ابهی حبّاً و وفآءً لمولاهم و خالصاً لوجهه و منقطعاً عن دونه و ابرازاً لقدرته و اشتهاراً لدینه بیاد این بلایا و رزایا که در نخستین عصر دور اوّل کور مقدّس بر مؤسّسین آئین یزدان باریده و بپاس مواهب الهیّه و تأییدات متتابعه که در مدّت صد ۱۰۰ سال بل ازید شامل جامعهٔ اهل بهاء گشته و بشکرانهٔ حفظ و صیانت الهیّه که از بدو ظهور امر الهی الی یومنا هذا در قطعات خمسهٔ عالم با وجود انقلابات شدیده و اختلافات متزایده و محاربات متتابعه بین ملل و امم نصیب بندگان اسم اعظم گشته و تمهیداً لجهادهم الکبیر الأکبر قیامی عاشقانه نموده و سمند همّت را در میادین خدمت چنان جولانی داده که ندای واطوبی واطوبی از سکّان رفیق ابهی مرتفع و هتاف احسنتم احسنتم یا اهل البهآء و اصحاب الوفآء از ذروهٔ علیا متتابع و متواصل فاتحهٔ این قرن اعزّ اتمّ و

میلاد این سرّ منمنم مصادف با بلاء ادهم و ظلمات مدلهمّ و ختامش مقارن با فتح و ظفر اعظم در سراسر عالم چنانچه در بدایت این اوراق ذکر شد یاران الهی بدلالت و اعانت امنای امر اللّه و بر وفق نقشه‌های مختلفهٔ متعدّده که در مهد امر اللّه و در ایالات متّحدهٔ امریک و جزائر بریطانیا و جمهوریّات مرکزی و جنوبی قارّهٔ امریکا و اقلیم کندا و هندوستان و برما و پاکستان و عراق و استرالیا و آلمان و مصر و سودان طرح گردیده عدّهٔ ممالک و بلدان که بنیروی اسم اعظم مسخّر گشته به یکصد و بیست و هشت ۱۲۸ رساندند و تأیید الهی بحدّی شامل و قوّهٔ امر بدرجه‌ئی نافذ گشت که در مدّت یک سنه هیجده ۱۸ مملکت در ظلّ امر اللّه محشور گشت

بتأییدات الهیّه و اعانهٔ محافل مقدّسهٔ روحانیّه و همّت مجاهدین و مجاهدات و مهاجرین و مهاجرات بممالک غربیّه و شرقیّه و اقطار جنوبیّه و شمالیّه مجموع مراکز امریّه در جزیرة العرب از ده ۱۰ و در قطر مصر و سودان از سی ۳۰ و در ممالک اوروپ که بهمّت یاران امریک در این سنین اخیره در ظلّ امر اللّه درآمده از چهل ۴۰ و در جزائر بریطانیا از پنجاه ۵۰ و در قارّهٔ استرالیا و جزیرهٔ نیوزیلند و تسمانیا از شصت ۶۰ و در مملکت نمسه و آلمان از هفتاد ۷۰ و در اقلیم کندا از نود ۹۰ و در خطّهٔ هندوستان و برما و پاکستان نیز از نود ۹۰ و در جمهوریّات مرکزی و جنوبی قارّهٔ امریکا از صد ۱۰۰ و در مهد امر اللّه از ششصد ۶۰۰ و در ایالات متّحدهٔ امریک از هزار و دویست ۱۲۰۰ تجاوز نمود و عدّهٔ مراکز امریّه در کرهٔ ارض من اقصاها الی اقصاها به دوهزار و پانصد ۲۵۰۰ بالغ گشت و مستظلّین در ظلّ شجرهٔ طوبی و مقتبسین از نور هدی و متمسّکین بعروهٔ وثقی در این ممالک و بلدان بعضی از جنس ابیض و بعضی از جنس اسود و برخی از جنس اصفر و قلیلی از جنس احمر و اسمر کلّ در ظلّ سراپردهٔ یگانگی مجتمع و از یک مصدر مستفیض و بحبل المتین یک نظم متمسّک و اصول و احکام یک شرع را مروّج و از فیوضات یک آئین مستنیر و مستمدّ نشریّات امریّه که در مدّت صد ۱۰۰ سال به چهل و یک ۴۱ لغت از لغات شرقیّه و غربیّه ترجمه و طبع و منتشر گشته بود در این سنین تسعهٔ اخیره بر اثر همم عالیهٔ متزایدهٔ ناصران امر حضرت ربّ البریّه به سی و دو ۳۲ لغت دیگر ترجمه و طبع و منتشر گشت و به پانزده ۱۵ لغت دیگر ترجمهٔ این آثار بهیّه مباشرت گردید نطاق امر اللّه بحدّی وسعت یافت که در ختام این قرن نمایندگان از سی ۳۰ نژاد از نژادهای مختلفهٔ عالم و از بیست و سه ۲۳ قبیله از قبائل متعدّدهٔ منتشرهٔ در قارّهٔ افریقیا در ظلّ سرادق جمال ابهی وارد و از انوار ساطعهٔ امر مقدّسش مستمدّ گشتند

در ارض اقدس لانه و آشیانهٔ انبیا قلب العالم و قبلة الأمم مرکز عظیم الشّأن روحانی و اداری پیروان جمال قدم و اسم اعظم در سراسر عالم مقدّمات تشیید قبّهٔ رفیعهٔ بدیعهٔ ذهبیّهٔ مقام بهیّ الأنوار رفیع البنآء سرمدیّ الآثار مبشّر موعود امم و تأسیس مرکز اداری جهانی امر محیی رمم فراهم ایادی امر اللّه که بر حسب وصایای محکمهٔ متقنهٔ مرکز عهد جمال قدم بصیانت امر اللّه و ترویج کلمة اللّه که اعظم وظائف آن عصبهٔ نورانیّه است مأمور و مکلّفند در قارّات خمسه و از بین یاران فرقانی و مسیحی و کلیمی بعدد واحد معیّن و چهار نفر از این نفوس مشخّصهٔ معیّنه در ارض اقدس متعهّد خدمات خاصّه و بر ترویج و استحکام مشروعات مهمّهٔ جدید التّأسیس این ارض قائم هیئت بین‌المللی بهائی که مقدّمهٔ تأسیس محکمهٔ علیا در ارض میعاد و منتهی بانتخاب اعظم هیئت تشریعیّهٔ عالم بهائی و تأسیس دیوان عدل الهی خواهد گشت تکمیل و وظائف اعضایش و هیئت عامله‌اش کاملاً تعیین گردید

باب زیارت مقامات مقدّسه که در مدّت ده سال بر اثر انقلابات خارجه و داخله مسدود بود بر وجه یاران شرق و غرب مفتوح گردید و بر جلوه و عظمت این مقامات در انظار اولیای امور در مرکز بیفزود

مقام ربّ اعلی و نقطهٔ اولی روحی لمظلومیّته الفدآء که جمال قدم و مظلوم عالم در اواخر ایّام اقامتش در سجن اعظم تأسیس فرموده و قدس الأقداسش را غصن اعظمش در بحبوحهٔ انقلابات ناقضین و مفتّشین بید قدرتش تشیید فرموده و وسائل انتقال عرش مطهّر را از ارض طاء بارض میعاد فراهم ساخته و در نوروز سنهٔ ۱۹۰۹ از میلاد حضرت روح بدست مبارکش رمس

مطهّر را در تابوت مرمر در قلب آن بنیان مقدّس استقرار داده و پس از انقضای چهل سال در نوروز ۱۹۴۹ ببنای رواق آن مقام مقدّس بر وفق میل و ارادهٔ غصن اعظم بهاء مباشرت گردیده و دو سال بعد از آن نیز مقارن عید سعید نوروز در سنهٔ ۱۹۵۱ مقدّمات نصب ارکان هشت‌گانهٔ قبّهٔ رفیعه‌اش در داخل آن مقام فراهم گشته در این دو سنهٔ اخیره بتأییدات ملکوت ابهی بکمال سرعت وضع اساس این قبّه در خارج آن مقام انجام و اتمام یافت و طبقهٔ ثانیه‌اش مرتفع شد و مناره‌های بدیعهٔ رفیعهٔ هشت‌گانهٔ آن مقام منیع که تاج ثانی آن بنای افخم است منصوب گشت و متعاقب آن طبقهٔ ثالث دارای نوافذ متعدّده مطابق عدد حروفات بیانیّه که ارکان شریعت بدیعه و وسائط فیض نقطهٔ ازلیّه بوده بنا گردید و احجار اوّلیّهٔ قبّهٔ ذهبیّه که تاج ثالث آن مقام است منصوب گشت و دوازده‌هزار ۱۲۰۰۰ قطعه از قطعه‌های مذهّب جهت نصب آن قبّهٔ رفیعه که مساحتش به دویست و پنجاه ۲۵۰ متر مربّع بالغ در مدینهٔ اوترخت در کشور هلند سفارش گردید و امّید وطید چنانست که در ایّام رضوان که جشن اعظم این سنهٔ مقدّسه است وسائل نصب آن فراهم گردد و بتأییدات متتابعهٔ جمال رحمن در پایان این سنه این مشروع عظیم و خطیر اتمام و انجام پذیرد و نیز در ارض اقدس در این دو سنهٔ اخیره نقشهٔ بدیعهٔ اوّلین معبد جبل کرمل که در جوار این مقام مقدّس من‌بعد تأسیس خواهد گشت ترسیم و حاضر و مهیّا گشت و عنقریب به امریک ارسال خواهد شد تا بنظر نفوس مجتمعهٔ در مؤتمر ثانی تاریخی مجلّل این سنهٔ مقدّسه برسد و بر سرور و ابتهاج و حبور محتفلین و مشترکین در آن جشن اکبر بیفزاید اراضی مجاورهٔ موقوفهٔ مقام مقدّس نقطهٔ اولی در نتیجهٔ ابتیاع بیست و یک ۲۱ قطعه که متعلّق بنفوس مغرضه از معاندین بوده و مساحتش متجاوز از بیست و پنج‌هزار۲۵۰۰ متر مربّع اتّساعی سریع یافت و بوسائل غیبیّه مقدّمات ابتیاع قطعاتی دیگر که مشرف بر آن مقام است و مدّت سی ۳۰ سال است که یاران الهی طالب و شائق تملّک آن بوده و مساحتش متجاوز از بیست‌هزار ۲۰۰۰۰ متر مربّع است فراهم گشت و ایضاً در جوار قبلهٔ اهل بهاء محطّ رحال ملأ اعلی اجلالاً و تکریماً لهذا المقام الکریم و المقرّ الأقدس الأطهر الأعزّ العظیم در این سنهٔ مقدّسه که صدمین سال بعثت آن موعود امم و محیی رمم است پس از خذلان ناقضین حسود و جحود و در نتیجهٔ مغلوبیّت و هزیمت دشمنان دیرین امر حضرت ربّ العالمین که مدّت شصت سال با ناقضین پرکین عهد جمال مبین مرتبط و در طوفان مفتّشین معین و مؤیّد و مهماندار اعدای امر اللّه و در سنین عدیده بتوهین و تحقیر آن مقام مقدّس مشغول و تعدّی بر اراضی مجاورهٔ آن مقرّ اطهر نموده اراضی وسیعه وقف آن روضهٔ مقدّسه گشت و مساحت موقوفات امریّه در مرج عکّا که منحصر به چهارهزار ۴۰۰۰ متر مربّع بود به یکصد و پنجاه و نه‌هزار ۱۵۹۰۰۰ متر مربّع بالغ گشت و در قلب این اراضی موقوفه پس از انقضای شصت سال از صعود جمال احدیّه در قطعه‌ئی که مساحتش به سیزده‌هزار ۱۳۰۰۰ متر مربّع بالغ و در شمال و غرب آن مقرّ اطهر واقع بتأیید من اللّه حرم اقدس بنحو اکمل و اجمل تأسیس گشت و شبهه‌ئی نبوده و نیست که این بقعهٔ نورا و حدیقهٔ غلبا و روضهٔ غنّا که مقدّمهٔ تشیید ضریح اقدس اطهر امنع ارفع ابهی در سنین آتیه است در نتیجهٔ تسطیح و تنسیق و تزیین و امتداد شوارع تسعه و نصب ابواب خمسه و مصابیح مضیئهٔ متلألئه قطعه‌ئی از فردوس اعظم و زیارتگاه ملل و امم و نزهتگاه عموم از اجناس و طبقات و مذاهب مختلفه در این دیار و اقالیم مجاوره گردد

فئهٔ ضالّهٔ ناقضین و ناکصین پرکین بر اثر قضیّهٔ غصب مفتاح روضهٔ مبارکه و تخلیهٔ قصر مشید جمال احدیّه و در نتیجهٔ ابتیاع اراضی وسیعه و تأسیس موقوفات امریّه در جوار مقامات مقدّسه و اسقاط حقوقشان در محکمهٔ مدنیّه و انقراض و انعدام رؤسا و زعما و اعوان و متعلّقانشان و علی رأسهم زعیم ثانی و خلیفهٔ ناقض اکبر و ابن سیّد متمرّد بمصیبات و بلیّات و نکبات گوناگون در این سنین اخیره معذّب و از ظهور و بروز آثار غضب و سخط الهی حیران و پریشان

در قارّهٔ امریک مشروع بنای معبد رفیع البنآء ابدیّ الآثار پیروان جمال مختار امّ المعابد غرب و رمز مدنیّت الهیّه که حجر زاویه‌اش را ید قدرت غصن اعظم ابهی نهاده و مصارفش از دو ملیون و نیم دولار متجاوز بهمّت یاران غیور و علمداران حزب

مظلوم در آن خطّهٔ پرنور پس از پنجاه سال انتظار انجام یافت و اتمام تزیینات داخله‌اش و تنسیق حدائق نه‌گانه‌اش بر شکوه و جلال و ابّهت آن معبد افخم بیفزود و مقدّمات افتتاح رسمی آن معبد جلیل که آیتی از آیات جشن مئوی در آن سامان است بأحسنها و اکملها فراهم گردید

قیمت موقوفات امریّه در آن خطّهٔ مبارکه که بفرمودهٔ مرکز عهد الهی "میدان اشراق انوار است و کشور ظهور اسرار و منشأ ابرار و مجمع احرار" از سه ۳ ملیون دولار و تعداد مراکز امریّه در کافّهٔ ایالات متّحده از هزار و دویست ۱۲۰۰ و عدّهٔ ایالات که معترف برسمیّت و مستعدّ تسجیل عقدنامهٔ بهائی گشته از بیست ۲۰ متجاوز در شمال آن قارّهٔ مبارکه در اقلیم کندا که بفرمودهٔ حضرت عبدالبهآء "مستقبلش بسیار عظیم است و حوادثش بی‌نهایت جلیل" امر الهی یوماً فیوماً در ارتفاع و یاران جانفشان باستحکام مؤسّسات امریّه مشغول و بابتیاع بنائی بمبلغ چهل و نه‌هزار ۴۹۰۰۰ دولار جهت تأسیس حظیرةالقدس و محفظهٔ آثار ملّی بهائی در مدینهٔ تورونتو که از مدن مهمّهٔ آن اقلیم محسوب است مؤیّد و مفتخر

نار موقده در اثر تأکیدات مرکز میثاق جمال قدم در جزیرهٔ فسیحهٔ نائیهٔ گرین‌لند مشتعل و سراج امر بهمّت مهاجرین فی سبیل اللّه در جزیرهٔ نیوفاوندلند روشن و علم الهی در قرب مدار قطب شمال موّاج و قلوب از سطوع انوار تأیید در آن اقطار شمالیّه قرین سرور و فرح و ابتهاج و همچنین در جمهوریّات مرکزی و جنوبی امریک بهمّت یاران و اماء الرّحمن جدید الاقبال در مراکز مختلفهٔ متزایدهٔ آن اقالیم دو رکن رکین دیوان عدل الهی منصوب و اساس نظم بدیع در آن دیار بدرجه‌ئی مستحکم که در عواصم اکثر این جمهوریّات هیئت منتخبه در جامعهٔ بهائی رسمیّت یافته و محافل روحانیّه در دوائر دولتی مسجّل و مساحت کافّهٔ اراضی موقوفه در آن صفحات که یکی از آن اخیراً به کربلا و دیگری به رضوان بین‌النّهرین موسوم گشته از چهارصد و پنجاه‌هزار ۴۵۰۰۰۰ متر مربّع تجاوز نموده

در قارّهٔ پر شور و آشوب اوروپ بتأییدات حضرت ربّ البریّه و بهمّت مؤسّسین ارکان مدنیّت الهیّه و واضعان نقشهٔ ثانی هفت‌ساله دو مؤتمر مجلّل بین‌المللی بهائی یکی در عاصمهٔ مملکت لوکسمبورگ و دیگری در اقلیم هلند منعقد و در نتیجهٔ مذاکرات و مشاورات در ترویج امر خطیر تبلیغ و اتّساع دائرهٔ نشریّات امریّه روابط روحانیّه بین مراکز جدید التّأسیس در ده ۱۰ مملکت از ممالک مستقلّه که در سنین سبعهٔ اخیره در ظلّ امر الهی مستظلّ گشته ایجاد گردید و اساس نظم بدیع مستحکم گشت و رونق مؤسّسات بدیعه ازدیاد یافت

در مدینهٔ مدرید اوّلین مؤتمر بهائی مرکّب از نمایندگان پیروان جمال اقدس ابهی که در دو مملکت پرتقال و اسپانیا بترویج امر اعزّ اسنی مألوف و مشغولند منعقد و در مدینهٔ بروکسل یاران جمال رحمن که در اقالیم ثلاثهٔ هلند و لوکسمبورگ و بلجیک ساکن و مقیمند متّفقاً بتشکیل نخستین مؤتمر بهائی مؤیّد و در عاصمهٔ ایطالیا مرکز حبر اعظم مروّجان و حامیان امر جمال قدم بتأسیس اوّلین مؤتمر بهائی مرکّب از نمایندگان مراکز امریّه در آن اقلیم موفّق و در مملکت سویس در قلب آن قارّهٔ پر محنت و بلا طلیعهٔ جند هدی و متمسّکین بعروهٔ وثقی بانعقاد مؤتمر ثالث و رابع تابعان امر بهاء یکی در عاصمهٔ آن مملکت و دیگری در مدینهٔ بازل مفتخر

و اخیراً یاران عزیز در دو کشور سویس و ایطالیا بکمال اتّحاد و اتّفاق بعزمی راسخ و همّتی بلیغ بتهیّهٔ مقدّمات اوّلین انجمن شور روحانی در مدینهٔ فلورانس و تشکیل اوّلین محفل مرکزی روحانی و نصب رکن ثانی عشر بیت عدل اعظم الهی در ایّام رضوان در این سنهٔ مقدّسه مشغول و مألوف

در قلب قارّهٔ افریک نار موقده مشتعل و نمایندگان قبائل و عشائر بافق اعلی متوجّه و بحبل المتین آئین نازنینش متمسّک در بیست و پنج ۲۵ اقلیم از اقالیم تابعه در آن خطّهٔ وسیعه علم هدی مرتفع و عدّهٔ مؤمنین و مؤمنات که در یک سنه اقبال بامر ربّ متعال نموده و بعضی اصلاً مسیحی و بعضی فرقانی و بعضی وثنی از دویست و پنجاه ۲۵۰ متجاوز و عدّهٔ لغات متداولهٔ در

آن قارّه که آثار امریّه بآن ترجمه و طبع گشته به دوازده ۱۲ بالغ و در مدینهٔ کمپالا عاصمهٔ اقلیم یوگندا و در مدینهٔ دارالسّلام در اقلیم تنگانیکا و در مراکز اخری مهاجرین فی سبیل اللّه بوضع اساس نظم بدیع جهان‌آرای جمال ابهی و تشکیل اوّلین محفل روحانی موفّق و مفتخر و در عاصمهٔ اقلیم یوگندا بهمّت یاران جانفشان بنائی جهت تأسیس حظیرةالقدس بمبلغ هفده‌هزار ۱۷۰۰۰ دولار ابتیاع گشته و متجاوز از ده ۱۰ مرکز در این دو اقلیم و اقلیم لیبیا و کینیا و لیبریا و اقالیم دیگر که در سواحل شمالیّه و غربیّه و شرقیّهٔ آن قارّه واقع مهیّا و مستعدّ تشکیل محفل روحانی در ایّام سعید رضوانند و محافل مرکزی در جزائر بریطانیا و قارّهٔ امریکا و ایران و هندوستان و برما و پاکستان و مصر و سودان که در این مضمار مجاهد و مساعد یکدیگرند بتمام قوی ساعی که نار موقده یوماً فیوماً مشتعل‌تر گردد و نعرهٔ قبائل از دور و نزدیک بلند شود و مصداق یدخلون فی دین اللّه افواجاً در ممالک مستقلّه و اقالیم تابعه و جزائر مجاورهٔ آن قارّهٔ وسیعهٔ مستعدّه ظاهر و نمایان گردد

و همچنین در دو قارّهٔ آسیا و استرالیا جنود مجنّدهٔ امر بهاء بفتوحات و انتصارات عظیمه در این دو سنهٔ اخیره مفتخر و نائل بر وفق نقشهٔ جدیدهٔ یاران جانفشان هندوستان و برما و پاکستان پرچم امر الهی در جزیرهٔ سیلان موّاج و در عواصم اقالیم مجاوره بهمّت مهاجرین و مهاجرات مراکز امریّه در مجمع الجزائر اندونیزیا و دو اقلیم سَرَوَک و سیام و شبه جزیرهٔ مَلیا و اقالیم تابعهٔ نپال و هندوچین بعضی در شرف تأسیس و بعضی در تزاید اراضی وسیعه جهت تقویت و توسعهٔ مدرسهٔ جدید التّأسیس پنجگانی که مساحتش از صدهزار ۱۰۰۰۰۰ متر مربّع متجاوز ابتیاع گردید و محفل روحانی جدید التّأسیس در مدینهٔ معروفهٔ سینغاپور رسماً تسجیل گشت

و بهمّت یاران قارّهٔ استرالیا انوار ساطعهٔ این امر بر جزائر بعیدهٔ کَله‌دنیا در جنوب محیط اعظم پرتو افکند و مساحت اراضی موقوفه در آن قارّه و جزیرهٔ مجاورهٔ نیوزیلند از یکصد و پنجاه‌هزار ۱۵۰۰۰۰ متر مربّع تجاوز نمود

در مملکت ترکیّه پس از مدّتی رکود در جریان امور امریّه محفل روحانی در عاصمهٔ آن مملکت و نقاط اخری تأسیس گشت و در مدینهٔ کبیره قطعاتی از ارض متبرّکهٔ مشرّقه بقدوم مولی الأنام که قیمتش از دوازده‌هزار ۱۲۰۰۰ دولار متجاوز ابتیاع گردید و مقدّمات تملّک اراضی دیگر که موطئ اقدام مبارک در ارض سرّ بوده فراهم گشت و نیز اخیراً یَمَن بعنایت حضرت ذو المنن و همّت هموطنان اسم اعظم و دو جزیرهٔ فُرموزه و کُرِه بواسطهٔ یاران الهی در چین و امریک در ظلّ امر الهی وارد و از اشراق و لمعان نور هدی مستفیض و مستنیر گشت

یا معشر المحبّین این بود شمّه‌ئی از انتشار سریع محیّر العقول انوار این مصباح که در مشکوة ارض طاء صد سال قبل در بحبوحهٔ طوفان بلا برافروخت و در زوراء از خلف حجبات خارج گشت و در بلّور ارض سرّ متلألئ و مشتعل گردید و از افق حصن عکّا و قبلهٔ اهل بهاء سطوع بر آفاق غربیّه نمود و در نتیجهٔ استقرار نظم بدیع الهی شعشعات انوارش پس از انقضای یک قرن از مرکز جهانی عالم بهائی بر کرهٔ ارض از اقصی شمال باقصی جنوب عالم و از شرق اقصی بغرب اقصی پرتو افکند

اگر اندکی تأمّل و تفرّس نمائیم ملاحظه میگردد که این آثار که در اواخر این قرن پرانوار ظاهر و پدیدار گشته کلّ فی‌الحقیقه مقدّمه‌ئی بوده جهت انعقاد کنفرانسهای تاریخی چهارگانهٔ بین القارّات که اهل بهاء در پایان این قرن بپاس مواهب و فیوضات صدسالهٔ امر جمال ابهی و اجلالاً و تکریماً لأمره و اثباتاً لقدرته در این سال فرخنده‌فال که جشن اکبر اهل بهاست در چهار قارّه از قارّات عالم منعقد مینمایند و این انجمنهای اربعه که در تاریخ امر اللّه بی‌سابقه است هر یک مقدّمهٔ جهاد کبیر اکبر است جهادی که فارسان جیش عرمرم بهاء در مدّت ده ۱۰ سال بتأیید من الملإ الأعلی و بمعاونت ایادی امر اللّه و ناشرین نفحات اللّه و حامیان شریعت اللّه در جمیع اقطار و اشطار در آن مشارکت و معاضدت خواهند نمود و این جهاد جهانی روحانی نیز بنفسه مقدّمهٔ تأسیس و استحکام نظم بدیع الهی و اقامهٔ ارکان دیوان عدل الهی در جمیع ممالک و بلدان

عالم است که انشآءاللّه تعالی عموم من فی البهآء در عهود آتیهٔ عصر تکوین و در طیّ قرن ثانی بهائی بآن کاملاً موفّق و مفتخر خواهند گشت

مؤتمر اوّل بتأیید من اللّه و توفیق من لدنه در قلب قارّهٔ افریک در اواسط شهر شباط در این سنهٔ مقدّسه در مدینهٔ کمپالا تحت اشراف امنای محفل مرکزی بهائیان بریطانیا منعقد گردید و نمایندگان محافل مرکزی ایالات متّحده و ایران و بریطانیا و مصر و هندوستان رسماً شرکت نمودند و جمعی از ایادی امر اللّه و بیش از سی ۳۰ نفر از مهاجرین و مهاجرات و نمایندگان از نوزده ۱۹ مملکت و سی و دو ۳۲ نژاد و متجاوز از دویست و بیست ۲۲۰ نفر از یاران و امآء الرّحمن در آن انجمن مجتمع و مشترکین اکثر از یاران جدید الاقبال از جنس اسود و حضّار کلّ از زیارت شمایل مبارک نقطهٔ اولی و تلاوت آیات کتاب قیّوم‌الأسمآء و مشاهدهٔ صور متحرّکهٔ مقامات مقدّسهٔ علیا در ارض اقدس مستبشر و مذاکرات و مشاورات کلّ حصر در نشر نفحات اللّه و رفع لواء دین اللّه در اقالیم باقیه و جزائر مجاورهٔ واقعهٔ در شرق و غرب آن قارّهٔ وسیعه

مؤتمر ثانی انعقادش در قارّهٔ امریک در جوار امّ المعابد غرب در ایّام رضوان تحت اشراف امنای محفل مرکزی بهائیان ایالات متّحده مجریان فرمان تبلیغی مرکز عهد و پیمان حضرت یزدان و مرکّب اوّلاً از نمایندگان آن محفل مجلّل و محفل مرکزی بهائیان در اقلیم کندا که در تنفیذ این فرمان شریک و سهیمند و همچنین نمایندگان دو محفل مرکزی بهائیان امریکای مرکزی و جنوبی که معین و مساعد در اجرای آن فرمانند و ثانیاً از نمایندگان یاران و امآء الرّحمن در هر یک از ایالات متّحده و ولایات اقلیم کندا و جمهوریّات مرکزی و جنوبی قارّهٔ امریکا و هدفش مشاوره در تهیّهٔ وسائل جهت تأسیس امر اللّه در اقالیم باقیه و جزائر مجاوره در دو محیط اطلس و اعظم

مؤتمر ثالث انعقادش در ایّام تابستان در قارّهٔ اوروپ در عاصمهٔ اسوج تحت اشراف لجنهٔ تبلیغی قارّهٔ اوروپ که از لجنه‌های ملّی محفل مرکزی بهائیان ایالات متّحده محسوب است و مرکّب اوّلاً از نمایندگان محافل مرکزی بهائیان در ایالات متّحده و جزائر بریطانیا و آلمان و ثانیاً از نمایندگان ممالک اسوج و نروج و بلجیک و هلند و لکسمبورگ و سویس و ایطالیا و پرتقال و اسپانیا و انگلستان و ویلز و اسکوتلند و جزیرهٔ ایرلند و ممالک آلمان و فرانسه و فینلند و نمسه و هدفش مذاکره در ایجاد وسائل جهت تأسیس امر الهی در ممالک باقیهٔ مستقلّهٔ آن قارّه و جزائر مجاوره در بحر متوسّط و اوقیانوس اطلس و بحر شمال

مؤتمر رابع انعقادش در فصل خریف در قارّهٔ آسیا در عاصمهٔ هندوستان تحت اشراف امنای محفل مرکزی بهائیان هندوستان و برما و پاکستان و مرکّب اوّلاً از نمایندگان محافل مرکزی بهائیان ایران و هندوستان و برما و پاکستان و عراق و استرالیا و ایالات متّحده و کندا و جمهوریّات مرکزی و جنوبی قارّهٔ امریکا و ثانیاً از نمایندگان بهائیان در ممالک مستقلّه و اقالیم تابعه در قارّهٔ آسیا و قارّهٔ امریکا و قارّهٔ استرالیا و جزیرهٔ نیوزیلند و تسمانیا و هدفش تمهید وسائل جهت رفع لوآء امر اللّه در ممالک مستقلّه و اقالیم تابعه در قارّهٔ آسیا و جزائر متعدّدهٔ واقعه در اوقیانوس هند و محیط اعظم

یا احبّآء البهآء و مظاهر قدرته بین خلقه انعقاد این انجمنهای اربعه چنانچه از قبل ذکر شد تمهیدات اوّلیّه جهت افتتاح جهاد کبیر اکبر است که بمنظور اجرای وصایای مرکز عهد اللّه و تنفیذ فرمان تبلیغی مبیّن آیات اللّه مستظلّین در ظلّ شریعت اللّه کل کتلّة واحدة در اواخر عقد اوّل و عقد ثانی دومین قرن کور مقدّس قیام بر آن خواهند نمود آغاز این جهاد جهانی روحانی مقارن با جشن صدمین سال دعوت خفیّ جمال قدم در سجن اکبر مظلم و پایانش توأم با عید مئوی دعوت جهری آن محبوب عالم و موعود امم در رضوان اعظم امتدادش ده سال است و نطاقش اقطار و اشطار در سراسر جهان مصدر و منبع اصلی و محرّک حقیقیش ارادهٔ غالبهٔ نافذهٔ جمال قدم و فیوضات لاریبیّهٔ مبشّر اسم اعظم که از عالم بالا بر جند هدی ناظر و حامی و ملهم و مؤیّد گروه مجاهدین و مجاهدات در میادین جهانند سالار اعظمش غصن اعظم بهاء که از ملکوت ابهی دلیل

و هادی و ناصر جنود مجنّدهٔ پیمان است قوّادش امنای محافل مرکزی بهائیان در قارّات خمسه که مروّجان دین اللّهند و حامیان و ناصران شریعت اللّه اسباب و وسائل فعّاله که کافل و ضامن موفّقیّت مشترکین در این جهاد خطیر است مؤسّسات متینهٔ نظم بدیع الهی که مدّت سی ۳۰ سال است یاران الهی و امآء الرّحمن بر وفق احکام شارع قدیر و وصایای غصن بی‌نظیرش بایجاد و انتظام و استحکام آن پرداخته مقدّماتش نقشه‌های متعدّده که در این سنین اخیره در ممالک مختلفه محافل روحانی مرکزی در جامعهٔ بهائی هر یک مستقلاً بطرح و تنفیذ آن موفّق و نائل گشته و در نتیجه لیاقت و استعداد لازم جهت اقدام و اشتراک در این جهاد عظیم و جسیم اکتساب نموده

مقصد اصلیش در مقام اوّل توسعه و تقویت مؤسّسات امریّه در مرکز جهانی عالم بهائی در ارض اقدس و در مقام ثانی ایجاد وسائل فعّاله جهت تقویت جامعهٔ پیروان امر الهی در ده ۱۰ مملکت از ممالک شرقیّه و غربیّه که مراکز اداری جهت تنفیذ نقشه‌های تبلیغی ملّی خواهند بود

و در مقام ثالث استحکام اساس امر در یکصد و هیجده ۱۱۸ مملکت از ممالک مستظلّهٔ در ظلّ امر الهی

و در مقام رابع فتح ممالک و اقالیم تابعه و جزائر مهمّه که عددش به یکصد و سی و یک ۱۳۱ بالغ و تا بحال در ظلّ امر اللّه وارد نگشته

اهدافش که در پیام عمومی این عبد از قبل تصریح و تعیین گشته بس خطیر و عظیم و جلیل است

هدف اوّل اتّخاذ تمهیدات اوّلیّه جهت تشیید مقام اعزّ اطهر اقدس افخم جمال قدم و اسم اعظم در قلب حرم اقدس در ارض میعاد در مرج عکّا شمال مدینهٔ منوّرهٔ بیضا

هدف دوم مضاعفهٔ عدد اقالیم که در ظلّ امر الهی وارد گشته که مستلزم ارتفاع علم دین اللّه در اقالیم مهمّهٔ باقیهٔ عالم است و شامل جمیع اقالیم مذکورهٔ در الواح مرکز میثاق است که تا بحال در ظلّ لواء معقود وارد نگشته مجموع این اقالیم به یکصد و سی و یک ۱۳۱ بالغ و شامل چهل و یک ۴۱ اقلیم در قارّهٔ آسیا و سی و سه ۳۳ اقلیم در قارّهٔ افریقیا و سی ۳۰ اقلیم در قارّهٔ اوروپا و بیست و هفت ۲۷ اقلیم در قارّهٔ امریکا و از این اقالیم فتح بیست و نه ۲۹ اقلیم به محفل مرکزی بهائیان ایالات متّحده محوّل گشته که یازده ۱۱ اقلیم از آن در قارّهٔ افریقیا و هشت ۸ اقلیم در قارّهٔ آسیا و شش ۶ اقلیم در قارّهٔ اوروپ و باقی در قارّهٔ امریک واقع و فتح شانزده ۱۶ اقلیم به محفل مرکزی بهائیان هند و برما و پاکستان محوّل که یازده ۱۱ اقلیم از آن در قارّهٔ آسیا و باقی در قارّهٔ افریقیا واقع و فتح سیزده ۱۳ اقلیم به محفل مرکزی بهائیان ایران محوّل که هفت ۷ اقلیم از آن در قارّهٔ آسیا و باقی در قارّهٔ افریقیا واقع و فتح سیزده ۱۳ اقلیم به محفل مرکزی بهائیان کندا محوّل که یازده ۱۱ اقلیم از آن در قارّهٔ امریک و باقی در قارّهٔ آسیا واقع و فتح یازده ۱۱ اقلیم به محفل مرکزی بهائیان بریطانیا محوّل که هفت ۷ اقلیم از آن در قارّهٔ اوروپ و باقی در قارّهٔ افریقیا واقع و فتح یازده ۱۱ اقلیم به محفل مرکزی بهائیان آلمان و نمسه محوّل که تماماً در قارّهٔ اوروپ واقع و فتح نه ۹ اقلیم به محفل مرکزی بهائیان در جمهوریّات جنوبی امریکا محوّل که هشت ۸ اقلیم از آن در قارّهٔ امریک و یک ۱ اقلیم در قارّهٔ آسیا واقع و فتح هفت ۷ اقلیم به محفل مرکزی بهائیان در جمهوریّات مرکزی امریکا محوّل که چهار ۴ اقلیم از آن در قارّهٔ امریک و باقی در قارّهٔ آسیا واقع و فتح هفت ۷ اقلیم به محفل مرکزی بهائیان استرالیا و نیوزیلند محوّل که تماماً در قارّهٔ آسیا واقع و فتح شش ۶ اقلیم به محفل مرکزی بهائیان مصر و سودان محوّل که تماماً در قارّهٔ افریقیا واقع و فتح شش ۶ اقلیم به محفل مرکزی بهائیان سویس و ایطالیا محوّل که تماماً در قارّهٔ اوروپ واقع

و فتح سه ۳ اقلیم به محفل مرکزی بهائیان عراق محوّل که دو ۲ اقلیم از آن در قارّهٔ آسیا و یک ۱ اقلیم در قارّهٔ افریقیا واقع

هدف سوّم ازدیاد عدد لغاتی که آثار امریّه بآن ترجمه و طبع شده و یا در دست ترجمه است به بیش از دو برابر و از این لغات جدیده چهل ۴۰ لغت در قارّهٔ آسیا و سی و یک ۳۱ لغت در قارّهٔ افریقیا و ده ۱۰ لغت در هر یک از دو قارّهٔ اوروپ و امریک متداول و از این لغات که اکثرش کتاب مقدّس انجیل بآن ترجمه گردیده سی و یک ۳۱ لغت سهم محفل مرکزی بهائیان بریطانیا و بیست ۲۰ لغت سهم محفل مرکزی بهائیان ایالات متّحده و چهل ۴۰ لغت سهم محفل مرکزی بهائیان هند و برما و پاکستان

هدف چهارم استحکام اساس امر اللّه در یکصد و هیجده ۱۱۸ اقلیم از اقالیم عالم که در ظلّ امر اللّه وارد گشته و شامل بیست و نه ۲۹ اقلیم در قارّهٔ امریک و چهل و یک ۴۱ اقلیم در قارّهٔ آسیا و بیست و دو ۲۲ اقلیم در قارّهٔ اوروپ و بیست و چهار ۲۴ اقلیم در قارّهٔ افریقیا و دو ۲ اقلیم در قارّهٔ استرالیاست و از این اقالیم استحکام اساس امر اللّه در بیست و سه ۲۳ اقلیم به محفل مرکزی بهائیان ایالات متّحده محوّل گشته که دوازده ۱۲ اقلیم از آن در قارّهٔ اوروپ و شش ۶ اقلیم در قارّهٔ آسیا و سه ۳ اقلیم در قارّهٔ امریکا و باقی در قارّهٔ افریقیا واقع و چهارده ۱۴ اقلیم به محفل مرکزی بهائیان ایران محوّل که دوازده ۱۲ اقلیم از آن در قارّهٔ آسیا و باقی در قارّهٔ افریقیا واقع و چهارده ۱۴ اقلیم به محفل مرکزی بهائیان هند و پاکستان و برما محوّل که یازده ۱۱ اقلیم از آن در قارّهٔ آسیا و باقی در قارّهٔ افریقیا واقع و سیزده ۱۳ اقلیم به محفل مرکزی بهائیان در جمهوریّات مرکزی امریکا محوّل که جمیعش در آن قارّه واقع و یازده ۱۱ اقلیم به محفل مرکزی بهائیان بریطانیا محوّل که نه ۹ اقلیم از آن در قارّهٔ افریقیا و یک اقلیم در قارّهٔ اوروپ و یک اقلیم در قارّهٔ آسیا واقع و ده ۱۰ اقلیم به محفل مرکزی بهائیان در جمهوریّات جنوبی امریکا محوّل که تماماً در آن قارّه واقع و هشت ۸ اقلیم به محفل مرکزی بهائیان مصر و سودان محوّل که تمامش در قارّهٔ افریقیا واقع و هفت ۷ اقلیم به محفل مرکزی بهائیان آلمان و نمسه محوّل که ایضاً تمامش در قارّهٔ اوروپ واقع و هفت ۷ اقلیم به محفل مرکزی بهائیان عراق محوّل که جمیعش در قارّهٔ آسیا واقع و شش ۶ اقلیم به محفل مرکزی بهائیان استرالیا و نیوزیلند محوّل که چهار ۴ اقلیم از آن در قارّهٔ آسیا و باقی در قارّهٔ استرالیا واقع و چهار ۴ اقلیم به محفل مرکزی بهائیان کندا محوّل که سه ۳ اقلیم از آن در قارّهٔ امریک و یک اقلیم در قارّهٔ اوروپ واقع و یک اقلیم به محفل مرکزی بهائیان سویس و ایطالیا محوّل و آن در قارّهٔ اوروپ واقع

هدف پنجم مضاعفهٔ عدد مشارق اذکار در جامعهٔ بهائی که مستلزم اقدام بتشیید دو معبد یکی در قارّهٔ آسیا در مهد امر اللّه در ارض طاء که به امّ‌العالم و افق نور موصوف و منعوت و دیگری در قلب قارّهٔ اوروپ در مدینهٔ فرانکفورت که در قلب مملکت آلمان است و از آن کشور پراستعداد انوار امر الهی بفرمودهٔ مرکز عهد اللّه ساطع گردد و اقالیم مجاوره را روشن و منوّر گرداند

هدف ششم تعیین محلّ و ابتیاع اراضی جهت تأسیس بنیان افخم مشرق‌الأذکار جبل کرمل در جوار مرکز روحانی و اداری جهانی بهائیان در ارض اقدس

هدف هفتم تعیین محلّ و ابتیاع اراضی لأجل بنای یازده ۱۱ معبد که سه ۳ عدد آن من‌بعد بتأیید من اللّه در قارّهٔ امریک یکی در شمال آن قارّه در اقلیم کندا در مدینهٔ تورونتو و ثانی در عاصمهٔ جمهوریّت پناما و ثالث در جنوب آن قارّه در مدینهٔ سانتیاگو عاصمهٔ جمهوریّت شیلی تأسیس خواهد گشت و سه ۳ عدد دیگر در قارّهٔ افریقیا یکی در قلب آن قارّه در مدینهٔ کمپالا عاصمهٔ اقلیم یوگندا و ثانی در شمال آن قارّه در مدینهٔ قاهره عاصمهٔ قطر مصر مرکز عالم عربی و اسلامی و ثالث در مدینهٔ جوهانیزبرگ که از مدن مهمّهٔ افریقیای جنوبی محسوب بنا خواهد شد و پنج عدد دیگر که در آینده در قارّهٔ آسیا و قارّهٔ اوروپ و قارّهٔ استرالیا تأسیس خواهد گشت که یکی از آن در مدینةاللّه در جوار بیت اعظم ثالث الحرمین عالم بهائی و دیگری درمدینهٔ دهلی عاصمهٔ خطّهٔ وسیعهٔ هندوستان و ثالث در شمال قارّهٔ اوروپ در مدینهٔ استکهولم عاصمهٔ اسوج و رابع در جنوب

آن قارّه در عاصمهٔ ایطالیا در مدینهٔ رومیّه که مقرّ حبر اعظم و محور و مرجع اعلای اقدم و اهمّ مذاهب منشعبهٔ از امّت مسیحیّه است و خامس در مدینهٔ سیدنی که اوّلین مرکز امر اللّه است و از مدن مهمّهٔ قارّهٔ فسیحهٔ نائیهٔ استرالیا محسوب

هدف هشتم بنای اوّلین مؤسّسه از توابع و ملحقات امّ المعابد غرب در ایالات متّحده که در تاریخ امر بی‌سابقه و باعث استحکام روابط بین جامعهٔ پیروان امر الهی و ساکنین آن دیار خواهد گشت

هدف نهم تعیین وظائف و اتّساع دائرهٔ اقدامات و خدمات ایادی امر اللّه در سراسر عالم بهائی

هدف دهم تأسیس محکمهٔ بهائی در ارض اقدس که مقدّمهٔ انتخاب و تشکیل اعظم هیئت تشریعیّهٔ جامعهٔ پیروان امر الهی و استقرار بیت عدل اعظم در ارض اقدس خواهد بود

هدف یازدهم تنظیم و تدوین احکام منصوصهٔ کتاب مقدّس اقدس امّ‌الکتاب آئین بهائی ناموس اکبر "میزان الهدی بین الوری و برهان الرّحمن لمن فی الأرضین و السّموات"

هدف دوازدهم تأسیس شش ۶ محکمهٔ ملّی بهائی در اعظم مدن ممالک اسلامیّه در مدینةاللّه عاصمهٔ عراق عرب و ارض طاء عاصمهٔ کشور مقدّس ایران و مدینهٔ قاهره عاصمهٔ قطر مصر مرکز عالم عربی و اسلامی و دهلی عاصمهٔ هندوستان و کراچی عاصمهٔ پاکستان و کابل عاصمهٔ افغانستان

هدف سیزدهم اتّساع دائرهٔ موقوفات بین‌المللی بهائی در دامنهٔ جبل کرمل و مرج عکّا

هدف چهاردهم بنای محفظهٔ آثار بین‌المللی در جوار پرانوار مقام اعلی و در قرب مرقد بقیّةالبهآء خانم اهل بهاء و رمسین اطهرین غصن شهید بهاء و ورقهٔ مبارکهٔ علیا

هدف پانزدهم بنای مرقد منوّر حرم نقطهٔ اولی درمدینهٔ طیّبهٔ شیراز

هدف شانزدهم تعیین مدفن والد ماجد جمال قدم و اسم اعظم و مخدّرهٔ کبری امّ نقطهٔ اولی و ابن خال آن حضرت و انتقال رمس آنان به گلستان جاوید بهائیان در جوار بیت اعظم در مدینةاللّه

هدف هفدهم تملّک باغ رضوان در مدینةاللّه و ابتیاع محلّ و مقرّ سجن اکبر جمال رحمن در مدینهٔ طهران و مشهد نقطهٔ بیان در مدینهٔ تبریز و محبس آن حضرت در جبل شدید در آذربایجان

هدف هیجدهم تزیید عدّهٔ محافل مرکزی روحانی به بیش از چهار برابر که مستلزم تشکیل بیست و یک ۲۱ محفل در قارّهٔ امریک و سیزده ۱۳ محفل در قارّهٔ اوروپ و ده ۱۰ محفل در قارّهٔ آسیا و سه ۳ محفل در قارّهٔ افریقیا و ۱ محفل در قارّهٔ استرالیا و از بیست و یک ۲۱ محفل مرکزی که باید بهمّت محفل مرکزی بهائیان ایالات متّحده در قارّهٔ امریک تأسیس گردد بیست ۲۰ محفل در جمهوریّات مرکزی و جنوبی آن قارّه و یک محفل در اقلیم السکا در قارّهٔ شمالی واقع و از سیزده ۱۳ محفل مرکزی که در قارّهٔ اوروپ تأسیس خواهد گشت دوازده ۱۲ محفل بهمّت محفل مرکزی بهائیان ایالات متّحده در عواصم ممالک مستقلّهٔ اسوج و نروج و لکسمبورگ و بلجیک و دانمارک و هلند و فرانسه و فینلند و پرتقال و اسپانیا و سویس و ایطالیا و یک محفل دیگر بهمّت محفل مرکزی بهائیان آلمان در عاصمهٔ مملکت نمسه تشکیل خواهد شد و از ده ۱۰ محفل مرکزی که در قارّهٔ آسیا من‌بعد تأسیس میگردد چهار ۴ محفل بهمّت محفل مرکزی بهائیان هند و پاکستان و برما در عواصم جزیرهٔ سیلان و برما و پاکستان و در منطقهٔ واقعهٔ در شرق جنوبی قارّهٔ آسیا در مدینهٔ جاکارتا عاصمهٔ مجمع‌الجزائر ایندونیزیا و سه ۳ محفل بهمّت محفل مرکزی بهائیان ایران در عربستان در جزیرهٔ بحرین و عاصمهٔ ترکیّه و عاصمهٔ افغانستان و دو ۲ محفل بهمّت محفل مرکزی بهائیان ایالات متّحده در عاصمهٔ ژاپان و در جزائر محیط اعظم در مدینهٔ سووا عاصمهٔ جزائر فیجی و یک محفل بهمّت محفل مرکزی بهائیان عراق در شرق ادنی در ارض باء تشکیل خواهد گشت و از سه ۳ محفل مرکزی که در قارّهٔ افریقیا تشکیل میگردد یک محفل بهمّت محفل مرکزی بهائیان بریطانیا و موسوم به محفل مرکزی بهائیان افریقیای شرقی و مرکزی و

مرکزش در مدینهٔ کمپالا و دیگری بهمّت محفل مرکزی بهائیان ایالات متّحده و موسوم به محفل مرکزی بهائیان افریقیای غربی و جنوبی و مرکزش در مدینهٔ جوهانیزبرگ و دیگری بهمّت محفل مرکزی بهائیان مصر و سودان و موسوم به محفل مرکزی بهائیان در شمال غربی افریقیا و مرکزش در مدینهٔ تونس تشکیل خواهد شد و محفل مرکزی اخیر بهمّت محفل مرکزی بهائیان قارّهٔ استرالیا در عاصمهٔ جزیرهٔ نیوزیلند در مدینهٔ اوکلند تأسیس خواهد گشت

هدف نوزدهم تزیید تعداد حظائر قدس ملّی به هفت برابر که مستلزم تأسیس بیست و یک ۲۱ حظیرة در قارّهٔ امریک و پانزده ۱۵ حظیرة در قارّهٔ اوروپ و نه ۹ حظیرة در قارّهٔ آسیا و سه ۳ حظیرة در قارّهٔ افریقیا و یک حظیرة در جزیرهٔ نیوزیلند و حظیرهٔی دیگر در مدینهٔ لندن و این حظائر قدس ملّی در جمیع عواصم و مراکزی که در آن در سنین آتیه محافل مرکزی تأسیس خواهد شد استقرار خواهد یافت

هدف بیستم تدوین قانون اساسی و نظامنامهٔ ملّی بهائی و تأسیس موقوفات ملّی در هر یک از عواصم و مدن ممالک مستقلّه و اقالیم تابعهٔ مذکوره

هدف بیست و یکم تزیید عدد محافل مرکزی روحانی که تا بحال رسماً تسجیل گشته به بیش از پنج برابر که مستلزم تسجیل هر یک از محافل مرکزی ملّی که من‌بعد تأسیس خواهد یافت و باضافه تسجیل محفل مرکزی بهائیان ایران و عراق

هدف بیست و دوم تأسیس شش ۶ مؤسّسهٔ مطبوعات ملّی بهائی که دو مؤسّسه از آن در قارّهٔ آسیا یکی در طهران و دیگری در عاصمهٔ هندوستان و یک مؤسّسه در قارّهٔ شمالی امریک در شهر ویلمت و دیگری در قارّهٔ جنوبی در مدینهٔ ریودوجانه‌رو و مؤسّسهٔ دیگری در قارّهٔ افریقیا در مدینهٔ قاهره و دیگری در قارّهٔ اوروپ در مدینهٔ فرانکفورت تأسیس خواهد گشت

هدف بیست و سوّم اشتراک امآء الرّحمن ایران در عضویّت محافل روحانی ملّی و محلّی

هدف بیست و چهارم تأسیس شعبه‌های محافل روحانی ملّی بهائیان ایران و عراق و بریطانیا و استرالیا و آلمان و کندا در ارض اقدس بر حسب قوانین و مقرّرات حکومت جدید التّأسیس اسرائیل

هدف بیست و پنجم تأسیس مطبعهٔ ملّی بهائی در عاصمهٔ ایران

هدف بیست و ششم تحکیم روابط بین جامعهٔ بین‌المللی بهائی و هیئت امم متّحده

هدف بیست و هفتم در صورت امکان انضمام یازده ۱۱ جمهوریّت که از اجزاء اتّحاد جماهیر شوروی محسوبند و دو ۲ کشور از کشورهای اوروپ که مرتبط و تحت نفوذ آن هیئت است بدائرهٔ نظم اداری امر الهی بواسطهٔ محافل مرکزی بهائیان در ایران و امریک و آلمان

هدف بیست و هشتم که هدف اخیر و مسک الختام این جهاد عظیم و کبیر است انعقاد کنگرهٔ جهانی بهائی در جوار باغ رضوان که ثالث الحرمین عالم بهائی است بمناسبت جشن افخم اعزّ اعظم که مقارن با صدمین سال دعوت جهری جمال قدم و ارتقاء آن موعود امم و محیی رمم بر سریر سلطنت الهیّه خواهد بود و در سراسر عالم بهائی برپا خواهد گشت

یا احبّآء البهآء و مشاعل حبّه و منابع ذکره بین بریّته چه مقدار عظیم و خطیر است این جهاد جهانی روحانی و چه رفیع است مقام و منزلت فارسان مضمار عبودیّت و مجاهدان و باسلان این مبارزت در این عصر اعزّ مشعشع نورانی آنچه را لسان عظمت در این روز فیروز بآن شهادت داده بیاد آورید قوله عزّ بهائه "لعمر اللّه از برای ناصر مقدّر شده آنچه که خزائن ارض بآن معادله ننماید" در این اوان که جشن اکبر ابهی برپا صدای الوحآء الوحآء یا احبّآء البهآء العجل العجل یا امنآء البهآء از عالم بالا متصاعد و هتاف یا طوبی و یا بشری و یا عزّاً و یا شرفاً لمن قام بکلّیّته علی نصرة امر البهآء از ملأ اعلی متتابع و رنّهٔ ملکوتی انصرونی انصرکم العهد منکم و الوفآء من ربّکم و معینکم و ناصرکم از خلف سرادق ابهی مرتفع یوم یوم جهاد کبیر اکبر است و زمان زمان تشتّت و هجرت و مجاهدت و مبارزت و جانفشانی و استقامت در سبیل امر مالک قدر میقات ظهور وعود الهیّه و

بروز اسرار مکنونه و تحقّق بشارات عظیمه و جلوهٔ انتصارات باهره و وقوع وقائع خطیرهٔ جسیمه در شرق و غرب و جنوب و شمال جامعهٔ پیروان آئین حضرت احدیّه غیث عنایت هاطل است و نسائم جانپرور بشارت‌دهندهٔ طلوع فجر عزّت امر بهاء در هبوب و سائل و اسباب در اثر استقرار نظم بدیع الهی کاملاً مهیّا "و کلّ الأشیآء" بفرمودهٔ ربّ البرایا "حامل فیوضات و استعدادات لاتحصی" جنود الهام صائل و صفوف ملائکهٔ تأیید مصفوف میدان وسیع و دشمنان دیرین در شرفهٔ زوال الواح نصحیّه و ارشادات الهیّه منتشر و نقشهٔ ملکوتی در انظار عالمیان مکشوف و کیفیّت تنفیذش از قلم غصن بهاء مرقوم و اهدافش مصرّح و معلوم فرمان سالار جند بهاء صادر و اهل ملأ اعلی ناظر و منتظر وقت قیام و خروج و هجوم و جوش و خروش و کفاح و تسخیر مدن و فتح اقطار و غلبهٔ بر جهان و جهانیان است

اهل بهاء کما امرهم مولاهم و محبوبهم باید چون هوا لطیف شوند و چون نار مشتعل گردند و از ثقل ما سوی اللّه خفیف شوند و چون ارياح بر اقطار و اشطار مرور نمایند و از تلوّنات و تطوّرات و انقلابات عالم افسرده و مضطرب نگردند بقوّهٔ توکّل بیرون آیند و بردای تقوی مرتدی گردند و برجل استقامت قدم بمیدان گذارند و بانقطاعی بی‌نظیر و با توجّهی تامّ و قلبی پرفتوح و عزمی چون کوه آهنین مانند اولیا و اصفیا از پیشینیان در ممالک و بلدان متشتّت شوند و عالم کون را بحرکت آورند و در جبال و اودیه و براری و صحاری و جزائر ندای جانفزای یابهآءالأبهی را بسمع وضیع و شریف از طوائف و قبائل و عشائر و مذاهب و ادیان و طبقات و اجناس مختلفه رسانند پرچم امر اللّه را در ماوراء مدار قطب شمال مرتفع سازند و صیت آئین الهی را در جزائر واقعهٔ در اقصی جنوب نیمکرهٔ غربی مرتفع نمایند آوارهٔ صحاری عربستان و جبال و اتلال و دشتهای وسیعهٔ قارّهٔ آسیا و آجام افریک گردند و در مناطق بعیدهٔ صعب المرور در جزائر پاسیفیک در قلب محیط اعظم اقامت نمایند آرام نگیرند راحت نجویند و تأسّی بمطالع انوار در عصر رسولی نمایند و مداومت نمایند تا از خود در صحیفهٔ عالم یادگاری گذارند که عرفش الی ابد الدّهور مشامّ روحانیان را معطّر سازد

ای یاران عزیزتر از دل و جان تصوّر منمائید که تنفیذ و اجرای این نقشه و وصول باهداف این جهاد خطیر جهانی روحانی در این ایّام پر اغتشاش و انقلاب صعب و یا آنکه ممتنع و محال است اگر یاران باوفا چنانچه لایق و شایستهٔ عبودیّت آستان بهاست منقطعاً عن الجهات قیام نمایند و استقامت کنند این انقطاع و قیام و استقامت چنان نفوذی در هویّت عالم امکان نماید و تأثیر در آفاق و انفس نماید که خود حیران گردند ان اذکروا فی هذا المقام ما صدر من قلم المیثاق "حضرت اعلی روحی له الفدآء میفرماید لو ارادت نملة ان یفسّر القرآن من ذکر باطنه و باطن باطنه لتقدر لأنّ السّرّ الصّمدانیّة قد تلجلج فی‌حقیقة الکائنات چون مور ضعیف را چنین استعداد لطیف حاصل دیگر معلوم است که در ظلّ فیوضات جمال قدم روحی لأحبّائه الفدآء چه عون و عنایت حاصل گردد و چه تأیید و الهام متواصل شود"

ای یاران جان‌نثار بیقین مبین بدانید که در نتیجهٔ وقائع خطیرهٔ جسیمه که در پیش است و انتصارات باهره که آثار اوّلیّه‌اش در جامعهٔ بهائی حال نمایان گشته و در اثر تأییدات لاریبیّهٔ الهیّه و انقلابات جهان که متتابعاً متزایداً از پس پردهٔ قضا ظاهر و پدیدار میگردد امر عزیز الهی در عهود آتیهٔ عصر تکوین که عصر ثانی دور بهائی است و در عصر ذهبی که عصر ثالث و اخیر نخستین دور کور مقدّس است مراحل باقیه را در کافّهٔ ممالک و دیار که بانوار ساطعه‌اش در این قرن پرانوار منوّر گشته طیّ نماید و وعود الهیّه که در خزائن صحف قیّمه مخزون است کلّ تحقّق یابد دورهٔ مجهولیّت که اوّلین مرحله در نشو و نمای جامعهٔ اهل بهاست و مرحلهٔ ثانیهٔ مظلومیّت و مقهوریّت که در وقت حاضر در کشور ایران امر مبارک جمال ابهی آن را طیّ مینماید هر دو منقضی گردد و دورهٔ ثالث که مرحلهٔ انفصال شریعت اللّه از ادیان منسوخهٔ عتیقه است چهره بگشاید و این انفصال بنفسه مقدّمهٔ ارتفاع علم استقلال دین اللّه و اقرار و اعتراف بحقوق مسلوبهٔ اهل بهاء و مساوات پیروان امر جمال ابهی با تابعان ادیان معتبره در انظار رؤسای جهان و این استقلال ممهّد سبیل از برای رسمیّت آئین الهی و ظهور نصرتی عظیم شبیه و

نظیر فتح و فیروزی که در قرن رابع از میلاد حضرت روح در عهد قسطنطین کبیر نصیب امّت مسیحیّه گشت و این رسمیّت بمرور ایّام مبدّل و منجرّ بتأسیس سلطنت الهیّه و ظهور سلطهٔ زمنیّهٔ شارع این امر عظیم گردد و این سلطنت الهیّه مآلاً بتأسیس و استقرار سلطنت جهانی و جلوهٔ سیطرهٔ محیطهٔ ظاهری و روحانی مؤسّس آئین بهائی و تشکیل محکمهٔ کبری و اعلان صلح عمومی که مرحلهٔ سابع و اخیر است منتهی گردد اینست که میفرماید "این ظلمهای واردهٔ عظیمه تدارک عدل اعظم الهی مینماید" و این عدل اعظم یگانه اساس صلح اعظم و صلح اعظم کافل و ضامن استقرار وحدت اصلیّهٔ ملل و امم و این وحدت اصلیّه کاشف سلطنت اسم اعظم در سراسر عالم خواهد بود

و این مرحلهٔ اخیره بنفسه مقدّمهٔ ظهور و جلوهٔ مدنیّت حقیقیّهٔ الهیّه و بلوغ عالم برتبهٔ کمال که اعلی المراتب است و تبدیل ارض بقطعهئی از فردوس اعظم "اذاً تری الأرض جنّة الأبهی" فسبحان ربّنا البهیّ الأبهی و سبحان ربّنا العلیّ الأعلی

و حال در خاتمهٔ این اوراق شمّهئی از آنچه از سماء مشیّت نیّر آفاق و از قلم گهربار مرکز عهد و میثاق در بیان لزومیّت و اهمّیّت امر خطیر تبلیغ امر اللّه و نصرت دین اللّه و مهاجرت فی سبیل اللّه نازل گشته ثبت میگردد لیکون ختامه مسک و فی ذلک کفایة للمتبصّرین و تذکرة و تبصرة للمخلصین

"یا اهل البهآء انتم نسائم الرّبیع فی الآفاق بکم زیّنّا الامکان بطراز عرفان الرّحمن و بکم ابتسم ثغر العالم و اشرقت الأنوار ... ان اخرجوا من افق الاقتدار باسم ربّکم المختار و بشّروا العباد بالحکمة و البیان بهذا الأمر الّذی لاح من افق الامکان ایّاکم ان یمنعکم شیء عمّا امرتم به من القلم الأعلی اذ تحرّک علی اللّوح بسلطان العظمة و الاقتدار طوبی لمن سمع صریره اذ ارتفع بالحقّ بین الأرضین و السّموات ... طوبی لمحلّ و لبیت و لمقام و لمدینة و لقلب و لجبل و لکهف و لغار و لأودیة و لبرّ و لبحر و لجزیرة و لدسکرة ارتفع فیها ذکر اللّه و ثنائه ... نفس حرکت لوجه اللّه در عالم مؤثّر بوده و هست و در کتب قبل مقام توجّه مخلصین باطراف لأجل هدایت عباد مذکور و مسطور ... امروز روز بیان است باید اهل بهاء بکمال وفق و مدارا اهل عالم را بافق اعلی هدایت نمایند اجساد طالب ارواح است باید نفوس ملکوتیّه بنفحات کلمهٔ الهیّه اجساد را بارواح تازه زنده نمایند در هر کلمهئی روح بدیع مستور طوبی از برای نفسی که باو فائز شد و بتبلیغ امر مالک قدم قیام نمود ... ان یا احبّآء اللّه لا تستقرّوا علی فراش الرّاحة و اذا عرفتم بارئکم و سمعتم ما ورد علیه قوموا علی النّصر ثمّ انطقوا و لا تصمتوا اقلّ من آن و انّ هذا خیر لکم من کنوز ما کان و ما یکون لو انتم من العارفین ... ونفسه الحقّ سوف یزیّن اللّه دیباج کتاب الوجود بذکر احبّائه الّذین حملوا الرّزایا فی سبیله و سافروا فی البلاد باسمه و ذکره و یفتخر کلّ من فاز بلقائهم بین العباد و یستنیر بذکرهم من فی البلاد ... انّ الّذین هاجروا من اوطانهم لتبلیغ الأمر یؤیّدهم الرّوح الأمین ... فواللّه الّذی لا اله الّا هو لو یقوم واحد منکم علی نصرة امرنا لیغلّبه اللّه علی مائة الف و لو ازداد فی حبّه لیغلّبه اللّه علی من فی السّموات و الأرض کذلک نفخنا حینئذ روح القدرة فی کلّ الأشطار"

در کتاب وصایا آخرین ندای حمامهٔ ایکهٔ وفا و غصن برومند سدرهٔ منتهی و مرکز میثاق بهاء خطاب باهل بهاء و جالسین فلک ابهی این کلمات دریّات مدوّن و مسطور" ای ثابتان بر پیمان این طیر بال و پر شکسته و مظلوم چون آهنگ ملأ اعلی نماید و بجهان پنهان شتابد و جسدش تحت اطباق قرار یابد یا مفقود گردد باید افنان ثابتهٔ راسخهٔ بر میثاق اللّه که از سدرهٔ تقدیس روئیده‌اند با حضرات ایادی امر اللّه علیهم بهآء اللّه و جمیع یاران و دوستان بالاتّفاق بنشر نفحات اللّه و تبلیغ امر اللّه و ترویج دین اللّه بدل و جان قیام نمایند دقیقهئی آرام نگیرند و آنی استراحت نکنند در ممالک و دیار منتشر شوند و آوارهٔ هر بلاد و سرگشتهٔ هر اقلیم گردند دقیقهئی نیاسایند و آنی آسوده نگردند و نفسی راحت نجویند در هر کشوری نعرهٔ یابهآءالأبهی زنند و در هر شهری شهرهٔ آفاق شوند و در هر انجمنی چون شمع برافروزند و در هر محفلی نار عشق برافروزند تا در قطب آفاق انوار حقّ اشراق نماید و در شرق و غرب جمّ غفیری در ظلّ کلمة اللّه آید و نفحات قدس بوزد و وجوه نورانی گردد و قلوب ربّانی

شود و نفوس رحمانی گردد در این ایّام اهمّ امور هدایت ملل و امم است باید امر تبلیغ را مهمّ شمرد زیرا اسّ اساس است این عبد مظلوم شب و روز بترویج و تشویق مشغول گردید دقیقه‌ئی آرام نیافت تا آنکه صیت امر اللّه آفاق را احاطه نمود و آوازهٔ ملکوت ابهی خاور و باختر را بیدار کرد یاران الهی نیز چنین باید بفرمایند اینست شرط وفا و اینست مقتضای عبودیّت آستان بهاء حواریّون حضرت روح بکلّی خود را و جمیع شئون را فراموش نمودند و ترک سر و سامان کردند و مقدّس و منزّه از هوی و هوس گشتند و از هر تعلّقی بیزار شدند و در ممالک و دیار منتشر شدند و بهدایت من علی الأرض پرداختند تا جهان را جهان دیگر کردند و عالم خاک را تابناک نمودند و بپایان زندگانی در راه آن دلبر رحمانی جانفشانی کردند و هر یک در دیاری شهید شدند فبمثل هذا فلیعمل العاملون"

و در لوحی از الواح میفرماید "وقت آنست که جوش دریا زد و اوج ثریّا جست ... وقت تنگ است و حرکت خیل الهی بی‌درنگ باید سبقت و پیشی گرفت و شمع نورانی افروخت" و در مقامی دیگر این کلمات درّیّات از یراعهٔ مرکز عهد ربّ الآیات البیّنات خطاب بیاران خطّهٔ امریک صادر "یقین بدانید که هر نفسی الیوم بنشر نفحات اللّه قیام نماید جنود ملکوت اللّه تأیید فرماید و الطاف و عنایات جمال مبارک احاطه کند ای‌کاش از برای من میسّر میشد که پای پیاده ولو بکمال فقر بآن صفحات مسافرت مینمودم و نعره‌زنان در شهرها و دهات و کوه و بیابان و دریا یابهآءالأبهی میگفتم و ترویج تعالیم الهی مینمودم ولی حال از برای من میسّر نه لهذا در حسرتی عظیم هستم" و التّکبیر و البهآء و التّحیّة و الثّنآء علیکم و علی الّذین سمعوا و اجابوا ندآء ربّهم و محبوبهم و ترکوا اوطانهم و نسوا اوکارهم و فدوا راحتهم و رخائهم و سرعوا الی الأقالیم القاصیة و الأقطار الشّاسعة فی مشارق الأرض و مغاربها حبّاً للّه و خالصاً لوجهه و اتّباعاً لأمره و اعزازاً لدینه الأعزّ الأوعر الأفخم الأقدس الخطیر

نوروز ۱۱۰

توقیع مبارک نوروز ۱۱۱ بدیع

هیئت محترمهٔ مجلّلهٔ ایادی امر اللّه و حضرات افنان ثابتهٔ راسخهٔ بر میثاق اللّه و جنود منصورهٔ مجاهدان و مهاجران فی سبیل اللّه و عصبهٔ جلیلهٔ مبلّغان و ناشران نفحات اللّه و اعضای محافل مقدّسهٔ روحانیّه ارکان و حامیان شریعة اللّه و افراد جامعهٔ پیروان دین اللّه در کشور مقدّس ایران و خطّهٔ هندوستان و برما و پاکستان و اقالیم افریقیا و عربستان و قطر مصر و سودان و ترکیّه و افغانستان و عراق عرب و سوریّه و لبنان رجالاً و نسآءً صغیراً و کبیراً ملاحظه نمایند

یا نصرآء الرّحمن فی المدن و الدّیار البشارة البشارة که در این روز فیروز و نوروز سنهٔ اولای جهاد کبیر اکبر جهان‌افروز آثار علوّ و سموّ آئین نازنین و تباشیر نصرت و غلبهٔ گروه مجاهدین و مهاجرین و رافعین لواء مبین امر حضرت ربّ العالمین اهل آسمان و زمین را هر دو باهتزاز آورده و وله و طربی زائدالوصف احداث نموده اهل ملأ اعلی از این بطش و صولت حیران و هلهله‌کنانند و ارواح قدّیسین و کرّوبین و عن ورائهم معشر النّبیّین و المرسلین از نهیب این قیام و خروج و هجوم و جوش و خروش و تشتّت و مجاهدت لشکر حیات مستبشر و شادمان و پیروان جمال اقدس ابهی از این فتح و فیروزی علمداران حزب مظلوم در سراسر جهان در اشدّ هیجان و غلیان ندای جان‌افزای حمداً لربّنا العلیّ الأعلی حمداً لربّنا البهیّ الأبهی از حنجر فارسان مضمار مجاهدت و مظاهر انقطاع و قدرت و شجاعت و بسالت و توکّل و استقامت که در اقلّ از یک سنه بنیروی اسم اعظم و محیی رمم بفتح نود و یک ۹۱ اقلیم در شرق و غرب و جنوب و شمال در قارّات خمسهٔ عالم و دو محیط اطلس و اعظم و اوقیانوس هند و دو بحر متوسّط و شمال مفتخر گشته‌اند مرتفع و صلای ان استبشروا یا احبّائی و امنائی قد اقتربت السّاعة ان ارتقبوا یوم النّصر از خلف سرادق کبریا محلّ استوای عرش قائد اعظم جیش عرمرم و مقرّ سریر سلطان ملکوت ربّ الجنود متتابع و متواصل

حمداً و شکراً لربّنا البهیّ الباهی الهادی الغالب النّاصر القاهر الأبهی که سنهٔ مقدّسهٔ صدمین سال بعثت سرّی اسم اعظم و موعود ملل و امم باحسن وجه منقضی گشت و عید مئوی ثانی اهل بهاء و اصحاب رایت بیضا در این سال فرخنده‌فال بنحو شایسته خاتمه یافت و باعث اشتهار آئین حضرت ذو الجلال گردید جشن اکبر کما ینبغی و یلیق برپا گشت و انجمنهای اربعهٔ بین‌القارّات بشارت‌دهندهٔ انعقاد کنگرهٔ جهانی اهل بهاء در جوار بیت اعظم ابهی بابّهت و جلالی بی‌نظیر و نظم و ترتیبی بدیع و شور و ولهی بی مثیل و عدیل بتأییدات خفیّه و جلیّهٔ ربّ جلیل در قلب قارّهٔ مشتعلهٔ افریقیا و جوار امّ المعابد غرب در قارّهٔ امریکا و عاصمهٔ کشور اسوج در شمال قارّهٔ اوروپا و در عاصمهٔ اقلیم هندوستان در قارّهٔ آسیا تحت اشراف امنای محافل مرکزی روحانی بهائیان در جزائر بریطانیا و ایالات متّحدهٔ امریکا و هندوستان و پاکستان و برما در اواخر زمستان و موسم بهار و ایّام تابستان و فصل خریف متتابعاً منعقد گردید و جمعی از اعضای هیئت محترمهٔ مجلّلهٔ ایادی امر اللّه و افنان ثابتهٔ بر عهد اللّه و ناشرین نفحات اللّه و امنای محافل روحانی مرکزی و محلّی جامعهٔ پیروان دین اللّه و برخی از مهاجرین و مهاجرات فی سبیل اللّه و جمّ غفیری از پیروان اسم اعظم و سالکان سبیل اقوم و متمسّکین بحبل المتین شرع افخم اشرف اکرم از رجال و نساء که تعداد آنان از سه‌هزار و چهارصد ۳۴۰۰ متجاوز و از بیش از هشتاد ۸۰ اقلیم از اقالیم جهان در این مراکز اربعه مجتمع و بعضی از جنس ابیض و اسود و قلیلی از جنس اصفر و احمر و اسمر کلّ بکمال محبّت و وداد و اتّفاق و اتّحاد و وله و توجّه و انجذاب در ظلّ سراپردهٔ یگانگی مؤانس و مجالس و جمعاً بزیارت شمایل مبارک جمال اقدس ابهی و حضرت نقطهٔ اولی روحی لأدنی عبد من عبیدهم الفدآء مفتخر و فائز و از استماع آیات و غزلیّات و ادعیهٔ صادرهٔ از مخزن قلم اعلی و منتخبات

کتاب مستطاب قیّوم اسماء مهتزّ و از مشاهدهٔ صور متحرّکهٔ مقامات مقدّسهٔ علیا در ارض اقدس در مرج عکّا و جبل کرمل بالأخصّ قبّهٔ مرقد بهیّ الأنوار نقطهٔ اولی و ملاحظهٔ نقشه و مجسّمهٔ بدیعهٔ امّ المعابد ارض اقدس علیا محظوظ و مستبشر

عید اعظم رضوان که بنصّ قاطع عید اللّه و سلطان اعیاد است در این سنهٔ مقدّسه با انقضای نود ۹۰ سال تمام از بعثت جهری مالک انام در دارالسّلام مقارن گردید و این دو عید مجلّل در قطعهٔ امریک با افتتاح امّ المعابد غرب پس از انقضای پنجاه ۵۰ سال از آغاز تأسیس این مشروع خطیر توأم گشت و همچنین با انعقاد مؤتمر ثانی بین‌القارّات و انجمن سالیانهٔ شور روحانی یاران امریک مقارن گردید و بر سرور و حبور و شعف و ابتهاج حضّار و شرکت‌کنندگان و وکلای منتخبه و مدعوّین در این احتفال اعظم بیفزود در صحن آن بنیان رفیع الشّأن که حجر زاویه‌اش را ید قدرت مرکز میثاق جمال ابهی نهاده و قیمت اراضی و مصار ف بنا و تزیینات داخله و خارجه‌اش از دوملیون و نیم دولار تجاوز نموده و متجاوز از پانصد و سی‌هزار ۵۳۰۰۰۰ نفس بزیارت آن معبد افخم تا بحال فائز گشته جمّ غفیری از یار و اغیار از طبقات و ممالک و مذاهب مختلفهٔ متعدّده که تعدادشان از سه‌هزار ۳۰۰۰ متجاوز در میقات معیّن مجتمع و از ترتیل آیات و تلاوت مناجات و قرائت منتخبات کتب مقدّسهٔ الهیّه از زبور و تورات و انجیل و فرقان و استماع کلمات دریّهٔ بدیعهٔ صادرهٔ از کلک نقطهٔ اولی و غزلیّات و آیات مهیمنهٔ نازلهٔ از مخزن قلم اعلی مهتزّ و مستبشر و بیگانگان از تعالیم شارع امر الهی مستفیض و بر مقاصد اصلیّهٔ اهل بهاء مطّلع و بر عمومیّت و جامعیّت آئین جدید التّأسیس الهی کاملاً واقف و شاهد

و این اجتماع مهیب و عظیم که در اهمّ و اقدم مرکز امر اللّه در قارّهٔ امریک در ظلّ قبّهٔ شامخهٔ بیضای معبد جلیل القدر قویّ الأرکان سرمدیّ الآثار یاران در آن قارّه منعقد و در تاریخ امر بدیع بهیچوجه من الوجوه سابقه نداشته و شور و آشوبی جدید در قلوب دوران و نزدیکان انداخته نیز با افتتاح جهاد جهانی روحانی کبیر اکبر و انتشار نقشهٔ بدیعهٔ ده‌سالهٔ پیروان مالک قدر در خاور و باختر مقارن گردید و لزومیّت اجرای فرمان واجب الاذعان مرکز عهد و پیمان محبوب و مقصود عالمیان بر جنود مجنّدهٔ الهیّه در آن محشر عظیم ثابت و مدلّل گشت و وظائف موکولهٔ مفروضهٔ مرجوعهٔ حتمیّهٔ مقدّسه و تکالیف متعدّدهٔ مختلفهٔ مجریانش راجع باتّخاذ تمهیدات اوّلیّه جهت تشیید ضریح مطهّر مقدّس جمال ابهی در مرج عکّا و رفع لواء دین اللّه در یکصد و سی و یک ۱۳۱ اقلیم از اقالیم دنیا و ترجمه و طبع آثار امریّه به نود و یک ۹۱ لغت از لغات شرقیّه و غربیّه و استحکام اساس مؤسّسات امریّه در یکصد و بیست و هشت ۱۲۸ اقلیم از اقالیم مستظلّهٔ در ظلّ امر الهی و بنای دو معبد یکی در ارض طاء و دیگری در قلب قارّهٔ اوروپا و ابتیاع اراضی جهت بنای امّ المعابد ارض اقدس و یازده ۱۱ معبد دیگر در قارّات خمسهٔ عالم و بنای اوّلین مؤسّسه از توابع امّ المعابد غرب و تشکیل محاکم شرعیّهٔ بهائی در ارض اقدس و عواصم ممالک اسلامیّه و اتّساع دائرهٔ اقدامات ایادی امر حضرت ربّ البریّه و تدوین احکام منصوصهٔ در امّ الکتاب شریعت بهائیّه و اتّساع دائرهٔ موقوفات بین‌المللی بهائی در ارض میعاد و بنای دارالآثار بین‌المللی در جبل کرمل و تشیید مرقد منوّر حرم نقطهٔ اولی در مدینهٔ شیراز و تعیین مدفن والد ماجد جمال قدم و مخدّرهٔ کبری امّ نقطهٔ اولی و ابن خال آن حضرت و انتقال رمس آنان بگلستان جاوید بهائیان در مدینةاللّه و تملّک باغ رضوان در مدینةاللّه و ابتیاع سجن اکبر در مدینهٔ طهران و مشهد نقطهٔ اولی در مدینهٔ تبریز و محبس آن حضرت در آذربایجان و تأسیس چهل و هشت ۴۸ محفل مرکزی روحانی ارکان بیت عدل اعظم و تأسیس پنجاه ۵۰ حظیرةالقدس ملّی در قارّات خمسهٔ عالم و تدوین قانون اساسی و تأسیس موقوفات ملّی و تسجیل محافل مرکزی روحانی جدید التّأسیس و دو محفل مرکزی روحانی ایران و عراق عرب و تأسیس شش ۶ مؤسّسهٔ مطبوعات ملّی بهائی و اشتراک امآء الرّحمن ایران در عضویّت محافل روحانی ملّی و محلّی و تأسیس شعبه‌های شش ۶ محفل روحانی مرکزی و تحکیم روابط بین جامعهٔ بین‌المللی بهائی و هیئت امم متّحده و تأسیس مطبعهٔ ملّی بهائی در عاصمهٔ کشور ایران یک یک مکشوف و معلوم و واضح گردید

در ارض اقدس لانه و آشیانهٔ انبیا و مرکز روحانی جهانی اهل بهاء و محور و مرجع اعلای کافّهٔ مؤسّسات نظم بدیع جهان‌آرای پیروان امر ابدع اسنی اجلالاً لهذه السّنة المقدّسة و تکریماً لمقام النّقطة الأوّلیّة الأزلیّة مشروع محیّر العقول تشیید ضریح اقدس اطهر اکرم باب اللّه الأعظم و ذکره اللّه الأعزّ الأفخم بوجه اکمل و اتمّ انجام و اتمام یافت و قبّهٔ منیعهٔ بدیعهٔ جسیمهٔ ذهبیّهٔ مقدّسه‌اش که تاج ثالث آن مقام اطهر است و ارتفاعش از چهل ۴۰ متر و مساحتش از دویست و پنجاه ۲۵۰ متر مربّع متجاوز و مقدّمات نصب ارکان هشت‌گانه‌اش در داخل آن مقام مقارن عید نوروز در سنهٔ ۱۹۵۱ فراهم و احجار اوّلیّه‌اش مقارن نوروز سنهٔ ۱۹۵۳ منصوب گشته بود در پایان این سنهٔ مقدّسه سنهٔ مئوی میلاد دعوت سرّی جمال قدم مقارن انعقاد مؤتمر رابع بین‌القارّات جامعهٔ پیروان اسم اعظم مرتفع گشت و مرکز مجلّل مقدّس روحانی جهانی پیروان محیی رمم در دامنهٔ کرم الهی بأحسنها و اکملها پس از شصت ۶۰ سال انتظار تأسیس یافت و دستور صادر از فم مطهّر کاملاً تنفیذ گردید در اواسط آن سنهٔ مقدّسه در ایّام عید سعید رضوان بنصب قطعه‌های مذهّب گنبد مقام مهیمن مولی الأنام متوکّلاً علی اللّه مباشرت گردید و در یوم تاسع آن عید اعظم که با انقضای نود ۹۰ سال تمام از اظهار امر جمال اقدس ابهی در مدینهٔ دارالسّلام مقارن گشته بود اجتماعی از مسافرین و مجاورین کعبهٔ مقصود در جوار آن مقام مقدّس انعقاد یافت و مجتمعین کلّ خاضعاً خاشعاً متذکّراً مبتهلاً حامداً شاکراً مولاهم و مقصودهم و مبشّر امر ربّهم و معبودهم توجّه بآن ضریح منوّر نموده و بعضی از محتفلین در آن یوم مقدّس بطبقهٔ اعلای آن بنای افخم ارتقا جسته و پس از وضع مشتی از تراب سقف حجرهٔ سجن مبارک آن مظلوم در جبل ماه‌کو در عقب قطعه‌ئی از قطعات مذهّب تاج آن مقام محمود و طواف آن قبّهٔ شامخه جمعاً بزیارت عتبهٔ مقدّسه‌اش فائز و بذکر بلایای واردهٔ بر آن مولای فرید و وحید در دو جبل باسط و شدید و قدرت قاهرهٔ نافذه و عنایات فائقهٔ مبذولهٔ جمال قدم و اسم اعظم یگانه محبوب و مقصود آن سلطان امم در حقّ مبشّر امر مبرمش و انذارات و بشارات صادرهٔ از قلم مقدّسش که در قیّوم اسماء و توقیع شاه غافل ذاهل مدوّن مألوف و متذکّر گشتند قوله جلّت عظمته

"قسم بخداوند اگر بدانی در عرض این چهار سال چها بر من گذشته است از حزب و جند حضرتت نَفَس را بنَفَس نمیرسانی از خشیة اللّه الّا و آنکه در مقام اطاعت امر حجّت اللّه برآئی و جبر کسر آنچه واقع شده فرمائی قسم بسیّد اکبر اگر بدانی در چه محلّ ساکن هستم اوّل کسی که بر من رحم خواهد کرد حضرتت میبود در وسط کوه قلعه‌ایست در آن قلعه از مرحمت آن حضرت ساکن و اهل آن منحصر است بدو نفر مستحفظ و چهار سگ حال تصوّر فرما چه میگذرد" و ایضاً میفرماید "یا قرّة العین قل انّی انا النّور قد کنت علی الطّور الفؤاد بالحقّ مشهوداً یا قرّة العین انّا قد شرحنا صدرک فی الأمر من کلّ شیء علی الحقّ بالحقّ بدیعاً ... اصبر یا قرّة العین فانّ اللّه ضمّن عزّک علی البلاد و من علیها و هو اللّه کان علی کلّ شیء قدیرا" تعالی تعالی قدرته النّافذة السّاریة فی حقائق الکائنات تعالی تعالی امره القاهر الغالب علی من فی الأرضین و السّموات تبارک الّذی بدّل النّار بالنّور و الذّلّ بالعزّ و الاضطراب بالاطمینان و الشّدّة بالرّخآء و الحزن بالفرح الأکبر و السّجن بالقصر الرّفیع و المقام الشّامخ السّامی المتلألئ الأعزّ الأطهر الأجمل الأتقن الأبدع البدیع

و این بنیان رفیع الشّأن قویّ الأرکان سرمدیّ الآثار که نتیجهٔ شهادت آن سیّد اخیار و نفی و تبعید جمال مختار باین دیار و مقدّمهٔ سلطنت ابدیّه و سلطهٔ ظاهره و سیطرهٔ محیطهٔ شارع اعظم و مظهر قدرت پروردگار است و بشارت‌دهندهٔ استقرار مدنیّت الهیّه که ولید امر عزیز کردگار است و بر مدینهٔ منوّرهٔ فسیحهٔ مبارکهٔ حیفا مشرف و در قلب کوه خدا نورافشان حال بمثابهٔ ملکه در انظار آشنا و بیگانه ظاهر و باهر و جالب انظار و جاذب افئده و قلوب جمهور اغیار و ابرار در آغوش آن جبل مقدّس در بحبوحهٔ جنّت علیا و در وسط اراضی موقوفهٔ مقام علیّ اعلی بر عرش عُلی جالس و برداء بیضا مرتدی و صدرش باسم اعظم مزیّن و رأسش بتاج ذهبی متوّج و حزامش بلونین خضرا و حمرا ملوّن و بحدائق وسیعهٔ متعدّده محاط و در مقابل اقدامش طبقات ممتدّه که هر یک بمصابیح مضیئه روشن کأنّها طبقات من النّور نور علی نور وجهش بسوی سجن اعظم ابهی

الموصوف بسمآء السّمآء من القلم الأعلی و قبلهٔ اهل بهاء مطاف ملأ اعلی در وادی ایمن مرج عکّا متوجّه و در یمینش اتلال جلیل مهد مسیح صبیح و محلّ بعثت حضرت روح که در قرب شاطئ نهر اردن واقع و در یسارش رأس کرمل مقام حضرت ایلیا و بقعهٔ مرتفعهٔ علیا که بقدوم جمال اقدس ابهی و صدور لوح کرمل از مخزن قلم اعلی مشرّف و مفتخر گشته و در خلفش جبلین صهیون و زیتا و اورشلیم قدیمة البیت المقدّس و محلّ شهادت و مدفن حضرت عیسی و مقرّ استقرار عرش داود و معبد عظیم الشّأن سلیمان و مسجد اقصی ثالث الحرمین عالم اسلامی و عن ورائهم جبل السّینا مهد شریعت موسویّه بقعة الطّور فاران النّور ارض القدس الّتی فاز فیها الکلیم باصغآء النّدآء من الشّجرة المبارکة و عن ورائهم جزیرة العرب ارض الحجاز مهد شریعت محمّدیّه و مدینهٔ یثرب و بطحا مکّهٔ مکرّمه و مدینهٔ منوّره قبلة الاسلام و مضجع سیّد الأنام علیه آلاف التّحیّة و الثّنآء

تعالی تعالی هذا المقام الشّامخ الأعظم العظیم تعالی تعالی هذا المضجع المبارک المعطّر المطهّر المتلألئ المنیع تعالی تعالی هذا المقرّ الأعزّ الأقدس المبارک الرّفیع

یا ملکة کرمل علیک من التّحیّات اطیبها و ازکاها و من الصّلوات اجملها و ابهاها تبارک الّذی شرّف مقرّک بقدومه و عیّن مقامک و ذکرک فی لوحه و کتابه نعم الاقتدار هذا الاقتدار الّذی تحیّرت منه افئدة المقرّبین و المرسلین

کأنّی اراک فی منامی مستویةً علی عرشک العظیم مرتدیةً ردائک البیضآء متوّجةً بتاجک الذّهبی تتلألأ الأنوار فیک و حولک مناديةً بأعلی النّدآء ناطقةً بین الأرض و السّمآء

و کأنّی اشاهد ارواح القدّیسین و الکرّوبین یسرعنّ الیک بکلّ شوق و وله و انجذاب و یشیرنّ بأصابعهم الیک و یطوفنّ حولک و یستنشقنّ روائح ازهارک و اورادک و یستبرکنّ بتراب مقامک و یخرّنّ بوجوههم علی التّراب تلقآء وجهک اجلالاً و اعزازاً لسکینة اللّه فیک و اللّؤلؤ المکنون فی حضنک

طوبی الف طوبی لمن یزورک و یطوفک و یخدمک و یسقی ازهارک و یجد روائح القدس من اورادک و یثنی علیک و یمجّد مقامک حبّاً للّه موجدک فی هذا العصر المشعشع المقدّس الأعظم الأعزّ البدیع

یا اولیآء اللّه و حزبه حال وقت آنست که نظر را به نتائج و تأثیرات این جشن اکبر اعزّ اکرم که در پایان صدمین سال دعوت سرّی جمال قدم در سجن انتن اظلم در اکثر ممالک و بلدان عالم بهمّت پیروان اسم اعظم و تحت اشراف نمایندگان جامعهٔ سالکین صراط اقوم برپا گشته متوجّه سازیم و در وقائع اخیره و تطوّرات جدیدهٔ امر الهی و فتوحات و انتصارات باهرهٔ متتابعه که جند هدی بر اثر صدور فرمان رفیع و منیع و یرلیغ بلیغ قائد آسمانی و مرکز عهد ارفع اتقن صمدانی در این اشهر معدوده در میادین این عالم ظلمانی بآن فائز و نائل گشته‌اند اندکی تفرّس و تمعّن نمائیم شکر و سپاس محرّک عالم وجود حضرت معبود و جمال مقصود را لائق و سزا که آثار اوّلیّهٔ این نهضت روحانی قبل از انقضای سنهٔ اولای نقشهٔ ده‌سالهٔ مشترکین در این جهاد جهانی در انفس و آفاق نمایان و پدیدار گشته و تباشیر طلوع و بزوغ شمس عزّت موعوده و غلبهٔ ظاهره و سیطرهٔ محیطهٔ امر حضرت احدیّه در آفاق غربیّه و شرقیّه و جنوبیّه و شمالیّه کاملاً هویدا و نمودار گشته امر عزیز الهی بر وفق تعلیمات و ارشادات و تأکیدات متتابعهٔ سالار اعظم جند بهاء که در الواح نصحیّه و کتاب وصایا مرقوم و مدوّن و بر طبق نقشهٔ ملکوتی مرتسمهٔ بقلم معجزشیم مرکز عهد اتقن اوفی در الواح متعدّده صادرهٔ بافتخار علمداران حزب مظلوم در قارّهٔ امریکا و بوسیلهٔ مؤسّسات متینهٔ نظم بدیع الهی که مدّت سی ۳۰ سال است بانیان این صرح مشید بتأسیس و استحکامش مشغول و مألوفند بسرعتی محیّر العقول در تقدّم و انتشار و تعداد پیروانش یوماً فیوماً در ازدیاد و دائرهٔ تصرّفات عجیبهٔ غریبهٔ مدهشه‌اش آناً فآناً در اتّساع صیت بزرگواریش در اقطار مرتفع و آثار بهیّه‌اش در ممالک و دیار منتشر بساط نظم جهان‌آرایش در معرض عالم مبسوط و دعائم لایتزعزع و لایتزلزل شرع شریفش در کلّ آفاق مرفوع گروه مجاهدین و مجاهداتش در وله و انجذابند و نار عشق دلدادگانش از شیخ و شاب در غایت اشتعال و التهاب حامیان و انصارش در بسیط غبرا متشتّت اسرارش مشتهر احکامش نافذ

رافعین رایت بیضایش منصور انوارش متلألئ شآبیب فضل و احسان مؤسّس عظیم الشّأنش مستمرّاً هاطل و قوّهٔ دافعهٔ ساریه‌اش در هویّت کائنات متلجلج فدائیانش پر شور و آشوب و روائح مسکیّهٔ آثار بهیّه‌اش در اقطار و جزائر نائیه در نواحی قطبین شمال و جنوب در مرور و هبوب عَلَم مبینش در ماوراء قطب شمال موّاج و سراج وهّاجش در ابعد مدن جنوبیّهٔ عالم از خطّ استوا مستضیء هلهلهٔ منادیانش در میادین اوروپ و امریک و آسیا و افریک مرتفع و انتصارات باهرهٔ ناشرین نفحاتش متواصل و متزاید و ایادی فعّاله‌اش بتبشیر و ترویج و سیر و سفر و استحکام بنیاد مؤسّساتش در قارّات خمسه و بقعهٔ مبارکهٔ مقدّسه لیلاً و نهاراً مشغول و مألوف صاعقهٔ غیرت الهی بر ناقضان عهد وثیق و ناکصان میثاق غلیظ شارع قدیرش متتابعاً نازل و حنین و ناله و انین دشمنان و خصماء دیرینش از منابر و معاهد مرتفع ولولهٔ جمّ غفیری از زنگیان از قبائل متعدّدهٔ مختلفه در قلب قارّهٔ مشتعلهٔ افریک متصاعد و اقبال سرخ‌پوستان و زردپوستان در غرب اقصی و شرق اقصی مترادف و متتابع زمامداران از بطش و صولت و انقطاع و استقامت این جنود باسله حیران و علماء سوء از مسیحی و مسلمان بر اثر این فتح و فیروزی فارسان این مضمار مغموم و هراسان

ملاحظه نمائید سپاهیان این جیش عرمرم که در شرق و غرب و جنوب و شمال در قارّات خمسهٔ عالم و در جزائر اوقیانوس هند و بحرین متوسّط و شمال و دو محیط اطلس و اعظم منتشر و در مدن و قری و صحاری و آجام سیّار و در اودیه و جبال منادی و در جزائر نائیه در ماوراء مدار قطب شمال مقیم بشأنی قیام نموده‌اند و ندای قوموا عن مراقدکم و اهجروا اوطانکم و انصروا امر ربّکم و بارئکم که در الواح نازلهٔ از کلک نقطهٔ اولی و جمال ابهی و مرکز میثاق بهاء نازل اجابت کرده‌اند و چنان ثبات و استقامتی ظاهر نموده‌اند که در اقلّ یک سنه بفتح نود و یک ۹۱ اقلیم از اقالیم دنیا موفّق و مفتخر گشته‌اند و جمیع اقالیم باقیهٔ مذکورهٔ در نقشهٔ ده‌ساله را باستثنای جمهوریّات اتّحاد شوروی و ممالک تحت نفوذ آن هیئت متعهّد شده‌اند و بنصرت و ظفری نائل گشته‌اند که شبه آن نه در عهود ثلاثهٔ عصر رسولی و نه در نخستین عهد عصر تکوین مشاهده گشته آئین نازنین که در دورهٔ بیان اوّلین عهد نخستین عصر دور بهائی در مدّت نه ۹ سال نطاقش بدو کشور ایران و عراق عرب منحصر بود و در عهد ثانی عهد جمال اقدس ابهی در مدّت سی و نه ۳۹ سال عَلَمش در سیزده ۱۳ اقلیم از اقالیم شرقیّه و در عهد ثالث عهد مرکز میثاق جمال قدم در مدّت بیست و نه ۲۹ سال در بیست ۲۰ مملکت دیگر از ممالک شرقیّه و غربیّه مرتفع گشته بود و پس از انقضای صد ۱۰۰ سال از سنهٔ ستّین تعداد ممالک مستظلّهٔ در ظلّش به هفتاد و هشت ۷۸ بالغ گشته بود و پس از انقضای نه ۹ سال در حین افتتاح جهاد جهانی روحانی اهل بهاء انوار ساطعه‌اش یکصد و بیست و هشت ۱۲۸ اقلیم را روشن نموده بود حال قبل از اختتام نخستین سنهٔ این جهاد کبیر اکبر دائره‌اش چنان اتّساعی یافته که من حیث المجموع تعداد ممالک مستقلّه و اقالیم تابعه که در ظلّ شجرهٔ لاشرقیّه و لاغربیّه وارد به دویست و نوزده ۲۱۹ بالغ گشته و از این ارقام کاملاً مستفاد میگردد که پس از انقضای سه ربع قرن از بعثت نقطهٔ اولی مقارن انتهای عصر رسولی نخستین عصر دورهٔ اولای کور مقدّس که امتدادش هفتاد و هفت ۷۷ سال و ابتدایش سنهٔ ستّین و انتهایش صعود مرکز میثاق جمال مبین است اقلّ از چهل اقلیم در ظلّ امر اللّه وارد گشته و در مدّت ربع قرن بل اقلّ از آن از صعود مرکز میثاق جمال ابهی تا جشن صدمین سال بعثت نقطهٔ اولی بیش از چهل ۴۰ اقلیم از انوارش مستفیض گشته و در مدّت نه ۹ سال که فاصلهٔ بین عید مئوی اوّل و ثانی اهل بهاست پنجاه ۵۰ مملکت از ممالک دنیا منضمّ بممالک مفتوحه گشته و اخیراً در اقلّ یک سنه از حین افتتاح جهاد کبیر اکبر الی یومنا هذا متجاوز از نود ۹۰ اقلیم بممالک و اقالیم مستظلّهٔ مفتوحه اضافه گشته و عدّهٔ این اقالیم مفتوحه از حین افتتاح جهاد کبیر اکبر تا بحال سه ۳ ربع کلّیّهٔ اقالیمی است که باید بر طبق نقشه در مدّت ده سال در تصرّف امر بدیع درآید

و این اقالیم و جزائر و مراکز که بهمّت یاران برگزیدهٔ امر کبریا و مشاعل حبّ و وفا و فارسان و رسولان جمال ابهی و مجریان فرمان مقدّس غصن دوحهٔ بقا حضرت عبدالبهآء در اندک مدّتی در ظلّ شجرهٔ انیسا مستظلّ گشته و در دائرهٔ نظم

جدید التّأسیس قویّ الأرکان سریع الاتّساع عدیم المثال جهان‌آرای الهی وارد گشته شامل جمیع اقالیم مذکورهٔ در نقشهٔ ده‌ساله و واقعهٔ در قارّهٔ اوروپ باستثنای جمهوریّات و ممالک تابعهٔ اتّحاد شوروی و جمیع اقالیم واقعهٔ در قارّهٔ امریک باستثنای اقلیم لبرادُر و جمیع اقالیم واقعهٔ در قارّهٔ آسیا باستثنای دو اقلیم تیبت و بوتان و جمهوریّات و ممالک تابعهٔ اتّحاد شوروی در آن قارّه و همچنین شامل کافّهٔ جزائر بحر الرّوم که قعرش در این ایّام مقرّ و آرامگاه نفس نفیس ایادی امر اللّه و در ساحلش مضجع شهید فی سبیل اللّه واقع و همچنین جمیع جزائر بحر شمال باستثنای جزیرهٔ سپیتزبرگن و اکثری از جزائر نائیه که در قطب محیط اعظم و دو اوقیانوس هند و اطلس واقع و همچنین دو جزیرهٔ فرانکلین و فالکلند که یکی در ماوراء مدار قطب شمال متجاوز از هفتاد ۷۰ درجه شمال خطّ استوا واقع و دیگری در قرب مدینهٔ مجلّانیس که ابعد مدن جنوبیّهٔ عالم از خطّ استواست و در این اقالیم شمالیّه که در ماوراء مدار قطب شمال واقع چنانچه معلوم است در اواسط تابستان آفتاب غروب نمی‌نماید و در نیمهٔ شب مشرق و نمایان اینست که از قلم اعلی در کتاب اقدس این آیهٔ مبارکه نازل "و البلدان الّتی طالت فیها اللّیالی و الأیّام فلیصلّوا بالسّاعات و المشاخص الّتی منها تحدّدت الأوقات انّه لهو المبیّن الحکیم"

و همچنین این ممالک مفتوحهٔ جدیده شامل بعضی از مستعمرات بعیده است که در محیط هند و در ساحل اوقیانوس اطلس واقع و محلّ تبعید و اجتماع مجذومین و مبروصین و منفای مجرمین و محکومین باعمال شاقّه و بردائت آب و هوا و سکّانش بتوحّش و تعصّب معروف و موصوف و همچنین اقالیم دیگر که ذکرش در تاریخ امر الهی مذکور و مثبوت که یکی از آن اقلیم فیزان است که در حدود صحرای قارّهٔ افریک واقع و آن صحرائی است که در بحبوحهٔ انقلاب مفتّشین جالس بر اریکهٔ ظلم خلیفهٔ اسلام عبدالحمید پلید عزم را جزم نموده بود که یوسف بهاء را در آن زندان اندازد و دیگری جزیرهٔ شیطان است که سنین عدیده از انوار ساطعهٔ از سجن اعظم محروم بوده و محلّ اقامت و مرکز ریاست مطلع اعراض ناقض عهد نقطهٔ اولی حیّهٔ رقطا یحیی بی‌حیا و عدوّ لدود جمال ابهی که باین خطاب از قلم اعلی مخاطب گشته "تاللّه الحقّ عرّ روح الأمین رأسه عن فعلک ... و جلس حوریّات الغرفات علی الرّماد من ظلمک" و دیگری ارض السّرّ مدینهٔ مبارکهٔ ادرنه است که ذکرش در الواح شتّی نازل و بابدع اوصاف مذکور و موصوف از جمله میفرماید قوله جلّ جلاله "اذاً سمعت بأنّ سراج الحجاز ترک مشکاة العراق لا تحزن لأنّ فیه اسرار عظیم فسیوقد فی بلّور اخری و هذا تقدیر من عزیز قدیم" زیرا در آن مدینهٔ مبارکه در سنهٔ ثمانین شمس حقیقت از برج اسد از اعلی افق عالم اشراق نمود و در نقطهٔ احتراق بدرخشید و بفرمودهٔ مبشّر امر حضرت ربّ العالمین "مالک یوم الدّین در ابتدای ثمانین" ظاهر و باهر گشت و ایضاً این ممالک مفتوحه بر طبق نقشهٔ ده‌ساله شامل بعضی از جزائر پولی‌نیزیا و میلانیزیا و مایکرونیزیا که در محیط اعظم واقع و در الواح صادرهٔ از قلم مرکز میثاق بافتخار یاران و امآء الرّحمن در ایالات متّحده و کندا مصرّح قوله عزّ بیانه "باید جمعی زبان‌دان منقطع منزّه و مقدّس مملوّ از محبّة اللّه توجّه بسه ۳ دستهٔ جزائر عظیمهٔ دریای پاسیفیک مثل پولی‌نیزیا مایکرونیزیا و میلانیزیا و جزائری که متعلّق باین سه ۳ دسته است ... نمایند و مسافرت کنند و بقلبی طافح بمحبّة اللّه و لسانی ناطق بذکر اللّه و دیده‌ئی متوجّه بملکوت اللّه ناس را بظهور ربّ الجنود بشارت دهند" و سکّان این جزائر نائیهٔ جنوبیّه که بقوّهٔ اسم اعظم و همّت فارسان جمال قدم پس از افتتاح جهاد کبیر اکبر مفتوح گشته مانند ساموا و تونگا و مارکزا و کوک و کرولین و جیلبرت و الیس و سلیمان و هبریدیز جدید و مجمع الجزائر تواموتو اکثر از جنس اسمر و در قدیم متوحّش و آدم‌خوار و جمعی از آنان بهمّت مبشّرین امر حضرت روح در ظلّ شریعت مسیحیّه وارد و حال عدّهٔ معدودی از این نفوس مانند سرخ‌پوستان امریک در این ایّام اخیره در ظلّ شریعت بهائیّه مستظلّ و از انوارش مقتبس و در نشر آثارش بین آن قبائل متأخّرهٔ متعدّده ساعی و جاهد و از جمله قبائل و اجناس و نژادهای دیگر که در این نخستین سنهٔ جهاد جهانی روحانی بنور ایمان منوّر گشته‌اند نژاد بربر است که مسکن آنان در ساحل بحر متوسّط واقع و نژاد اهالی کشوران اسلامی شمال قارّهٔ افریک است و همچنین قبیله‌ئی از قبائل آن قارّه که در قرب خطّ استوا ساکن و افراد آن

قصیر القامه و در جنگل و آجام آن قارّه ساکن و متوطّن و بصید و شکار مشغول و همچنین اسکیموهای جزیرهٔ گرینلند که در شمال قارّهٔ امریک واقع و ذکر آنان و جزیره هر دو در الواح صادرهٔ از قلم مرکز عهد جمال قدم خطاب بیاران و امآء الرّحمن ایالات کندا مصرّح قوله عزّ بیانه

"باید احبّای الهی جانفشانی نمایند ... اگر چنین همّتی بنمایند یقین است که تأییدات کلّیّهٔ الهیّه یابند و جنود آسمانی پی در پی رسد و نصرت عظیمی حاصل گردد بلکه انشآءاللّه نداء ملکوت اللّه بمسامع اسکیموهای اهالی جزائر شمال کندا و گرینلند برسد اگر در گرینلند نائرهٔ محبّت الهی شعله زند جمیع یخهای آن مملکت آب شود و سرما باعتدال مبدّل گردد یعنی قلوب حرارت محبّة اللّه یابد آن خطّه و دیار گلشن الهی شود و بوستان ربّانی گردد و نفوس مانند اشجار پرثمر بنهایت طراوت و لطافت تزیین یابند همّت لازم است همّت اگر همّتی نمائید که در میان اسکیموها نفحات الهی منتشر شود تأثیر شدید دارد"

و در لوحی دیگر میفرماید "اگر ممکن است مبلّغین بسائر ولایات کندا ارسال دارید و همچنین به گرینلند و بلاد اسکیموها مبلّغین بفرستید" و نیز در این اشهر اخیره بعض از قبائل سرخ‌پوستان که در جمهوریّات شمالی و مرکزی و جنوبی قارّهٔ امریک متشتّت بمعرفت امر حضرت ربّ البریّه و اطّلاع بر تاریخ و تعالیم بهیّه‌اش و مقاصد و مآرب پیروانش فائز و در مقرّ اجتماعشان با شرکت‌کنندگان در این جهاد کبیر اکبر مرتبط و معاشر از جمله دو قبیلهٔ چیپه‌وا و شوانو در ایالت ویسکنسین و قبیلهٔ یکیما در ایالت واشنگتون و قبیلهٔ ستیلواتر در ایالت نوادا و قبیلهٔ چیریپو در جمهوریّت کستاریکا و قبیلهٔ اپاشه در ایالت اریزونا و قبائل نواهو و زونی و هپی در ایالت مکسیک جدید و قبیلهٔ ویاندوت در ایالت اکلاهما و قبیلهٔ سمینل در ایالت فلوریدا و از جمله قبائل متعدّدهٔ افریقیا که در این سنهٔ اولای جهاد جهانی پیروان امر بهاء در ظلّ سراپردهٔ امر اعزّ اسنی مستظلّ گشته قبائل مسائی و پوکومو و ممبو و بفیا و بنینگ و کیکا و بمتا و برومبی است که منضمّ به دوازده ۱۲ قبیلهٔ دیگر گشته که قبل از افتتاح این جهاد کبیر اکبر در دائرهٔ سریع الاتّساع نظم بدیع وارد شده و بعضی از افراد این قبائل بر مهاجرت و مجاهدت قیام نموده و جمعی را بشریعهٔ باقیه دلالت نموده

و از جمله لغات مصرّحه در نقشهٔ ده‌سالهٔ یاران حضرت ربّ البریّه که تعداد آن به نود و یک ۹۱ بالغ و خادمان فعّال پراهتمام امر ربّ الأنام پس از افتتاح این جهاد مبادرت بترجمهٔ آثار امریّه بآن لغات نموده‌اند لغت چه‌روکی که از لغات هندیهای قارّهٔ امریک محسوب و لغات باسک و مالتی و پیه‌مونتی و فله‌می و استونی که در قارّهٔ اوروپ مستعمل و لغات یه‌او و ملاگسی و گا و شونا و سوتو و گره‌بو و کپله و دغبانی و سوسو و بمبا که از لغات قبائل افریک است و لغات بلوچی و منی‌پوری و پنجابی و پشتو و گرجی و تو و نیکوباری و لپچا و پالی و جاوه‌ئی و آنامی و تیبتی که در قارّهٔ آسیا متداول و ایضاً اخیراً یاران جانفشان مبادرت بترجمهٔ آثار امریّه بلغات دیگر نموده که در آن نقشه مذکور نه از جمله لغات موهوک و میاکیچه و گولو و گوارانی و دیاک و اته‌سو که بعضی از لغات هندیهای امریک و قبائل افریک محسوب و برخی در جزائر محیط اعظم متداول و در نتیجهٔ این مساعی جلیله عدّهٔ لغات که در اقالیم مختلفه آثار امریّه تا بحال بآن ترجمه شده من حیث المجموع به صد و بیست دو ۱۲۲ بالغ

و ایضاً از جمله محافل روحانیّه که در این سنهٔ جدیده بهمّت مجریان نقشهٔ ده‌ساله رسماً تسجیل گشته و اعتبارنامهٔ رسمی از طرف اولیای امور بعنوان امنای این محافل صادر گشته محفل روحانی بهائیان دو مدینهٔ فرزنو و سان‌دیه‌گو در ایالت کالیفورنیا و محفل روحانی بهائیان مدینهٔ توسون در ایالت اریزونا که از ایالات متّحدهٔ امریک محسوب

و از جمله حظائر قدس که از بدو افتتاح این جهاد بوسیلهٔ یاران و خادمان امر مولای عالمیان ابتیاع گشته و رسماً افتتاح یافته حظیرةالقدس یاران مدینهٔ پاریس است که من‌بعد بمرکز اداری ملّی بهائیان فرانسه مبدّل و محور تأسیسات یاران در آن کشور خواهد گشت و ایضاً حظیرةالقدس بهائیان در مدینهٔ انکورج که از مراکز مهمّهٔ امریّه در اقلیم السکا محسوب و در

مستقبل ایّام آن حظیره نیز بمرکز اداری یاران آن اقلیم مبدّل خواهد گشت و ایضاً حظیرةالقدس جدید التّأسیس محلّی یاران در مدینهٔ اماگساکی که از مدن کشور ژاپان است

و همچنین در این اشهر اخیره متمسّکین بعروة الوثقای شریعت مقدّسه موفّق بتحصیل اجازهٔ رسمی از طرف رؤسای دولت و حکومت جهت معافیّت اطفال بهائی از حضور در مدارس در ایّام متبرّکهٔ محرّمهٔ منصوصهٔ در الواح الهیّه گشته از جمله یاران مدینهٔ کلیولند و کنوشا و می‌ود و لازانگلیز و سیه‌تل و نیوتن و پرنس‌جورج و نایلز که کلّ در ایالات متّحدهٔ امریک واقع و از مراکز مهمّهٔ امریّه محسوب

و همچنین بانیان نظم بدیع الهی و مجریان فرمان آسمانی و علی رأسهم امنای نه ۹ محفل مرکزی روحانی پس از اعلان این جهاد روحانی جهانی بتهیّهٔ مقدّمات و تمهیدات اوّلیّه لأجل ابتیاع اراضی معابد متعدّده در قطعات خمسهٔ عالم پرداخته و مبالغ باهظه در ممالک مختلفه جهت این مشروعات خطیره که مجموعش از دویست‌هزار ۲۰۰۰۰۰ دولار متجاوز بصرافت و طیب خاطر تقدیم نموده از جمله امّ المعابد قارّهٔ استرالیا در مدینهٔ سیدنی و امّ المعابد اقلیم کندا در مدینهٔ تورنتو و امّ المعابد امریکای مرکزی در مدینهٔ پناما که در الواح صادرهٔ از قلم میثاق مذکور و اهمّیّتش مصرّح و امّ المعابد قطر مصر در مدینهٔ قاهره مرکز عالم اسلامی و عربی و امّ المعابد کشور هندوستان در دهلی جدید و امّ المعابد عراق عرب در مدینةاللّه دارالسّلام در جوار بیت اعظم مولی الأنام و امّ المعابد کشور ایطالیا در مدینهٔ رومیّه محلّ اقامت حبر اعظم و اوّل و اقدم و اعظم مرکز اداری امّت مسیحیّه در عالم و امّ المعابد افریقیای جنوبی در مدینهٔ جوهانیزبرگ که از حیث جمعیّت و اتّساع ثانی مدینهٔ قارّهٔ افریک است و امّ المعابد سه ۳ کشور اسکاندیناوی در مدینهٔ شمالیّه استوکهلم و امّ المعابد افریقیای مرکزی در مدینهٔ شهیرهٔ کامپالا که اوّلین مرکز یاران و امآء الرّحمن سیاه‌پوست سفیدقلب در آن قارّهٔ جسیمهٔ پراستعداد است

و همچنین یاران عزیز ثابت‌قدم ممتحن جمال قدم در کشور مقدّس ایران با وجود انقلاب امور و تشتّت افکار و اضطراب جمهور و تضییقات متمادیه و مشکلات متنوّعه متوکّلین علی اللّه بتهیّهٔ مقدّمات بنای امّ المعابد مهد امر رحمن در آن سامان پرداخته و در ترسیم و طرح نقشه‌های مختلفه ساعی و جاهد و همچنین در قلب قارّهٔ پر شور و آشوب اوروپ مروّجین امر ربّ الرّبوب و مقلّب القلوب در کشور آلمان که بفرمودهٔ مرکز میثاق محبوب امکان و مالک ادیان در مستقبل ایّام چنان مشتعل و نورفشان گردد که اقالیم مجاوره را روشن و نورانی نماید با وجود مصاعب و شدائد و متاعب لاتعدّ و لاتحصی که در سنین جنگ و انقلاب بر متمسّکین بعروة الوثقای امر حضرت ربّ الأرباب وارد گشته بکمال جدّیّت و اهتمام قیام نمودند که محلّ بنای معبد را سریعاً تعیین و ابتیاع نمایند و متعاقباً بوضع اساس و نصب ارکان اوّلین مشرق‌الأذکار بهائیان در آن قارّه پردازند

و اخیراً در مدینهٔ مبارکهٔ طهران افق نور امّ عالم و مسقط الرّأس محیی رمم بتأییدات اسم اعظم در نتیجهٔ تصمیمات مهمّه و مساعی متمادیه وسائل محافظه و تملّک سجن اکبر مالک قدر محبس اظلم صیلم و محلّ بعثت سرّی جمال قدم و مرکز تجلّی روح اعظم بر قلب ممرّد اطهر الطف موعود ملل و امم که بر جمیع اماکن متبرّکه در آن مدینه مقدّم و فی‌الحقیقه ثانی مقام در آن کشور مکرّم است فراهم گشته مقامی که در آن بفرمودهٔ مرکز عهد مولی الأنام "جنین امر بمقام احسن التّقویم فائز" زیرا در مدّت اقامت مظلوم عالم در آن سجن انتن سنهٔ مبارکهٔ تسع آغاز گردید و دورهٔ بیان منقضی شد وحی الهی نازل گشت و بفرمودهٔ نفس مظهر ظهور در عالم رؤیا کلمهٔ علیا اصغا شد و بر اثر آن رؤیا آثار نار در هیکل مظهر ظهور ظاهر گشت و بشارت کبری و خطاب بمن فی الأرض و السّمآء و صوت ابدع احلی از حوریّهٔ روح معلّق در هوا استماع گردید وای سوّم آشکار گشت و ثمرهٔ شریعت بیان پدیدار گردید و در سرّ سرّ بفرمودهٔ مولی البریّه نفوس مقدّسهٔ مطهّره تکمیل شد و وعدهٔ طلعت اعلی "و فی سنة التّسع انتم کلّ خیر تدرکون" "و فی سنة التّسع انتم بلقآء اللّه ترزقون" "فانّ لکم بعد حین امر

ستعلمون" ظاهر گشت و مصداق "ستعلمنّ نبأه بعد حین" تحقّق یافت و عهد ثانی بهیّ الأنوار نخستین عصر اوّلین دور کور مقدّس افتتاح گردید

در ارض اقدس مرکز روحانی و اداری جهانی بهائی مقارن این فتوحات عظیمه و انتصارات باهرهٔ جنود مجنّدهٔ الهیّه در میادین خمسهٔ امریکا و افریقیا و اوروپ و آسیا و متعاقب اتمام و انجام مشروع مقدّس اعزّ اسنی تشیید مقام و نصب قبّهٔ ذهبیّهٔ مقام اطهر افخم حضرت اعلی و نقطهٔ اولی در آغوش کوه خدا و بر طبق نقشهٔ ده‌سالهٔ اهل بهاء اراضی امّ المعابد ارض اقدس ناحیهٔ غربی آن مقام مقدّس مجلّل زیبا در رأس آن جبل در بقعه‌ئی که بقدوم جمال ابهی و صدور لوح کرمل مشرّف و مفتخر گشته تعیین گردید و مبلغ صدهزار ۱۰۰۰۰۰ دولار لأجل ابتیاع آن محلّ تقدیم و باب مخابره با نمایندگان حکومت اسرائیل مفتوح گشت و در نتیجهٔ این مفاوضات اطمینان تامّ حاصل گردید که این بقعهٔ مشرّفه ابتیاع و بموقوفات بین‌المللی بهائیان منضمّ خواهد گشت و این بقعهٔ مرتفعه قبلاً متعلّق باصحاب دیر بوده و صاحبانش رؤسای طائفه‌ئی از طوائف مسیحیّه که مرتبط بکنیسهٔ تابعهٔ حبر اعظم در مدینهٔ رومیّه است و در ایّام جنگ بین‌المللی نظر بموقعیّت و اهمّیّت آن محلّ رؤسای عسکریّهٔ دولت انگلیز لأجل دفاع و حمایت و صیانت مدینهٔ حیفا آن بقعه را تملّک نموده و اخیراً در نتیجهٔ انقلاب داخله و غلبهٔ کلیمیان بر اعراب و تأسیس حکومت مستقلّ اسرائیل در ارض میعاد مالکیّت آن ارض بدولت جدید التّأسیس انتقال یافته و رؤسای حکومت منصوره که در این سنین اخیره پس از استقرار امور در ارض اقدس اقرار برسمیّت و استقلال آئین بهائی نموده و در حمایت مقامات مقدّسه در دو مدینهٔ عکّا و حیفا ادنی فتور و قصوری ننموده و اراضی موقوفهٔ روضهٔ مبارکهٔ علیا و مقام اعلی و اماکن متبرّکه و معاهد دیگر را با وجود اتّساع و تعدّد از مالیات ملّی و محلّی هر دو معاف نموده و قصر مبارک مزرعه را بر حسب حکم مبرم بهیئت اوقاف اسلامیّه تسلیم بهائیان نموده و ایّام متبرّکهٔ محرّمه و عقدنامهٔ بهائی را رسماً شناخته حال بکمال رغبت راضی و مستعدّ بیع این اراضی به بهائیان گشته‌اند و این ظفر عظیم من‌دون شبهه و تردید نتیجهٔ حدوث انقلاب اخیر است که در نتیجهٔ آن مصداق جعل اعلاهم اسفلهم و اسفلهم اعلاهم ظاهر گشت و دشمنان دیرین مغلوب و حکّام جدید بر اثر تحقّق وعود و بشارات صریحه که در کتب بهائیان مدوّن در جمیع شئون مساعد و موافق و مستعدّ ایجاد تسهیلات جهت بهائیان و معاهد آنان در ارض اقدس گشته‌اند

و همچنین در نتیجهٔ ابتیاع دو قطعه زمین که یکی مشرف بر رمسین اطهرین و متعلّق بیکی از مخالفین و ناقضین عهد ربّ العالمین و دیگری در قرب مضجع حضرت ورقهٔ علیا و متعلّق بشخصی کلیمی و قیمت آن دو قطعه از بیست‌هزار ۲۰۰۰۰ دولار متجاوز مساحت اراضی موقوفهٔ بهائیان در آن جبل مقدّس به دویست‌هزار ۲۰۰۰۰۰ متر مربّع بالغ گشت و بالنّتیجه مساحت اراضی موقوفه در مرج عکّا و جبل الکرمل من حیث المجموع از ثلث ملیون متر مربّع تجاوز نمود

و ایضاً در این ایّام اخیره بر طبق قوانین و مقرّرات حکومت متبوعه شعبه‌های محافل ملّی روحانی بهائیان جزائر بریطانیا و کندا و استرالیا رسماً در نهایت اتقان تأسیس گشت و مقدّمهٔ انتقال قسمی از اراضی موقوفهٔ بین‌المللی بهائیان در ارض اقدس بنام شعبه‌های این سه ۳ محفل مرکزی روحانی که در سه ۳ قارّه واقع فراهم گردید و متعاقب این انتصار جدید که از اهداف مهمّهٔ نقشهٔ ده‌سالهٔ پیروان امر ربّ مجید است بتأسیس شعبهٔ محفل ملّی روحانی بهائیان ایران با وجود عدم تسجیل و رسمیّت آن هیئت منتخبه در آن کشور مقدّس مبادرت گردید و در نتیجهٔ مساعدت و موافقت اولیای امور در این سامان کاملاً اتمام و انجام یافت و عنقریب قسمی از اراضی که در قرب مقام اعلی واقع بنام شعبهٔ این محفل که رکنی از ارکان دیوان عدل الهی محسوب انتقال خواهد یافت و بمرور ایّام شعبه‌های سائر محافل روحانی مرکزی در شرق و غرب و جنوب و شمال در ارض اقدس که قلب عالم و قبلهٔ امم است تأسیس خواهد شد و بدین وسیله رفته‌رفته وسائل ارتباط ظاهری و باطنی و شرعی و معنوی این ارکان متینهٔ بیت عدل اعظم الهی بر حسب احکام بدیعهٔ منصوصهٔ در کتاب الهی و قوانین و انظمهٔ جدیدهٔ متبوعهٔ در این

ارض بأحسنها و اکملها ایجاد خواهد گشت و این اقدام بنفسه باعث استحکام اساس و ازدیاد جلوه و رونق اوقاف بین‌المللی بهائی و اشتهار آئین الهی خواهد شد

و همچنین در این ایّام بتأیید من اللّه نقشهٔ بدیعهٔ دارالآثار بین‌المللی بهائی که تأسیسش در جوار پرانوار مقام مبشّر امر ملیک مختار از اهداف مهمّهٔ نقشهٔ ده‌ساله در این ارض مقدّس اقدس است بکمال دقّت ترسیم و مهیّا گشته و عنقریب مقدّمات ساختن این بنای مجلّل که بر حسب نقشهٔ بدیعه دارای پنجاه ۵۰ ستون است و بر رمسین اطهرین مشرف و صدرش باسم اعظم مزیّن کاملاً فراهم خواهد گشت و به این تأسیس که اتقن و احسن و اکمل و اتمّ وسائل جهت جمع و محافظه و ترتیب آثار متزایدهٔ متشتّتهٔ مبارکه است قلم اعلی در لوحی از الواح اشاره فرموده قوله جلّ اعزازه

"شأن نزول شأن حقّ است و انتشار شأن خلق و انّه لناشر امره بید النّاشرات من ملائکة المقرّبین لابدّ از خلف سرادق عصمت ربّانی عبادی روحانی ظاهر شوند و آثار اللّه را جمع نمایند و باحسن نظم منتظم سازند و هذا حتم لا ریب فیه"

و این معهد جلیل بنفسه مقدّمهٔ تأسیس مرکز عظیم الشّأن اداری جهانی بهائیان در آن جبل مقدّس است و بدایت جریان سفینة اللّه و تحقّق بشارات عظیمه که بتلویح ابلغ از تصریح در لوح کرمل قلم اعلی بآن اشاره فرموده است قوله عظم سلطانه "هذا یوم فیه بشّر البرّ و البحر و اخبر بما یظهر من بعد من عنایات اللّه المکنونة المستورة عن العقول و الأبصار سوف تجری سفینة اللّه علیک و یظهر اهل البهآء الّذین ذکرهم فی کتاب الأسمآء تبارک مولی الوری الّذی بذکره انجذبت الذّرّات و نطق لسان العظمة بما کان مکنوناً فی علمه و مخزوناً فی کنز قدرته انّه هو المهیمن علی من فی الأرض و السّمآء باسمه المقتدر العزیز المنیع" و شبهه‌ئی نبوده و نیست که مقصود از این سفینه که در آخر این لوح مذکور سفینهٔ احکام است نه سفینهٔ امر اللّه که ملّاحش شارع اعظم جمال اقدس ابهی و رکّابش کافّهٔ اهل بهاء و اصحاب سفینهٔ حمرا که بشارتش را نقطهٔ اولی در کتاب قیّوم اسماء در سنهٔ اولای عهد اعلی بلغت فصحی و بلحنی ملیح و دلربا داده قوله ما احلی بیانه و ما ابهی عزّه و ذکره "و لقد خلق اللّه فی حول ذلک الباب بحوراً من مآء الاکسیر محمّراً بالدّهن الوجود و حیواناً بالثّمرة المقصود و قدّر اللّه له سفناً من یاقوته الرّطبة الحمرآء و لا یرکب فیها الّا اهل البهآء باذن اللّه العلیّ و هو اللّه قد کان عزیزاً و حکیماً"

مقصود در این لوح عظیم که فی‌الحقیقه کاشف اسرار الهیّه و بشارت‌دهندهٔ دو تأسیس عظیم و جلیل و خطیر که یکی روحانی و دیگری اداری در مرکز جهانی آئین بهائی است سفینه‌ئی است که راکبینش رجال بیت عدل اعظم که بر طبق وصایای متقنهٔ مرکز عهد اتمّ و اقوم مصدر تشریع احکام غیر منصوصه‌اند و این احکام در این دور بدیع از این جبل مقدّس جریان یابد همچنان که در عهد حضرت کلیم شریعة اللّه از صهیون جاری و ساری گشت و این جریان سفینهٔ احکام اشاره باستقرار دیوان عدل الهی که فی‌الحقیقه دارالتّشریع است و شعبه‌ئی از مرکز جهانی اداری بهائیان در این جبل مقدّس محسوب و در بنائی مخصوص در قرب دارآلاثار بین‌المللی که حال وقت تأسیس آنست در نقطه‌ئی مشرف بر این مراقد شریفهٔ منوّره و در جوار مقام اعلی استقرار خواهد یافت

و در قرب این دو بنیان رفیع البنآء واین دو معهد قویّ الأرکان بنائی دیگر که دارالولایه و مرکز تبیین و تأویل و تفسیر احکام منصوصه است و مؤیّد و متمّم هیئت تشریعیّه است متدرّجاً مرتفع خواهد گشت و نیز بنیانی دیگر منضمّ باین ابنیهٔ ثلاثه خواهد شد که مرکز ترویج و دارالتّبلیغ است و مقرّ استقرار ایادی امر اللّه که بر حسب نصّ قاطع کتاب وصایا مأمور بمحافظه و صیانت و حمایت امر اللّه و حفظ وحدت جامعه و انتشار دین اللّه و ابلاغ کلمة اللّهند

و این ابنیهٔ جلیلهٔ سامیه که بطرزی زیبا و هندسه‌ئی بدیع متدرّجاً در حول این مراقد تأسیس خواهد یافت کلّ از تفرّعات این مرکز اداری عظیم الشّأن ثابت الأرکان عظیم الاتّساع پیروان امر مالک الابداع و ملیک الاختراع محسوب و این مرکز اداری جامعهٔ بهائیان عالم بنفسه محور تأسیسات نظم بدیع آن محیی رمم و منبع جود و کرم و رمز وحدت اصلیّهٔ دول و ملل و امم و

مقرّ سلطنت و جلوه‌گاه سلطهٔ روحانیّه و زمنیّه و مرجع اعلای پیروان امر اتمّ اکرم و محلّ انعکاس و معرض تجلّیات عرش مصوّر امم بر آفاق عالم و منبع مدنیّت الهیّه که اعلی و ابهی ثمرهٔ امر اسم اعظم است و در عصر ثالث ذهبی دور بهائی و در ادوار آتیه اثراتش کاملاً پدیدار و فیوضاتش چون سیل جارف منحدر بر عالمیان خواهد گشت اینست که میفرماید قوله تکبّر کبریائه "لعمری سوف نطوی الدّنیا و ما فیها و نبسط بساطاً آخر انّه کان علی کلّ شیء قدیرا"

و شبهه‌ئی نبوده و نیست که مرکزی در ارض اقدس انسب و اجمل و اجلّ و اعزّ از مراقد شریفهٔ ثلاثه که در سنین اخیره در جوار تربت منوّر معنبر نقطهٔ اولی تأسیس یافته از برای این ابنیهٔ عالیه که من‌بعد بمرور ایّام در دامنهٔ کرم الهی مرتفع خواهد گشت متصوّر نه زیرا این سه ۳ نفس زکیّهٔ مطهّره و سه ۳ ودیعهٔ الهیّه و سه ۳ لطیفهٔ ربّانیّه و سه ۳ کنز ثمین منتسب بشجرهٔ الهیّه‌اند و یادگار جمال احدیّه و مرکز عهد مولی البریّه در بلایای واردهٔ بر مظلوم عالم از نفی و غربت و کربت شریک و سهیم و بعنایات فائقه‌اش مخصّص و در زبر و صحف و الواح و ادعیه‌اش بابدع اوصاف موصوف رتبه و مقامشان بسی عظیم است و قدر و منزلتشان بشهادت قلم اعلی و کلک مرکز میثاق جمال ابهی بغایت رفیع یکی ثمرهٔ سدرهٔ منتهی خانم اهل بهاء سراج ملأ اعلی بقیّة البهآء و ودیعته و دیگری غصن شهید دوحهٔ بقا المخلوق من نور البهآء و ثالث الورقة المبارکة العلیا صاحبة البهآء مونس جمال ابهی امّ حضرت عبدالبهآء در لوحی که باثر قلم اعلی مرقوم و در محفظه‌ئی مخصوص در قرب مرقد خانم اهل بهاء محفوظ و آیاتش بمثابهٔ تاج در سنگ قبّهٔ مضجع منوّرش منقوش این کلمات درّیّات نازل "کتاب من لدنّا للّتی سمعت و فازت و انّها تورّقت من هذا الأصل القدیم ظهرت باسمی و ذاقت رضائی المقدّس البدیع سقیناها مرّة من فمی الأحلی و اخری کوثری اللّمیع علیها بهائی و عرف قمیصی المنیر" و همچنین در لوحی دیگر قلم اعلی چنین شهادتی داده قوله جلّ احسانه "یا ایّتها الورقة المبارکة النّورآء ... قد جعلناک من خیرة الامآء و اعطیناک مقاماً لدی الوجه الّذی ما سبقته النّسآء کذلک فضّلناک و قدّمناک فضلاً من لدن مالک العرش و الثّری" و در بیان مقام شامخ ارفع غصن اللّه الأطهر پس از صعودش بافق اعلی این بیان احلی از مخزن قلم ابهی صادر قوله عزّ ثنائه "طوبی لک بما وفیت میثاق اللّه و عهده الی ان فدیت نفسک امام وجه ربّک العزیز المختار انت المظلوم وجمال القیّوم قد حملت فی اوّل ایّامک ما ناحت به الأشیآء و تزلزلت الأرکان ... طوبی لک و لمن یتوجّه الیک و یزور تربتک و یتقرّب بک الی اللّه ربّ ما کان و ما یکون ... طوبی لک و للّذین تمسّکوا بذیلک الممدود" و همچنین میفرماید "هذا یوم فیه استشهد من خلق من نور البهآء اذ کان مسجوناً بأیدی الأعدآء ... ان یا دال الأبدیّة قد تشرّفت بک تلک الأرض و ما حولها انّک انت ودیعة اللّه و کنزه فی هذه االدّیار سوف یظهر اللّه بک ما اراد انّه لهو الحقّ علّام الغیوب ... انّا لو نذکر اسرار صعودک لینتبهنّ اهل الرّقود و یشتعلنّ الوجود بنار ذکر اسمی العزیز الودود"

و همچنین میفرماید "ای ربّ قد فدیت ما اعطیتنی لحیاة العباد و اتّحاد من فی البلاد" و در لوحی که پس از ارتقاء امّ حضرت عبدالبهآء الورقة المبارکة العلیا از قلم جمال ابهی صادر این عنایات لاتحصی مبذول قوله عزّ ذکره "یا نوّاب یا ایّتها الورقة المنبتة من سدرتی و المؤانسة معی علیک بهائی و عنایتی و رحمتی الّتی سبقت الوجود ... قد رضی اللّه عنک من قبل و من بعد و اختصّک لنفسه و اصطفاک بین الامآء لخدمته و جعلک معاشرة هیکله فی اللّیالی و الأیّام اسمعی مرّةً اخری رضی اللّه عنک فضلاً من عنده و رحمةً من لدنه و جعلک صاحبة له فی کلّ عالم من عوالمه ... طوبی لأمة ذکرتک و ارادت رضائک و خضعت عندک و تمسکّت بحبل حبّک و ویل لمن انکر مقامک الأعلی و ما قدّر لک من لدی اللّه مالک الأسمآء و اعرض عنک و جاحد شأنک عند اللّه ربّ العرش العظیم"

قلم مرکز میثاق نیّر آفاق در لوحی از الواح در جواب سؤال یکی از یاران راجع بتفسیر اصحاح پنجاه و چهارم ۵۴ کتاب اشعیا صریحاً شهادت داده که این اصحاح راجع به ورقهٔ علیا امّ عبدالبهاست و در این کتاب این آیات واضحات بیّنات مدوّن

"ذرّیّت تو امّتها را تصرّف خواهند نمود ... مترس زیرا که خجل نخواهی شد و مشوّش مشو زیرا که رسوا نخواهی گردید ... زیرا که آفرینندهٔ تو که اسمش ربّ الجنود است شوهر تو است و قدّوس اسرائیل که بخدای تمام جهان مسمّی است ولیّ تو میباشد ... اینک من سنگهای ترا در سنگ سرمه نصب خواهم کرد و بنیاد ترا در یاقوت زرد خواهم نهاد و منارهای ترا از لعل و دروازه‌هایت را از سنگهای بهرمان و تمامی حدودت را از سنگهای گران‌قیمت خواهم ساخت"

و ایضاً بمرور ایّام و بتأییدات لاریبیّهٔ مستمرّهٔ مولی الأنام و سابق الانعام پیروان امر ملیک علّام بتأسیس ثالث در این جبل در رأس کرمل که متمّم این دو تأسیس عظیم است مباشرت خواهند نمود و بتشیید امّ المعابد ارض اقدس و توابع و ملحقاتش کاملاً اقدام خواهند کرد و این تأسیس ثالث مرکز عبادت است و رکن ثالث تأسیسات بهیّهٔ اهل بهاء در ارض اقدس نورا تأسیس اوّل در قلب کرمل که از حیث رتبه و مقام بر کافّهٔ تأسیسات آتیه در این جبل مقدّم مقام علیّ اعلی مطلع الأنوار تأسیس ثانی در رأس آن جبل مشرق‌الأذکار تأسیس ثالث در آن جوار پرانوار مرجع ابرار و اخیار و مرکز رتق و فتق امور جامعهٔ پیروان امر کردگار

تعالی تعالی قدرته النّافذة فی حقائق المکنات تعالی تعالی اسراره المکنونة المودعة فی هویّة الموجودات تعالی تعالی سیطرته الغالبة علی کلّ الأشیآء تعالی تعالی سلطنته المحیطة القاهرة علی من فی الأرضین و السّموات

یا احبّآء اللّه و هداة خلقه از جمله دلائل و علامات شمول تأییدات الهیّه و ظهور و بروز نصرت و غلبهٔ ظاهرهٔ امر سلطان احدیّه در این سنهٔ جدیده که آغاز جهاد کبیر اکبر است خذلان و هبوط و سقوط و انعدام دشمنان حقود و جحود و عنود است که پس از مشاهدهٔ آثار و علامات حیرت‌انگیز ارتفاع امر اللّه و اشتهار دین اللّه و نفوذ کلمة اللّه و فوران نار محبّة اللّه و نصرت و ظفر حامیان و ثابتان بر میثاق اللّه و شور و وله ناشرین نفحات و تعیین و قیام ایادی امر اللّه و استحکام اساس شریعة اللّه و خروج و خروش و تشتّت مهاجرین و مجاهدین فی سبیل اللّه خائباً خاسراً بمقرّ خود راجع و بگروه ناقضین و مبغضین و معرضین و معاندین و مستکبرین که در سنوات اخیره متتابعاً بأسفل السّافلین ساقط گشته ملحق گشتند

آوارهٔ بی‌حیا نفس مهملهٔ سافله در قعر هاویه ساقط و بادنی درک سجّین راجع گشت این کرم شبتاب که قصد مبارزه با آفتاب جهانتاب نمود و این قطرهٔ منتنهٔ آسنه که مقاومت با امواج طمطام بحر اعظم را سهل و آسان شمرده بود و از روائح کریهه‌اش خاطر روحانیان سنین عدیده مکدّر و آزرده و از اعمال قبیحهٔ شنیعه‌اش آشنا و بیگانه متنفّر و از هجوم عنیفش بر شعائر و مقدّسات و معتقدات اهل بهاء عیون ملأ اعلی گریان و در اعراض و اعتراضش از حروفات نفی در ادوار سابقه ثابت‌تر و جسورتر و فظیعتر عاقبة الأمر مخذول و منکوب گشت و مأیوساً خاسراً بدرک اسفل السّافلین راجع شد و اراجیف و شبهات واهیه و هذیانات و اوهامات و مقاصد فاسده‌اش کلّ هبآءً منبثّا گردید این نفس بی‌مایهٔ بی‌پایه که سی ۳۰ سال با دشمنان دیرین و پرکین امر ربّ العالمین مرتبط بود و بزعم باطلش کشف قناع نموده بود تا امر عزیز الهی را رسوای عالم نماید و نظمش را پریشان و پیروانش را متفرّق نماید و سراجش را منطفی و علمش را سرنگون و بنیادش را منهدم سازد بالمآل هیاهو و عربده‌اش کرنّة بعوضة فی الواد خاموش شد و از احداث تفرقه و انشقاق و انقسام و انشعاب در جامعهٔ پیروان امر حضرت ربّ الأرباب کاملاً مأیوس گشت و پس از مشاهدهٔ آثار جلیّهٔ علوّ امر اللّه و امتناع دین اللّه باسفل سقر راجع گشت بل السّقر یفرّ من نفسه و الجحیم یستعیذ باللّه من وجه و لقائه تاللّه یلعنه کلّ ما صدر من قلمه و خرج من فمه تبّاً له و تعساً له قد قضی اللّه علیه و الحقه بالهالکین

فرید پلید هائم در هیماء شهوات مصداق "ویل لکلّ همزة لمزه الّذی جمع مالاً و عدّده" که مدّت چهل ۴۰ سال از صراط امر منحرف و اعمالی را در ایّام مسافرت مرکز میثاق بهاء بقارّهٔ امریکا و قبل از آن مرتکب و بتلبیس و تزویری ظاهر و در

شهواتی منهمک که از شدّت تأثّر هیکل میثاق لرزان و مرتعش میگشت و پس از انفصالش با دشمان مرکز عهد جمال ابهی در ارض اقدس علناً ارتباط یافت عاقبة الأمر با دست تهی بدار البوار راجع گشت

فلاح مغرور و لجوج که بمخالفت اصول و نقض مبادئ نظم بدیع جهان‌آرای الهی پرداخت و از وصایای محکمهٔ الهیّه کاملاً منحرف گشت و باعث تشویش افکار و غفلت و محرومیّت جمعی از خویشان و اعوانش گردید عاقبت در آتش اندوه و حسرت بسوخت و بخسران مبین دچار گشت

این نفوس واهیهٔ مبغضهٔ ساهیهٔ ساقطه که حبّ جاه و مال و ریاست و منصب و مقام از صراط مستقیم الهی کاملاً منحرف ساخت و در ایّام انقلاب و هبوب ارياح شدیدهٔ امتحان و افتتان امر اللّه را موهوم و موهون شمرده و ملعبهٔ صبیان انگاشته و از صراط مستقیم لغزیده در اواخر ایّام حیات پرتباهشان هر یک برأی العین مشاهده نمودند چگونه امر مظلوم عالم صیتش ذائع و شائع گشته و رنّه در عالم انداخته و تجلّیاتش آفاق اکوان را احاطه نموده و کیهان را نورانی نموده و علمش در قارّات خمسه مرتفع گشته و وحدت جامعهٔ پیروانش محفوظ مانده و مؤسّسات بدیعه‌اش منتظم گشته و احکامش اشتهار یافته و معابد و حظائرش در انظار جلوه نموده و نظم بدیعش علم افراخته و شعلهٔ جهان‌افروزش در قلوب عباد و اماء و شیخ و شاب و وضیع و شریف از اجناس مختلفه و مذاهب متعدّده مشتعل گشته و وعود صریحه که در کتب دو مؤسّس بی‌نظیرش و مرکز میثاق شارع اعظمش مدوّن تحقّق یافته و روح تعالیم جانپرورش در هیکل عالم جاری و ساری گشته

و از حسن تصادف خاتمهٔ حیات پروبال این نفوس محتجبه با افتتاح عهد ثانی دومین عصر نخستین دور کور مقدّس مقارن گردید عهدی که آغازش با طرح نقشه‌های بدیعهٔ متعدّدهٔ محافل مرکزی روحانی اهل بهاء در اقالیم مختلفهٔ عالم و صدمین سال دعوت سرّی جمال قدم و تشیید ضریح مبشّر امر مبرم و احتفال افخم اکرم در سراسر عالم و انعقاد انجمنهای اربعهٔ بین‌القارّات در سنهٔ مقدّسه و افتتاح امّ المعابد غرب در قارّهٔ امریک و اعلان جهاد کبیر اکبر و نصب قبّهٔ ذهبیّهٔ ضریح مطهّر و ظهور مقدّمات اوّلیّه و تباشیر تأسیس مرکز اداری جهانی اهل بهاء در ارض اقدس و خذلان دشمنان امر اللّه در خاور و باختر توأم گشته

امر اعزّ ابهی در این اوان که افتتاح عقد ثانی دومین قرن بهائی و پایان سنهٔ اولای جهاد روحانی جهانی اهل بهاست علمش در متجاوز از دویست و ده ۲۱۰ مملکت موّاج و پیروانش در بیش از دوهزار و پانصد ۲۵۰۰ مرکز در شرق و غرب و جنوب و شمال ساکن در ارض اقدس مقام بهیّ الأنوار مبشّر فریدش که مصارف تشیید و نصب قبّهٔ ذهبیّه‌اش از سه ۳ ربع ملیون دولار متجاوز در قلب جبل کرمل مرتفع و متلألئ اوقافش در دو مدینهٔ عکّا و حیفا به چهار ۴ ملیون دولار بالغ و مساحت اراضی تابعهٔ دو مقام مقدّسش در مرج عکّا و جبل کرمل از ثلث ملیون متر مربّع متجاوز در موطن اصلی دو مؤسّس جلیلش اوقاف ملّی و محلّیش لاتعدّ و لاتحصی و مساحت اراضی معبد پیروانش از سه ۳ ملیون متر مربّع و قیمت مرکز اداری تابعانش در عاصمهٔ آن اقلیم از چهار ۴ ملیون تومان متجاوز در ایالات متّحدهٔ امریک مهد مدنیّت الهیّه قیمت اوقافش از سه ۳ ملیون و مصارف معبد رفیع البنآء پیروانش از دو ۲ ملیون و نیم و میزانیّهٔ محفل مرکزی تابعانش از نیم ملیون دولار متجاوز و تعداد زائرین آن معبد عظیم از نیم ملیون متجاوز قیمت حظائر قدس ملّی تابعانش در اقالیم مختلفه از دو ۲ ملیون دولار و اوقافش در جمهوریّات مرکزی و جنوبی قارّهٔ امریک از نیم ملیون متر مربّع و قیمت اوقافش در خطّهٔ هندوستان و برما و پاکستان از یک ملیون روپیه متجاوز در قارّهٔ افریک علمش در متجاوز از چهل ۴۰ اقلیم موّاج و تعداد پیروانش از جنس اسود از ششصد ۶۰۰ متجاوز و عدّهٔ مراکز امریّه به صد و پنجاه ۱۵۰ بل ازید بالغ و تعداد قبائل که در ظلّ ظلیلش مستظلّ از شصت ۶۰ متجاوز در مکّهٔ مکرّمه قبلهٔ اسلام و نجف اشرف و کربلای معلّا و مدینهٔ کاظمین و عاصمهٔ کشور ایطالیا مرکز حبر اعظم و اهمّ و اقدم طائفهٔ امّت مسیحیّه و در عاصمهٔ قطر مصر مرکز عالم اسلامی و عربی و در مدینهٔ کبیره که سنین عدیده مرکز خلافت مجعوله و محلّ

استقرار دو عدوّ لدود شارع امر حضرت احدیّه بوده رسولان و منادیان امرش و مجاهدان در سبیلش بنصب علم مبین و هدایت غافلین و وضع اساس نظم بدیع و نصب ارکان شرع اشرف متین بعزمی خلل‌ناپذیر مشغول و مألوف جمعی از دشمنانش که سالیان دراز در جوار سجن اعظمش ساکن و متوطّن و با وجود عنایات لاتحصایش با ناقضین عهد وثیقش معاشر و مرتبط مغلوب و متشتّت و حیران و سرگردان در جزیرهٔ شیطان عصبهٔ غرور حزب ناعق اعظم یحیی بی‌شرم بکلّی خاموش بل مفقود و معدوم لا تسمع منهم صوتاً و لا رکزا بساط ناکصین میثاق غلیظش پس از لطمات شدیده که متتابعاً بسرعتی محیّر العقول بر ارکان آن فئهٔ ضالّه وارد منطوی و بقیّهٔ این شرذمهٔ قلیله و ثلّهٔ مقهوره در شرفهٔ انحلال و اضمحلال و منحصر به مجد خبیث صدسالهٔ عاجز و مفلوج که از فم میثاق حیّ لایموت بمظهر شیطان موصوف و مشتی از سفهای بلها که در گوشه‌ئی چون موش کور خزیده و از احقر و اضعف عباد محسوب اذاً ظهر و تحقّق ما صدر من قلم مرکز المیثاق و اخبر عنهم فی لوح من الواحه قوله تبارک ذکره "بگو ای بیچارگان بلعام باعور چه سروری یافت و قیافا چه عطایا دید و ابولهب و ابوجهل چه اجر عمل دیدند و اثیم زنیم چه فوز عظیم جست و یحیی چه حیاتی یافت عنقریب شما نیز در همان حفره‌ها مقرّ و مأوی خواهید یافت شدّاد بیداد چه کرد نمرود عنود چه از دستش برآمد فرعون بی‌عون چه ظفری یافت کافر منحوس چه سعادتی جست و تقی شقی چه غلبه‌ئی حاصل نمود و حال آنکه با چتر و علم و خیل و حشم مقاومت امر اللّه خواستند و با لشکر خونخوار منازعه و مهاجمه بر ابرار نمودند عاقبت خائب و خاسر گشتند شما ای صبیان با این عنق منکسره چه خواهید کرد"

بشارت کبری که در خاتمهٔ این اوراق این عبد آستان بیاران و ستمدیدگان ایران و بالأخصّ جمهور امآء الرّحمن در آن سامان که در خدمات امریّه لیلاً و نهاراً ساعی و جاهدند میدهد آنکه در این عید رضوان که مسک الختام سنهٔ اولای جهاد کبیر اکبر است و افتتاح نخستین سنهٔ عقد ثانی دومین قرن بهائی است و در سنوات آتیه جمهور مؤمنات از سنّ بیست و یک ۲۱ ببالا کاملاً حقّ مشارکت با رجال را در عضویّت محافل روحانیّهٔ محلّی و ملّی خواهند داشت سدّ منیع در نتیجهٔ تطوّرات اخیره و خدمات باهرهٔ مستمرّهٔ خواهران روحانی در آن سامان و خارج کشور ایران کاملاً مرتفع و مساوات تامّ حاصل ولی امید چنانست که بر اثر این فتح و فیروزی پس از مدّتی انتظار و اشتیاق اماء مؤمنات موقنات وقت را غنیمت شمرند و فرصت را از دست ندهند و در این ایّام اکتفا بمساوات اداری ننموده در میدان تبلیغ و مهاجرت فائق بر رجال گردند و در میدان مجاهدت گوی پیشی را از آنان بربایند و شجیعتر و جسورتر و منقطعتر در جامعهٔ پیروان امر اللّه مبعوث شوند و بخواهران روحانی خویش در امریک که در فتح ممالک بر رجال سبقت جسته اقتدا و تأسّی نمایند و بالأخصّ بر اثر فخر المبلّغین و المبلّغات آیة توکّل و انقطاع و قبسهٔ نار محبّة اللّه مارتا روت مشی نمایند و چنان همّتی بنمایند که عموم من فی البهآء حیران گردند و ملأ اعلی تحسین نمایند و ندای جمال ابهی از افق اعلی از خلف سرادق کبریا مرتفع گردد که بشری لکنّ یا امائی الزّاکیات القانتات النّاطقات بذکری و النّاشرات لنفحاتی و الرّافعات للوآء دینی المبین بین العالمین "عالم نساء" بشهادت قلم ملهم میثاق "در این دوره از فیوضات جمال ابهی در جوش و خروش است و از صهباء الطاف مست و مدهوش روز بروز در ترقّی است عنقریب ملاحظه مینمائید که در بین نساء نفوسی چنان منجذب مبعوث شوند که سبب حیرت گردند شمع روشن شوند و ناطق بحجج و برهان ربّ ذو المنن گردند"

ای دلدادگان جمال ابهی روحی لکم و لمحبّتکم و قیامکم الفدآء انظروا ثمّ اذکروا ما انزله قلم مرکز العهد و المیثاق فی لوح من الواحه قوله تعالی و تقدّس ذکره "ملکوت الهی در نهایت قوّت ولی لشکر حیات جسور باید تا تأییدات متتابعاً ببخشد ... میدان واسع است و وقت جولان است و هنگام ظهور قدرت و قوّت دل و جان"

یا احبّآء البهآء یوم یوم شماست و وقت وقت شما آنچه الیوم لازم و واجب و مغناطیس تأیید الهیست قیام جمّ غفیری از مؤمنین و مؤمنات از شیخ و شاب و غنیّ و فقیر و امّی و ادیب و سیاه و سفید بر نصرت دین مبین است باید کلّ کتلّة واحده

در سنین تسعهٔ باقیه قیامی عاشقانه و دلیرانه نمایند و در بسیط غبرا منتشر گردند و بفرمودهٔ جمال قدم "قدم انقطاع بر کلّ من فی الأرضین و السّموات گذارند و آستین تقدیس بر کلّ ما خلق من المآء و الطّین برافشانند" و با قلبی فارغ و روحی خفیف و دلی افروخته و عزمی ثابت و قدمی راسخ در اتّساع دائرهٔ امر اللّه و انتشار نفحات اللّه و استحکام اساس شریعة اللّه و ارتفاع صیت دین اللّه و ازدیاد عدد پیروان مذهب اللّه لیلاً و نهاراً همّت بگمارند نعره‌زنان و یابهآءالأبهی گویان بسوی اقالیم غیر مفتوحه و مراکز جدید التّأسیس بشتابند و بتأسیس مراکز منفرده که بمنزلهٔ نقاطند متوکّلاً علی اللّه مبادرت نمایند و این مراکز منفرده را بأسرع ما یمکن در نتیجهٔ تبلیغ و هدایت نفوس قولاً و عملاً بجماعات که بمنزلهٔ حروفاتند مبدّل نمایند و جماعات را متعاقباً بمحافل محلّیّه که بمثابهٔ کلمات تامّاتند تبدیل دهند و در ازدیاد این محافل روحانیّهٔ محلّیّه در ممالک مختلفه متمادیاً همّت بگمارند تا وسائل انعقاد انجمنهای شور روحانی متدرّجاً بکمال متانت فراهم گردد و محافل ملّی روحانی که بمنزلهٔ آیات بیّناتند تشکیل گردد و ارکان دیوان عدل الهی مرتّباً منصوب شود و بر این ارکان قبّهٔ بنیان الهی که بیت عدل اعظم و بمثابهٔ کتاب مبین است مرتفع گردد و مؤسّسات نظم بدیع الهی باین تاج مفخرت عظمی متوّج گردد و در دامنهٔ کرم الهی جبل الرّبّ در مقرّ معیّن استقرار یابد

ملاحظه نمائید قلم اعلی چه بشارات عظیمه‌ئی در الواح داده و چه وعده‌های صریحه‌ئی از قلم محتوم اعلایش نازل فرموده در سورهٔ هیکل این کلمات درّیّات مسطور

"سوف یخرج اللّه من اکمام القدرة ایادی القوّة و الغلبة و ینصرنّ الغلام و یطهّرنّ الأرض من دنس کلّ مشرک مردود و یقومنّ علی الأمر و یفتحنّ البلاد باسمی المقتدر القیّوم و یدخلنّ خلال الدّیار و یأخذ رعبهم کلّ العباد هذا من بطش اللّه انّ بطشه شدید"

و همچنین در این سورهٔ مبارکه این آیات باهرات مدوّن "سوف یبعث اللّه بک ایادی غالبة و اعضاد قاهرة یخرجنّ عن خلف الأستار و ینصرنّ نفس الرّحمن بین الامکان و یصیحنّ بصیحة تتمیّز منها الصّدور کذلک رقم فی لوح مسطور و یظهرنّ بسطوة یأخذ الخوف سکّان الأرض علی شأن کلّهم یضطربون"

و ایضاً میفرماید "فسوف یرتفع النّدآء فی کلّ مدینة و تجد النّاس خائفین وجلین من سطوة الأمر و کذلک کان الأمر فی الألواح مقضیّاً" و ایضاً میفرماید "عنقریب از جمیع اقطار عالم ندای بلی بلی و لبّیک لبّیک مرتفع خواهد شد چه که مفرّی از برای احدی نبوده و نیست " و ایضاً میفرماید "سوف یظهر اللّه من هذا الأفق نوراً و قدرةً و بهما تظلم الشّمس و تمحو آثار من استکبر علی اللّه و تستضیء وجوه المخلصین و سوف تحیط انوار وجه ربّک من علی الأرض انّه علی کلّ شیء قدیر" و ایضاً میفرماید "سوف ترون الکلّ مقبلین الی اللّه و باکین علی ما فات عنهم فی ایّامه انّه لهو المبیّن العلیم"

و ایضاً میفرماید "سوف یرون المشرکون رایات النّصر و یسمعون اسم اللّه من کلّ الجهات یومئذ یقولون انّا آمنّا باللّه قل اللّه اعلم بما فی صدور العالمین" و ایضاً میفرماید "سوف یرون الموحّدون اعلام الظّهور فی کلّ الأشطار" و ایضاً میفرماید "قسم بکتاب اعظم که امر اللّه احاطه نماید و جمیع ارض را اخذ کند"

و همچنین از قلم میثاق مؤیّداً لما صدر من القلم الأعلی این کلمات درّیّات صادر "لا تیأسوا من روح اللّه سینکشف القناع باذن اللّه عن وجه الأمر و یسطع هذا الشّعاع فی آفاق البلاد و تعلو معالم التّوحید و تخفق اعلام آیات ربّکم المجید علی الصّرح المشید" و ایضاً میفرماید "عنقریب نور توحید آفاق شرق و غرب را چنان نورانی فرماید که مجال انکار بجهت احدی نماند"

ای برادران و خواهران روحانی حال وقت قیام است و یوم خروج و هجوم و خروش و زمان زمان مهاجرت و مجاهدت و نشر انوار هدایت و جنگ و ستیز با ظلمات ضلالت ایّام در گذر است فرصت را باید غنیمت شمرد والّا یا حسرةً علینا علی ما

فرّطنا فی جنب اللّه

الوحآء الوحآء یا معشر المؤمنین و المؤمنات العجل العجل یا عباد اللّه و امائه فی المدن و الدّیار قوموا علی النّصر بکلّیّتکم و دعوا الدّنیا و زخرفها عن ورائکم و اترکوا اوطانکم و اوکارکم و ذوی قرابتکم و شدّوا ظهرکم و بلّغوا النّاس ما بلّغکم ربّکم و بارئکم و بشّروهم بما وعدکم مقصودکم و محبوبکم فواللّه الّذی لا اله الّا هو بقیامکم عن مقاعدکم تهطل شآبیب فیض مولاکم و موجدکم و بمهاجرتکم اوطانکم تظهر خفیّات امر معبودکم و مسجودکم و باستقامتکم یتزعزع بنیان اعدائکم و خصمائکم و بانقطاعکم تندکّ جبال اوهام رؤسائکم ان ثبّتّم اقدامکم علی هذا الصّراط فوعزّة ربّکم و جلاله و عظمته و علائه روح القدس ینفث فی فمکم و روح الأمین یلهمکم فی قلوبکم و روح الأعظم یحیط بکم عن یمینکم و یساارکم و خلفکم و قدّامکم ان استبقوا فی خدمة امر ربّکم هذا خیر لکم عمّا تطلع الشّمس علیها ان انتم بأمره موقنون و هذا خیر النّصح منّی علیکم ان انتم تقبلون و التّحیّة علیکم و علیکنّ اجمعین

نوروز ۱۱۱

توقیع مبارک نوروز ۱۱۳ بدیع

مستخرجاتی از توقیع منیع مبارک حضرت ولیّ‌امراللّه

یا معشر المؤمنین و المؤمنات احیّیکم من هذه البقعة الاحدیّة المبارکة المقدّسة المطهّرة النّورآء بقلب خافق بمحبّتکم و فؤاد منجذب بنفحات ذکرکم و لسان ناطق بثنائکم و محامدکم و عین دامعة لضرّکم و اضطهادکم و روحٍ مهتزّ ببشاراتکم و عظیم ولائکم و ولهکم و اشتعالکم و صبرکم و اصطبارکم و ثباتکم و استقامتکم و خدماتکم و مجهوداتکم و فتوحاتکم تکریماً لاسمه الاعزّ العزیز و اجلالاً لظهوره الامنع المنیع و اعزازاً لمیثاقه الأمتن المتین و تعظیماً لشعائر دینه الاقوم القویم واثباتاً لاصول نظمه الأبدع البدیع و امداداً لجهاده الأکبر الکبیر و کشفاً لأسرار شرعه الأمجد المجید و تمهیداً لاعلان أمره الأوعر الافخم الأنور الأقدس المبرم الخطیر

صلوات اللّه و الطافه و عزّه و بهآئه علیکم یا احبّاء اللّه و امآئه و خیرة خلقه و رعاة اغنامه و مشاعل حبّه و مصابیح هدایته و امنآء أمره طوبی لکم الف طوبی لکم یا عزّاً لکم و یا روحاً لکم بما اجبتم ندائه و وفیتم بمیثاقه و ثبّتّم اقدامکم علی صراطه و اعتصمتم بحبله و حملتم الشّدائد فی سبیله و ترکتم اوکارکم و هجرتم اوطانکم تنفیذاً لأمره و افترقتم من اقاربکم و فدیتم راحتکم طلباً لمرضاته و دعوتم النّاس فی مشارق الارض و مغاربها لاستظلال فی ظلّه و اقتدیتم بالّذین سبقوکم من آبائکم و اجدادکم فی هدایة خلقه و تبلیغ رسالته و الانقطاع عن کلّ ما سواه و التّرنّح من صهبآء الشّهادة حبّاً لجماله و بذلتم ما وهبکم ربّکم لاعزاز دینه و ترویج مبآدئه و کشف اسراره و تعمیم تعالیمه و استحکام دعائم نظمه و اثبات استقلال شریعته و اشتهار صیت امره الأعظم العظیم

تاللّه تنظرکم فی هذا الحین عیون اهل ملإ الأعلی و تستبرکنّ بأنفاسکم سکّان رفرف البقآء و یشیرنّ الیکم اهل سرادق الأبهی و تتهلّل لنصرکم و ظفرکم وجوه حوریّات القدس فی الجنّة العلیا و تسبّح ملائکة الأمر حول حرم الکبریآء و یمجّدکم فی مقابلة العرش سیّدکم و محبوبکم مرکز عهد اللّه الأمتن الاسمی و ییارککم ربّکم و مولاکم النّقطة الأولی مبشّر امره الأسنی سلطان الرّسل قرّة عین الأنبیآء و یخاطبکم لسان العظمة فی بحبوحة الفردوس جمال اللّه البهیّ الأبهی مبعث الرّسل بارئکم و موجدکم بأن یا احبّائی و حفظة امانتی و هداة خلقی طوبی لکم بشری لکم مرحی بکم من هذه المنحة العظمی انتم النّاصرون لأمری انتم الشّاربون من رحیق حبّی انتم اعلام نصرتی فی مملکتی انتم المختارون فی ملکوتی انتم المتّکئون علی وسادة عزّی طوبی لمن تأسّی بکم و سلک فی منهاجکم تاللّه یؤیّده روح الأعظم کما ایّدناکم من قبل و من بعد ان استقیموا علی هذا الصّراط ایّاکم ایّاکم ان تخوّفکم جنود الجبابرة و سطوة الفراعنة ایّاکم ایّاکم ان تمنعکم عن ادآء رسالات ربّکم و مولاکم و محبوبکم دولة هاتک او لومة لائم او صولة ظالم او شوکة فاتک سوف یدمدم علیهم العذاب کما دمدم علی الّذین کانوا من قبلهم و انّ هذا لوعد غیر مکذوب ...

ای یاران ارجمند دریغ و افسوس که در کشور مقدّس ایران موطن اصلی جمال موعود مهد آئین ربّ ودود جمهور سکّانش از شعشعات انوار این امر عظیم تا بحال پس از تجاوز از صد سال مهلت غافل و ذاهل در سبات عمیقند و بکابوس ثقیل گرفتار و بر اصنام اوهام عاکف قلوبشان از نفحاتش محروم و ابصارشان مرمود و اسیر قیود در بعد ابعدند بل معترض و مخالف و در اطفاء سراج وهّاج امر ذو الجلال ساعی و جاهد تراهم فی وادی الأوهام هائمین و فی خوضهم لاعبین ...

این است که از قلم اعلی این کلمات درّیّات و این شهادت عظمی نازل قوله جلّت عظمته

"قسم بآفتاب حقیقت که اگر آن حضرت در مملکت دیگر ظاهر میشد البتّه مقامش مرتفع و امرش ظاهر و نورش باهر و کلمه‌اش محیط می‌گشت"

و از قلم میثاق مؤیّداً لما صدر من القلم الأعلی این شهادت اتمّ اوفی نازل "این کوکب روشن اگر از مطلع انجمن اوروپ طالع شده بود حال ملاحظه میفرمودی که چه شور و ولهی بود و چه ولوله و طربی" و ایضاً میفرماید "شمس حقیقت اگر در سائر اقالیم اشراق نموده بود تا بحال اشعّه‌اش جهانگیر گشته بود زیرا اهل آن اقلیم قدر این فضل عظیم را میدانستند ولو مؤمن نبودند مسرور بودند" ...

ای هموطنان جمال قدم و اسم اعظم روحی لضرّکم الفدآء سلطان قدم مسلّی اعظم میفرماید قوله ما احلی بیانه و ما ابهی عزّه و ذکره "یا حمامة الوفآء خاطبی الضعفآء انّه اذا وجدتم الضّرّآء اشتدّت و البأسآء امتدّت و الأرض ارتجفت و الجبال ارتعدت و زوابع الشّدائد احاطت و بحور البلایا فاحت و ارياح الرّزایا هاجت و طوفان الامتحان احاط الامکان علیکم بالصّبر الجمیل فی سبیل ربّکم الجلیل" "قل یا حزب اللّه ایّاکم ان تخوّفکم قدرة العالم او تضعفکم قوّة الأمم او یمنعکم ضوضآء اهل الجدال او تحزنکم مظاهر الجلال کونوا کالجبال فی امر ربّکم المقتدر العزیز المختار" "قل ایّاکم ان تضعفکم اقویآء الأرض او تخوّفکم امرآء البلاد توکّلوا علی اللّه و فوّضوا الأمور الیه انّه ینصرکم بالحقّ و هو المقتدر علی ما یشآء و فی قبضته زمام الاقتدار" "ایّاکم ان تحزنکم سطوة الظّالمین و ظلم المعتدین" "لا تحزنکم کثرة الأعداء سوف یجعلهم اللّه هبآءً و لا تسمع ضوضائهم الّا کطنین الذّباب انّه کان بکلّ شیء علیما"

قسم باسم اعظم که این بلای ادهم را رخائی عظیم از عقب چنانچه صریحاً میفرماید "عنقریب معرضین نادم و خاسر مشاهده شوند و مقبلین بکمال عزّ و تمکین هذا حتم عند ربّک" و ایضاً میفرماید "اگر در این ایّام مشهود و عالم موجود فی‌الجمله بر خلاف رضا از جبروت قضا واقع شود دلتنگ مشوید که ایّام خوش رحمانی آید و عالمهای قدس روحانی جلوه نماید و شما را در جمیع آن ایّام و عوالم قسمتی مقدّر و عیشی معیّن و رزقی مقرّر است البتّه بجمیع آنها رسیده فائز گردید" ید غیبی در کار است و محتسب حقیقی ناظر و مراقب و بیدار ارياح عدلیّه بارادهٔ ازلیّهٔ نافذهٔ مولی البریّة در میقات معلوم مرور نماید و این ظلمهای وارده بفرمودهٔ مظهر احدیّه تدارک عدل اعظم مینماید و این انقلاب و هیجان بنفسه مقدّمهٔ نجات و استخلاص آن ستمدیدگان و شیفتگان روی جمال رحمن از قیود صد سالهٔ امر یزدان در آن سامان است و منتهی بحلول عصر جدید و ورود جامعهٔ پیروان امر ربّ مجید بمرحلهٔ ثالث که مرحلهٔ انفصال آئین بدیع و منیع از شرع منسوخ و عتیق است خواهد گشت تمهیداً لرفع علم استقلال دینه الأعزّ الأشرف الأفخم العظیم کلمات درّیّات را که در این مقام از قلم اعلای محیی الأنام صادر بیاد آورید قوله الأحلی "لعمر اللّه مظلومیّت بسیار محبوب است ... ایّام غلبهٔ ظاهره خواهد آمد ولکن این لذّت را نخواهد داشت و اگر درست ملاحظه کنی عظمت امر را با حالت مذکوره مشاهده نمائی "

ای یاران رشید پروفا چه قدر شکرانه لازم و چه قدر حمد و ثنا سزاوار که در حمل این ثقل اعظم و تحمّل این بلاء ادهم آن یاران مکرّم تأسّی بجمال قدم و مبشّر اسم اعظم و غصن فرید آن منجی عالم و سیّد امم و محیی رمم نموده وقت آن است که این بلایا و رزایای لاتعدّ و لاتحصی را بخاطر آورید و در شدّت و حدّت و امتداد و اتّساع و تنوّع بلیّات و صدمات واردهٔ بر مظلوم عالم و بشارت دهندهٔ امر مبرم و غصن افخم اعظم تفکّر و تمعّن نمائید در این مقام این کلمات و عبارات حزن‌انگیز از قلم اعلی جاری تعالت عظمته "قسم بآفتاب معانی که از ظلم این ظالمان قامتم خم شده و مویم سفید گشته البتّه اگر بین یدیّ العرش حاضر شوی جمال قدم را نمی‌شناسی چه که طراوتش از ظلم مشرکین تبدیل شده و نضارتش تمام شده تاللّه قلب و فؤآد و حشا جمیع آب شده ولکن بقوّة اللّه بین عباد حرکت می‌نمائیم" "تاللّه یا اعرابی لو تنظروننی لن تعرفونی و قد ابیضّ مسک السّود من تتابع البلایا و ظهرت الف الأمر علی هیئة الدّال من توالی القضایا ثمّ اصفرّ هذا الوجه المحمّر المنیر"

"تاللّه قد ابتلی طیر القدس تحت الظّلم بین طیور البغضآء منهم من یضربه بمنقاره و منهم بمیسره و منهم بمخلبه و منهم باظفاره کذلک کان البلآء من سحاب الغلّ علی هیکل الطّیر مرشوحاً" "و کان قدّامی ثعبان القهر و فتح فمها لیبلعنی و عن ورائی غضنفر الغضب و یرید ان یشقّنی و عن فوقی یا محبوبی سحاب القضآء و یمطر علیّ امطار البلآء و عن تحتی نصبت رماح الشّقا لیجرح اعضائی و بدنی" "لعمر اللّه اگر قلم اعلی از این حین الی الیوم الّذی لا آخر له خود را بخطاب یا مظلوم مخاطب سازد حقّ دارد ظلم از هر قسمی و هر شأنی از آن از قبل و بعد بر مشارق نور و مطالع ظهور وارد ولکن بر این مظلوم وارد شده آنچه که شبه نداشته و ندارد" "قسم بآفتاب افق محبوب که نقطهٔ اوّلیّه در ایّام خود بحزنم محزون بوده و بر بلایم گریسته" "در کلّ حین در دست شمر کین و خولی بی‌دین و شدّاد عناد و نمرود مردود و فرعون ملعون و یهود عنود و بوجهل حسد و قابیل بغضا مبتلا بوده و هستم" "تاللّه قد احاطنی حزن لن تر عین الابداع شبهه ... و انّک لو ترید ان تعرف اسرار الأمر فاخرج عن المدینة الّتی کنت فیها ثمّ ادخل فی العرآء ثمّ اسکن فی نفسک ثمّ اصمت عن کلّ الأذکار ثمّ توجّه بقلبک اذاً تسمع ضجیج الاشیآء و صریخهم فی حزنی و کذلک نلقی علیک فی سرّ الاشارات جواهر الأسرار لعلّ تطّلع بما لا اطّلع به احد من الخلق" "فواللّه لو یطّلع احد علی ما ورد علیّ لیسکن فی العرآء و یفرّ عن المعاشرین و لن یستأنس باحد و لن یأ کل من شیء الی ان یفدی نفسه فی حبّه هذا الجمال المنیر و کلّما ورد علیّ فی الظّاهر لیس عندی شیء حتّی اذکره لکم یا معشر المحبّین بل بما ورد علیّ فی الباطن و هذا ما لا یقوم معه اهل السّموات و لن یحمله کلّ من فی الملک اجمعین تاللّه لن اقدر ان اذکر حرفاً منه و لو اذکر حرفاً منه لتنفطر عنه السّموات و الأرضین" "لو تجعل الفاً من البحر مداداً لمصائبی تاللّه لتنفد و لن ینفد ذکر مصائبی الّتی کانت عن افق القضآء مشهوداً و انّک ان ترید ان تعرف اثراً منها فاستنشق الهوآء ثمّ کلّ شیء ان وجدت رائحة الدّم اذاً فکّر فیما ورد علی جمال القدم من سهام هؤلآء الّذین کفروا باللّه و آیاته بعد الّذی خلق بقوله انفسهم و کلّ من فی الملک مجموعاً" "حال ملیک غیب و شهود بر جمیع مشهود و بشأنی ضرّ بر وجود مبارکش وارد شده که اگر جمیع بحور غیب و شهود مداد شوند و کلّ من فی الملک اقلام و جمیع من فی السّموات و الارض راقم البتّه از ذکرش عاجز شوند" "و فی کلّ یوم ما کان غذآئه الّا من قطعات کبده و شرابه من قطرات دمه" "قسم بخورشید سمآء توحید که اگر خورشید سمآء ظاهره بر حزن جمال احدیّه مطّلع شود ابداً از افق خود طالع نشود و قمیص نور و ضیا از خود بیندازد" "ای امةاللّه هنگامی که در بساط آسایش جالس شوی بذکر این مسجون مشغول شو و اگر غریبی مشاهده نمائی از غربت و کربت این غلام روحانی ذکر نما قسم بنقطهٔ وجود که بلایائی وارد شده که ذرّهٔ آنرا آسمان و زمین و جبال حمل نتواند نمود ذکر مصائب غلام مستور به و انّه بکلّ شیء علیم" "یا عین ابکی لضرّی و ابتلائی و یا قلب ضجّ بما ورد علی نفسی قسم بذکر اعظم که بلائی بر این عبد وارد شده که مظلومان عالم از اوّل دنیا الی حین بر مظلومیّتم نوحه می‌نمایند" "یا لیت کنت فانیاً و ما ولدتنی امّی و ما سمعت ما ورد علیه من الّذینهم عبدوا الأسمآء و قتلوا منزلها و خالقها" "فآه آه لیس لی من اّم لتبکی علی حالی و لا لی من اخت لتعزّی رأسها فی عزائی و مصیباتی و لا عندی من مؤنس لیؤانسنی فی بلائی او یرافقنی فی ابتلائی" "فآه آه فوالّذی قد استکفّ ورقآء المحزون فی صدر البهآء لنسیت کلّما شهدت من اوّل یوم الّذی شربت لبن المصفّی من ثدی امّی الی حینئذ بما اکتسبت ایدی النّاس و کان اللّه یعلم کلّ ما کان النّاس هم لا یعلمون" و در قصیدهٔ ورقائیّه از قلم مظلوم عالم نازل

"فطوفان نوح عند نوحی کأدمعی

و ایقاد نیران الخلیل کلوعتی

و حزنی ما یعقوب بثّ اقلّـه

و کلّ بلا ایّوب بعض بلیّتـی"

و از قلم میثاق در ذکر بلایای وارده این کلمات حزن‌انگیز صادر "الهی تری وحدتی و غربتی و کربتی و تشاهد نحول جسمی و ذهول نفسی و خسوف بدری و کسوف شمسی و ضعف ارکانی و تزلزل اعضائی و تزعزع وجودی و تضییق صدری و خفقان قلبی و زهاق روحی و عدم شروحی و شدّة بلائی فی سبیلک و کثرة ابتلائی فی محبّتک ای ربّ استأصلت الزّوابع دوحتی النّاشئة و اقلعت الزّلازل ارومتی النّابتة و اخذتنی اعاصیر البلوی و اهلکتنی شدائد البأسآء و الضّرّآء" "یا محبوبی ... انحنی ظهری و ابیضّ شعری و ذاب لحمی و بلی عظمی و تقطّعت کبدی و احترق قلبی و اتّقدت نار الأسی بین اضالعی و احشائی" "ترانی هدفاً لکّل سهام و غرضاً لکل نصال و خائضاً فی غمار البلآء و غریقاً فی بحار المصائب و الأرزآء ... ارفعنی الیک لأنّ الأرض ضاقت علیّ و الحیاة مریرة لدیّ و الآلام تتموّج کالبحور و الأحزان تهجم هجوم الطّیور علی الحبّ المنثور فنهاری من آلامی لیل بهیم و صباحی مسآء مظلم بهموم عظیم و عذبی عذاب و شرابی سراب و غذائی علقم و فراشی اشواک و حیاتی حسرات و میاهی عبرات و اوقاتی سکرات و بعزّتک لقد ذهلت عن کلّ شیء و لا اکاد افرّق بین لیلی و نهاری و غداتی و عشائی و سهری و رقادی بما اشتدّت الأرزآء و عظم لی البلآء و عرض دآء لیس له دوآء"

ای عاشقان جمال ابهی قدر این موهبت کبری را بدانید که در این بلایا و رزایا بشرف مساهمت با مظلوم عالم و مرکز میثاق محیی رمم مشرّف و نائل گشته‌اید و قطره‌ئی از این علقم بلا را چشیده‌اید و این تاج افتخار را بر سر نهاده‌اید در ذکر مصائب وارده بر متقدّمین در آن سرزمین از قلم اعلی نازل قوله عظم سلطانه "مصائب و بلایای شما بمثابهٔ کنوز است و در خزائن امانت الهی محفوظ و مصون" و ایضاً میفرماید "ونفسه الحقّ سوف یزیّن اللّه دیباج کتاب الوجود بذکر احبّآئه الّذین حملوا الرّزایا فی سبیله" "فواللّه لو کان للدّنیا و ما فیها قدر عند اللّه علی قدر بعوضة لن تصل الذّلّة فیها علی احد من المؤمنین" "فاعلموا بانّ البلایا و المحن لم یزل کانت موکّلة لأصفیآء اللّه و احبّائه ثمّ لعباده المنقطعین" نفس این بلایا و رزایا را جمال ابهی و غصن اعظمش در الواح شتّی طالب و آمل و وقوع و حدوثش را حامد و شاکر در این مقام از قلم اعلی نازل قوله تبارک ذکره "فاعلم ثمّ ایقن انّا فی اوّل یوم فیه ارتفع صریر القلم الأعلی بین الأرض و السّمآء انفقنا ارواحنا و اجسادنا و ابنائنا و اموالنا فی سبیل اللّه العلیّ العظیم و نفتخر بذلک بین اهل الانشآء و الملإ الأعلی یشهد بذلک ما ورد علینا فی هذا الصّراط المستقیم" "لعمری لو اذکر حلاوة بلایا الّتی اکون فیها لتنفد الألواح و تنصعق الاقلام و ربّک علی ما اقول علیم" "لعمری احبّ البلآء فی سبیل اللّه موجد الأشیآء کما یحبّون النّاس ابصارهم بل ازید و یشهد بذلک ربّک العزیز المختار" "لعمری انّ السّجن بیتی و هو ابهی من کلّ البیوت ان انتم من العارفین ولو انّ یدی قد فتحت باب السّجن ولکن قلبی یحبّ ان یکون فیه انّ ربّک لهو المبّین الحکیم" "قل انّ البئر بیتی و السّجن قصری و البلآء اکلیل البهآء ان اعرفوا یا اولی الأبصار من افق الذّلّة اشرقت شمس اسمی العزیز" "قد جعل اللّه البلآء اکلیلاً لرأس البهآء سوف تستضیء منه الآفاق" "قد تزیّن رأس البهآء باکلیل البلآء کذلک قضی الأمر فی لوح کان بخاتم اللّه مختوماً" "طوبی لحین الّذی فیه یفدی الغلام فی سبیل اللّه الملک العدل الحکیم و طوبی لآن فیه یسفک دم الغلام حبّاً لمحبوب العالمین فیا حبّذا لساعة کان الغلام فیها مطروحاً علی التّراب بین یدی اللّه مقصود العارفین فومحبوبی الحقّ ارید ان افدی فی سبیله بدلاً عن کلّ العالمین لو انتم من العالمین عزیز علیّ بأن یقتل احد فی سبیل اللّه و انا باقی فی الأرض و بذلک یحزن قلبی و یکدّر عیشی لو انتم من الموقنین" و کذلک از قلم میثاق نازل "

بالبلآء استضآء وجه البهآء و بالبأسآء و الضّرّآء تبسّم ثغر کلّ عبد للبهآء" "یا امةاللّه اذا احببت دعآء فی حقّ عبدالبهآء تذلّلی الی الملکوت الأعلی و ابتهلی و قولی ربّ ربّ زد فی بلآء عبدالبهآء فی سبیلک و املأ له کأس المصائب و الرّزایا و امطر علیه سحاب الامتحانات و زیّن عنقه بالسّلاسل و الأغلال فی السّجون و القلاع فی محبّتک و اجعل دمه مسفوکاً فی سبیلک و ارزقه الجلوس علی سریر الصّلیب بموهبتک حتّی تأخذه نشوة صهبآء الفدآء و یطیر بها الی جوار رحمتک الکبری فی ملکوتک الأعلی هذا هو الدّعآء فی حقّ عبدالبهآء لأنّ هذه غایته القصوی و منیته الکبری و موهبته العظمی الّتی یتمنّاها فی کلّ

حین" "یا امةاللّه لا تحزنی و لا تتکدّری من البلایا الّتی احاطتنی لأنّی استبشر بها و افرح بها لأنّها نزلت و تنزل علیّ فی سبیل اللّه و اعلمی انّنی ولدت فی البلآء و رضعت من ثدی البلآء و نشئت فی البلآء و بلغت فی البلآء و شببت فی البلآء و شبت فی البلآء فما احلی البلاء فی سبیل اللّه و ما اشهی نعمة البلآء فی حبّ اللّه و ما اعذب کأس البلآء فی محفل التّجلّی عند مشاهدة نور الکبریآء لیت النّجوم سهام و صدری هدف لها فی سبیل اللّه و لا اتمنّی الّا ان اعلّق فی الهوآء و یرشّ الف رصَاص علی صدری فی محبّة البهآء او تقطع جسمی ارباً ارباً او یرموننی فی قعر البحار او یجرعونی کأساً من سمّ الهلاک فی محبّة الجمال الأبهی هذا منتهی آمالی و غایة مقصدی و اعظم مطلبی و منتهی رجائی"

ای متمسّکین بعروهٔ وثقی الّتی لا انفصام لها این فتنه و آشوب و انقلاب اخیر که در موطن مقدّس مولای علیم و خبیر بغتةً احداث گشت بشهادت کلّ از آشنا و بیگانه و یار و اغیار باعث اشتهار و ارتفاع صیت آئین کردگار در کلّ اشطار گردید این هجوم عنیف از طرف عصبهٔ مغروره فئهٔ خادعین و مکفّرین و مبطلین بر شعائر و مقدّسات این امر نازنین و یگانه ملجأ و منجی اهل زمین و ضوضا و غوغای باغین و طاغین نفوس واهیهٔ سافلهٔ لاهیهٔ ساهیه بمثابهٔ صور اعظم و نفخهٔ اکبر و نقرهٔ افخم صیت امر اکمل و اتمّ را در خافقین مرتفع ساخت و ولولهاش در بسیط خاک رنّهئی حیرت‌انگیز بینداخت و صیت امر اللّه را دفعةً واحدةً بمقاماتی رساند و جلب انظار نفوسی را نمود که تا بحال حرفی از این ظهور اعظم نشنیده و ادنی اطّلاعی از تصرّفات و فتوحاتش در عالم نداشته اهل بها کثلّة واحدة من‌دون تأمّل و تردّد و بعزمی متین بکمال همّت و جدّیّت و با قلبی مملوّ از تأثّر و تأسّف و محبّت و شفقت متوکّلین علی اللّه النّاظر الشّاهد القاهر المقتدر القدیر بر دفاع و معاضدت و معاونت و مساعدت ستمدیدگان برادران و خواهران روحانی خویش در آن اقلیم پربلا موطن اصلی جمال ابهی قیام نمودند قیام استفرحت منه قلوب اهل ملإ الأعلی و در اعلان مقاصد اصلیّهٔ پیروان این امر اعزّ اسنی و تظلّم نزد رؤسا و امرا و وزرا و وکلا و احتجاج شدید بر روات کذب و افترا و تبیین و تشریح مبادئ سامیهٔ جامعه راجع به عقائد اصلیّهٔ دینیّه مروّجان امر حضرت ربّ البریّة و اقرار و اعتراف بحقّیّت و رسالت شارع شریعت اسلامیّه و توجّه اهل بها بامور روحانیّه و تمسّک آنان بحبل المتین تعالیم سماویّه و عدم مداخله در امور سیاسیّه و تجنّب از احزاب و فرق مختلفهٔ متنازعه و اثبات اصالت و استقلال و عمومیّت شریعت بدیعهٔ الهیّه و انقیاد تامّ و اطاعت احکام و مقرّرات حکومات متبوعهٔ خویش در ممالک متفرّقهٔ متعدّده همّت بلیغ بگماشتند ...

ایّها المقتبسون من نور الهدی این انقلاب اخیر در موطن اصلی امر ربّ قدیر از جهتی علّت اشتهار آئین الهی و انتشار صیتش در کلّ اقطار گشت و از جهتی دیگر اساسش را در قلوب پیروانش در کلّ اشطار تقویت نمود و مستحکم ساخت جمعی از کوته‌نظران در بدو این ضوضا و غوغا چنین تصوّر نمودند و بخود وعده دادند که این مقاومت و مهاجمت و اشتداد زجر و عقوبت و تندباد غضب و حدّت و بطش و صولت و سطوت ارباب مکابرت و انذارات و تخویفات خصم الدّ امر حضرت احدیّت و سیل افترا و تهمت عنقریب ریشهٔ شجرهٔ مثمرهٔ مرفوعهٔ لاشرقیّه و لاغربیّه را در موطن و منبت اصلیّه‌اش دفعةً واحدة قلع و قمع نماید و سراج وهّاج را کاملاً خاموش نماید و جمعی از عشّاق جمال ابهی و پروردهٔ ید عنایت حضرت عبدالبهآء را در ممالک و دیار پریشان و مأیوس نماید و از صراط مستقیم منحرف سازد و زلزله بارکان جامعه در کافّهٔ ممالک اندازد و شعلهٔ نار محبّت اللّه را در افئدهٔ صافیهٔ مؤمنین و مؤمنات و موقنین و موقنات بیفسرد و شمل یاران راستان را متشتّت نماید و رخنه در صفوف جنود مجنّده احداث کند و علّت انشقاق و انشعاب و تفرقه و اضمحلال و انقراض گردد

هیهات هیهات "بئس ما ظنّوا و سآء ما حکموا ذرهم یخوضوا او یلعبوا و یمرحوا و یرتعوا حتّی یقضی اللّه امراً کان مفعولاً" اشعال نار ظلم و اعتساف و تتابع محن و بلایا و اشتداد رزایا ادنی خللی در وحدت جمع اهل بها و فتوری در عزم متمسّکین بعروهٔ وثقی احداث ننمود بلکه علّت انتباه نفوس و باعث تقویت بنیهٔ امر اللّه گردید و روح جدیدی در کالبد مروّجین دین اللّه و مهاجرین و مجاهدین فی سبیل اللّه و ناشرین نفحات اللّه و ایادی و امنای امر اللّه و مؤسّسین شریعت اللّه و حامیان

حصن اللّه و راکبین سفینة اللّه بدمید عباد اللّه و اماء اللّه فی مشارق الأرض و مغاربها چون سدّ متین مقاومت سیل ترّهات و اباطیل و اراجیف و اکاذیب اولو الطّغیان را نمودند و بکمال جدّ و جهد بقلوب مطمئنّه و اقدام راسخه و ارواح منجذبه و افئدهٔ مشتعله در هدایت نفوس غافله و انتشار روائح مسکیّه و ندای بملکوت سلطان احدیّه و تکذیب اقاویل و اباطیل و نفی اعتراضات جدید و قدیم دشمنان امر ربّ البریّة و کشف اسرار و رموز شریعت سماویّه و اثبات مقاصد اصلیّهٔ روحانیّه و رفع شبهات و توهّمات نفوس محتجبه و اتّساع نطاق جامعهٔ بهائیّه و تشتّت در ممالک و جزائر بعیده و فتح اقالیم غیر مفتوحه و تنفیذ نقشهٔ بدیعهٔ دهساله بیش از پیش همّت بگماشتند لیثبت ما صدر من القلم الأعلی فی الواح شتّی قوله الأحلی "بالبلآء علا امره و سنا ذکره" "قل البلایا دهن لهذا المصباح و بها یزداد نوره ان کنتم من العارفین" "بلائی عنایتی ظاهره نار و نقمة و باطنه نور و رحمة" "بالبلآء ربّینا الأمر فی القرون الماضیة سوف تجد الأمر مشرقاً من افق العظمة بقدرة و سلطان" "قل انّ البلآء مآء لما زرعناه فی الصّدور سوف تنبت منه سنبلات ینطق کلّ حبّة منها انّه لا اله الّا هو العزیز الحکیم" "قد جعل اللّه البلآء اکلیلاً لرأس البهآء سوف تستضیء منه الآفاق" "قل انّ القضآء مؤیّد لهذا الأمر و البلآء معین لهذا الظّهور" "انّا لم تزل ارتفعنا سدرات الأمر بمآء الاعراض و الدّم ان انتم من العالمین" "قل انّ الاعراض من کلّ معرض مناد لهذا الأمر و به انتشر امر اللّه و ظهوره بین العالمین" "قد جعل اللّه البلآء غادیةً لهذه الدّسکرة الخضرآء و ذبالةً لمصباحه الّذی به اشرقت الأرض و السّمآء " " بظلمهم رفعنا الأمر و انتشر ذکر اسم ربّک فی البلاد بمنعهم ظهر الاقبال و بظلمهم طلع نیّر العدل تفکّروا لتعرفوا یا اولی الألباب" "مرّة بأیادی الظّالمین یرفع امره و اخری بأیادی اولیآئه الّذین یرون الغافلون ککفّ تراب و ینطقون بما نطق القلم الأعلی فی الافق الأبهی" "قل تاللّه ترتفع هذه السّدرة بمآء اعراضکم ولکن انتم لا تشعرون فی انفسکم و تکوننّ من الغافلین" "لو یسترون النّور فی البرّ انّه یظهر من قطب البحر و یقول انّی محیی العالمین "...

یاران راستان در این ایّام انقلاب و افتتان باید نظر را باین بیان صریح که از قلم ملهم معجزشیم مولای خبیر و علیم نازل متوجّه سازند و در آنچه اخبار فرموده تمعّن و تفرّس نمانید قوله الأسنی "الیوم قوای رؤسای ادیان بأجمعهم متوجّه تشتیت انجمن رحمن و تفریق و تخریب بنیان حضرت یزدان است و جنود مادّی و ادبی و سیاسی جهان از هر جهت مهاجم چه که امر عظیم است عظیم و عظمت امر در انظار واضح و لائح" و ایضاً میفرماید "امر عظیم است عظیم و مقاومت و مهاجمهٔ جمیع ملل و امم شدید است شدید عنقریب نعرهٔ قبائل افریک و امریک و فریاد فرنگ و تاجیک و نالهٔ هند و امّة چین از دور و نزدیک بلند شود و کلّ بجمیع قوی بمقاومت برخیزند و فارسان میدان الهی بتأییدی از ملکوت ابهی بقوّت ایقان و جند عرفان و سپاه پیمان جند هنالک مهزوم من الأحزاب را ثابت و آشکار کنند" ملاحظه نمائید که بصریح عبارت میفرماید "مقاومت و مهاجمهٔ جمیع ملل و امم شدید است شدید" و شبههٔی نبوده و نیست که مقاومت سیل امر اللّه و هجوم بر مقدّسات دین اللّه از طرف جمهور ناس و زمامداران هر دو در شرق و غرب و جنوب و شمال و همچنین از طرف رؤسای کنائس در دو قارّهٔ اوروپ و امریک و مبشّرین حضرت روح در دو قارّهٔ استرالیا و افریک و اقطاب و رؤسای ادیان عتیقهٔ هند و چین در جنوب شرقی قارّهٔ آسیا و شرق اقصی خواهد بود شور و آشوب اخیر اولو الطّغیان در اقلیم ایران بنفسه مقدّمهٔ حدوث ولولهٔی اعظم و انقلابی اشدّ و هیجانی اکبر در اقالیم سائرهٔ جهان است زیرا میفرماید "کلّ بجمیع قوی بمقاومت برخیزند" و این انقلاب اعظم مقدّمهٔ اعلان امر اللّه در تمام کرهٔ ارض و غلبهٔ جند اللّه و انهزام و انقراض اعدآء اللّه و تنبّه عمومی اهل عالم و اقبال دول و امم و تحقّق بشارت "یدخلون فی دین اللّه افواجاً" خواهد بود ...

نفس این جهاد کبیر اکبر و این قیام و خروج و جوش و خروش و ترک اوطان و تشتّت در ممالک و دیار و نصرت و ظفر در میدان مجاهدت و هدایت جمّ غفیری در ممالک و جزائر متعدّده از اجناس و طبقات و السن و الوان و طوائف مختلفهٔ متنوّعه ممهّد سبیل و وسیلهٔ تسریع این اصطدام حیرت‌انگیز و جنگ و ستیز بین اصحاب یسار و یمین است چنانچه

علامات اوّلیّهٔ اتّساع نطاق این مبارزه در سنین اخیره در قارّهٔ افریک و جزائر بعیدهٔ محیط اعظم در نتیجهٔ مقاومت و تحریکات مبشّرین ظاهر و نمایان گشته و بتدریج در اثر همّت و بسالت و شجاعت و استقامت و اقدامات مستمرّهٔ متزایدهٔ گروه مجاهدین و مهاجرین این مقاومت بسائر طوائف و مذاهب سرایت نماید و رعب الهی را متدرّجاً در قلوب زمامداران اندازد و بر شدّت و حدّت این رزم روحانی و اتّساع دائره معرکه‌اش بیفزاید جمال قدم سلطان الأمم و محیی الرّمم بسپاهیان دلیرش در این انقلاب اعظم کاملاً اطمینان داده و باین بیان اکمل و اتمّ وعدهٔ نصرت داده قوله تکبّر کبریآئه "لعمری لا ینزل علی الاحبّآء الّا ما هو خیر لهم یشهد بذلک قلم اللّه المقتدر العزیز المحبوب" و ایضاً میفرماید "انّه ما قدّر من قلم التّقدیر لأحبّائه الّا ما هو خیر لهم و نسأله بأن یوفّقهم علی الصّبر و الاصطبار لئلّا تمنعهم البلایا عن صراط اللّه العزیز العلیم"...

ایّدکم اللّه یا احبّآء البهآء و ایادی امره و حلفآء حبّه علی ما ترتفع به مقاماتکم و تتهلّل وجوه آبائکم و اجدادکم و تظهر خفیّات امر محبوبکم و مولاکم و تتموّج الویة النّصر فی بلدانکم و اوطانکم و تهتزّ ارواح المقرّبین فی ملکوت ربّکم و بارئکم و تقشعرّ جلود اعدائکم و خصمائکم و تتحقّق آمالکم و اهدافکم فی خدمة امره الأعزّ الأقدس الأبدع البدیع و تنفیذاً لجهاده الأشرف الأرفع الأمنع الأفخم الخطیر و لکم منّی الف تحیّة و ثنآء من هذه البقعة النّورآء زادکم اللّه فی خدمة امره و نصرة دینه شوکةً و اجلالاً و قدرةً و رجالاً

نوروز ۱۱۳

این سند از کتابخانهٔ مراجع بهائی دانلود شده است. شما مجاز هستید از متن آن با توجّه به مقرّرات مندرج در سایت www.bahai.org/fa/legal استفاده نمائید.

آخرین ویراستاری: ۵ مه ۲۰۲۳، ساعت ۵:۰۰ بعد از ظهر